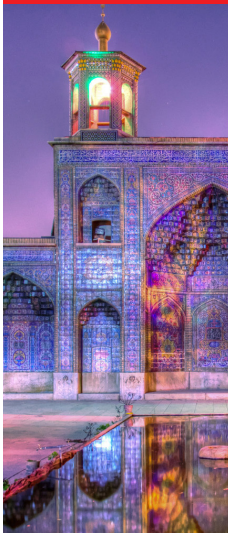


پیشخوان |



یادداشت سردبیر / ۲

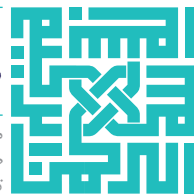
تحلیل ماه

قرطبه، شهری که باشکوه شد / ۴
ویرین‌ها را از نو بچینیم! / ۶
مآذنه‌هایی که سر می‌برند! / ۸
مساجد ضرار در قرن ۲۱ / ۸
مسجد در دیار غربت / ۹

پرونده‌ای برای گفت‌وگو: انقلاب اسلامی

دولت مردم نواز / ۱۲
شاخص‌های دولت اسلامی / ۱۴
مدیریت اسلامی / ۱۶
امامت و امارت / ۲۰

مسجد ۱۸۹



ماهنامه فرهنگی، آموزشی و ترویجی | شماره ۱۸۹ | ذی‌القعدة ۱۴۳۷
صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد
تهیه: معاونت فرهنگی اجتماعی

مدیر مسئول: سعید کرمی | قائم مقام مدیر مسئول و سردبیر: محمد صادق منتظری
دبیر تحریریه: مهدی منتظری | دبیران سرویس | پیشخوان: مهدی رزاقی | مسجد: مهدی منتظری
منبر: یاسر شریعتی | نگاه: حسن علی آبادی | پرونده ماه: محمد رضا نظری
همکاران این شماره: زفریغ الدین اسماعیلی، سحر شهر یاری، محمدرضا جعفری، محمد قنبری
صفحه‌آرایی: رسول محمدی | عکس: امیر حسامی نژاد، داوود وجدی، محمد حسین اسامی
ویراستاران: جعفر مروجی، مهدی کریمی، محسن صابری

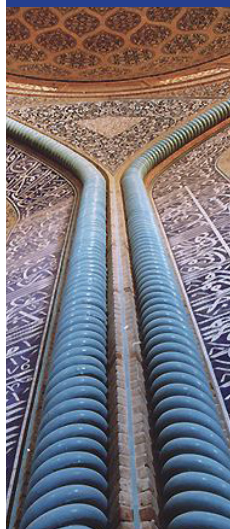
نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان سعدی شمالی، پایین‌تر از بیمارستان امیر اعلم، کوچه شهید صفامنش، پلاک ۱، مجتمع محراب، معاونت فرهنگی اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد
تلفن: ۶۶۳۴۶۹۲۴ | پست الکترونیکی: farhangi@masjed.ir

منبر |



بانوی شهر آفتاب / ۴۰
درجات رضایت از خالق / ۴۲
نگاهی به زیارت‌نامه حضرت معصومه (ع) / ۴۴
منبرهای بین الصلواتین / ۴۵
قفسه‌کتاب / ۴۷
جود و بخشش در خانواده / ۴۸
به‌کارگیری شعر عربی در منبر فارسی / ۵۰
سن بلوغ دختران از منظر فقه / ۵۲
چادر مشکی دلیل قرآنی دارد / ۵۴

مسجد |



مسجد ماه

مسجدی که تا چهل همسایه می‌درخشد / ۲۲
مسجد کار آفرین / ۲۶

بانوان و مسجد

بانوان گنبد فیروزه‌ای / ۲۷
حضور حداکثری و تصمیم‌سازی حداقلی / ۳۰
خانم‌ها از اینجا بر جامعه تاثیر می‌گذارند / ۳۱
از یاد رفته‌ها / ۳۲
یک بانوی فعال مسجدی / ۳۳
مستقیم! مسجد... / ۳۴
حضور بانوان در مسجد / ۳۶
تاریخ گواهی می‌دهد... / ۳۷
ایده‌هایی برای مسجد / ۳۷

پرونده ماه: شبکه‌های اجتماعی |



روحانی و سواد رسانه‌ای / ۶۶
شبکه‌هایی برای نفع / ۶۷
شبکه‌های اجتماعی آداب دارد / ۶۸
خانواده‌های مجازی / ۶۹
اسب تروا تا کجا آمده است؟ / ۷۰
شبکه‌های اجتماعی و تربیت جنسی / ۷۲
شبکه‌های اجتماعی و زنان / ۷۲
آسیب‌های فردی شبکه‌های اجتماعی / ۷۴
قانون هرزه‌نگاری و میز آن کیفر آن / ۷۷
گفتگو با حجت‌الاسلام علیزاده / ۷۸
گفتگو با حجت‌الاسلام محمود کوثری‌نیا / ۷۹
شبکه‌های اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی / ۸۰
فیس بوک درباره ما چه می‌داند / ۸۰

نگاه ... |



موضوع ماه:

نگاهی به کتاب عیون اخبار الرضا (ع)

عیون کتابی برای ترویج فرهنگ دینی / ۵۶
خدا تورا می‌پسندد / ۵۹
عدل قرآن، مبین قرآن / ۶۱
علت و حکمت احکام در عیون / ۶۳

یادداشت سردبیر

که هیچگاه فرد، گروه، حزب و... مسجد را مصادره به مطلوب ننماید.

امنیت تربیتی: انسان‌های بسیاری از دامن مسجد رشد یافته‌اند و به بزرگی رسیده‌اند. صحن و شبستان مسجد عطر جان‌بخش ملکوت می‌دهد. در چنین مکانی تمامی ابزارهای تربیت روحی و ایمانی وجود دارد. محتوای و حیانی، امامت فکری و عاطفی، نمازگزاران مومن و متعبد و ... همه و همه زمینه‌های تربیت فردی و اجتماعی را فراهم می‌آورد. بسیاری از والدین از حضور فرزندان‌شان در مسجد احساس امنیت می‌نمایند و با خیالی آسوده به آینده نور چشمان خود می‌نگرند.

امنیت خانوادگی: مسجد از محدود هسته‌های اجتماعی است که ظرفیت دارد تا همه اعضاء خانواده در آن حضور یابند. مادر، پدر، کودک، جوان، زن و مرد در سنین مختلف با این مکان مأنوس هستند. چنین ظرفیتی را در کدام هسته اجتماعی می‌توان یافت؟ رفع اختلافات زناشویی، کم کردن گسست نسل، مشاوره جهت تربیت فرزندان، استفاده از تجربه دیگران در زندگی خانوادگی و... همگی در مسجد انجام می‌پذیرد.

امنیت فرهنگی: فرهنگ سازی فرایندی زمان‌بر است. ارتباط چهره‌به‌چهره، آموزش، استفاده از رسانه‌ای امن و تأثیرگذار و دهها متغیر دیگر در فرایند فرهنگ‌سازی موثر هستند. در مسجد هر روز کارشناسان دینی با مأمومین خود زندگی می‌کنند. بر خلاف کلیسا مسجد به عنوان قطب اجتماعی محله در شبانه روز به همسایگان خدمات معنوی، اجتماعی و ... می‌دهد. کلاس‌های آموزشی متنوع در این مکان مقدس در کنار رسانه تأثیرگذار منبر و محراب، انگیزه‌های حضور اجتماعی اهالی محل را فراهم می‌نماید. اینها و دهها ابزار دیگر در مسجد جمع هستند تا فرهنگ جامعه بر مدار صلاح و فلاح پیش رود.

فرهنگ جهاد و شهادت، فرهنگ تلاش و سازندگی، فرهنگ علم آموزی و تولید علم، فرهنگ کمک به همونوع و... با وجود مسجد بارور می‌شود.

و در نهایت

مسجد نامش با امنیت مترادف است، چون خانه خداست و خانه خدا پناه‌گاه و امن‌ترین جای هستی است.

مسجد همواره در طول تاریخ برای بشریت یک پناهگاه بوده است. شبستان‌های آرامش، صحن و سرای امن و محرابی که اطمینان به زندگی سعادت‌بخش را به انسان هدیه می‌دهد. آنچه از گذشته به ما رسیده گواه آن است که مسجد همواره در امن و امان بود و شهرها و مردمان به مرحمت وجود این مکان مقدس در امنیت به سر می‌بردند.

اکنون به بهانه نشریه مسجد گشتی در خیابان‌های پایتخت و شهرهای اطراف زدم، در این کنکاش این نتیجه برآیم هویدا شد که محله‌های امن محله‌هایی هستند که در آغوش مسجد آرمیده‌اند و سر بر آستان پر مهر مسجد نهاده‌اند.

کارکردهای امنیت بخشی مسجد را می‌توان به طور خلاصه اینگونه برشمرد:

امنیت اجتماعی: مسجد ملجاء تمام اقشار جامعه در ایجاد آرامش عمومی بر مدار حق است. از پناه گرفتن مظلومان در روزگار فقدان حکومت اسلامی تا پادرمیانی اهالی مسجد از امام جماعت و نمازگزار برای ختم قائله‌های اجتماعی همچون نزاع و ... میان مردم کوچه و بازار. گنبد مسجد هیچگاه سایه پر نقش خود را در طول تاریخ از سر مسلمان و غیرمسلمان بر نداشته است.

امنیت اقتصادی: از روزی که مهاجرین مکه بی زاد و توشه سر بر شانه‌های مدینه النبی نهادند، مسجد مأمّن اقتصادی جامعه شد. فقیرنوازی همیشه سنت اهل مسجد بوده است و شاهد آن کیسه‌هایی است که دست به دست میان صفوف نمازگزاران می‌چرخند تا هزینه درمان بیمار مستضعفی را فراهم آورند. امروز این فعالیت اقتصادی سعه وجودی پیدا کرده و صندوق‌های قرض الحسنه، جمع‌آوری جهیزیه و حتی کاربایی و کارآفرینی برای اعضاء محل را شامل می‌شود.

امنیت سیاسی: مسجد همواره در طول تاریخ محل بحث و کلاس و ارتقاء اندیشه و بصیرت سیاسی بوده است. ساختار محتوایی و اندیشه‌ای مسجد بر اساس سیره اهل بیت علیهم السلام سیاست را بر مدار ولایت می‌گسترده. منبر، نماز، شور و مشورت همگی واژگانی دخیل در امور سیاسی بوده‌اند. باید در نظر داشت، زمانی این مکان از امنیت سیاسی برخوردار است

پیشخوان

دریچه

مهدی رزاقی طالقانی

سرویس پیشخوان ماهنامه مسجد در سه بخش: گفتمان انقلاب اسلامی - تحلیل ماه - اخبار ماه فعالیت خود را از این شماره آغاز می کند و در هر یک از سه بخش فوق به دنبال ارائه محتوایی دقیق و کارشناسی شده، بدور از حاشیه نگاری های بی فایده می باشد.

در بخش گفتمان انقلاب اسلامی، سعی بر آن می رود تا با نشانه شناسی از محور های اصیل انقلاب اسلامی جاری و ساری در کلام رهبری گفتمانی در خور مجال و فضای موجود در نشریه میان صاحب نظران و اندیشمندان به بحث گذاشته شود. شایان ذکر است که نوع روایت بدون عینی از کلام ایشان هر چند در مباحث ضروری به نظر می رسد اما کنکاش، تحقیق و تعریض این مباحث در قالب گفتمان امری حیاتی تر و ضروری تر به نظر می رسد، چرا که خوراک اندیشه و جهت فکر جامعه از نتایج گفتمان ها تغذیه می شود.

در بخش تحلیل ماه، سرویس پیشخوان نشریه مسجد سعی در ارائه تحلیلی جامع و کامل از رخداد های هر ماه دارد، تحلیل ماه مباحث را در نسبت با موضوع مسجد و ائمه جماعات به پهنه تحریر و تحلیل می کشاند و در بخش اخبار ماه تلاش می شود تا اخبار مستند و قابل اعتنایی در موضوعات فرهنگی - مذهبی جهان اسلام مورد نیاز امامان جماعت تهیه و تلویین شود. هدف گذاری در این بخش پرهیز از اخبار حاشیه ای و تکیه بر اخبار حاشیه ای و زرد است.

تحلیل ماه

قرطبه، شهری که باشکوه شد

وبترین ها را از نو بچینیم!

مأذنه هایی که سر می برند!

مساجد ضرار در قرن ۲۱

مسجد در دیار غربت

راه کلیسا را نرویم

بیمارستان معنوی

پرونده ای برای گفتمان انقلاب اسلامی

دولت مردم نواز

شاخص های دولت اسلامی

مدیریت اسلامی

از مدیریت اسلامی تا دولت اسلامی

امامت و امارت





اشاره

۳۰ مرداد سال ۱۳۴۸ ه.ش که مسجدالاقصی به دست صهیونیست‌ها به آتش کشیده شد، بهانه‌ای هرچند تلخ اما ماندگار برای نشان دادن اهمیت مسجد در جهان فراهم آمد، که چنین فرصتی را نظام جمهوری اسلامی ایران از دست نداد و در سی‌امین نشست سازمان کنفرانس اسلامی روز جهانی مسجد در همین روز و به همین مناسبت در تقویم جهانی ثبت شد. در سالیان گذشته چنین روزی فرصت معرفی مسجد بود و ظرفیتهای آن برای حل مشکلات مسلمانان و جهانیان، اما امسال روز جهانی مسجد، در حالی توجه مسلمانان را به خود جلب کرده است که در سایه غفلتی غم‌انگیز به مسئله‌ای جهانی در موضوع امنیت و نفرت پراکنی تبدیل شده است، مسجد که از ابتدای پیدایش آن در صدر اسلام حتی برای غیر مسلمانان حلال انواع و اقسام مسائل بوده است، امروز برای دنیا و حتی جهان اسلام، خود، مسئله‌ای گشته است؛ مسئله‌ای که در نهایت، تنها و تنها باید توسط خود مسلمانان حل شود. در تحلیل ماه به موضوع روز جهانی مسجد پرداخته‌ایم. نگاهی به مسجد اسلامی در خارج از دنیای اسلام، در گذشته و حال انداخته ایم، مسائل آن را از نگاه دیگران بازگو کرده ایم و برای آینده آن حرفهایی زده ایم ...

قرطبه، مرفه‌ترین و با فرهنگ‌ترین شهر در قاره اروپا بود. همزمان در حالی که مردمان پاریس در خانه‌های محقر زندگی می‌کردند، مردم عادی قرطبه در بیش از دویست هزار خانه بزرگ، و مقامات مهم و ثروتمند شهر، در شصت هزار خانه اعیانی زندگی می‌نمودند

جستاری بر تلاش مسلمانان برای ساخت مسجد در اروپا

قرطبه، شهری که باشکوه شد

سعید آرتی

داستان مسجد در اروپا به قرن‌ها پیش باز می‌گردد؛ زمانی که پس از حکومت خلفای راشدین و شهادت امیرالمؤمنین علی (ع)، در دوره حکومت امویان (۴۱-۱۳۲ق) مسلمانان به گسترش فتوحات خود ادامه دادند. آنها نخستین پایگاه مهم خود را در شمال آفریقا در قیروان (تونس کنونی) تأسیس کردند، و بلافاصله به حرکت خود در ساحل قاره آفریقا ادامه دادند، تا در پایان قرن هفتم هجری به مغرب (مراکش کنونی) در ساحل اقیانوس اطلس رسیدند. (کوزین، ۱۳۸۷: ۴۸)

در این دوره، امپراتوری اسلامی وسعت بیشتری یافت و در ادامه، اندلس (اسپانیای کنونی) نیز به تصرف سپاهیان اسلام درآمد. (زیدان، ۱۳۸۲: ۷۸) در سال ۷۱۱ق/۷۱۱م، در روزگار فرمانروایی ولید بن عبدالملک، نیرویی بالغ بر ۷۰۰۰ جنگجوی مسلمان از سوی موسی بن نصیر حاکم مغرب و با فرماندهی طارق بن زیاد، برای فتح اسپانیا روانه این سرزمین شد. سال بعد موسی بن نصیر با ۱۸۰۰۰ نیروی کمکی وارد اسپانیا شد تا با همراهی طارق، به فتح کامل اسپانیا مبادرت نمایند. بنابراین، در مجموع ۲۵۰۰۰ سرباز مسلمان بودند، که این دگرگونی عمیق و پردامنه را در شبه جزیره ایبریا به‌وجود آوردند. پس از این فتح حیرت‌انگیز، مسلمانان با عبور از رشته کوه‌های پیرنه، برای فتح فرانسه وارد خاک این کشور شدند. (اولاگوئه، ۱۳۶۵: ۴۶) در سال ۱۱۴ق/۷۳۲م، مسلمانان با لشکری عظیم به فرماندهی عبدالرحمان غافقی، در نزدیکی شهر تور (پواتیه) در ۲۰۰ کیلومتری جنوب پاریس، از سپاهیان فرانک به رهبری شارل مارتل شکست خوردند و برای همیشه به شبه جزیره ایبری عقب‌نشینی کردند. (کمبریج، ۱۳۸۳: ۱۴۹) اما سقوط حکومت امویان و دست‌یابی عباسیان (۱۳۲-۵۶۶ق) به قدرت، رشته‌های ارتباط میان اندلس با مرکز خلافت را سست کرد. در جریان کشتار شاهزادگان اموی به دست عباسیان، یکی از این شاهزادگان به نام عبدالرحمن بن معاویه بن هشام بن عبدالملک توانست از این واقعه جان سالم به‌در برده و خود را از طریق شمال آفریقا به اندلس برساند. عبدالرحمن در طول حکومت ۳۲ ساله خود (۱۳۸-۱۷۲ق/۷۵۶-۷۸۸م) توانست اندلس را از خلافت عباسی جدا ساخته و مستقلاً دولتی به پایتختی شهر قرطبه (کوردوبا) در این سرزمین ایجاد کند. (پیشین، ۱۳۶۴) از این زمان تا خروج مسلمانان از این سرزمین در سال ۸۹۶ق/۱۴۹۲م، دو تحول مهم در سرزمین‌های غرب اسلامی پدید آمد:

۱. توسعه جدید مسیحیت در دوره بازپس‌گیری سرزمین‌های خود، که از کاستیل و آراگون به طرف جنوب



پیشروی نمودند، تا جایی که در سال ۶۳۸ق/۱۲۶۰م، فقط یک سلسله محدود اسلامی در غرناطه (گرانادا) باقی ماند.

۲. انتقال قدرت از حکومت‌های اولیه اسلامی به سلسله‌های بربر مرابطون (۴۳۵-۵۲۶ق/۱۰۵۶-۱۱۴۷م) و موحدون (۵۰۸-۶۴۸ق/۱۱۳۰-۱۲۶۹م). (اتینگهاوزن، ۱۳۹۱:۱۷۴) به‌طور کلی، مسلمانان با حضور خود در طی سده‌های پایایی در اندلس، این منطقه را به نگینی درخشان در جهان تبدیل نمودند. به‌طور کلی شکوه و عظمت معماری اسلامی را می‌توان در شهر قرطبه در جنوب اندلس مشاهده کرد. در این میان، بزرگ‌ترین مشخصه اسلامی این سرزمین‌ها، گنبد‌های بزرگ مساجد بود، که در ساخت آن سنت‌های گوناگون اسلامی تبلور خاصی پیدا کرده بود. در آن زمان شهر قرطبه در جنوب اسپانیا، به عنوان یک مرکز شکوهمند فرهنگ و معرفت در عصر طلایی اسلام، رقیب بغداد به شمار می‌رفت. در آن دوران قرطبه، مرفه‌ترین و با فرهنگ‌ترین شهر در قاره اروپا بود. همزمان در حالی که مردمان پاریس در خانه‌های محقر زندگی می‌کردند، مردم عادی قرطبه در بیش از دویست‌هزار خانه بزرگ، و مقامات مهم و ثروتمند شهر، در شصت‌هزار خانه اعیانی زندگی می‌نمودند. در این شهر نهصد باب حمام عمومی، بیست و هفت باب مدرسه رایگان و کتابخانه‌ای با بیش از چهارصد هزار جلد کتاب وجود داشت و این در حالی بود که همزمان در صومعه معروف بندیکتی سوئیس، تنها حدود ششصد جلد کتاب موجود بود. شهر قرطبه دارای خیابان‌های پهن سنگفرش شده‌ای بود که در آن جویبارهای آب زلال و باغ‌های پر از گل‌های باطراوت و زیبا، هر بیننده‌ای را شگفت‌زده می‌کرد. (کورزین، ۱۳۸۷: ۸۰) مهم‌ترین اثر تاریخی امویان در اسپانیا، مسجد اعظم قرطبه بود، که در زمینی مستطیل شکل با ابعاد ۱۴۰ در ۱۹۰ متر ساخته شده بود. از کل مساحت این مسجد، یک سوم آن به حیاطی اختصاص دارد که پوشیده از درختان پرتقال بود. این مسجد از هفده شبستان و سی و دو دهانه عمیق هفت متری تشکیل شده است. (اتینگهاوزن، ۱۳۹۱: ۱۷۵) عبدالرحمن اول ساخت این مسجد را در سال ۱۶۸ق، آغاز نمود و در ادامه فرزند وی در سال ۱۷۷ق، آن را به اتمام رساند و جانشینانش نیز آن را تزئین کرد. ردیف ستون‌های این مسجد، از شرق به غرب نوزده و از شمال به جنوب سی و یک عدد بود. این مسجد بیست و یک در داشت که روکش آنها را با مس صیقل داده پوشانده بودند. ستون‌های این مسجد را نقره اندود کرده و منبر آن که در آن سی و شش هزار قطعه چوب به کار رفته بود، را از عاج و چوب‌های گران‌قیمت ساخته بودند. این منبر به‌وسیله میخ‌های طلا و نقره به هم پیوسته شده و با جواهرات زیبا و گران‌بها مزین شده بود. در این مسجد

چهار محل برای وضو گرفتن وجود داشت، که آب آن به‌وسیله لوله‌هایی از کوهستان‌های اطراف، بدان می‌رسید. در سمت غربی مسجد، محلی نیز برای استراحت مسافران در نظر گرفته شده بود. این مسجد به‌وسیله صدها شمعدانی و توسط شمع‌هایی هر یک به‌وزن پنجاه رطل روشن می‌شد. سیصد مرد در این مسجد شبانه‌روز به خدمت مشغول بوده و امورات آن را انجام می‌دادند. (ابراهیم حسن، ۱۳۸۸: ۹۹۵) این مسجد بعد از تصرف مجدد شهر قرطبه (کوردوا) توسط اسپانیایی‌ها به کلیسا تبدیل شد و این داستان بسیاری از مساجد اروپا در مناطقی است که مجدداً توسط مسیحیان باز پس گرفته شد.

امروزه مسلمانان زیادی در جنوب اسپانیا زندگی می‌کنند که با توجه به مشکلات اقتصادی موجود در آن مناطق و نیاز بیش از پیش آنها، دولت‌های اسلامی می‌توانند در این امر تمدن‌ساز و مهم به کمک مردم بیایند و در آن مناطق به احداث مسجد بپردازند.

حضور توریستی مسافران کشورهای مختلف دنیا در آن مناطق، بستر مناسبی برای توجه به معماری اصیل اسلامی و آشنایی ملل مختلف با اسلام ناب است. چنان‌که مسجد - کلیسای قرطبه با آن معماری شگفت‌انگیز در طول تاریخ، همواره یادآور اسلام و دوران باشکوه گذشته، در قلب اروپا بوده است.

منابع:

۱. ابراهیم حسن، حسن، ۱۳۸۸: تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، انتشارات جاویدان.
۲. اتینگهاوزن، ریچارد، ۱۳۹۱: هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، جلد اول، چاپ نهم، انتشارات سمت.
۳. اولادگوت، ایگناسیو، ۱۳۶۵: هفت قرن فراز و نشیب تمدن اسلامی در اسپانیا، ترجمه ناصر موقیان، انتشارات شب‌ویز.
۴. زیدان، جرجی، ۱۳۸۲: تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، چاپ دهم، انتشارات امیر کبیر.
۵. کورزین، فیلیس، ۱۳۸۷: امپراتوری اسلامی، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، چاپ دوم، انتشارات ققنوس.
۶. هولت، پی.ام، لمبتون، ان.ک، لوئیس برنارد، ۱۳۸۳: تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه تیمور قادری، جلد اول و دوم، انتشارات بین‌الملل.

امروزه مسلمانان زیادی در جنوب اسپانیا زندگی می‌کنند که با توجه به مشکلات اقتصادی موجود در آن مناطق و نیاز بیش از پیش آنها، دولت‌های اسلامی می‌توانند در این امر تمدن‌ساز و مهم به کمک مردم بیایند

گزارشی از نگاه مردم شهر بن آلمان به مسجد

ویرین‌ها را از نو بچینیم!

شاهین افتخاری
گزارشگر ماهنامه
مسجد در آلمان

– من یک خبرنگار هستم، خواهش می‌کنم. – به خاطر اینکه اینجا کشتزار تنفر و عصبیت است، همه مساجد اروپا اینگونه است. مسجد جایی شده برای تنفر از غیرمسلمان‌ها، حتما داستان مسجد باد گودسبرگ رو شنیدید... هر روز آنجا جنگ و دعوا است بین مسلمانان و غیرمسلمانان ...

– به نظر شما همه مسلمان‌ها اینگونه هستند؟ – نه، اما ویرین‌ها برای ما، ویرین‌ها زیبایی نیست.

اگر می‌خواهی در اروپا، با وضعیت فعلی از مسجد حرف بزنی یا بنویسی، باید قدری احتیاط کنی، اینجا مسجد موضوعیت پیدا کرده است؛ اما نه به خاطر کارکردهای اصیل اسلامی‌اش، بلکه به خاطر استفاده غیرمهرورانه‌اش.

من از مسجدی در شمال اروپا در شهر بن، پایتخت آلمان غربی سابق برای شما می‌نویسم، مسجدی که نه مأذنه دارد، نه رواق و نه شبستان. چیزی



مسجد همین‌طور من را یاد پدر بزرگم می‌اندازد. او همیشه برای نماز جمعه به مسجد می‌رفت و من هم از او یاد گرفتم و با این کار، خاطراتش برایم زنده می‌شود

– جدای از این احساس که فکر می‌کنم به خاطر اتفاقات اخیر است، تصور شما نسبت به مسجد چگونه است؟

– مسجد جایی است همچون کلیسای کاتولیک که مسلمانان برای عبادت به آنجا می‌روند. تنها ما روزهای یکشنبه به کلیسا می‌رویم و آنها هر روز. و البته من تنها شب کریسمس به کلیسا می‌روم و یا برای مراسم فوت آشنایان.

شروع خوبی نبود. دوست دارم تصویر بهتری از مسجد برایم ایجاد کنند. مسجدی پر از مهر و عشق، مثل مساجد محله‌های قدیمی تهران.

آقای پاول ولگموت (Paul Wohlgenuth)، یک کاتولیک متعصب است، نگاه او به نظرم جالب می‌آید.

– شما هیچ وقت وارد مسجدی شده‌اید؟ – خیر.

– چرا به این مکان نرفته‌اید؟ – چون من مسلمان نیستم.

– به نظر شما مسجد چگونه جایی می‌تواند باشد؟ – مسجد هم جایی چون کلیسا است. مسجد معمولا معماری متفاوتی نسبت به کلیسا دارد و آدم‌هایی که آنجا رفت و آمد دارند، مانند کلیسا شیک‌پوش نیستند. در مسجد معمولا اتحاد بیشتری بین افراد بازدید کننده وجود دارد، طوری که مسجد به عنوان پاتوقی است که هم دیگر را می‌بینند. برای آلمانی‌ها و ما، کلیسا محل عبادت است و دین! و پاتوق ما، کافه است. در مسجد معمولا هم دعا هست هم گفت‌وگوهای دور همی.

شبیه به یک خانه معمولی. خانه‌ای با سقف شیروانی. مسجدی در همین نقطه که در نقشه می‌بینید.

مسجد Turk Islam Kultur Merkezi Bonn Suleymaniye Camii، یک مرکز فرهنگی اسلامی – ترکی است. مسجدی کوچک اما به شدت مورد توجه اهالی محل و شاید پلیس‌هایی که این روزها دستورات امنیتی فوق‌العاده دارند. آلمانی‌ها اعتقاد دارند که این روزها، مسجد بذری تنفر در جامعه می‌افکند و منظورشان مساجدی است که ظاهری اسلامی و هویتی غیر اسلامی دارند.

مساجدی که وهابیت و سعودی‌ها برای پا گرفتن و فعالیت آنها تلاش زیادی می‌کنند و در نبود مساجد شیعی معتبری چون مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ (Islamisches Zentrum Hamburg)، به شدت در حال ساختن تصویر دیگری از اسلام در شهرهای کوچک و بزرگ اروپا و به طور خاص جامعه اروپا هستند.

این موضوع را می‌توان از مکالمه با رهگذران اطراف مسجد فهمید.

«بیانکا مولر»، خانمی میانسال و مسیحی است.

– شما هیچ وقت وارد مسجد شده‌اید؟ – خیر.

– چرا تا به حال، به این مکان نرفته‌اید؟ – دوست ندارم راجع به این موضوع حرف بزنم.

نکات جالبی از آقای پاول شنیدم، اینکه مسجد پاتوق ما مسلمان هاست را دوست داشتیم و شیک پوش نبودنمان در مسجد را نه!

منتظر نفر بعدی می مانم؛

- شما هیچ وقت وارد مسجد شده اید؟ - خیر.

- تصور و برداشت شما از مسجد چیست؟ - مسجد جایی است مثل کلیسا و یا مثل معبد بودایی ها. مسجد البته خود هزار شاخه است همچون کلیسای کاتولیک و پروتستان. تنها تفاوتش این است که اهل کلیسا ارتباط خاصی با هم ندارند، ولی مسجدهای مختلف، پایگاه گروه های مختلف است که با هم دیگر نزاع دارند.

- چه چیزی موجب شده که به این مکان قدم نگذارید؟

- مسجد حس ترس به من می دهد. ما آلمانی ها افرادی نیستیم که بسیار بچه دار شویم و حقیقت این است که تا صد سال دیگر،

تلاشی برای تغییرش نمی کنید؟ می گوید این کار سیاستمداران است. وظیفه من آمدن به مسجد و نماز خواندن است و بس. من فقط به دوستان آلمانی ام می گویم که بدون رفتن به مسجد، من دیگر مسلمان نیستم.

به او می گویم: آیا هیچ وقت آنها را به اینجا دعوت کرده اید؟ جواب می دهد: خیر، چون هیچ گاه درباره این مسائل صحبتی نمی کنیم.

از او می پرسیم: شما تمام وعده های نماز را به مسجد می آید؟ - خیر.

- چرا تمام وعده های نماز را به مسجد نمی آید؟ - چون کارهای دیگری دارم که باید به آنها برسم.

استدلال خوبی نبود و هر سؤالی در این باره را در ذهنم خشکاند. برای آنچه می خواهم سراغ یک مسلمان دیگر می روم. آقای محمد سلیمانی



Mohammad Soleymani. کارش اجازه نمی دهد برای همه وعده های نماز به مسجد بیاید؛ اما به خاطر مسلمانی اش هر فرصتی را برای این کار غنیمت می شمارد.

می خواهم آخرین تصویر را از مسجد بگیرم. از او می پرسیم:

نظر دوستان غیر مسلمان شما درباره مسجد چیست؟

می گوید: فکر می کنم نظر خوبی ندارند و از مسجد می ترسند. اما انسان ها فرق می کنند و بعضی هم نظر منفی ندارند و مسجد را محل بی خطری می بینند. البته چند سال پیش مستندی از مسجد بادگودسبرگ نشان دادند که در آن کنسول عربستان سعودی و مفتی ها، به بچه ها درس غیر اخلاقی می دادند و این باعث شد تا همه در این شهر از مسجد بترسند و از دولت بخواهند تا جلوی مسجد را بگیرد. آن مسجد متعلق به کنسول عربستان است و اینجا از نظر قانونی، بچه ها حق ندارند به مسجد بروند. مدرسه کنار آن هم متعلق به کنسول عربستان بود و بچه های آن مدرسه هم در مدرسه های دیگر تقسیم شدند.

- آیا هیچ وقت آنها را به اینجا دعوت کرده اید؟ - بله، اما همیشه بهانه برای نیامدن وجود دارد.

نوع رفتار برخی گروه ها و موضع گیری های تند آنها در قضایای مختلف، موجب شده است که این نوع نگاه در جوامع اروپایی نسبت به مسجد ایجاد شود. به راستی مسجد چه ظرفیتهایی دارد که گروه های تکفیری و وهابیت در کشورهای غربی و اروپایی روی آن سرمایه گذاری کرده اند؟

تنها دو درصد جمعیت دنیا مو طلایی خواهند بود. امروز مسلمانان با فرزندانشان به اروپا می آیند، در اینجا ازدواج و زادوولد می کنند و در آینده، کشور ما را خواهند گرفت. حال اگر ما این بچه ها را در سیستم آموزشی خود آموزش ندهیم و بگذاریم به مسجد بروند، فردا به بمب گذاری اقدام می کنند.

با انبوهی از فکرهای خواسته و ناخواسته وارد مسجد می شوم. مسجد ساده و کوچک شهر بن و محله کلن اشتراسه Koln Strabe. چند نفری را در خود جای داده بود که به نظر می آمد همگی ترک و اهل سنت هستند. ترک ها جامعه بزرگ مسلمان های آلمان را از گذشته تشکیل می دهند. یکی از نمازگزاران مرا که که در حال واریسی مسجد هستیم، در آغوش می گیرد.

می گوید اسمش جم رحمتی Cem Rahmati است و از کودکی به آلمان مهاجرت کرده است و مسجد برای او، یعنی صدای اذان و غروب آفتاب. از دلیل آمدن به مسجد می گوید که: مسجد جایی است که در آنجا جمع می شویم تا با هم مسلمانان خود مشورت کنیم و گاهی آشناهایمان را دیدار کنیم. مسجد برای من جایی است که هر وقت زمان داشته باشم به آنجا می آیم تا عبادت کنم. دوستانم را ببینم و با خدای خود راز و نیاز کنم. مسجد همین طور من را یاد پدر بزرگم می اندازد. او همیشه برای نماز جمعه به مسجد می رفت و من هم از او یاد گرفتم و با این کار، خاطراتش برایم زنده می شود.

از او می پرسیم: تصویر مسجد از نگاه دیگران را می شناسد؟

می گوید آری، ادامه می دهم؛

مسجد همین طور
من را یاد پدر بزرگم
می اندازد. او همیشه
برای نماز جمعه
به مسجد می رفت
و من هم از او یاد
گرفتم و با این کار،
خاطراتش برایم
زنده می شود

بررسی مساجد ضرار در قلب اروپا

مأذنه‌هایی که
سر می‌برند!

حجت الاسلام
ابوالفضل امامی
دکترای روابط
بین الملل و امام
جماعت مرکز اسلامی
امام مهدی (عج) رم در
کشور ایتالیا



اگر در صدر اسلام
یک مسجد ضرار
بود، حالا مساجد
ضرار زیاد شده
است؛ مساجدی که
کارکرد آنها، ایجاد
تفرقه میان مسلمین
و در کمین بی‌گناهان
نشستن و ترور آنها
است.
با این مساجد چه باید
کرد؟ با الله اکبرهایی
که اذان سر بریدن
است و تداعی ترور؟

هر گروهی که بخواهد پیروز و رستگار شود، باید بهترین‌ها را انتخاب کند؛ بهترین افراد، بهترین زمان، بهترین مکان و بهترین معبود. در مقابل این گروه نیز بدترین موجودات هستند که در پی تخریب این انتخاب‌ها هستند. در این میان، بهترین مکان مسجد است؛ از این رو تخریب مسجد^۱ یکی از اهداف اساسی شیاطین است. هر کدام نیز به طریقی؛ گاهی با نساختن مسجد، گاه با ساختن نابجا، زمانی با تجملاتی کردن مسجد و گاهی با سکولار کردن مسجد. گاهی با الله اکبر نگفتن و گاهی با الله اکبر گفتن. در اروپا مساجدی هستند که با پول نفت و گاز وهابیت ساخته شده است و رسالت اصلی آن تخریب اسلام است؛ مسجد ضرار.^۲ اگر در صدر اسلام یک مسجد ضرار بود، حالا مساجد ضرار زیاد شده است؛ مساجدی که کارکرد آنها، ایجاد تفرقه میان مسلمین و در کمین بی‌گناهان نشستن و ترور آنها است. با این مساجد چه باید کرد؟ با الله اکبرهایی که اذان سر بریدن است و تداعی ترور؟ اروپای امروز، اروپای اسلام‌هراسی است؛ بهانه اسلام‌هراسی، وهابیت و تبلیغات آن با رسانه‌های غربی. در روزگاری که اسم مسلمان مساوی با ترور شده، اسلام محمدی و خون مظلومانه امثال شیخ باقر النمر است که بصیرت‌افزایی می‌کند. وقتی دوستان ما برای خرید مرکز اسلامی (چیزی شبیه مسجد)، در رم می‌گشتند، به ساختمان مناسبی برخوردند. وقتی با اهل ساختمان درباره خرید یک طبقه از ساختمان برای مرکز اسلامی صحبت شد، پرسیدند: شما چه نوع اسلامی هستید؟ سنی یا شیعه؟ وقتی دوستان ما گفتند شیعه، آنان گفتند اگر برای اسلام سنی می‌خواستید، موافقت نمی‌کردیم. البته دو مسئله هست: نخست این که اسلام اهل سنت، غیر از اسلام وهابی است، هر چند که خودشان حاضر نمی‌شوند به روشنی بین خودشان و آنان مرز را روشن کنند. دیگر اینکه وهابی‌ها که ده‌ها برابر شیعیان در اروپا مسجد دارند، آنقدر پول می‌دهند که معترضین راضی شوند. باید برای احیای هویت مسجد کاری کرد.

۱. «وَمِنْ أَظْلَمَ مَعْنَى مَسْجِدِ اللَّهِ أَنْ يَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» بقره، ۱۱۴.

۲. «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» و کسانی هستند که مسجدی را برگزیده‌اند برای زیان رساندن (به مردم) و کفر و اختلاف افکندن میان مؤمنان و (ساختن) کمینگاه برای آن کس که از پیش با خداوند و پیامبر وی به جنگ برخاسته بود و سوگند می‌خورند که ما جز سر نیکی نداریم و خداوند گواهی می‌دهد که آنان دروغگویند. هیچ‌گاه در آن (مسجد) حاضر مشو! بی‌گمان مسجدی که از روز نخست بنیان آن را بر پرهیزگاری نهاده‌اند سزاوارتر است که در آن حاضر گردی در آن مردانی هستند که پاکیزه کردن (خود) را دوست می‌دارند و خداوند پاکیزگان را دوست می‌دارد؛ توبه، ۱۰۷ و ۱۰۸.

مساجد ضرار در قرن ۲۱

احسان محمدی

ترکیب و نوع حرکت‌های ضد اسلامی تخریب مساجد در دنیا، امروز تغییری بنیادین یافته است، دیگر شاهد حرکت تخریب فیزیکی مسجد در دنیا به صورت مشخص نیستیم. انگار اطلاق فکر جریان ضد اسلامی - صهیونیستی، سرمایه‌داری - از ثبت روز جهانی مسجد در سالروز تخریب مسجدا لاقصی در ۳۰ مرداد ۱۳۴۸ تجربه ای گران یافته است و حاضر نیست با تخریب ظاهری مساجد این مکان را بیشتر از این مورد توجه جهانیان و به خصوص خود مسلمانان جهان قرار بدهد، جبهه مقابل جریان اسلامی در دنیا راه دیگری را یافته که گویا از تاریخ خود اسلام برای اجرای آن بهره جسته است؛ مسجد ضرار ...

مسجد ضرار در تاریخ اسلام نشانه مسجیدی خالی از معنای معرفتی و فضایی انحرافی در پوشش مسجد است برای فتنه، که طرح منافقانه آن را می‌توان در آیه ۷ سوره توبه به خوبی دریافت

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (ترجمه: و آنهایی که مسجیدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است، و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود، و سخت سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم، و [الی] خدا گواهی می‌دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند.

تمام طرح جریان کفر امروزی مطابق اجداد فکری خود در تاریخ صدر اسلام استحاله مساجد موجود از معانی اصیل اسلامی و ساختن مساجد ضرار در اقصی نقاط دنیاست. در ذیل برخی از تفرقه‌های جریان صهیونیست و تکفیر را با هم مرور می‌کنیم.

استحاله یعنی مسجد نه برای تدبیر و تعمق در مسائل صلح جهانی بلکه مکانی برای طرح توطئه برای سلب امنیت جهانی

استحاله یعنی مسجد نه برای وحدت مسلمانان بلکه مکانی برای طرح تفرقه

استحاله یعنی مسجد نه برای حل مشکلات اجتماعی بلکه خود معضل اجتماعی

استحاله یعنی مسجد نه برای حل مشکلات اقتصادی بلکه مکانی برای اشاعه تجمل گرایی

استحاله یعنی مسجد نه برای گسترش رأفت و رحمت و ایمان بلکه برای تکفیر و تفسیق

استحاله یعنی مسجد نه برای تربیت اسلامی و انسانی بلکه برای عصبیت جاهلی

استحاله یعنی مسجد نه برای اشاعه اخلاق نبوی و علوی بلکه برای پرورش نفسانیات شیطانی

استحاله یعنی مسجد منهای قرآن و منهای خیلی از مبانی دیگر که این روزها به جان دنیای اسلام و معنای مسجد افتاده اند و مثل موربانه تصویر اصیل مسجد طراز اسلامی را می‌بلعند ...

دنیای اسلام باید برای تخریب مساجد ضرار اقدامی عاجل بکند که البته این تخریب با سلاح و نیروی نظامی میسر نیست بلکه نیاز به عقبه‌ای معرفتی و جهادی فرهنگی و انقلابی دارد.



مسجد باید
بین‌المللی و
بیمارستان معنوی
باشد

مسجد در دیار غربیت

برای او تهیه کردم، گفتم این دعا را بخوان - چون دعای کامل اسلامی و غیراسلامی ندارد، برای همه است، بین‌المللی است - پس از مدتی با من تماس گرفت و گفت: من را نجات دادی! چون من با این دعا دارم عشق می‌کنم.

مسجد باید بین‌المللی و بیمارستان معنوی باشد. محتوا و مینایش این گونه باشد که همه را جذب کند؛ مسجد باید مانند همین دعای کامل عمل کند و برای مسلمان و غیر مسلمان جذاب و نجات‌بخش باشد.

درست است که غرب می‌خواهد مسجد و هویت اصلی‌اش - که یک پایگاه علمی، فرهنگی و مذهبی است - را از درون خالی کند و بگوید این مسجد هم به یک مکان سیاسی تبدیل شده و مثلاً نمایندگی فلان کشور و فلان افراد شده است، ولی در واقع - همان طور که در روایات داریم - خداوند متعال هدف از وجود مسجد را عبادت، آشنایی مردم با دین، آشنایی مردم با یکدیگر، تعامل بین انسان‌ها، همکاری، هماهنگی، رفع معضلات اجتماعی و رفع معضلات جامعه مسلمانان قرار داده است؛ چه مسلمان شیعه و چه غیرشیعه.

با توجه به ظرفیت‌هایی که فرمودید، چه مشکلی موجب شده که مساجد اسلامی و به‌خصوص مساجد شیعه، نتوانند نقش خود را ایفا کنند؟

اولین مشکل اینجاست که در خارج از مرزهای ایران، شیعه اصلاً مسجد ندارد، یا کم دارد؛ یعنی ما به غیر از مسجدی که آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله در هامبورگ آلمان ساختند - که باعث اعتبار شیعه است - و مساجدی که در کل مناطق

حج‌الاسلام والمسلمین محسن ربانی از سال ۱۹۸۳ م، رایزن فرهنگی ایران در آرژانتین بود.

مهدی رزاقی
طالقانی

او مسئولیت تأسیس و راه‌اندازی «مسجد التوحید» آرژانتین را بر عهده گرفت. سال‌ها تجربه ایشان در آن منطقه و درک نگاه جهانی به مسجد، باعث شد که به مناسبت روز جهانی مسجد به سراغ ایشان برویم و در این موضوع به گفت‌وگو بنشینیم.

علی‌رغم اینکه رسانه‌ها و سیاست‌مداران غربی تلاش می‌کنند مسجد را صرفاً به عنوان یک مرکز سیاسی معرفی کنند، به نظر می‌رسد این روزها مسجد می‌تواند یک ظرفیت بالقوه فرهنگی و اجتماعی در دنیا باشد که البته هنوز فعال نشده. شما با این نظر موافقت می‌کنید؟

این نظر درست است و در صورت فعال شدن، این ظرفیت می‌تواند حتی برای غیر مسلمانان هم مفید باشد، در مساجد دیده شده است که مسیحیانی در رده‌های مختلف سنی جوان و پیر شرکت می‌کنند. جوانانی که از جامعه بریده‌اند، پای محفل دعا‌های مسلمانان می‌نشینند و جذب می‌شوند؛ جاذبه‌ای که حتی ممکن است به مسلمان شدن آنها بینجامد - که بسیاری از آنها به همین نحو مسلمان شده‌اند. سفیر ایران در ایتالیا می‌گفت: یکی از دولتمردان مَسَن ایتالیایی به من گفت که من تنها زندگی می‌کنم، بازنشسته‌ام، چون خانم من از دنیا رفته، بچه‌های من هم از من دور هستند، ولی واقعا برای من سخت می‌گذرد و نمی‌دانم در تنهایی چه کار کنم که از این غربت رهایی یابم؟ من یک دعای کامل به زبان خودش

آسیا، آفریقا، آمریکا و آمریکای لاتین داریم، آنقدر تلاش نکرده‌ایم یا اینکه نتوانسته‌ایم مساجد فعال، به تعدادی که مورد نیاز است، داشته باشیم. در اروپا و اکثر مناطق، متأسفانه شیعیان، در زیرزمین‌های اجاره‌ای نماز می‌خوانند. در حالی که اهل سنت، مساجد فاخر دارند! این البته از نقص‌های ماست که نتوانسته‌ایم بعد از انقلاب،

حداقل سالی یک مسجد خوب یا مجتمع فرهنگی در این کشورها بسازیم.

شما می‌دانید که مسجد در آنجا کاربرد زیادی دارد، به خاطر اینکه جامعه اسلامی و شیعه در اقلیت هستند. در اقلیت هم اگر نباشند، باید یک مجتمع فرهنگی ایجاد کرد تا یک مسلمانی که می‌خواهد بیرون از منزل برای تفریح و استراحت برود، بتواند وارد مجموعه فرهنگی مسجد شود. این مجتمع و مسجد نیز باید همه امکانات را داشته باشد؛ محل تفریح، محل ورزش، غذاخوری و رستوران حلال و... . اینکه می‌گویم «رستوران»، به این دلیل است که معمولاً در آنجا گوشت به علت ذبح غیرشرعی، حرام است و مجموعه فرهنگی که در کنار مسجد ساخته می‌شود، باید بتواند این مشکلات را برطرف کند.

مشکل دیگر ما، نبود پول و امکانات است که باعث شده در خارج مسجد نداشته باشیم، یا اگر داریم طرحی این چنین برایش تعریف نکرده باشیم. در اکثر کشورهای آمریکای لاتین، برای تازه‌مسلمان‌ها، مسجد نیاز داریم، اگر خیرینی برای ساخت مسجد در آن منطقه اعلام آمادگی کنند، خدمت بزرگی به مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و جوانانی که شیعه شده‌اند، نموده‌اند.

عربستان با آن عقاید تند، خلاف عقل و عرف، سلفی‌گری و وهابی‌گری که دارد - و باعث مشکلاتی برای جامعه بشری شده است - در همه جا سعی می‌کند با ایران اسلامی رقابت کند و زودتر از ایران وارد کشورها شده و مسجد بسازد و مردم را با ساخت مساجد فاخر، جذب کند. مثلاً در آرژانتین، اولین برنامه‌ای که داشتیم، ساخت مسجد التوحید بود. عربستان متوجه شد و قبل از اینکه ما آن مسجد را بسازیم، دو مسجد بزرگ آنجا ساخت که برای دومین مسجد، بیش از ۱۵۰ میلیون دلار خرج کرد و یک مجتمع عظیم فرهنگی شامل مسجد، مدرسه، آمفی‌تئاتر و سالن ورزش ایجاد کردند. آقای کارلوس منعم، رئیس‌جمهور وقت، در بهترین نقطه شهر، زمینی به عربستان هدیه کرد و با کمک دولت‌های عربی مساجد را ساختند. دولت‌های عربی با دولت‌های دیگر علیه ایران هماهنگ هستند. ما این مشکل را داریم که دولت‌ها معمولاً با ما نیستند و برای ما مشکل ایجاد می‌کنند.

راه کلیسا را نرویم

اشتباهی را که ما امروز درباره مسجد کرده‌ایم، کلیسا، پیش از ما انجام داد و موجب شد که کلیسا، تنها به محلی عبادی تبدیل شود که فقط یکشنبه‌ها باز است. لذا می‌گویند کلیسا کارکرد اصلی‌اش را از دست داده است. دیگر نه با فقرا ارتباط دارد، نه در صدد این است که مشکلات مؤمنین را حل کند و نه برای ازدواج جوانان مسیحی کاری انجام دهد. به همین خاطر است که امروز کم‌کم کلیساها متروک می‌شود و مردم از آن فاصله می‌گیرند. البته مشکلات اعتقادی هم دارد؛ موضع‌گیری‌های سیاسی کلیسا هم بیشتر به نفع مستکبرین است، لذا بر اساس همین کاستی‌ها بود که «کلیسای رهایی‌بخش» ایجاد شد تا در کنار مردم و مستضعفین قرار بگیرد و کلیسای حضرت عیسی را احیا کند. کلیساها مشکلات زیادی دارند که نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای جامعه امروزی باشند.

ظاهراً شما طرحی را برای فعال شدن مساجد - در داخل و خارج از کشور - آماده می‌کنید. در مورد این طرح توضیح بیشتری می‌فرمایید؟

طرح این است که مسجد را شبانه‌روزی کنیم؛ یعنی از ساعت هشت صبح که برنامه‌ها شروع می‌شود تا دوازده شب، باز باشد و برنامه‌های پاسخ به سؤالات، برنامه‌های اعتقادی، قرآنی و اجتماعی داشته باشد. بیش

از ۶۰ برنامه فرهنگی می‌شود در مسجد برگزار کرد. می‌توان گروهی از نخبگان را برای مشاوره در امور مختلف ایجاد نمود و حتی کمک اقتصادی برای مراجعه‌کنندگان در نظر گرفت. برنامه‌ها باید به نحوی باشد که حتی اهل سنت و دیگران نیز از برنامه‌ها استفاده کنند.

در عین حال، مسجد نباید تک کاربردی و فقط عبادی باشد؛ یعنی باید جایی برای رجوع مردم به عنوان محلی که هم مشکلات مادی و معنوی، هم مسائل عبادی‌شان را حل می‌کند، باشد. مسجد باید مأمن مردم و پایگاه دلگرمی و پاسخ به سؤالاتشان باشد. مسجد می‌تواند جایی برای برگزاری جشن‌های اسلامی باشد. اگر کسی بچه‌اش متولد شد، جشن تولدش را در مسجد بگیرد. کسی که از مکه می‌آید، مراسم استقبال را در مسجد برای او بگیرند، ازدواج‌های ساده اسلامی در مسجد برگزار شود.

طبق این طرح، مسجد می‌تواند برنامه‌های مختلف را تحت پوشش قرار دهد که تنها محل عبادت نباشد، بلکه محل عبادت، علم، فرهنگ، همکاری و همیاری باشد.

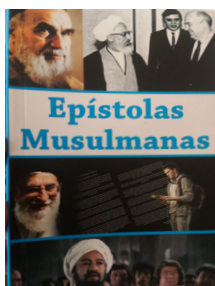
باتوجه به تجربه سال‌ها حضور شما در مساجد و مراکز فرهنگی خارج از کشور، تجربه‌ای از حضور پیروان ادیان دیگر در مساجد دارید؟

بله! تقریباً در اکثر مساجد و مراکز اسلامی در آمریکای لاتین، مسیحی‌ها حضور دارند. حتی در شب‌های ماه رمضان برای افطار دعوت می‌شوند و در برنامه‌های ما شرکت می‌کنند. اخیراً این باب شده است و حالا دولت‌های آنها نیز از نظر سیاسی این کار را می‌کنند. حتی آمریکایی‌ها و کشورهای آمریکای لاتین بعضی مسلمانان را دعوت می‌کنند. مثلاً وزارت خارجه آرژانتین یا رئیس‌جمهور شیلی از مسلمان‌ها دعوت کرده و افطاری داده بود.

فکر می‌کنید که مسجد - از حیث کاربردی - هنوز این قدرت را دارد که مسیر کلیسا را نرود؟

بله! اگر طرحی جامع تدوین کنیم، مسجدهای ما می‌توانند پاسخگوی نیازهای جامعه امروز باشند. مسجد می‌تواند در

در آرژانتین، اولین برنامه‌ای که داشتیم، ساخت مسجد التوحید بود. عربستان متوجه شد و قبل از اینکه ما آن مسجد را بتوانیم بسازیم، دو مسجد بزرگ آنجا ساخت که برای دومین مسجد، بیش از ۱۵۰ میلیون دلار خرج کرد



در خارج از کشور، مناطقی که مسلمانان در اقلیت هستند، توصیه ما این است که مجتمع‌های فرهنگی تأسیس کنیم. مثلاً وقتی می‌گوییم اینجا مرکز فرهنگی اسلامی است، برای مردم دور از ذهن نیست، می‌بینند نمایشگاه کتاب دارد، افرادی هستند که استقبال می‌کنند، راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کنند؛ زیرا شرایط سختی ندارد، بدون حجاب هم می‌تواند وارد شود، لذا مردم به راحتی استقبال می‌کنند.



موضوع ازدواج مشارکت کند، در بحث‌های اعتقادی می‌تواند پاسخگوی مشکلات باشد. مهم این است که ما بتوانیم یک رویکردی پیدا کنیم که مسجد را در اختیار مردم قرار دهیم. نه اینکه مسجد محلی باشد که مردم را دعوت کند و نقش مردم و هیئت امنا کم رنگ باشد.

برخی مساجد خادمی دارند که سواد ندارد و نه به خاطر عشق به خدا و مسجد، بلکه به خاطر بیکاری خادم شده است! و جایی را اشغال نموده که حضرت زکریا داشته است. بعد از نماز به سرعت در را می‌بندد و نمازگزارانی که دیرتر آمده‌اند را مورد عتاب قرار می‌دهد و نونهالان را از مسجد می‌راند؛ این درد است.

در خارج از کشور، چگونه می‌توان مشارکت اجتماعی را بیشتر کرد؟

در خارج از کشور، وقتی ظاهر مساجد مانند مرکز فرهنگی نیست، ممکن است مانع جذب همه افراد شود؛ چون مثلاً وقتی می‌بینند این ساختمان مناره دارد، متوجه می‌شوند که برای مسلمانان است و ورود به آن آداب خاص خود را دارد. مثل اینکه شما الان به یک کلیسا می‌رسید، می‌گویید من که نمی‌دانم آدابش چیست، چطور باید بروم داخل؟ لذا وارد آن نمی‌شوید.

امروز اسلام در همه جوامع شناخته شده است. در جوامعی که مسلمان بیشتری دارد، مردم می‌خواهند با مسجد و نمادهای اسلامی آشنا شوند، از همین رو، مساجد آن مناطق، با استقبال خوبی از طرف دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز علمی فرهنگی، روبه‌رو می‌شوند. مثلاً در برزیل مسجد بسیار خوبی داریم؛ مسجد امام علی (ع) در شهر کری تیبیا که تقریباً روزهای یکشنبه برای بازدید مراکز فرهنگی باز است. خیلی از مدارس با دانش‌آموزان می‌آیند عکس می‌گیرند. از بچه‌های مسجد هم کسانی هستند که حضور دارند و به سؤالات پاسخ می‌دهند.

در مجموع، حتی در خارج هم نتوانستیم آن کاربرد واقعی مساجد را هنوز عملی کنیم و همین مشکل مساجد داخلی را - کمی کمتر - آنجا هم داریم.

با تشکر از وقتی که در اختیار ماه نامه مسجد قرار دادید.

برنامه‌ریزی از جایگاه همسایگان مسجد و مامومین غفلت نمی‌شود.

■ **نکته چهارم:** مسجد با خادمان افتخاری مؤمن فعال شود. در این طرح، نگاه به مسجد «خادم‌محور» است؛ به گونه‌ای که در مسجد لازم نباشد تا دو سه نفر پول بدهند و مسجد با آن پول اداره شود. مدیر مسجد نیازمند گروه‌های مختلفی است.

اول. گروهی مسجد را مدیریت کنند - که همان هیأت امنا هستند - بهتر است نیمی از آنان جوان باشند.

دوم. امام جماعت، شرایطی که در رساله‌های عملیه نوشته شده را دارا باشد: باتقوا، عادل، مردم‌دار، منظم بوده و شغل‌های زیادی نداشته باشد، به گونه‌ای که نتواند به مردم برسد.

سوم. جذب و به کارگیری متخصصان هر محله اعم از دکتر، مهندس، معلم و... به عنوان خادم افتخاری مسجد؛ هدف هر طرحی در مسجد، باید رونق و مشارکت اجتماعی حداکثری باشد. بنابراین با جذب نخبگان و متخصصان و مشارکت آنها در برنامه‌های مسجد، می‌توان به راحتی زمینه جذب دیگران را فراهم کرد.

بیمارستان معنوی

طرحی برای مسجد اصیل و نوین

در این طرح، مسجد به عنوان یک «بیمارستان معنوی» تعریف می‌شود. آیا بیمارستان در طول شبانه‌روز بسته است؟! خیر. پس چرا بیمارستان معنوی - که مسجد است - بسته باشد؟

در این طرح، ابتدا یک بازبینی اساسی در امر مسجد صورت می‌گیرد و بر این اساس چند نکته زیر مورد توجه قرار خواهد گرفت.

■ **نکته اول:** مسجد مکانی است که ظرفیت خدمات شبانه روزی به مخاطبان خود را دارد، پس ظرفیت‌های مسجد باید برای احیاء امور ایمانی، فرهنگی، اجتماعی و... در شبانه روز تقویت شود؛ زیرا این مکان مقدس یک بیمارستان معنوی است.

■ **نکته دوم:** مسجد باید تمیز باشد. بهداشت و آراستگی ظاهری از جمله اموری است که خرد و کلان به آن اهمیت می‌دهند.

■ **نکته سوم:** مسجد یک نهاد فرهنگی اجتماعی، عبادی و... است. چنین مکانی نیازمند برنامه‌مکتوب روزانه، ماهانه و سالانه می‌باشد. برنامه‌ای که با حضور امام جماعت، معتمدین محل، کارشناسان فرهنگی، اجتماعی و معرفتی و... تدوین می‌شود. در فرایند

برخی مساجد خادمی دارند که سواد ندارد و نه به خاطر عشق به خدا و مسجد، بلکه به خاطر بیکاری خادم شده است! و جایی که حضرت زکریا داشته است



پرونده گفتمان انقلاب

گفتمان انقلاب با موضوع دولت اسلامی در دهه چهارم و پنجم انقلاب بیش از هر موضوع دیگری این روزها نیاز به تعمق دوباره در اصول و مبانی دارد، تحقیق و تتبع در موضوعاتی چون ضرورت وجود حکومت اسلامی و ضرورت‌های چگونگی عدالت اقتصادی و اجتماعی، حکومت قانون و مدیریت اسلامی از این حیث مورد توجه باید قرار بگیرد که آنچه در منظومه فکری امروز جامعه باقی مانده است محصول سالهای تلاش بزرگانی چون حضرت امام خمینی(ره) و شهیدان بهشتی و مطهری در دهه ۵۰ شمسی و این روزها از جمله مطالبات جدی مقام معظم رهبری است که این روزها نیاز به بازپروری و نگاهی نوین با توجه به مقتضیات روز دارد. باز تعریف گفتمان انقلاب و دولت اسلامی در نبرد افکار و اندیشه‌های روز جهانی، اگر مورد توجه قرار نگیرد مطمئناً خسروانی ناگزیر متوجه مبانی فکری جامعه خواهد شد.

بااین مقدمه ای در فصل گفتمان انقلاب و دولت اسلامی، ریشه‌های خدمتگزاری به مردم در دولت اسلامی را با نگاهی هر چند کوتاه به نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده ایم و گذری به مبانی دولت اسلامی انداخته ایم.

گر بخواهیم به تفسیر جایگاه مردم و مسئولان دولت اسلامی در مقابل هم پردازیم باید همین موضع را در جایگاه دیگر و بالاتر به نسبت این دو جایگاه و در برابر جایگاه خداوند تبیین کنیم



نگاهی به نوع ارتباط میان مردم و دولت اسلامی

دولت مردم‌نواز

- چرا حکومت؟ چرا امام؟

مسعود رجایی

برای درک این موضوع لازم است که دانسته شود چرا امام معصوم و به طور خاص علی (ع) حکومت را در دست می‌گیرد، ایشان در این باره

می‌فرمایند:

«أَمَّا الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارُوا عَلَى كِبَالِهِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَلَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا» یعنی آگاه باشید! سوگند به خدایی که میان دانه را شکافت و انسان را آفرید، اگر نبود حضور حاضر و قیام حجت به خاطر وجود یاری‌کننده و اگر نبود عهد الهی که خدای تعالی از دانیان گرفته تا بر سیری ظالم و گرسنه ماندن مظلوم راضی نشوند، هر آینه ریسمان و مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می‌انداختم و آخر خلافت را به کاسه نخست آن آب می‌دادم. در حقیقت اصل حکومت امیرالمؤمنین (ع) که عیار و نمونه

کامل حکومت اسلامی است، برای این دو هدف و آرمان است. این دو هدف و آرمان در حقیقت نسبت دولت اسلامی و خدمتگزاری به مردم را شفاف می کند.

- دولت کجا؟ مردم کجا؟

اگر بر این اساس نظام دولت اسلامی برقرار شود، آنگاه است که نمی توان به عنوان مسئول به مردم نگاه از بالا به پایین و کوچک انگارانه داشت، در حکومت عدل، نگاه مسئول نگاه هم عرض به جامعه است؛ چراکه اساس برتری نه مسئولیت و نه میز و نه موضوع دیگری است.

اگر بخواهیم به تفسیر جایگاه مردم و مسئولان دولت اسلامی در مقابل هم بپردازیم باید همین موضع را در جایگاه دیگر و بالاتر به نسبت این دو جایگاه و در برابر جایگاه خداوند تبیین کنیم؛ به این صورت که هر فردی در جامعه اسلامی در موضوعات شغلی و صنفی و در برابر قاعده ای انسانی - اسلامی در برابر یک مقام مافوق در جامعه مسئول است و باید پاسخگو باشد، کارمند در برابر مدیر، شاگرد در برابر استاد، اما در سطح دیگر همه اینها در برابر خداوند مسئول هستند.

مسئولیت در برابر خدا البته در اینجا اهمیت بیشتری دارد، یعنی اگر مافوق دستور خلاف شرع و خلاف قانون بدهد، نباید انجام بشود.

حالا که نسبتها را در ارتباط خدمتگزاران و دولتمردان با مردم به اجمال بررسی کردیم، لازم است که خدمت کردن را در اندیشه امام علی (ع) مورد بررسی قرار دهیم.

- شغل کجا؟ خدمت کجا؟

در مورد خدمت، امام صریحاً فرمودند که خدمت به مردم شغل نیست، مسئولیت الهی است.

«اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ». (خطبه ۱۶۷)

از خدا بترسید در حق بندگانش و شهرهایش، زیرا شما مسئولید حتی در برابر سرزمین ها و چارپایان.

یعنی انسان وقتی که یک حکم مسئولیت دولتی را قبول می کند، چه پایین و چه بالا در برابر خدا مسئول است، نگاه مسئول به جامعه باید نگاه برادرانه و بر مبنای اخوت ایمانی باشد.

- فقیر کجا؟ ثروتمند کجا؟

تعادل یعنی نگاه ناعادلانه و طبقاتی ممنوع! چرا که ما در اسلام طبقات نداریم. اما اقشار در اندیشه اسلامی وجود دارد، اقشار ضعیف و مستضعف، اقشار قوی و مرفه. با چنین برداشتی در دولت اسلامی باید حقوق هر شهروندی رعایت بشود. منتهای مراتب آن قشری که نیاز بیشتر دارد، باید براساس نیازش، امکان بیشتری در دولت اسلامی به او داده شود.

عدالت اینجا، اینگونه تعریف می شود؟

«فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ اَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ اِسْطِ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ اَسِ

بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي خَيْفِكَ لَهُمْ وَ لَا يَبْئَسَ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَذْلِكَ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُسَاتِلُكُمْ مَعَشَرَ عِبَادِهِ عَنِ الصَّغِيرَةِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَ الْكَبِيرَةِ وَ الظَّاهِرَةِ وَ الْمُسْتَوْرَةِ». (نامه ۷۲)

با مردمان فروتن باش و نرمخو، و همواره گشاده رو، و به یک چشم بنگر به همگان، خواه به گوشه چشم نگری و خواه خیره شوی به آنان، تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوانان نبینند و ناتوانان از عدالتت مأیوس نگردند، که خدای متعال، از کوچک و بزرگ و آشکار و پنهان اعمالتان، از شما بندگان می پرسد.

استدلال فوق راه تمام شعارزدگی ها را می بندد. در اندیشه امیرالمؤمنین (ع) دولت مسئول تنظیم زندگی مردم است که یک قسم مهم آن معیشت است. در این میان حقوق همه اقشار محترم و با توجه به نیازشان از حیث توجه و امداد دولت متغیر است و نه ثروت سستیزی و نه فقر نوازی هیچ کدام مشی دولت نیست.

- نظارت کجا؟ مجازات کجا؟

نکته دیگر در این میان نگاه جدی به عملکرد کارگزاران است، اما پیش از آنکه به موضوع نظارت بپردازیم، به موضوع حمایت باید توجه کرد. امیرالمؤمنین در نامه ۲۷ نهج البلاغه می فرمایند که همواره به طور مخفیانه به حال و وضع کارمندان خرد و کلان که در حیطه ولایت خود داری، رسیدگی کن که نیازهای آنها برآورده شده باشد تا مورد طمع دغل بازان قرار نگیرند. اتفاقی که امروزه در جامعه در حال افزایش است در قالب فسادهای مالی کارگزاران دولت می تواند از این موضوع نشأت بگیرد که شاید خود دولت وظایفی نسبت به کارگزارانش دارد، که آن وظایف را انجام نمی دهد و ...

کارگزاران دولتی به عنوان پل ارتباطی با مردم در چتر حمایتی مردم هستند تا امورات مردم را در جامعه به سرعت و دقت برای هدف اصلی حکومت، یعنی برقراری عدالت انجام دهند و اگر خللی در این شریان حیاتی میان دولت اسلامی و مردم رخ دهد، باید با آن به سختی برخورد کرد.

نکته ای که در این میان اهمیت دارد، این است که پیش از برخورد و برای جلوگیری از برخورد نظارت است که اهمیت دارد، موضوع نظارت، در فرهنگ نهج البلاغه، به معنای مچ گیری نیست. یعنی نباید فرصت این را فراهم کرد و اجازه اشتباهی را دارد که کارگزاران زیر هر غفلتی، هر اشتباهی را مرتکب شوند و پس از آن همین دولت غفلت کرده دست به مجازات دولتمردان خود بزند. نظارت یعنی اولاً کارگزاران بدانند که یک چشم بینا و بصیری در مافوق اداری و نظارتی آنها هست و در حال نظارت است.

این نکته سلامت امور را بالا می برد و منجر به خود کنترلی میان دولتمردان می شود که از مجازات، تأثیر تربیتی بسیار بیشتری دارد.

عدالت در این مقوله هم منظور اصلی حکومت اسلامی است، و دور از عدالت است که بستر اشتباه برای کارگزار اسلامی فراهم باشد، پیش از آنکه بستر نظارت بر عملکرد او را ایجاد کند.

نسبت دولت اسلامی و مردم در نهج البلاغه خطوط ارتباطی زیادی دارد که برای پی بردن به قواعد آن باید تحقیقات بسیاری را انجام داد، اما در همین سطح که تا به حال در این منظومه انسان ساز تحقیق و تتبع شده، ضروری می نماید که مدیران در ابتدا خطبه ها و نامه های حضرت امیر المؤمنین را مورد توجه قرار دهند و تحقیقات متکی بر آن بیانات گهربار را مطالعه کنند.

رگزاران دولتی به
عنوان پل ارتباطی
با مردم در چتر
حمایتی مردم هستند
تا امورات مردم را
در جامعه به سرعت
و دقت برای هدف
اصلی حکومت یعنی
برقراری عدالت
انجام دهند



در اسلام دعوت به ائتلاف است، دعوت به وحدت است، ... این مبنای تفکر اسلامی در همه فعالیت‌ها است. البته تعامل حدودی دارد ... که در سایه دولت اسلامی قابل تحقق است.

۱۳۹۳/۰۲/۱۰

۱ میان‌داری در عرصه وحدت

اولین شاخص دولت اسلامی، شاخص اعتقادی و اخلاقی است - به‌خصوص در مسئولان رده‌های بالا - سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی می‌شود.

۱۳۹۲/۰۶/۰۶

۲ سلامت اخلاق - سلامت اعتقاد

شاخص ... دولت اسلامی، مسأله عدالت است. بنده ... معتقد نیستم به پیشرفت بدون عدالت.

۱۳۹۲/۰۶/۰۶

۳ عدالت محوری

گفتمان اصلی دولت اسلامی همین خدمت است؛ اصلاً فلسفه وجود ما جز این نیست؛ ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم.

۱۳۹۲/۰۶/۰۶

۴ خدمت‌گزاری به مردم

طرح مسأله فلسطین ... یک امر بنیانی است، از اعتقاد اسلامی ناشی می‌شود. این وظیفه دینی است، همه دولت‌های اسلامی وظیفه دارند که این کار را انجام بدهند.

۱۳۹۱/۰۵/۲۵

۵ پشتیبانی از سایر مسلمانان علی‌الخصوص فلسطین

[در دولت اسلامی] قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است.

۱۳۹۲/۰۶/۰۶

۶ قانون‌گرایی

شاخص‌های دولت

معین قوی‌دست

یک شاخص [در دولت اسلامی]، مسأله حکمت و خردگرایی در کارها است؛ کارشناسی، مطالعه درست، ملاحظه جوانب و آثار و تبعات یک اقدام، و حتی گاهی ملاحظه تبعات یک اظهار نظر.

۱۳۹۴/۰۶/۰۶

۷ حکمت گرایی و خرد گرایی

در همه نظامات جمهوری اسلامی، ... این اصل شایسته سالاری باید رعایت شود. ... این در اسلام خودش یک اصل است. تمام این تغییرها و تبدیلهایی که در اسلام وجود دارد، بر اساس این است.

۱۳۹۰/۰۷/۲۴

۸ شایسته سالاری

مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند.

۱۳۹۰/۰۷/۲۴

۹ تلاش برای شکل‌گیری جامعه اسلامی

[در دولت اسلامی یک شاخص] تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور است؛ نگاهمان به بیرون نباشد، ... امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم.

۱۳۹۰/۰۷/۲۴

۱۰ تکیه به ظرفیت داخلی جامعه اسلامی

آیا ما به عنوان دولت اسلامی، می‌توانیم هدایت فرهنگی جامعه خودمان را برها کنیم؟ قطعاً نه، جزو وظایف ماست. ریاست در جامعه اسلامی، ریاست مادی محض و صرف نیست؛ اداره امور زندگی مردم است، همراه با هدایت.

۱۳۸۸/۰۶/۱۶

۱۱ هدایت‌گری فرهنگی

دولت اسلامی بدون گسترش علم و دانایی، به جایی نخواهد رسید. گسترش آراء اندیشی هم مهم است. واقعاً انسان‌ها باید بتوانند در یک فضای آزاد فکر کنند.

۱۳۸۴/۰۶/۰۸

۱۲ تلاش برای گسترش علم و دانایی و آزاداندیشی

اسلامی در کلام رهبری



گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین سید صمصام الدین قوامی
نظریه پرداز مدیریت اسلامی و رئیس بنیاد فقهی مدیریت اسلامی

مدیریت اسلامی، نیاز به غنی سازی دارد

اشاره:

بخشی از زندگینامه علمی حجت الاسلام والمسلمین قوامی - دریافت مدرک کارشناسی رشته مدیریت صنعتی از مدرسه عالی مدیریت گیلان - تدریس بحث خارج مدیریت اسلامی با عنوان «فقه الاداره» در مرکز فقهی مدیریت اسلامی با اجازه تدریس از مرحوم آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره) - تدریس بحث خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم - مدیریت مدارس علمیه بعثت، رسول اکرم (ص)، امام محمد باقر (ع) و معصومیه (س) - تألیف کتاب «مدیریت از منظر کتاب و سنت» (پژوهش برتر سال ۸۲ از دبیرخانه دین پژوهان) و «نظریه خدمت» - مدیر پروژه پژوهشی «شیوه رهبری امام خمینی (ره)» از طرف دبیرخانه مجلس خبرگان



این مدیریت رایج
درجه غنای پایینی
دارد و باید به وسیله
متدهای اسلامی
غنای آن را بالا
ببریم

بسم الله الرحمن الرحيم. تعریفی که ما بدان رسیده ایم مدیریت غنی شده است. یعنی همان مدیریت رایج که عقلاء به آن می رسند و از بدو خلقت و در طول قرن ها تجربه و در دو قرن اخیر تدوین و تئوریزه شده است. اگر مدیریت عقلا را غنی کنیم، می شود مدیریت اسلامی. منتها غنی ساز، باید چند شرط از قبیل: اسلام و اجتهاد جواهری داشته باشد.

این مدیریت رایج درجه غنای پایینی دارد و باید به وسیله متدهای اسلامی

اولاً تشکر می کنم از شما استاد گرامی که وقتتان را در اختیار ما قرار دادید. بحث ما راجع به مدیریت اسلامی است که خدمتتان رسیدیم. اگر اجازه بدهید بنده بحث را این طور شروع کنم که در واقع چرایی و چیستی ماهیت بحث مدیریت اسلامی و تاریخچه این بحث را شما به عنوان مقدمه بفرمایید که مخاطبان ما با کلیت این بحث آشنا بشوند.



در مورد مدیریت اسلامی چگونه؟

هم در مدیریت اسلامی و هم در خود مدیریت، که هنوز نتوانسته‌ایم بگوییم این نظریه از شرق برخاسته. خب، یک ناتوانی ناشی از مجذوب بودن، که ما فقط مصرف کردیم و آن‌ها هم تولید کردند. لذا ما وابسته شدیم. هیچ وقت فرصت تفوق نداشتیم که ایراد بگیریم یا نقد کنیم.

مدیریت اسلامی در چه فضایی از اسلام رشد می‌کند؟ آیا شما پیوندش را با فقه می‌دانید؟

فقه روش آن است؛ ولی مدیریت اسلامی همین مدیریت است. ما برای مدیریت اسلامی تعریف غیر مدیریتی که نداریم. همین مدیریت است، با همین تعریف. مثلاً می‌گویند مدیریت عبارت است از به کارگیری نیروها، سازمان‌دهی‌شان، برنامه‌ریزی و نظارت به قصد رسیدن به هدف. تعریف اسلام غیر از این نیست. مگر می‌شود مثلاً برای تلفن یک تعریف دیگری کرد. مثلاً بگوییم تلفنی که گراهام بل می‌گفت یک چیز است، بعد اسلام چیز دیگری می‌گوید. یا از کامپیوتر، ما یک تعریف دیگری داریم. مدیریت یک علم کاربردی است یعنی چرخاندن و اداره کردن. هیچ مدیریتی بدون سازمان‌دهی امکان ندارد.

شما برای هر علمی اگر بخواهید مراحل مختلف رشد در نظر بگیرید، الان بحث مدیریت اسلامی را در کدام مرحله می‌بینید؟

مدیریت اسلامی الان در دوران جنین است. هنوز کشف نشده. تلاش‌هایی که توی این سی سال و چند سال شده مشکور است، منتها حیران‌مانده و حیرت‌داشته است. در مرحله کاویدن بوده. همین که وارد شدند و نیازسنجی کردند، این سعی خوبی بوده است، چون بعضی‌ها می‌گویند مدیریت اسلامی نیاز نیست. منتها کسانی وارد شدند که اهلهش نبودند. عرض کردم یا مدیریت‌دان بدون اسلام بوده‌اند، یا اسلام‌دان بدون دانش مدیریت. ما باید بدانیم که اسلام‌دانان مدیریت‌دان، به مدیریت اسلامی خواهند رسید. ما مدیریت رایج را باید از خود آن‌ها بهتر بدانیم و غنی‌اش کنیم. چون تا ندانیم مدیریت غربی و یا رایج چه هست، داریم تیری در تاریکی می‌زنیم. مثلاً می‌گویید من دارم مدیریت را اسلامی می‌کنم. خب چه را دارید اسلامی می‌کنید. مدیریت چیست؟ می‌گوید بلد نیستیم. بعد می‌آیند با ذوق و سلیقه خودشان از صفر مدیریت را درست می‌کنند.

غنی‌ای آن را بالا ببریم. مدیریت رایج که سیره عقلاست، چه نظری و چه عملی، این سیره همیشه مورد احترام اسلام بوده است. مخصوصاً فقها به سیره عقلا خیلی احترام می‌گذارند، مادامی که ردع نشود. یعنی مردود نشود و این سیره، اتصال داشته باشد به زمان معصومین. لذا این هم یک سیره اداری عقلاست. یا گاهی سیره نظری‌شان است، گاهی سیره عملی‌شان. و طبق عادت فقها باید مورد عنایت و احترام باشد. منتها چون ظرفیت بشر بالاست، لیاقتش بالاست، بیش از این حدی که الان مدیریت به آن رسیده، بشر ارزش و ظرفیت بالاتری دارد؛ لذا ما باید به کمک اسلام، مدیریت را بالا ببری و غنی‌سازی کنیم. خصوصاً پالایش بدهیم تا از این حالت کوتاه و محدود در بیاید و در همه ابعادش رشد کند. اسلام همین مدیریت را غنی می‌کند. لذا مدیریت اسلامی می‌شود مدیریت غنی شده. مثل اورانیوم غنی شده!

شما نسبت به علم مدیریت که در واقع به یک شکل از غرب وارد دانشگاه‌های ما شده و تدریس می‌شود، چه ضعف‌ها و آسیب‌هایی را مشاهده نمودید؟ و چه نتایجی را در مرحله عمل بعد از این که، همین دانشگاه‌ها مدیر شدند، احساس کردید که باید یک بخشی به نام مدیریت اسلامی وارد این مباحث بشود و اسلام بیاید به قول شما، این‌ها را پالایش کند.

ما اتفاقاً در آن قوت هم دیدیم. مدیریت رایج الان، فرسنگ‌ها از ما مسلمین جلوتر است و نمونه‌اش را هم می‌بینم. حتی در ابعاد معنوی، آن‌ها گاهی از ما بیشتر رشد می‌کنند. مثل صداقت در مدیریت، عدالت در مدیریت، مالکیت معنوی، رفتار سازمانی، فرهنگ سازمانی، پیشرفته‌تر از ما هستند. ما دو کار باید انجام بدهیم. یکی این که این عقب‌ماندگی را جبران کنیم. ثانیاً آن‌ها را عقب بیندازیم. البته ما مدیریت غربی یا رایج را، مدیریت علمی نمی‌گوییم. چون اگر بگوییم علمی، ما می‌شویم غیرعلمی. لذا این سؤال را این گونه می‌شود جواب داد که جامعه ایرانی - نه با عنوان اسلامی - نسبت به جامعه غربی که لحاظ می‌شود، باز ما عقب هستیم. چرا؟ چون آن‌را خوب تلقی نمی‌کنیم و فقط ترجمه می‌کنیم. دانشگاه‌های ما می‌خوانند. استادهای ما درس می‌دهند. بعد به کتاب تبدیل می‌شود. نوعاً هم، هر چه بحث مدیریت است همه‌اش ترجمه است. و قهرمانان مدیریت هم نوعاً در آمریکا هستند. بحث مدیریت کاربردی به‌دست خود آمریکایی‌هاست. کارگاه‌ها و لابراتوارهای مدیریت همه‌اش آن‌جا رشد می‌کند. آن وقت ما وقت ترجمه که رسید خوب ترجمه نمی‌کنیم. چون با فرهنگی که ما داریم تطابق ندارد و بومی نشده است. لذا مدیریت‌مان دچار ضعف‌هایی می‌شود: در بوروکراسی، کاغذ بازی، دولت بزرگ و فربه، کم‌کاری، مفاسد اداری، بیماری‌های اداری. اخیراً بحث سلامت اداری به صورت رسانه‌ای مطرح می‌شود.

حالا این دید ایرانی بود. از دید اسلامی هم نگاه کنیم، باز می‌بینیم که ما به عنوان جامعه مسلمین، از جامعه مسیحین و یهودین دویست سیصد سال عقب هستیم. چون ما مسلمین، اسلام را پیاده نمی‌کنیم. تنها راه نجات این است که ما آن مدیریت اسلام را کشف کنیم. آن هم باز تنها راهش اجتهاد است. به عنوان یک راه کشف، لذا اگر بخواهیم به مدیریت غربی نگاه کنیم، باید آن قدر تسلط پیدا بکنیم تا بتوانیم از آن‌ها ضعف بگیریم. ما مصرف‌کننده آن‌ها هستیم، هنوز نتوانسته‌ایم یک نظریه‌ای چشم‌گیر حتی طبق متدهای مدیریت غربی ارائه بدهیم. من در مجامعی بودم مثل دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، همایشی بود که رسماً سران مدیریت می‌گفتند ما هم نظریه‌ای نتوانسته‌ایم بدهیم.

ریت اسلامی الان در دوران جنین است. هنوز کشف نشده. تلاش‌هایی که توی این سی سال و چند سال شده مشکور است منتها حیران‌مانده و حیرت‌داشته است



اومانيسم که مثل قيچی ای است که انسان را از آسمان جدا کرد. به خاطر دوری‌شان از سرچشمه، قدشان بیش از این نکشیده.

می‌خواهم بگویم به دنبال جست‌وجوی خلاء نباشیم که این‌ها در مدیریت‌شان چه خلاءیی هست. خلاء قطعاً وجود دارد ولی کسی می‌تواند بگوید در آن خلاء هست، که با نگاه بالاتری مشاهده کند. با یک سند بالادستی. حالا نظام سیاسی اسلام که درست شده است ولی هنوز کار دارد. در این مرحله از زمان اگر ما مجهز به مدیریت اسلامی بشویم، دو کار خواهیم کرد: ۱- بشر را در غرب و شرق اوج خواهیم داد. ۲- اسلام را معرفی خواهیم کرد. و برای این کار نباید عجول باشیم. بلکه نیاز به گذشت زمان دارد.

آسیب این مطلب چیست که این حرف را می‌زنند؟

خب، این فایده‌ای ندارد. چون چیزی تولید نمی‌شود. تازه به جایی می‌رسند که می‌گویند این‌هایی که غربی‌ها گفتند: خوب هستند و پیشرفت کرده‌اند، و همان حرف‌های پیامبر را می‌زنند! نمره قبولی به آن‌ها می‌دهند. بعد بیشتر هم شایسته همین وضع موجود می‌شوند. یعنی در حقیقت در روش آن‌ها تأیید می‌شود که پیامبر و امیرالمؤمنین، روش غربی‌ها را انجام می‌دادند! حالا غربی‌ها آمدند تدوینش کردند. پس می‌گویند همین کافی است یعنی یک تأیید ضمنی یا تلویحی درست می‌شود. در نتیجه، متأسفانه این مدیریت مقدس می‌شود. هم دانشگاهی‌ها و هم حوزوی‌ها، هر دو طیف می‌پذیرند. حوزوی می‌گوید کار ما نیست، دانشگاهی هم می‌گوید کافی است. بعد با یک اسلام سطحی می‌گویند که بین پیامبر ما هم، همین را می‌گفت. امیرالمؤمنین هم که همین را می‌گفت. در صورتی که ما می‌گوییم همین خوب است ولی کافی نیست.

همین را شما دقیق‌تر بگویید که چه خلأهایی را می‌بینید که می‌گویید این کافی نیست. یعنی ما تولید علم کنیم یا نه؟ کجاست که می‌بینیم این خلأ وجود دارد و می‌خواهیم نقص آن را جبران کنیم؟

اصلاً خلاء، خلاء محتوایی نیست. خلاء، خلاء نسبی است. یعنی آن‌چه که اسلام از انسان می‌خواهد، برای تکامل بشر است که این مدیریت رایج با این سطح جوابگوی این نیاز نیست. مثل این که شما بخواهید با یک تحصیلات دوران راهنمایی همه کار انجام دهید. ما در مدیریت اسلامی می‌خواهیم بگوییم که این سطح پایین است.

یعنی بشر را تا یک جای محدودی می‌رساند.

احسنت. یعنی مثلاً ما می‌گوییم در این دوی مارا تن این شخص تا این جا آمده است. حال ما انقلاب اسلامی کردیم که به بشر امروز در پیشرفت کمک کنیم. یعنی می‌خواهیم به آن‌ها سرعت دهیم. آن‌ها به‌خاطر دوری از وحی و دوری از عصمت، فقط با اتکای به عقل خودشان خودگردان بوده‌اند. به‌خاطر آن داستان

زمان اگر ما مجهز به مدیریت اسلامی بشویم، دو کار خواهیم کرد: ۱- بشر را در غرب و شرق اوج خواهیم داد. ۲- اسلام را معرفی خواهیم کرد

از مدیریت اسلامی تا دولت اسلامی

می‌شوند از مبانی بینشی. بعد که مبانی درست شد، می‌آییم سراغ اصول. «اصول»، راه‌های رساننده ما - بر اساس مبانیی که ساختیم - به آن هدف معین هستند. به عنوان مثال، قله‌هایتان می‌شوند هدف، آن زیربناهای این کوه بزرگ و راسخ مبنای شماست. و مسیرهایی که انتخاب می‌کنید و قرار است بروید و برسید به قله، آن را اصول می‌گوییم. لذا اصول و مبنا دو تاست.

هر نظامی چه اقتصادی، چه نظام سیاسی اسلام، چه نظام اداری اسلام، چه نظام تربیتی اسلام، به این مثلث نیازمند است. حالا ما در نظام مدیریت اسلامی برای هر کدام از این‌ها که قفسه‌بندی می‌کنیم، تکلیف‌مان روشن می‌شود. مثلاً می‌گوییم هدف مدیریت اسلامی مدینه فاضله یا حیات طیبه است. که باید این را تعریف کنیم. خب؛ حالا که این اهداف را چیدیم، همین اهداف قامت انسان را بلند می‌کند. بعد فرض کنید همان مدینه فاضله، همان است که پیامبر می‌خواهد. و

در همه علوم مخصوصاً علوم انسانی، هر تعریفی که می‌کنید می‌گویند جامع نیست، مانع نیست. ولی در عین حال ما به این تعریف اعتقاد داریم که مدیریت اسلامی، مدیریت غنی شده هست. یعنی مدیریت اسلامی همین مدیریت رائج است، با وصف غنی شده. در حقیقت ما چیز دیگری نداریم که غنی کنیم. منتها برای این کار باید یک نظام درست کنیم. نظام‌ها معمولاً مثلث هستند. ضلع بالا «هدف» است. یک ضلع «مبانی»، و ضلع دیگر «اصول» است. «هدف» آن است که، مدیریت اسلامی برای رسیدن به آن تلاش می‌کند. «مبانی» آن است که ما بر پایه آن حرکت می‌کنیم. یعنی مبنای بنای ماست. که معمولاً دو دسته هستند: مبانی ارزشی و مبانی بینشی، که مبانی بینشی همان اصول اعتقادات ما را تشکیل می‌دهند و آن مبدأ و معاد است. دو رکن و یک فرد کاملی که توانسته این دو رکن را در خودش پیاده کند. و یک مبانی ارزشی داریم که این مبانی ارزشی روییده

طرحی برای حکومت مسجد

امامت و امارت

چرا نماز امری حکومتی است

یادداشت شفاهی از
حجه الاسلام
سید
مصمصام‌الدین
قوامی

از آنجا که به طور کلی نماز دارای دو جنبه امامت و امارت است. یعنی امام امیر است و امیر هم امام. این امام، چه جمعه باشد و چه جماعت، چه امام امت باشد و چه امام استان و امام شهرستان باشد و چه امام مساجد جامع و بازار و محله، در این سلسله نقشی حکومتی و ولایی پیدا می‌کند. در نتیجه خداوند چنین اجتماعی از مردم را کارگردانی کرده است. روزی سه بار با نوای اذان و به صورت طاهر دورهم جمع می‌شوند و در یک برنامه کاملاً برنامه‌ریزی شده حضور می‌یابند. با رفتار و فرهنگ از پیش تعیین شده و خاص، با آیین‌نامه و احکام و استانداردهای معنوی خاص که در آن وظایف امام و مأموم به صورت مشخص بیان شده و مدیریت جماعت و بسیاری موضوعات از این دست همه این‌ها نشان می‌دهد که نماز یک امر حکومتی است و نماز جمعه و جماعت تمرین و مانور هر روزه و هر هفته یک حکومت دینی است.

ولایت در نماز

بنابراین امام وقتی در محراب می‌ایستد مأموم باید مثلاً صدای خود را بالاتر نبرد و حرکات از امام عقب نگیرد. این یعنی تمرین تبعیت از ولی امر در مانور هر روزه. او را فصل الخطاب بدانند. صدای خودش را بالاتر نبرد و حرکت آخر را حرکت او بدانند. و همچنین اعضای شرکت‌کننده در نماز نیز باهم ارتباطاتی دارند. صف اول نخبگان و خبرگان هستند صف‌های بعدی باید منسجم باشند. تا صف‌های بعدی تشکیل نشده صف‌های بعدی تشکیل نشود خود این یک سازمان‌دهی و نظم‌ی شگفت‌آور و هر روزه است.

حکومت مسجد

بنابراین در مسجد بودن خودش حکومت است و جمعه بودنش یک نوعی حکومت است و حکم می‌خواهد. اگر این دیدگاه را بپذیریم که امام جماعت در یک مسجد، بهره‌ای از ولایت را دارد. همان‌طور که ولی فقیه داری سه قوه قضاییه، مقننه و مجریه است، امام مسجد هم باید قوه قضاییه داشته باشد برای رفع اختلافات مردم، قوه مقننه برای وضع قوانین و سیاست‌گذاری و قوه مجریه داشته باشد برای توسعه و مدیریت اجرایی. امامت جمعه شهرستان و استان هم همین‌طور سه قوه خواهند داشت. اگر این مسئله در خصوص رهبری درست است، پس در امام‌های جماعت و جمعه باید باشد. مسجد با جماعت کوچکش مثل مدینه النبی است. پیامبر(ص) هم امام‌جمعه بوده و امام جماعت بوده و همان‌طور که در نماز از ایشان تبعیت می‌کردند در حکومت و سیاست و مدنیت هم از او تبعیت می‌کردند. در قضاوت‌ها هم تابع بودند. جماعت و نماز را نباید دست کم گرفت.

ما اسم این طرح را «امامت و امارت» گذاشته‌ایم. در این صورت مردم به جماعت بیشتر روی می‌آورند چون احساس می‌کنند مشکلات دینی و دنیوی‌شان در مسجد حل می‌شود، مشکلات مادی و معنوی‌شان حل می‌شود. به مسجد روی می‌آورند. مسجد مدیریت منطقه خودش را به عهده می‌گیرد و بار را از دوش حکومت برمی‌دارد. جماعت همان‌طور که ایجاد معنویت می‌کند تولید سیاست و مدیریت هم می‌کند و دنیا و آخرت تأمین خواهد شد و اصولاً فلسفه نماز جماعت همین است. حضرت پیامبر(ص) و حضرت امیر(ع) هم امیر بوده‌اند و هم امام. بعدها امارت به سمتی رفت و امامت به سمتی دیگر. حالا در زمان جمهوری اسلامی امامت با امارت متحد شده است. مقام معظم رهبری هم امام است و هم فرمانده و هم ولی فقیه. از این فرصت باید استفاده کرد. تمام ائمه را ولو امام یک روستا یا استان و شهرستان را با این الگو متحد کرد.

علوم اداری است. اصلاً در علوم سیاسی هیچ‌گاه از حقوق و دستمزد بحث نمی‌کنند. ولی در علوم اداری و در مدیریت بحث می‌کنند. البته آن خودش یک مدیریت کلان است. نظام سیاسی، هزار سال طول کشید؛ از مرحوم کلینی تا امام خمینی(ره) زمان گذشت تا ولایت فقیه از آن دوران مهوریت و انزوا خارج شد. هم‌چنین هزار سال دیگر وقت، برای نظام اداری اسلامی می‌خواهد. لذا به نظر من این نقیصه به نظام اسلامی نیست، نظام اسلامی، ایده آل است، ولی این که ما بگوییم نظام اداری ضعیف است، تقصیر نظام سیاسی نیست، منتهی ما داریم میانبرهایی پیدا می‌کنیم. حال چون خود نظام اسلامی، حامی مدیریت اسلامی است، باید هم‌خوان و هم‌خون باشند. نمی‌شود این نظام اسلامی را که بسیار بلند بالا شده، و این داعیه را دارد که کامل‌ترین نظام جهان بشری است، این وضع موجودش باشد که نظام اداری‌اش بسیار کوتاه باشد. یعنی الان در نظام اداری مفسده هست، کم‌کاری، بی‌کاری پنهان، اختلاس، و گزینش‌های نادرست هست. هر فردی در مسیر غیر تخصصی استخدام می‌شود. دانشکده مدیریت، همه‌اش از غرب تغذیه می‌کند. در حالی که غرب، قدرت غذایی ندارد، مثل فست‌فود و پیتزا است. مثل شیر خشک است، شیر مادر نیست. شیر خشک، آدم را بزرگ می‌کند ولی ارزش غذایی شیر مادر را ندارد. ما می‌گوییم، مدیریت اسلامی مثل شیر مادر است، و مادر به مثابه نظام اسلامی است. یعنی فرد و جامعه، باید از آن شیرینی که نظام اسلام دارد، تغذیه شود و الا دچار خلل و مشکلات می‌شود. لذا الان که سی سال از انقلاب گذشته، تازه در مرحله استارت و شروع هستیم و خوب هم هست. احساس نیاز، یک پیروزی است. چون در دهه اول و دوم انقلاب برخی می‌گفتند: این مسائل، خیلی نیاز نیست، ولی الان همه می‌گویند که نمی‌شود نظام اسلامی را با مدیریت غیر اسلامی اداره کرد.

شاید خلطی که گاهی اوقات می‌شود، برابری و یکی بودن مدیریت مسلمانان و مدیریت اسلامی است و بعضی‌ها بر این باورند که مدیریت اسلامی یعنی مدیریت یک فرد مسلمان.

نه اصلاً این‌طور نیست. الان مدیریت اروپا و چین، به مراتب اسلامی‌تر از ایران است! ما یک قانونی داریم که اگر، هر جا نظم نیست، اسلام نیست. هر جا پروژه‌ها تأخیر می‌افتد، اسلام نیست. چون این‌ها با اسلام تناقض دارد. زیرا اگر اسلام بیايد، پیشرفت نیز می‌آید. اگر پیشرفت نیست پس اسلام هم نیست. این را اگر ما به صورت یک قاعده‌ی مادر بپذیریم همه مشکلات حل می‌شود. چرا در غرب، پیشرفت است، چون نظم حاکم است. این نظم، در فطرت اسلام هم موجود است. لذا ما الان، مدیریت اسلامی نداریم. با این حال، نسبت به اجرایی شدن مدیریت اسلامی در همه شؤن امیدواریم.

ما یک قانونی داریم که اگر، هر جا نظم نیست، اسلام نیست. هر جا پروژه‌ها تأخیر می‌افتد، اسلام نیست. چون این‌ها با اسلام تناقض دارد

مسجد

دریچه

مهدی منتظری

موضوع فعالیتهای اجتماعی بانوان و حضور آنها در بافت فرهنگی جامعه در همه دورانها به ویژه در سالهای اخیر معرکه نقد و نظر کارشناسان عرصه دین و فرهنگ بوده است. در این میان مسجد به عنوان قوی ترین پایگاه و امن ترین جایگاه و نهادی بنیادین تاثیر گذاری خود را در خانواده و جامعه اثبات کرده است. مسجد تنها در و دیوار و گنبد و گلدسته نیست بلکه نرم افزاری است که قابلیت شکوفا کردن توانمندی بانوان را با توجه به خلقت خدادادی آنها دارد. مسجد یعنی محل ارتقاء روحی و فکری بشریت.

در این پرونده به برخی از سؤالات زیر پاسخ داده شده است:

آیا حضور بانوان در مسجد از منظر فقه اشکال دارد؟

حضور بانوان در مسجد تا چه حدی ضروری است؟

مسجد چه ظرفیتهایی از قشر بانوان را فعال میکند؟

اینکه بانوان عضوی از کادر مسجد باشند چه مزایا و معایبی دارد؟

مسجد در خدمت رسانی به بانوان از چه ظرفیتهایی برخوردار است؟

چه مولفه هایی در معماری مسجد با توجه به حضور بانوان باید رعایت شود؟

مسجد ماه

مسجدی که تا چهل همسایه می درخشد

مسجد کار آفرین

بانوان و مسجد

بانوان گنبد فیروزه‌ای

حضور حداکثری و تصمیم سازی حداقلی

خانم ها از اینجا بر جامعه تاثیر می گذارند

از یاد رفته‌ها

پای حرف‌های یک بانوی فعال مسجدی

مستقیم! مسجد...

حضور بانوان در مسجد

تاریخ گواهی می‌دهد...

ایده‌هایی که صحن مسجد را رونق می‌بخشد



گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین حمید رضا رضایی امام جماعت مسجد امیرالمؤمنین (ع) شهرک شهید محلاتی تهران

مسجدی که تا چهل همسایه می درخشد



ستاد ازدواج، باشگاه ورزشی، مهد کودک با پذیرش ماهانه، سالانه و ساعتی، تشکیل شورای امر به معروف و نهی از منکر متشکل از فرهیختگان محل، ستاد کارآفرینی که این ستاد اطلاعات دختران و پسران و بازنشستگان جویای کار و اشخاصی که دنبال نیرو برای اشتغال هستند را می گیرد و به هم معرفی می کند. مهم تر از همه مشاوره کارآفرینی است که به جوانان و افراد جویای کار می دهیم. بسیج خواهران که تا کنون حدود چهل حلقه صالحین در رده های سنی مختلف دارند، دارالقرآن الکریم که برگزاری دوره پنج ساله حفظ و تفسیر قرآن کریم - که چند ماه قبل تمام شد - و کلاس مترجمی قرآن، ساخت مسجد در مناطق محروم که روستاهای محروم را که مسجد ندارند شناسایی می کنیم و با همیاری مردم برایشان مسجد می سازیم. تا کنون سه مسجد ساخته و تکمیل شده که یکی دو تا از صفر شروع شد و دیگری نیز نیمه کاره بود و تکمیل شد، صندوق خیریه و قرض الحسنه، قربانی ماهانه که در این طرح افرادی که خودشان به تنهایی نمی توانند قربانی کنند، با مشارکت یکدیگر ماهیانه گوسفندی را قربانی می کنند.

به ستاد ازدواج اشاره فرمودید. فعالیت این ستاد را از چه زمانی و با چه هدفی شروع کردید؟

من شاید بیست سالی بود در فکر آن ستاد ازدواج بودم، ولی توقیفش

زندگی اش دو بخش دارد، حضور در مسجد و حضور در خانواده. کفه حضور در مسجد اما سنگین تر است. وقتی

مهدی عبدالحی

با حجت الاسلام والمسلمین حمید رضا رضایی امام جماعت مسجد امیرالمؤمنین (ع) شهرک شهید محلاتی درمورد فعالیت های این مسجد به گفتگو نشستیم، تازه فهمیدیم یک مسجد تا چه اندازه می تواند در حوزه های مختلف ظرفیت سازی کند. از مباحث معرفتی و تربیتی گرفته تا زمینه سازی برای کار و ازدواج جوانان و حل بسیاری از مضامین دیگر. آنچه می خوانید گوشه ای از خدمات مسجد امیرالمؤمنین (ع) از زبان ایشان است.

به عنوان اولین سؤال بفرمایید مسجد چه برنامه هایی برای مأمومین و اهل محل دارد؟

برنامه های مسجد با توجه به جنسیت و سن افراد مختلف تعریف شده است. سعی شده همه اقشار محل بتوانند در برنامه های مسجد مشارکت داشته باشند. خیلی تیتروار بخواهم خدمتان عرض کنم، بخش های فعال ما در مسجد کتابخانه به تفکیک برای برادران و خواهران، حوزه علمیه پاره وقت برادران و خواهران زیر نظر حوزه علمیه امام خمینی و حوزه علمیه بانو امین،

پیشنهادی به پدرها و مادرها

بعضی پدر و مادرها مراجعه می کنند به بنده که فرزند ما اصلاً مسجد نمی آید، پدر و مادر هر دو مسجدی، اشک می ریزند که مثلاً فرزندم آرایش می کند، یا پسر نمازش را گاهی ترک می کند. بنده به اینها راهکارهایی پیشنهاد می دهم؛ می گویم ببینید در مجتمع خود هیئت راه بیندازید اما اسمش را هیئت نگذارید. از همان دوستانی مثل دوستان فرزندان دعوت کنید. شخصی را هم دعوت کنید که بتواند با اینها به صورت پرسش و پاسخ، برنامه تعاملی داشته باشد. متکلم واحد نباشد. ما به اینها هزینه

پذیرایی می دهیم. این در یک فرآیندی ممکن است شش سال بعد، ده سال بعد، مسجدی بشود؛ ولی اگر بخواهیم الان این جوان مسجدی بشود، نتیجه نمی گیریم. بعضی از همین جوان هایی که در جلسات مجتمع شان شرکت کرده بودند بعد از چند ماه در اعتکاف شرکت کرده و بعد از اعتکاف، تحولی برای او ایجاد شده و کم کم مسجدی شدند. پیشنهاد این است که پدر و مادرهای مذهبی از فرزندان شان انتظار نداشته باشند که حتماً این فرزند مسجد بیاید. به اینها محبت کنند، «الناس عبید الاحسان» پدر و مادر اصلاً برخورد دفعی نداشته باشند، چون هر برخورد دفعی در این فضای آلوده مجازی و اجتماعی، باعث می شود این فرزند بیشتر به طرف گمراهی برود.

بدون بودجه فرهنگی مسجد فلج است

طرحی خدمت حاج آقای حاج علی اکبری پیشنهاد دادند که طبق آن، شهرداری - که در هر محله ای اقدام به تأسیس مرکز خرید متمرکز می‌کند - در هر مرکز خرید، پنج تا ده مغازه را به مسجد آن محل اختصاص بدهد، به جای آنکه بخواهند دور هر مسجدی، تعدادی مغازه ایجاد کنند. درآمدهای آن مغازه ها نیز با اختیار تام در دست هیئت امنای آن مسجد باشد. مغازه ها هم فقط اجاره داده بشود، نه سرقفلی؛ همان کاری که ما در مساجد شهرک کردیم.

مسجدی که برای کار فرهنگی بودجه نداشته باشد، واقعاً فلج است. من از بعضی ائمه جماعات با سابقه و مسن تهران تحقیق کردم، می‌گویند اصلاً مسجد نیاز به بودجه اقتصادی دارد. منتها باید این نکته رعایت شود که امام جماعت اگر نان شب نداشته، به هیچ وجه به مردم رو نیندازد. الان بنده از مسجد حقوقی نمی‌گیرم، ولی افتخارم این است که مسجد فضای اقتصادی دارد و ما دقیقاً همه درآمدهای این فضای اقتصادی را صرف خود مسجد می‌کنیم؛ ولی فکر می‌کنم باز هم ما خیلی ناتوان هستیم. اعتقادم این است که هر مسجدی باید سه چهار دستگاه خانه داشته باشد تا بتواند سه چهار طلبه جوان را در این خانه‌ها ساکن کند و از آنها در مسجدداری و جذب جوانان بهره‌بردار.

فراهم نمی‌شد. ولی در این مسجد که مطرح کردم دو نفر از خواهران بازنشسته آموزش و پرورش به بنده مراجعه کردند و گفتند ما همین کار را در خانه انجام می‌دهیم، دفتری داریم، ساعت به خصوصی را برای این کار قرار دادیم و زوج‌های جوان را به هم می‌رسانیم و از این ایده استقبال می‌کنیم، سپس ما چند جلسه کارشناسی گذاشتیم. فرم‌هایی برای دختران و پسران به تفکیک تهیه شد، نحوه مصاحبه، نحوه پذیرش و کار پیش رفت و در سیستم نرم‌افزاری ستاد جوری برنامه را با کدگذاری تنظیم کردیم که اطلاعات افراد محفوظ بماند. الان خواهران و برادران فرهیخته هفته‌ای یک روز می‌آیند در مسجد مستقر می‌شوند و با اشخاصی که مراجعه می‌کنند،

مصاحبه می‌کنند. سه ماه یک بار هم ما یک جلسه فصلی مشترک داریم و نقاط ضعف و مشکلاتی که هست، چه مشاوره‌هایی به جوان‌ها داده بشود و چه نقاط ضعفی در ازدواج‌ها هست که ما فرهنگ‌سازی کنیم و به سخنران‌ها بگوییم در لابه‌لای مطالب‌شان بگویند.

یکی از کارهایی که توفیق آن را داشتید فعالیت مسجد امیرالمؤمنین (ع) جهت مسجدسازی در مناطق محروم بوده، چگونه مسجد شما به این توانمندی دست پیدا کرده است؟

برنامه‌ای که داریم و خدا را خیلی شاکر هستیم، ساخت مسجد در مناطق محروم است. از آنجا که مردم هر محله‌ای به اسم مسجد خودشان یک تعصب ناخودآگاه دارند، به اهل محل گفتیم می‌خواهیم در مناطق محروم به اسم همین مسجد امیرالمؤمنین (ع) مسجد بسازیم، روستاهای محروم

را که مسجد نداشتند و در مجاورت اهل سنت - که حتی بیم این بود که بافت مذهبی‌اش تغییر پیدا کند - آن‌ها را شناسایی کردیم و با کم شروع کردیم. ولی چقدر مردم استقبال کردند. یعنی شما در تهران شاید با چند میلیارد بتوانید یک مسجد بسازید اما در مناطق محروم با عواملی که شناسایی کردیم با حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون راحت می‌شود یک مسجد خیلی خوب و آجری شیک با کولر گازی و پنکه سقفی در حد مثلاً یک مسجد کوچکی که کفاف آن روستا را بدهد ساخته می‌شود. الحمدلله تا به حال سه تا مسجد ساخته و تکمیل شد. یکی دو تا از صفر شروع شد. ولی بقیه‌اش هم نیمه‌کاره بود که ما شناسایی کردیم و مساجد نیمه‌کاره را تکمیل و افتتاح کردیم.

برای جذب پشتوانه مالی طرح‌های مسجد، از کجا شروع کردید؟ از مشارکت مردمی، نهادها، خیرین، ظرفیت محل؟

بستگی به جاهای مختلف دارد. مثلاً در بعضی از مراکز شمال تهران یا بعضی از شهرستان‌ها بعضی افراد خیر وجود دارند. باید اولاً خیرین را شناسایی کرد و ثانیاً خودمان را به آنها معرفی کنیم که به ما اعتماد کنند.

یک راه دیگر این است که از موقعیت‌ها استفاده کنیم. مثلاً ما اوایل در مدرسه نماز می‌خواندیم. در روز ظهر عاشورا یکی از مسئولین آمد. ما ایشان را دعوت کردیم و بردیم سر زمین و زمین را به ایشان نشان دادیم. همان جا کلید خورد و پیگیری کردیم تا به نتیجه رسیدیم. البته یک اصطلاحی است که می‌گویند که هر نامه‌ای که می‌رود، دو تا پا هم باید همراه آن برود. یعنی اگر ما نامه را بفرستیم و پیگیری نکنیم، نتیجه نمی‌گیریم.

الحمدلله تا به حال سه تا مسجد ساخته و تکمیل شد. یکی دو تا از صفر شروع شد. ولی بقیه‌اش هم نیمه‌کاره بود که ما شناسایی کردیم و مساجد نیمه‌کاره را تکمیل و افتتاح کردیم





جذب آنها به مسجد برنامه یا ایده‌ای دارید؟

امام جماعت باید وقت بگذارد، به جوان محبت کند. یک نوجوان و جوانی که به مسجد می‌آید، یک نفر بایستد در را برای او باز کند. به جوانی که وارد مسجد می‌شود احترام بگذاریم. جای خودمان را هم در صف اول به او بدهیم که ببیند چقدر مسجدی‌ها محبت می‌کنند. من شنیدم یک امام جماعتی در مشهد خودش می‌رفت کسانی که تازه یک بار به نماز جماعت آمده بودند با عبايش به ماشین این‌ها می‌کشید و تمیز می‌کرد. این قدر به این‌ها اکرام می‌کرد تا آن فرد متأثر می‌شد و دفعه بعد هم به مسجد می‌آمد. بنده می‌گویم یک نوجوان یا جوانی که می‌آید مسجد، مثل هتل‌ها که یک

نفر می‌ایستد در را باز می‌کند، باید این طوری به او احترام بگذاریم. جدی‌ترین مانع بر سر راه حضور فعال جوان‌ها در مساجد، عدم توانایی امام جماعت است. اعتقاد این است که اگر بخواهد مسجد یک مسجد فعال باشد، یک امام جماعت می‌خواهد که تمام وقت در این فضای فرهنگی با چهار نفر طلبه جوان - به عنوان دستیار، نه نایب - همکاری کنند و حضور فعال داشته باشند تا بتوانند پاسخگوی سؤالات و نیازهای جوانان باشند.

مانع دیگر بر سر راه حضور فعال جوانان در مسجد، عدم امکانات است. یعنی باید از نظر انسانی، مادی و فضا و هم از جهت بودجه، امکانات فراهم باشد، تا جوان حضور فعال در مسجد داشته باشد.

همه جوانها که مسجدی نیستند. برای ترغیب آنها به مسجد برنامه مجزایی دارید یا فقط روی نوجوانان و جوانان مسجدی کار فرهنگی می‌کنید؟

بله، برای این موضوعی که مطرح شد تعاملی با مدارس اطراف شهرک داریم، و سعی کردیم آن‌ها را دعوت کنیم، هفته‌ای یک بار بیايند در نماز جماعت شرکت کنند و خود بنده به تناسب در آن مدارس برنامه داشته باشم. آن‌ها هم برنامه‌های خوبی داشتند. مثلاً امسال در ماه محرم در روزی که معمولاً ذکر

مردم را چگونه به مشارکت دعوت می‌کنید؟

سعی می‌کنیم اعلام عمومی داشته باشیم. ما هم حساب بانکی اعلام کرده‌ایم و هم شب‌های جمعه که مردم خیرات می‌کنند، موضوع را با آنها در میان می‌گذاریم. چون اینجا بیشتر حقوق‌بگیر هستند، توانایی مشارکت دارند؛ یکی می‌تواند دو هزار تومان کمک می‌کند، یکی دیگر یک میلیون تومان کمک می‌کند. هر کس به اندازه خودش. مخصوصاً شب‌های قدر افراد خودشان می‌آیند و می‌گویند که شب قدر امسال یادتان نرود برای مسجدسازی پول جمع کنید.



باید وقت گذاشت برای مردم

مردم چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه فرهنگی، خیلی مشکل دارند. باید برای اینها وقت بگذاریم. نمی‌شود من بگویم آقا من دانشگاهم را می‌روم، تدریس را می‌روم، همه این کارها را انجام می‌دهم، برای مسجد هم نیم ساعت وقت می‌گذارم! به نظر بنده اگر کسی می‌خواهد امام جماعت این طوری باشد، امام جماعتی را قبول نکند. چرا که به آن محل دارد ظلم می‌کند. مگر این که چند تا دستیار خوب جوان روحانی داشته باشد و آنها این نقش را بر عهده بگیرند. باید وقت گذاشت برای مردم، باید وقت گذاشت برای فعالیت‌های فرهنگی در مساجد. من گاهی اوقات به نمازگزارهای خودمان خصوصی عرض می‌کنم که اگر این فضای مسجد دست کفار بود، از این فضا چقدر استفاده می‌کردند؟ چرا باید مساجد ما از صبح تا شب فقط موقع نماز در آن باز باشد؟ و چرا بعضی از مساجد حتی نماز صبح یا ظهر در آن بسته است؟!

ارتباط شما و کادر مسجد با همسایگان و به مشارکت گرفتن آنها در امور مسجد چگونه است؟ چه راهکاری دارید؟

سیستمی را تنظیم کرده‌ایم که هر ساکن جدیدی که وارد محله می‌شود، یک شاخه گل و نامه‌ای به عنوان خوش‌آمدگویی به او تقدیم شود، که هم مسجد را به او معرفی کنیم و هم از او درخواست همکاری داشته باشیم. یک تجربه موفق کاری بوده که من در مسجد سابق شروع کردم، اینکه امام جماعت بیايد با هر مجتمع مسکونی، هفته‌ای یک بار جلسه بگذارد. ساعات آخر شب هم باشد که همه بتوانند بیایند. آنها مشکلاتشان را بگویند، امام جماعت هم مشکلات را بشنود و اگر ارتباط و توانایی برای حل آنها دارد، اقدام کند. از آن طرف در این جلسات، خیلی از نیروها را می‌توان شناسایی کرد. در این سال‌ها کار فرهنگی که انجام می‌دهم، بعضی از نیروهای بسیار پای کار بنده، کسانی هستند که در آن جلسات شناسایی کردم.

آیا جوانان در مسجد امیرالمؤمنین جایگاهی دارند؟ برای

مصیبت حضرت قاسم(ع) خوانده می‌شود، مدارس را دعوت کردیم و آمدند در مسجد سینه‌زنی کردند. یکی از مدارس، پنج روز برنامه خودش را در مسجد برگزار کرد و مسجد هزینه پذیرایی را با کمال میل پذیرفت.

برای سؤال آخر اگر پیشنهادی به مرکز رسیدگی به امور مساجد دارید بفرمایید؟

جماعت بشود، ولی برای امام جماعتی موفق نباشد. خدا رحمت کند حاج آقا مجتهدی می‌فرمودند: اگر رفتی یک جایی دیدی که بعد از یک مدتی نمازگزارهای شما کم شدند، بدان تو به درد امام جماعتی نمی‌خوری. یعنی یک طلبه را مثلاً بیایند چک کنند و ببینند این برای امام جماعتی به درد می‌خورد، رشدش بدهند، لوازمات و یک درس‌های تخصصی برای امام جماعتی بگذارند، در زمینه تفسیر و دیگر مسائل. الان خیلی از طلبه‌ها دارند درس خارج می‌خوانند و پیش می‌روند. ولی بعضی اوقات بعضی درس‌ها



به نظرم می‌رسد همان طوری که حوزه علمیه تخصصی شده و مبلغ تربیت می‌کند باید به همین ترتیب امام جماعت هم تربیت کند. امام جماعتی خودش یک فن است. الحمدلله از زمانی که حاج آقا حاج علی اکبری آمدند واقعاً یک تحولی شده. هر از چند گاه طلبه‌ها را دعوت می‌کنند تجربیاتشان را بیان می‌کنند، کارهای خیلی قشنگی کردند، خود بنده هم چند بار آمدم مصاحبه کردند فقط برای جمع‌آوری و احصاء. ولی این‌ها مدون بشود، حتی یک بانک اطلاعاتی باشد، گفته بشود. یعنی ما باید برویم به این سمت که این سرمایه بزرگی که خدای متعال به ما داده، یعنی مساجد، از آن استفاده بهتر بکنیم و به مسجد طراز برسیم. یک طلبه‌ای ممکن است بخواهد امام

برای طلبه‌ای که امام جماعت است، شاید اولی باشد؛ چه در زمینه تفسیر، چه کار با نوجوان و چه کار با مردم. مثلاً یک جوانی می‌آید یک مرتبه به بنده می‌گوید حاج آقا من عاشق شدم. طلبه باید مهارت حل مشکل داشته، باشد یعنی باید روان‌شناسی بداند. گاهی اوقات یک نسخه غلط دادن ممکن است این فرد را به کل از مسجد و دین زده کند.

گفتگوی بسیار شیرینی بود از اینکه وقت خود را در اختیار نشریه مسجد قرار دادید سپاسگزاریم.

خدا رحمت کند
حاج آقا مجتهدی
می‌فرمودند اگر رفتی
یک جایی دیدی که
بعد از یک مدتی
نمازگزارهای شما
کم شدند بدان تو
به درد امام جماعتی
نمی‌خوری

مصاحبه با آقای مرتضی سمندي زاده مسئول ستاد کار آفرینی مسجد امیر المومنین علیه السلام

مسجد کار آفرین

ابوذر کمال

اشاره: آقای مرتضی سمندي

زاده عضو هیئت امنای مسجد

امیرالمؤمنین (ع) در شهرک شهید

محلاتی تهران است که مسئولیت ستاد کارآفرینی این مکان مقدس را بر عهده دارد و فعالیت‌های وی در این حوزه می‌تواند الگوی مناسبی برای دیگر مساجد باشد. پای صحبت‌های وی نشستیم تا هر چه بیشتر از تجربیاتشان استفاده کنیم.



شما چگونه به ضرورت پرداختن به بحث کارایی و کارآفرینی در مسجد رسیدید و آغاز کار به چه ترتیبی بود؟

گاهی دیده می‌شود که نیازمندان برای کمک به مسجد مراجعه می‌کنند که اگر کاری برای آنها فراهم شود مشکل آنها به شکل اساسی حل می‌شود. از طرفی جوانان مسجد برای این که ازدواج کنند و زندگی مشترک پایداری داشته باشند نیازمند کار هستند. در آغاز روند کارآفرینی در مسجد خیلی‌ها مخالفت می‌کردند، برخی می‌گفتند کاری که یک دولت و وزارتخانه نمی‌تواند انجام دهد چگونه از یک مسجد برمی‌آید؟! ولی ما می‌گفتیم: آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید. وقتی آن شخصی که دچار مشکل مالی است و به مسجد مراجعه می‌کند و جوان‌هایی که بیکار هستند را می‌بینیم، نمی‌توانیم در مقابل آن‌ها ساکت باشیم و در حدی که در توان خودمان هست باید اقدامی بکنیم.

در اینجا تدبیر خوبی اندیشیده و یک بانک اطلاعاتی از افراد جویای کار فراهم شد. اطلاعات اولیه جوان‌ها اعم از اطلاعات فردی، تحصیلی، تجربی، و مهارتی‌شان را وارد این بانک کردیم. از طرف دیگر از افرادی که صاحب کار بودند و یا این که فرصت‌های شغلی سراغ داشتند، خواهش کردیم که به ما کمک کنند یا حداقل به ما اطلاعاتی بدهند تا بتوانیم این جوان‌ها را روانه کار کنیم. این مربوط به بخش کارایی.

این بانک اطلاعاتی تا امروز به کجا رسیده است و چگونه کارها را پیگیری می‌کنید؟

ما تا امروز حدود چهارصد نفر را ثبت‌نام کرده‌ایم. در این مدت کارایی را مثل یک اورژانس و فوریت در یک بیمارستان برای کارمان قرار دادیم. یک بیمارستان هم کار بالینی می‌کند، هم کار اورژانسی. صاحبان کار که نیاز

به افراد توانمند دارند به ما مراجعه می‌کنند. ما افراد ثبت نام شده را بنابر توانمندی‌ها و نیازهای کارفرمایان معرفی کردیم که غالب افراد به همین شکل معرفی شده‌اند. متنها چون موضوع کار یک موضوع دو طرفه میان کارفرما و جویای کار است، همه افراد موفق به جذب به بازار کار نشده‌اند.

برخی از جوان‌ها هم هستند که ما باید آنها را به توانمندی برسانیم و مقدمات کار را برای آنها فراهم سازیم. در این رابطه ما فعلاً دو تا دوره را فعال کرده‌ایم، یک دوره هم در حال فعال شدن داریم. یک دوره آموزشی حدود بیست و پنج نفره برای پرورش قارچ و یک دوره گوهرتراشی که سه مقطع آموزشی دارد. دستگاهی هم به صورت قسطی در اختیارشان قرار می‌گیرد که سنگ‌های خام را تبدیل به سنگ‌های زینتی قابل فروش در بازار کار آماده می‌کنند. بسیج ناحیه هم وارد عمل شد و با قراردادهای که بسته شد در مرحله اول دوره‌های آموزشی به صورت رایگان برگزار شد. کار سومی که آموزش می‌دهیم زینورداری است؛ البته به صورت نیمه صنعتی و خانگی. موقعیت شهرک ما طوری است که این امکان را ایجاد می‌کند.

حال جوانانی هستند که خود مهارتی داشته و قصد شروع به کار را دارند و نیاز به مشاوره شغلی دارند. این جوانان سؤالاتی دارند درباره شروع کار و روند ادامه و موفقیت در کار خود که ما با مشاوره شغلی به آنها کمک می‌کنیم.

یکی دیگر از خدمات ما استعدادیابی درباره مشاغل مختلف است. مشکل ما در مورد اشتغال تنها بیکاری نیست، بلکه افرادی هستند که به کار خود علاقه نداشته و یا استعداد خود را در زمینه کار خاصی نمی‌شناسند. در این باره یکی از کارشناسان آمدند در ارتباط با موضوع استعدادیابی یک طرحی را تحت عنوان طرح هالند مطرح کردند. در این تست با طرح سؤالاتی فرد می‌تواند به استعدادهای خود پی ببرد که باید وارد کار اقتصادی، پژوهشی یا آموزشی شود. این استعدادیابی شغلی روند تحصیل را هم برای او روشن می‌کند و فرد عمرش را برای چیزی که در آن هیچ استعداد و علاقه‌ای ندارد تلف نمی‌کند.

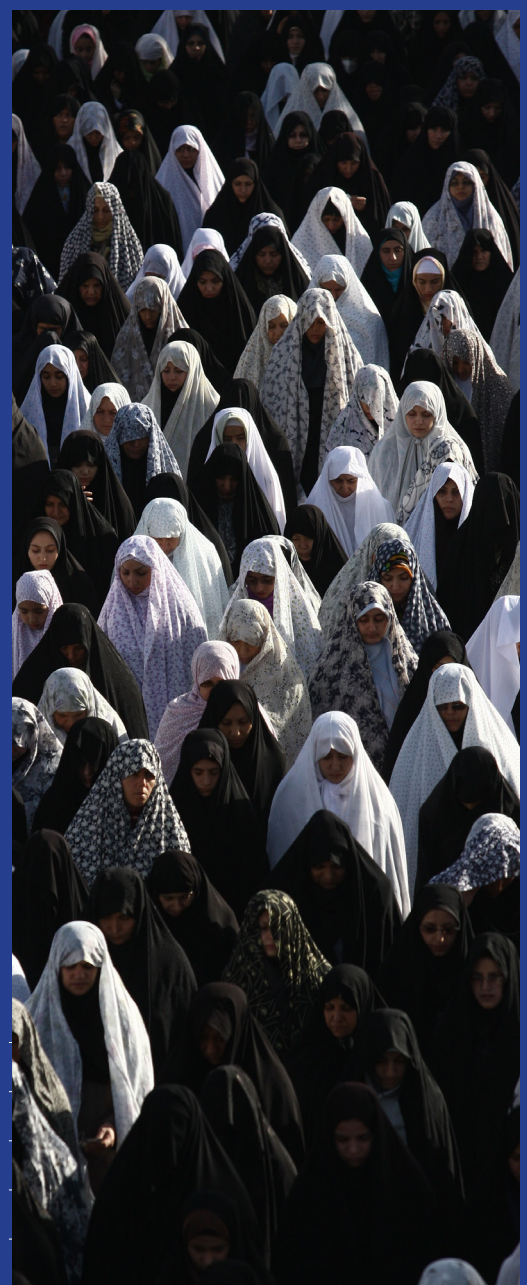
این فعالیت‌های شما با فضای معنوی مسجد چگونه عجین شده است؟

اصل و اساس کار، اول و آخر، دست خدا است. ما فقط یک چراغی را روشن کرده‌ایم، که این چراغ را هم به برکت فضای مسجد، خدا به ما عنایت کرده است. ما در روند کار به خداوند توجه داریم تا برکات راه را به ما عنایت کند. خود خانواده‌ها در این باره توسل کردند، من دیده‌ام که گاهی علیرغم تلاش ما خبری نشده است. ولی یک مرتبه یک فضایی باز شده که مناسب فرد متقاضی بوده که ما فهمیده‌ایم با نیت خالص توسلی کرده و آمده و آن کار برای او فراهم شده است.

از این که به سؤالات ما پاسخ داده و تجربیات خود را در اختیار ما قرار دادید متشکرم.

کار سومی که آموزش می‌دهیم زینورداری است؛ البته به صورت نیمه صنعتی و خانگی. موقعیت شهرک ما طوری است که این امکان را ایجاد می‌کند

بانوان و مسجد



گفتگو با خانم زهرا عباباف عضو هیئت امنای مسجد
امیر المومنین (ع) شهرک شهید محلاتی

بانوان گنبد فیروزه‌ای



علی باننشی

باید درس‌هایش را با تلاش هر چه تمام‌تر به سرانجام می‌رساند. اما این روزها در شهر زمزمه‌های عجیبی به گوش می‌رسید. تا به خودش آمد صدای شلیک توپ و گلوگه بود که در گوشش نواخته می‌شد. تربیت در یک خانواده مذهبی باعث شد که عرصه را خالی نگذارد. در همان دوران نوجوانی با دفاع مقدس و خانواده شهدا ارتباط عجیبی پیدا کرده بود. و همین ارتباطات زمینه فعالیت‌های فرهنگی را برای او فراهم آورد. بعد از جنگ و در سال ۷۹ توانست در زمینه فرهنگی مقام‌های مختلف کشوری و استانی را به‌دست آورد. کسب رتبه‌های مختلف در زمینه فرهنگی و همچنین چندین بار فرماندهی نمونه بسیج خواهران، بخشی از افتخارات او است. خانم زهرا عباباف هم اکنون فرمانده پایگاه خواهران ام المومنین در مسجد امیر المومنین شهرک شهید محلاتی تهران است. حضور در عرصه‌های مختلف فرهنگی اجتماعی و فعالیت در مسجد، گفتگوی متفاوت و جذابی را در حوزه فعالیت بانوان مسجدی، پیش رویمان قرار داده است.

با توجه به اینکه بسیج از مسجد جدا است، آیا در فعالیت‌هایتان از ظرفیت مسجد استفاده می‌کنید؟

اهداف بسیج و مسجد یکی است. هر دو باید در جهت ترویج تفسیر و حدیث و منبر و معارف اجتماعی کوشش کنند. بنابراین نیاز است که از عقل و اندیشه استفاده کنند. من جزء هیئت امنای مسجد و شورای فرهنگی مسجد

هستم، بسیج و مسجد در یک راستا با هم کار می کنند؛ چون عقیده و نظر و طرز تفکرشان یکی است. الان کلاسهای بسیج در شبستان قسمت بالای مسجد برگزار می شود و الحمدلله مشکلی نداریم.

البته بعضی مساجد متأسفانه فاقد این ویژگی ها هستند و من از این مسئله خیلی متأثر می شوم. سعی می کنم با آنها همکاری کنم. من با آنها صحبت می کنم، نامه نمی نویسم، بلکه تلفن می زنم، برای اینکه آنها هم رونق پیدا کنند. کارهایی را که آزمایش کردیم و الحمدلله در آنها موفق بودیم، به آنها منتقل می کنیم. ما فقط به مسجد یا بسیج خودمان اکتفا نمی کنیم. مدارس، سازمان ها، شهرک هایی که به ما متصل هستند و... آنها را هم به مجالس خودمان دعوت می کنیم. آمفی تئاتر هم داریم که همایش های و نمایشگاه های بسیار زیبایی در آن برگزار می کنیم.

فعالیت های شما چه سمت و سویی دارد و شامل چه مواردی می شود؟

یکی از مشکلات فعلی ما بی هدفی و بیکاری دختران و مشکلات اقتصادی و نابرابری اقتصادی است. ما سعی کردیم از اساتیدی دعوت کنیم که حرفه های مختلف دارند و کارشناس اقتصاد هستند. اینها صحبت می کنند و در سبک زندگی ما تغییرات جالبی ایجاد می کنند تا به سمت و سوی قناعت کشیده شویم. آنها عزت نفسانی، خوب زندگی کردن و مهارت های زندگی را به دخترهای ما آموزش می دهند تا فردا این همسر و مادر بتواند با اقتصاد متوسط، خانواده خود را مدیریت کند. ما کارشناسی را دعوت کردیم که تابلوفرش می بافت و از نظر اقتصادی توانست خیلی

ما سعی کردیم از اساتیدی دعوت کنیم که حرفه های مختلف دارند و کارشناس اقتصاد هستند. اینها صحبت می کنند و در سبک زندگی ما تغییرات جالبی ایجاد می کنند

قرآنی و بازی های قرآنی داریم تا خلاقیت آنها را شناسایی کنیم و پرورش دهیم. در محیط مسجد بازی های سنتی را جایگزین بازی های الکترونیکی می کنیم؛ بازی هایی مثل طناب بازی، قایم موشک، و بازی های هوشی که در گذشته بود و الان متأسفانه نیست. کارگاه هایی تشکیل دادیم در ارتباط با کارگاه مادر و کودک. مشکلات بچه ها از همان طفولیت توسط اساتید شناخته می شود، در مرحله بعد با مادران صحبت می شود تا کودکشان اصلاح درمانی شود.

به کارگاه مادر و کودک اشاره کردید، آیا باز خورد مثبتی داشته است؟

بله، زیاد. بچه ای بود که حسادت شدید داشت، یا کودکی که خیلی گوشه گیر بوده، یا بچه ای خیلی ذهن گرا بوده، بچه ای بوده که دروغ می گفته، یا بچه ای بوده که بدون اینکه اختیار داشته باشد، اذیت می کرده. خیلی از نظر اخلاقی و تربیتی ضعیف بوده. روی تک تک اینها کار شده و با موفقیت روبرو شدیم؛ البته خیلی سخت است که این تعداد کودک را توسط اساتید شناسایی کنیم.



اگر تهران زلزله بیايد...

گروه فوریت های پزشکی نیز داریم که تحت نظر استاد های مربوط به خودشان آموزش می بینند. به افراد مدرک داده می شود تا هم برای خودشان اشتغال زایی شود و هم بتوانند به دیگران آموزش دهند و به این صورت مشکلات اقتصادی شان را رفع و رجوع کنند. چنانچه زلزله یا حادثه ای پیش بیاید، اینها به قدری آموزش دیده اند که خیلی راحت می توانند مشکلات را برطرف سازند. حدود سه چهار سال است که دوره های فوریت های پزشکی برگزار می شود و تا الآن بیش از هزار نفر فارغ التحصیل داشته ایم.

برای حضور دختران و بانوان در فضای جبهه فرهنگی و مقابله با جنگ نرم برنامه ویژه ای دارید؟

یکی از برنامه های ما این است که یک گروه بسیار گسترده رسانه ای داریم - حدود پنجاه نفر - که در زمینه های وبلاگ نویسی، قصه نویسی، کارگردانی، نویسندگی و هنرپیشگی فعالیت دارند. البته هنرپیشه نه به معنایی که در سینما و تئاتر داریم. ما دیدیم که دختران بسیار مذهبی و ولایی زمینه و تمایل به نمایش دارند، لذا اساتیدی دعوت کردیم که به آنها آموزش دهند. تئاتر دوساعته ای اجرا کردند که تا حالا بازی نکرده بودند. اولین بار بود که به جنگ نرم دشمنان، به صورت بسیار شیوا پاسخ می دادیم. انواع و اقسام افراد با ذهنیت، سن و تحصیلات مختلف تشریف آوردند. واقعا قابل تحسین بود و من دوست دارم که تبلیغات بیشتر شود تا این دخترهای عزیز ما که می توانند بهتر کار کنند، حمایت شوند. الان درباره مدافعان حرم دارند کار می کنند و اینکه چه چیز باعث شده ظهور امام زمان به تعویق بیفتد. این موارد را به صورت تئاتر در آوردن خیلی سخت است. گروه رسانه ما خیلی عالی بوده است.

آیا از ظرفیت رسانه برای گسترش و پوشش دادن فعالیت هایتان استفاده می کنید؟

بله. فعالیت دیگر ما، سینما است. فیلم هایی که مورد تأیید باشد، بنده بلیط و ماشین تهیه می کنم و جوان های حلقه های صالحین را همراه با کارشناس یا مربی به سینما می فرستیم. مطلقاً جوانان را تنهایی نمی فرستیم؛ حتی

کارآمد باشند. خانم ها و دخترانی که دچار آسیب های اقتصادی شده بودند، تصادف کرده بودند یا حوادثی برای آنها رخ داده بود یا بیماری داشتند یا همسرشان دچار آفت های اجتماعی شده بود، آموزش ساخت تابلوفرش، خیاطی و حرفه های دیگر را گذراندند و اشتغال زایی بسزایی ایجاد شد. حدود دو هزار نفر در حرفه های مختلف توسط همین کلاس هایی که در پایگاه گذاشتیم، آموزش دیدند و مشغول به کار شدند.

برنامه تان برای گروه سنی کودک چیست؟

الحمدلله الان مهدکودک خوبی داریم. هفت کارشناس زبده که دوره های خاص مهدکودک دیده اند، بر روی بچه ها کار می کنند و مباحث روان شناختی یکی از کارهای آنها است. ما به فعالیت های ورزشی اهمیت می دهیم؛ به همین علت به سالن ورزشی مجهز هستیم. در حین ورزش استعدادها، روحیات و نواقص تربیتی بچه ها توسط کارشناسان شناسایی می شود. ما حتی در معماری هم، با توجه به سن بچه ها و با تجهیزاتی که در اختیارشان می گذاریم، توانمندی هوشی آنها را می سنجیم و این توانمندی را رشد می دهیم. حتی باغبانی، قصه گویی، نمایش قصه های

در اردو باید مربی و کارشناس فیلم همراهشان باشد. البته مسجد چون حرمت‌های خاص خودش را دارد، در شبستان کلیپ‌هایی پخش می‌کنیم که حرمت مسجد شکسته نشود و فقط اطلاع‌رسانی می‌شود. در آمفی تئاتر که آن هم جزء مسجد محسوب می‌شود، ولی خارج از شبستان قرار دارد، فیلم‌های هالیوودی را که الان جوانها میبینند را اگر قابلیت داشته باشد را پخش می‌کنیم؛ فیلم‌هایی که صهیونیست‌ها به وسیله آن با افکار مردم جهان بازی می‌کنند. این نوع فیلم‌ها را به‌سختی پیدا می‌کنیم و پخش و تحلیل می‌کنیم. این نقد و بررسی و تحلیل فیلم‌ها نتایج مثبت فراوانی به همراه داشته است.

اشاره خوبی داشتید به بحث تحلیل فیلم‌ها؛ می‌توانید تأثیراتش را از زبان والدین یا مخاطبان بیان کنید؟

برخی والدین می‌گفتند بچه‌های ما معتاد شده‌اند و حتی پنهانی این فیلم‌ها را با دوستانشان نگاه می‌کنند. گاهی این قدر فرزندشان معتاد شده بود که حیا را کنار گذاشته و از نظر تحصیلی عقب مانده بود. حتی به مواد مخدر هم کشیده شده بودند. بعضی خانواده‌ها عزتمند هستند و نمی‌توانند به‌راحتی با من در این باره سخن بگویند؛ چون از اعتبارات خانوادگی خودشان کاسته می‌شود. علی‌رغم اینها وقتی دیدند که بنده حقیر به عنوان یک فرد کوچک دارم با جان و دلم زحمت می‌کشم و دوست دارم مثل فرزندان خودم با آنها کار کنم و مشکلاتشان را برطرف سازم، نزد من آمدند و پای تحلیل فیلم‌ها نشستند. به این ترتیب افراد زیادی اصلاح شدند.

آیا بچه‌ها را برای تحلیل فیلم‌ها یا کارتون‌ها دعوت می‌کنید؟

نه، چون توانایی تحلیل ندارند. چیزهایی برای بچه‌ها پخش می‌کنیم که در خور سنشان است. بچه‌ها باید فیلم‌هایی را انتخاب کنند که به آنها کمک می‌کند نه اینکه به آنها آسیب برساند. کودک، تحلیل بچگانه می‌خواهد که توسط کارشناس صورت می‌گیرد. قصد داریم در مهد کودک با آنها کار کنیم.

تا چه اندازه به تخصص و تحصیل در فضای کار مسجدی و بسیج معتقدید؟

کارها بدون تخصص نتیجه نخواهد داد. ما دو گروه نخبگان داریم. نخبگانی

که در عرصه‌های مختلف با مدارک مختلف مثلاً دکترای اقتصاد یا دکترای حقوق مشغول فعالیت هستند. هفته‌ای یک بار نشست دارند، و نخبگان دیگر را هم جذب می‌کنند. از دارایی خودشان در حلقه‌ها صحبت می‌کنند و توانسته‌اند یک‌سری کارهای کاربردی انجام دهند. اینها را به دانشگاه علمی کاربردی اعزام کرده‌ایم که الان دارند استاد تربیت می‌کنند. این، کار بزرگ و شاخصی است.

نخبگان ما، اتاق فکر دارند و دارند به سایر بسیجی‌ها تعلیم می‌دهند تا بتوانند کادرهای خیلی تخصصی در حوزه فرهنگ و اندیشه تشکیل دهند و ان‌شاءالله بتوانند در جهت حل مشکلات جامعه و دانشگاه‌ها کار ساز باشند و از توانمندی‌شان استفاده کنند.

یک پیشنهاد هم به مرکز رسیدگی به امور مساجد بدهید؟

به مساجد بیشتر سرکشی کنند، مشکلات را بیشتر رصد کنند، حقایق و نیازهای مساجد را دریابند. نیاز مالی و فرهنگی مساجد را مرتفع سازند. رسیدگی، لطف، ارتباط و محبتشان بیشتر باشد. چون خودم عضو هیئت امنا هستم و شورای فرهنگی، این خلأ را احساس می‌کنم. ارتباط بیشتر و صمیمانه‌تر و حقایق و واقعیت‌های تمام مساجد را دریابند. ضمن اینکه نیازهای مساجد با هم متفاوت است.

شما تنها خانمی هستید که عضو هیئت امنا مسجد است، به نظر خودتان تأثیر گذار بوده‌اید؟

معمولاً هیئت امنای مساجد خانم ندارند. من تنها خانمی هستم که در هیئت امنا هستم. فعالیت‌های بسیج خودبه‌خود به اعتبار مسجد کمک می‌کند. بسیج خواهران توانسته به مسجد خیلی کمک کند. خود بنده هزینه مالی از مسجد دریافت نمی‌کنم که خودش کمک بزرگی است. اگر هزینه طلب می‌کردیم، به امام جماعت و هیئت امنا فشار می‌آمد. تا آنجایی که توانستم، به عنوان یک خواهر کوچک هیئت امنا در کنارشان بودم، و اگر مشکلی بود، با همدیگر رفع و رجوعش می‌کردیم.

در پایان، اگر سخنی مانده که نگفته‌اید، بفرمایید.

از زحماتی که کشیدید، بسیار متشکرم. امیدوارم که سخنان بنده توانسته باشد کمک کوچکی به جامعه اسلامی کند. ان‌شاءالله بانوان، بسیجیان و مساجد ما موفق‌تر عمل کنند. خیلی متشکرم. موفق و مؤید باشید.



اینجا فقط نمایشگاه نیست!

خانمی تشریف آورد که از حالاتش فهمیدم تا آن زمان درباره آفت‌ها و آسیب‌های ماهواره چیزی نشنیده است. وقتی برایش درباره مضرات ماهواره توضیح دادم، به من گفت: من دارم از همسر جدا می‌شوم. گفتم: چرا؟ گفت: همسر من به ماهواره معتاد شده است. به او گفتم: الان جدا نشوید. شما که تا حالا صبر کرده‌اید، اجازه دهید من با ایشان صحبت کنم. کارشناسان ما با ایشان صحبت کردند. الحمدلله بعد از مدتی روابطشان اصلاح شد و به مضرات ماهواره واقف شدند. این نمونه کوچک نشان داد که نمایشگاه آسیب‌های ماهواره ما خیلی مؤثر و کاربردی بوده است.

در نمایشگاه اقتصاد مقاومتی نیز اتفاق جالبی افتاد. خانم محترم و باعزت‌ی به من گفتند: پول ندارم که چادر بخرم. سه تا دختر دارم که با خودم می‌شویم چهار نفر. به علت گرانی چادر، مجبور شدیم یک چادر داشته باشیم و نوبتی از خانه بیرون برویم. گفتم: هیچ اشکالی ندارد. فردا بیا، من استاد خیاطی دعوت می‌کنم تا به شما آموزش رایگان دوخت چادر دهد. ایشان یاد گرفتند و این، باعث شد که وارد بازار کار شود. الان دارند چادر می‌دوزند، الحمدلله هم مشکلاتشان برطرف شد، و هم باعث اشتغال‌زایی شد.

الان درباره مدافعان حرم دارند کار می‌کنند و اینکه چه چیز باعث شده ظهور امام زمان به تعویق بیفتد. این موارد را به صورت تئاتر در آوردن خیلی سخت است. گروه رسانه ما خیلی عالی بوده است



سرکار خانم فروغ نیلچی زاده کارشناس و پژوهشگر حوزه زنان

حضور حداکثری و تصمیم سازی حداقلی

اینکه زیبایی عنصر مهمی است که یک خانم آن را در نظر می گیرد، حال آنکه بخشی از مسجد را به خانمها اختصاص می دهند که وسایل اضافی در آنجا انبار می شود! اگر قرار است پرده مخمل نصب شود، روی مخمل برای آقایان است و پشت آن برای خانمها، باید سؤال کرد که این پرده را برای این زدهاید که خانمها راحت باشند که حریم حجابشان



حفظ شود یا اینکه قرار است آقایان راحت باشند؟ اگر این پرده به خاطر حضور زن مسلمان در مسجد است، یا پرده دو رو بزنید یا یک هفته، آن را به سمت زنان بزنید، خواهید دید که زنان این تغییر را می فهمند و مردان متوجه نخواهند شد.

این موارد نکات ریزی است که از آنها به زبان اشیاء یاد می شود. علم امروز یک سری از این چیزها را می فهمد؛ در حالی که فرهنگ اهل بیت بسیار دقیق تر

از این را به ما یاد داده است. در روایت است که: «ما اکر مهن الا کریم و ما اهانهن الا لعین». آیا جامعه دینی و سبک رفتاری ما در سطحی قرار دارد که به زنان اهانت نشود؟ زنان در مسجد و پای منبر و محراب بزرگ شده اند، اما همیشه رنج برده اند.

باید در هیئت امنای مساجد برای اصلاح ساختار فیزیکی مساجد جهت راحتی بانوان اقدامی صورت گیرد. بدین منظور باید در هیئت امنای مساجد از خانمهایی که اهل دین و تقوا و تحصیل کرده هستند یا خانه دارند اما اهل دانایی و فرهنگ هستند، استفاده شود؛ چه بسا مشکلات بسیاری به دست آنها حل شود.

ما امروزه در هیئت امنای مساجد مشکل داریم. اگر بخواهیم هیئت امنا را نظام مند کنیم، بدون تردید حضور بانوان متدین در برنامه ریزی و اجرای برنامه ها و نظرخواهی از آنان، یک ضرورت خواهد بود؛ به شرط اینکه تحت سیستمی صحیح و درست پیش بروند.



برای ترویج نمازهای جمعه و جماعت، نیازمند ترویج آداب، اخلاق، عقاید و احکام نماز هستیم. اگر این نمازها نتواند به زیرساختهای اجتماعی تبدیل شود، قطعاً در ترویج فرهنگ نماز شاهد اختلال خواهیم بود؛ هرچند که زنان و دختران ما اهل ایمان و تقوا باشند. یعنی با سختی و رنجهای بسیار می توانند در جماعت حاضر شوند. به عنوان نمونه در

مساجد جدید ما بحثهای تفکیکی لحاظ نشده تا اگر خانمی عذر شرعی داشته باشد، بتواند از مسجد بهره ببرد. دلایل این است که در مساجد نه مشاوران زن وجود دارد و نه با مجتهدین مدیر مشورت می شود. یک بانی خیر که می خواهد مسجدی را بسازد، فقط از دو نفر از روحانیون نظر می خواهد. مساجد باید از نظر هندسه حقیقی نیازهای نمازگزاران بنا شود، اما در اغلب مساجد این گونه نیست. مثلاً چنانچه فضای فیزیکی مسجد کم باشد، خانمها را در طبقه بالا

جای می دهند و طبقه پایین را به آقایان اختصاص می دهند. این مسئله از نظر منطق احکام نماز درست است، اما از نظر رعایت شرایط خاص بانوان کاملاً غلط است؛ زیرا زنان را دچار زحمت می کند. آقایان کمردرد و پادرد کمتری نسبت به زنان دارند. خانمها در طبقه بالای مسجد جا داده می شوند، بدون وجود آسانسور. آسانسور برای یک طبقه در فرهنگ عمومی جامعه ما در حقیقت رفتاری غیراخلاقی دیده می شود و می گویند ضروری نیست و خانمها این فاصله را از پله ها بالا بروند. این کار ساده است، اما برای کسی که بچه کوچک در آغوش ندارد، باردار نیست و مشکلی ندارد. اینها مسائلی است که در فرهنگ جاری جامعه ما دیده نمی شود.

مسئله دیگر این است که خانمها چه در خانه و چه در جامعه، مطابق فطرت خدادادی شان جزء منطقات هستند؛ یعنی هم تمیزکننده هستند و هم به تمیزی علاقه دارند. به اضافه

خانم‌ها از اینجابر جامعه تاثیر می‌گذارند

لیلا شوقی

از بدو اسلام تاکنون، مساجد محل تجمع مسلمانان و انجام فرایض دینی بوده است. به مرور زمان اما،

مساجد به جز جنبه عبادی، نقش فرهنگی و تربیتی هم پیدا کرده‌اند. بسیاری از زنان و مردان بزرگ تاریخ ایران، تربیت شده مساجد بودند. اما امروز با تغییر سبک زندگی خانواده‌ها، رشد و پیشرفت تکنولوژی و تأثیر آن در جامعه، حضور در مساجد، شاید به اولویت‌های دوم و سوم برای بسیاری تبدیل شده باشد؛ اعتقادی که حسین باهر در بخش‌هایی با آن مخالف است.

حسین باهر جامعه‌شناس، استاد دانشگاه، کارشناس رسانه، بنیان‌گذار مکتب کنش‌شناسی و نویسنده در زمینه رفتارشناسی، جامعه‌شناسی، مشاوره خانواده و دارای مدرک دکترای توسعه اقتصادی و فوق دکترای فلسفه مدیریت منابع از کانادا است. با او درباره حضور زنان در مساجد و تأثیر این حضور در جامعه، زندگی فردی و هویت شخصی آنها به گفت‌و‌گو نشسته‌ایم.



جناب دکتر، به نظر شما امروزه که زنان نقش‌های مهمی در جوامع مدرن بر عهده گرفته‌اند، چطور می‌توانند سبک زندگی سنتی خودشان را هم حفظ کنند و به طور مثال حضور فعالی در مساجد و تکایا داشته باشند و مسئولیت قبول کنند؟

زنان امروز دارای سبک‌های متفاوت از زندگی شده‌اند. آنها دارای کلاس‌های متفاوتی هستند، ما روستایی متدین سنتی داریم، در عین حال، زن شهری متدین صنعتی هم داریم. جامعه ایرانی ما ریشه مذهبی دارد و سبک زندگی مدرن، نمی‌تواند مانعی برای حضور زنان در مساجد و فعالیت آنها شود.

پس چه مشکلاتی سر راه وجود دارد که آن‌طور که باید و شاید این اتفاق نمی‌افتد و بعضی از خانم‌ها با این تفسیر که مدرن شده‌اند، از حضور در مساجد امتناع می‌ورزند؟

امروز ما شاهد رشد تکنولوژی و تأثیر آن بر زندگی مردم هستیم، مساجد هم باید با این موجی که به وجود آمده است، همراه شوند و از این تغییرات استفاده کنند. اگر مساجد بتوانند با هنر تکنولوژیک، زنان جوان و مادران آینده را جذب کنند، کار ارزشمندی خواهد بود.

اصولاً سبک زندگی حضور و فعالیت در مساجد، چه تأثیری بر روند زندگی افراد به خصوص خانم‌ها دارد؟

مساجد باید از نقش دینی و اجتماعی خود بیشتر استفاده کنند تا مشکلات زندگی اجتماعی امروز را کمتر کنند. کمک به حل مشکلات می‌تواند با جذب دختران همراه باشد. مساجد می‌توانند کرسی‌های تبادل اندیشه و کلاس‌های مشاوره با حضور مشاوران زبردست متدین متمدن تشکیل دهند. بسیاری از مشکلات جامعه سنتی - مدرن امروزی، با تشکیل این نوع کلاس‌ها و تربیت دختران و زنان حل می‌شود. معمولاً مساجد، عنوانی برای عبادت‌های شریعت‌مدارانه دارند و باید علاوه بر انجام مناسک دینی، به مهارت‌های زیستی هم بپردازند. مساجد می‌توانند کمک‌کننده نقش‌آفرینی فرهنگی و معرفتی زنان در جامعه نیز باشند و با تربیت و آموزش‌های درست، خود تبدیل به مبلغان دینی و فرهنگی شوند.

طبق فرمایشات شما، خانم‌ها با حضورشان در مساجد می‌توانند تأثیر زیادی بر جامعه داشته باشند. چطور می‌شود این پتانسیل نهفته در جامعه را به صورت درستی هدایت کرد تا به بیشترین و بهترین بازدهی برسد؟

مدیریت صحیح و سالم از بین خود بانوان فرهیخته، می‌تواند بسیاری از آسیب‌های حضور زنان در مساجد را از بین ببرد. پرکردن ساعت‌های فراغت ایشان با انجام کارهای خیر و خدمات خیریه، می‌تواند از جمله کارهایی باشد که مدیران مساجد می‌توانند انجام دهند. هویت اجتماعی زنان با حضور در مساجد، تقویت می‌شود. بدیهی است که حضور زنان در مساجد باعث ارتباط بیشتر آنها با افراد محل می‌شود؛ این مهم می‌تواند با فعالیت در کارهای داوطلبانه بیشتر هم شود. در جریان اتفاقات کشور و جهان بودن و فعالیت در این زمینه‌ها باعث تعالی و رشد اجتماعی زنان می‌شود، جنبه‌ای که مساجد می‌توانند در اختیار زنان و بانوان این سرزمین قرار دهند.

زنان با حضور در مساجد و پیاده کردن آموزه‌های دینی در خانواده‌ها، چه تأثیری بر آینده خانواده و جامعه خواهند داشت؟

مسلمان کارهای عبادی و خدمات مردمی دو استراتژی برای تخلیه روان و تجلی عرفان می‌باشند؛ قابلیتی که در مساجد وجود دارد. زنان متدین، فرزندان متدین تربیت می‌کنند. مساجد می‌توانند انسان‌سازی کنند و به کمک حضور زنان، نسلی متعالی، هم از نظر اجتماعی و هم از جنبه عرفانی تربیت شود. اما هر کار درستی، اگر درست انجام شود، نتیجه زیبایی دارد و اگر ابزار زر و زور و تزویر گردد، به قول قرآن: قَوْلٌ لِلْمُصَلِّینَ است.

مدیریت صحیح و سالم از بین خود بانوان فرهیخته، می‌تواند بسیاری از آسیب‌های حضور زنان در مساجد را از بین ببرد

نیازهای فراموش شده زنان در شبستان خواهران مساجد

از یاد رفته‌ها

سحر شهریار

کارشناس علوم ارتباطات

بسیاری از مردان مسجدی، بارها در راه بازگشت از مسجد، درد دل مکرر همسر خود را از فضای داخلی قسمت زنانه مساجد شنیده‌اند. زنانی که بدون تحصیل در رشته معماری و روان‌شناسی، به خوبی نیازهای همجنسان خود را می‌دانند و شوق حضور در مسجدی را دارند که هنگام بازگشت به خانه، از مطلوب بودن فضای آن تعریف و تمجید کنند. مسجد خانه خدا است و به هیچ گروه و جنسیت و نژادی اختصاص ندارد. زنان، در زمان پیامبر (ص) نیز همانند زنان امروز، فعال بودند و نه تنها در مساجد حاضر می‌شدند، که حتی زنی چون یگانه بانوی عالم، زهرای مرضیه (س) بنا به ضرورت خطبه‌ای ایراد کردند و به فعالیت فرهنگی و سیاسی در مسجد پرداخته و از حریم ولایت دفاع کردند. اگر هنگام و همراه با شرایط کنونی جامعه جهانی شویم و آرای فقهی مراجع را هم در نظر بگیریم، این نتیجه به دست می‌آید که بانوان با رعایت شروط حجاب و عفاف، می‌توانند همانند مردان مسلمان از فضای روح‌بخش مساجد و برنامه‌های جانبی آن استفاده کنند.

با توجه به اشتیاق زیاد بانوان برای حضور در مساجد سراسر کشور پس از انقلاب اسلامی ایران، و حضور فعال آنان در برنامه عبادی، فرهنگی، تبلیغی و سیاسی مساجد، این پرسش مطرح می‌شود که چقدر به نیازهای زنان، به عنوان یکی از ارکان مساجد، توجه شده است؟ بارها و بارها گفته شده است که زنان به شرط رعایت حریم‌ها و دوری از اختلاط با نامحرم و در نظر داشتن اولویت‌های خانه و خانواده، می‌توانند نقش و سهم مؤثری در پیشبرد اهداف معنوی، تربیتی و فرهنگی مساجد داشته باشند. اما علی‌رغم نکات مثبت فضای حضور و فعالیت بانوان در مسجد، چقدر به مناسب‌سازی شرایط آنان در معماری مساجد توجه شده است؟

ایجاد فضای فیزیکی مستقل نگهداری کودکان در بخش بانوان یکی از مهم‌ترین نکاتی است که در اکثر مساجد، نبود آن باعث ایجاد هیاهوی کودکان از سویی، و تذکر و پرخاش و برخورد غضب‌آلود بانوان سالمند از سوی دیگر شده که نتیجه آن، کم شدن انگیزه کودکان جهت حضور در مساجد و رانده شدن آنان از خانه خدا بوده است. امام صادق (ع) از پدرش امام باقر (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «رسول خدا (ص) هنگام خواندن نماز جماعت صدای گریه طفلی را شنید که مادرش او را با خود به مسجد آورده بود. آن حضرت نمازش را کوتاه کرد تا مادر آن طفل به رسیدگی او بپردازد»^۱.

۱. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۴۴.

در دینی که پیامبرش تا این حد برای حضور زنان و آرامش خاطر آنان در هنگام عبادت ارزش قائل بوده، کم‌توجهی به مادران دغدغه‌مند که فرزند کوچک داشته و کودکانشان را به مسجد می‌آورند تا در فضای معطر آن رشد کنند و تربیت شوند، عامل کم شدن حضور بانوان جوان در مساجد و در نتیجه دور شدن نسل آینده از تربیت دینی در خانه خدا می‌شود. در ادامه برخی از نقایص مساجد کشور را در امور بانوان برمی‌شماریم:

- کم‌توجهی مساجد به لحاظ ساختاری و مکانی به محل مخصوص زنان که اغلب از بخش مردان کوچک‌تر است و امکانات کمتری دارد. همچنین عدم وجود فضایی که زنان در زمان‌هایی که نمی‌توانند وارد مسجد شوند، از آن استفاده کنند. در بسیاری از مساجد به خاطر عدم وجود چنین فضایی، تعداد زیادی از بانوان محل از برنامه‌های ویژه مسجد در ایام ماه مبارک رمضان و سایر ایام، محروم می‌شوند و قید حضور در اجتماعات مذهبی را می‌زنند.
- پله‌های زیاد و نبود آسانسور که رفت و آمد بانوان سالخورده را آسان سازد. این معضل در بسیاری از مساجد باعث به رنج افتادن خانم‌های باردار، معلول و سالمند می‌شود.
- شرایط سخت دسترسی به شبستان خواهران، از جمله عواملی است که باعث بروز آسیب می‌گردد. در بسیاری از مساجد در ورود و خروج زنان و مردان مشترک است که باعث بروز مسائلی شده که هم از نظر شرعی اشکال دارد و هم بر اثر آن حقوق زنان مسجدی زیر پا گذاشته می‌شود.

خانمی که تحت شرایطی با عجله قصد ورود یا خروج دارد، خانمی که حجاب کامل و مناسب فضای مسجد ندارد، خانمی که باردار است و دختران و زنان جوانی که می‌خواهند با آرامش و خاطر آسوده پای به خانه خدا بگذارند، عبور از در مشترک را سبب ایجاد تشویش یا معذب بودن خود می‌دانند.

- تعبیه نشدن کمدهای کوچک برای قرار گرفتن کفش و چادر نماز بانوان. فقدان این کمدها بارها و بارها سبب به سرعت رفتن یا گم شدن کفش و چادر بانوان، هنگام برگزاری نماز یا مراسم مذهبی شده است.

- در بسیاری از مساجد، وضوخانه و سرویس بهداشتی آقایان در ابتدای مسیر سرویس بهداشتی بانوان قرار دارد که این موضوع خود عاملی برای ناامنی و ایجاد دلهره در بانوان است.

اهمیت و لزوم مصونیت زن از هر گونه تعرض، توقعی است به حق از دست‌اندرکاران ساخت مساجد. انتظار بانوان ایرانی این است که با کار علمی بر مبنای تحقیقات و آسیب‌شناسی ساختمان مساجد، راهکارهایی عملیاتی و متناسب با نیاز آنان ارائه گردد تا فضای زنانه مساجد، از وضعیت نامطلوب فعلی خارج شود.

فضا آرای مسجد توسط بانوان

ایده از باشگاه ایده‌پردازان مسجدی
www.masjedidea.ir

توضیح اجمالی:

از بانوان برای فضا‌سازی بخش‌های مختلف مسجد کمک گرفته شود.

مکان اجرای ایده: داخل مسجد (شبستان)

تقویم اجرای ایده: مناسبتی

نوع مناسبت: اعیاد، عزاداری، دهه فجر، نوروز

مجری: نمازگزاران

مخاطب: بانوان

توضیح تفصیلی

ضمن آموزش و بیان ایده‌آل‌های اسلامی در تزئینات مراسم‌های مذهبی می‌توان از بانوان در تزئینات جایگاه برای قسمت خواهران و برادران کمک گرفت. امام جماعت با هماهنگی و آموزش قبلی خواهران مسجدی، روزی را تعیین و مسجد را در اختیار خواهران قرار می‌دهد تا جایگاه و تزئینات مسجد را برای مراسمات انجام دهند که این امر، هم حس زیبایی‌شناسی زنان را جذب این امر می‌کند و هم می‌توان رضایت آنها را جلب و همکاری‌شان را در حین مراسم طلب کرد.

مسئله

هدایت زیبایی‌شناسی و سلیقه زنانه در مسیر درست خود.

دست‌آورد ایده

۱. هدایت ذائقه هنری بانوان در امور هنری مسجد

۲. افزایش جذب بانوان به مسجد

بایدها

۱. تقسیم مسئولیت بین بانوان

۲. قرار دادن تجهیزات در اختیار بانوان

نبایدها

۱. آقایان هنگام فضا‌سازی در مسجد حاضر نباشند.

مستحبات

سپردن هر بخش از مسجد به گروهی از بانوان و برگزاری مسابقات فضا‌سازی

پای حرف‌های یک بانوی فعال مسجدی

خانم «طوبی جوادنیا» یکی از زن‌های مسجدی فعال است که از کودکی تا به حال که ۵۵ سال دارد، در شرایط متنوع زندگی‌اش مسجد را ترک نکرده و همیشه به عنوان یک تکیه‌گاه به آن نگاه می‌کند. جوادنیا از نمازگزاران فعال مسجد خاتم‌الانبیا (سنگی) در جنوب شرق تهران است و در خیلی از برنامه‌ها و مراسم‌های این مسجد حضور جدی دارد. با او درباره نقش مسجد در زندگی یک بانوی فعال مسجدی صحبت کردیم و او هم حرف‌های شنیدنی‌ای برایمان داشت.

اهمیت حضور زنان در مسجد

نیمی از جامعه ما را زنان تشکیل می‌دهند و طبق فرمایش حضرت امام (ره) که مسجد سنگر است، مسجدها را پر کنید. حضور خانم‌ها در مسجد باعث می‌شود یک اجتماعی برای کار فرهنگی شکل بگیرد و این فضای معنوی می‌تواند در مقابل هجمه غرب و دشمن مقابله کند. مخصوصاً در شرایط فعلی و هجوم همه جانبه دشمن، این اتفاق می‌تواند با حضور بانوان در مسجد رخ دهد. حضور بانوان در مسجد تأثیر قابل توجهی در زندگی خانوادگی دارد و باعث برقراری یک ارتباط مؤثر بین مسجد و خانواده‌ها می‌شود. خانم‌ها اول خودشان از مسجد تأثیر می‌گیرند و بعد خانواده‌هایشان.

مسجد باید امن باشد

قشری که مسجد می‌آیند هم خانم‌های جوان و هم خانم‌های مسن هستند. در نتیجه فضا باید به شکلی باشد که همه افراد بتوانند استفاده لازم را از فضای معنوی مسجد ببرند. مسجدی که خانم‌ها می‌خواهند در آن حضور داشته باشند، باید از هر نظر یک فضای امن باشد. باید طوری باشد که خانم‌های جوان که فرزند خردسال دارند یک فضای مناسب برای بچه‌هایشان در مسجد داشته باشند. وقتی مادر می‌آید و می‌خواهد از فضای معنوی مسجد استفاده کند، انتظار دارد فرزندش در یک شرایط امن نگهداری شود چون برای کارهایی مثل عبادت داشتن آرامش شرط اساسی است. این یک مدیریت دقیقی می‌خواهد. از آن طرف خانم‌های مسن هم هستند که باید مورد توجه قرار بگیرند و برای رفاه حالشان فکر شود. «باید برای خانم‌های مسن برنامه‌ریزی داشته باشیم؛ کسانی که نمی‌توانند به شکل طبیعی نمازشان را ایستاده بخوانند و برای استفاده از فعالیت‌های مذهبی مسجد مشکل دارند.

باید فضا را طوری فراهم کرد که افراد مسن اذیت نشوند.» این طور که این بانوی مسجدی می‌گوید، در مسجد سنگی تلاش قابل قبولی برای بهبود فضای قسمت بانوان مسجد صورت گرفته است. «امام جماعت مسجد ما خیلی تلاش کرده که فضای خوبی برای نمازگزاران فراهم کند. فضا برای خانم‌های مسن مهیا است و می‌توانند برای نماز یا دعا خواندن از صندلی استفاده کنند. برای بچه‌ها هم مهد کودک داریم که البته مشکلاتی دارد و به آن صورت نیست که مادرها فرزندانشان را بپارند و نمازشان را بخوانند.»

حضور افراطی در مسجد ممنوع!

هر چیزی اگر درست استفاده نشود، می‌تواند آسیب‌زا باشد. یک سری از خانم‌ها ممکن است تمام وقت‌شان را برای مسجد بگذارند و آن قدر در مسجد رفتن افراط کنند که این آسیب به خانواده‌شان برسد. یعنی هر فعالیتی باید با برنامه‌ریزی دقیق باشد و اولویت‌های مهم‌تر نباید تحت‌الشعاع قرار بگیرند. ساعات‌های حضور در مسجد باید کاملاً مشخص و محدود باشد و بخش زیادی از وقت یک خانم را به خودش اختصاص ندهد. با برنامه‌ریزی دقیق می‌شود این تعادل را ایجاد کرد. الان خیلی از خانم‌ها بیرون از خانه کار می‌کنند و وظایف مادری را هم به بهترین شکل انجام می‌دهند. باید وقت را طوری تنظیم کرد که هم حضور در مسجد را داشته باشیم و هم به کار در خانه برسیم. اما شاید این انتقاد به مسئولان مساجد هم وارد باشد که بسیاری از برنامه‌هایشان در ساعات نامناسب برگزار می‌شود و امکان برنامه‌ریزی را از فرد می‌گیرد.

در مسجد خیلی کارها می‌شود انجام داد

مسجد می‌تواند یک سکوی پرتاب باشد. خیلی از خانم‌ها نیروهای قوی‌ای هستند که می‌توانند کارهای بزرگی بکنند. مسجد می‌تواند این نیروها را پرورش دهد و باعث شکوفا شدن استعدادها شود. خیلی از کارهای فرهنگی در مسجد انجام می‌شوند، مثلاً در مسجد خود ما یک خانمی هست که کار نویسندگی می‌کند و در مسجد تأثیر اجرا می‌کند. یا یک نفر دیگر در کارهای رایانه‌ای متخصص است و برای خانم‌ها کلاس می‌گذارد. با توجه به شرایط فعلی جامعه، بانوان مذهبی نمی‌توانند خیلی از فعالیت‌ها را در آن انجام دهند، اما مسجد می‌تواند محل امنی برای بروز این استعدادها باشد.

نامه‌ای به خواهرم

ایده از باشگاه ایده‌پردازان مسجدی
www.masjedidea.ir

ایده پرداز: سعید رجب زاده

توضیح اجمالی:

یک دعوت‌نامه به همراه یک شاخه گل به بانوان در روز ولادت

حضرت زهرا (س) جهت جذب به مسجد.

مکان اجرای ایده: داخل مسجد (شبستان)

تقویم اجرای ایده: مناسبی

نوع مناسبیت: اعیاد

مجری: تشکل‌های مسجدی

مخاطب: بانوان

توضیح تفصیلی

در روز ولادت حضرت زهرا (س) جلوی درب مسجد میزی گذاشته شود و فردی به خانم‌ها شاخه گل و دعوت‌نامه برای شرکت در نماز جماعت بدهد.

مسئله

توجه به زیبایی و هنر در جذب بانوان به مسجد

دست‌آورد ایده

۱. افزایش جاذبه مسجد

۲. جذب حداکثری بانوان به مسجد

۳. تکریم مقام زن

بایدها

۱. تهیه شاخه‌های گل

۲. طراحی دعوت‌نامه

۳. اطلاع‌رسانی عمومی جهت برگزاری جشن در مسجد

نبایدها

۱. برنامه تنها مخصوص بانوان مسجدی نباشد.

مستحبات

۱. ترجیحاً شاخه‌های گل متفاوت و باب علاقه خانم‌ها باشد.

۲. در دعوت‌نامه حدیث یا بیت شعری در تکریم مقام بانوان درج نماییم.

۳. دود کردن اسپند برای بانوان

۴. قرار دادن میز در خارج از مسجد برای جلب توجه مخاطبین و رهگذران

پشتوانه نظری:

مقام معظم رهبری:

برای مسجد، جاذبه درست کنید تا بچه‌ها، جوانان و زن و مرد محله، مجذوب مسجد شوند.

بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور ۱۳۷۱/۰۸/۲۷

ساعات‌های حضور

در مسجد باید کاملاً

مشخص و محدود

باشد و بخش زیادی

از وقت یک خانم را

به خودش اختصاص

ندهد

میزگردی با موضوع ویژگی یک بانوی انقلابی

مستقیم! مسجد...



خاکسار: اگر نسل انقلابی از طریق بانوان باید تربیت شود، مسجد می تواند آنان را طوری تربیت کند که در خانه هم مؤثر باشند.

* مسجد چه نقشی می تواند در تربیت دینی داشته باشد؟

غیاث آبادی: به نظرم اگر در مساجد برای بانوان، به خصوص دخترهای کوچک، کلاس های متناسب با شأن و جایگاه زنانه برگزار کنند و با کودکان طوری برخورد و معاشرت شود که مسجد را مثل خانه خود دوست داشته باشند، با رغبت پا به این فضا می گذارند.

وهاب زاده: فضا نباید برای ورود و فعالیت صحیح خانم ها بسته باشد. گاهی انسان برای برآوردن نیاز مؤمن، قدم به عرصه هایی می گذارد - مثل کمک درسی به دوستان و یا نظافت مسجد و... - که هیچ مبنای مادی ندارد، اما باعث رشد خود و اطرافیان و خانواده اش می شود.

حضور در مساجد و برنامه های آن، سبب می شود که روحیه بانوان تقویت شود. به عنوان مثال، خواهران یاد می گیرند چگونه با هم تعامل کنند، چگونه نظرات و عقاید مخالف را تحمل و یا اصلاح نمایند.

رشیدی: همین معاشرت و رفت و آمدها در زندگی شخصی هم مؤثر است و گاهی مسیر زندگی را عوض می کند. شاید در طول زندگی شرایط و مشکلاتی پیش بیاید که شخصی به مسجد پناه ببرد و برایش آرامش بخش باشد. گوشه دنجی باشد که بتواند به خدا و اهل بیت علیهم السلام متوسل شود. این خلوت با خدا، از قرار گرفتن در جمعی که انسان را منحرف کند، یقیناً بهتر است.

* تصور شما از مسجد، به عنوان فضایی متناسب با روحیات و ویژگی های زنانه، چگونه است؟

زکی: این فضای مطلوب از صدر اسلام وجود داشته است؛ مسجد فقط جایی برای ادای نماز نبوده، بلکه مرکزی برای مشورت، حل مشکلات مسلمین، هم دلی، تبیین امور سیاسی جامعه و یا مکانی برای ازدواج جوانان بوده است.

بهترین پشتیبانی از جبهه ها را بانوان، در مساجد انجام می دادند. صرفاً نماز خواندن و درب مسجد را بستن مناسب نیست؛ باید در همین مساجد اقداماتی برای حل مشکلات خانواده ها و خصوصاً خانم ها شود. باید از همین جا به مشکلات نیازمندان پرداخت.

صدای اذان که از گلدسته مسجد بلند می شود؛ قدم هایش را سریع برمی دارد که زودتر برسد. نسیم ملایمی می وزد، چادرش را محکم تر می گیرد و سمت مسجد می رود.

سحر شهریاری

کارشناس علوم ارتباطات

اینجا قرارگاه اوست...

بانوی مسجدی که دست دو فرزند کوچکش را گرفته و به سمت مسجد می آید، بانوی مسجدی که دست به عصا، از خم کوچه می پیچد تا وارد شبستانی شود که روزگار جوانی، همراه با مادران چشم انتظار و نگران هم محله اش، هدایای مردمی را بسته بندی می کرده تا به جبهه بفرستند. بانوی مسجدی که اولین روزهای زندگی مشترک را با نماز جماعت خواندن در مسجد محل جدید زندگی اش تجربه می کند. بانوی مسجدی که از دانشگاه رسیده و از شلوغی شهر، به آرامش خانه خدا پناه آورده است. بانوی مسجدی که کتاب های داخل کیفش را مرتب می کند، تا رأس ساعت به جلسه سخنرانی برسد. تجربه ناب مسجد رفتن و از دغدغه های بانوان مسجدی شنیدن، روحیه خوبی به انسان می دهد.

برای بررسی بیشتر مسائل مربوط به امور بانوان در مساجد، پای صحبت های چند بانوی فعال مسجدی نشستیم.

شبستان خواهران مسجد سپهسالار حسین علیه السلام واقع در خیابان فرجام محله نارمک تهران، بعد از یک نماز جماعت معنوی، محل گفت و گوی ما بود.

* سال هاست شما عزیزان در حوزه های متعدد فرهنگی، اعتقادی و... در مسجد خودتان و مساجد هم جوار فعالیت دارید. با توجه به شناخت و تسلطی که به امور مربوط به بانوان مسجدی دارید، به عنوان سؤال اول لطفاً بفرمایید، ویژگی های یک بانوی انقلابی از دیدگاه مقام معظم رهبری، چیست؟

انتظاری: طبق فرمایش رهبر عزیزمان، یک خانم مسلمان و انقلابی، به وظیفه مادرانه و همسرانه اش، نگاه سطحی و بی اعتنا ندارد؛ این را وظیفه کوچکی نمی داند و در رأس فعالیت و نقش زنانه اش قرار می دهد؛ نه در لایه های پایین تر.

شالچی: اولویت نگاه رهبری در شاخصه انقلابی بودن هم هست. فعالیت هایی است که ما خانم ها می توانیم در بسیج، کانون، مساجد و... داشته باشیم؛ مثلاً حضور با پوشش چادر، خودش یک نوع امر به معروف است.

فضا نباید برای ورود و فعالیت صحیح خانم ها بسته باشد. گاهی انسان برای برآوردن نیاز مؤمن، قدم به عرصه هایی می گذارد - مثل کمک درسی به دوستان و یا نظافت مسجد و... - که هیچ مبنای مادی ندارد، اما باعث رشد خود و اطرافیان و خانواده اش می شود

* مسجد چگونه می تواند ظرفیت های فکری و معرفتی بانوان را شناسایی کرده و گسترش دهد؟

غیاث آبادی: همان گونه که اول انقلاب، مساجد تبدیل به پایگاه هایی برای نابودی حکومت شاهنشاهی شد، الان هم می توانند پایگاه هایی برای تثبیت انقلاب اسلامی باشند؛ جامعه کنونی، نیازمند چنین فضایی است و بانوان می توانند بهترین نقش را در این فضا داشته باشند.

* به نظر شما، آسیب های حضور زنان در مساجد چیست؟

انتظاری: یکی از این آسیب ها، وقت گذاری بیش از حد است؛ برخی از بانوان، وقت زیادی را برای برنامه های مسجد اختصاص می دهند و وظایف آنها در خانه کم رنگ می شود؛ مثلاً وقت کافی برای فرزندان اختصاص نمی دهد و یا پدر خانواده از رفت و آمد زیاد همسرش، ناراحت و نارضی است.

غیاث آبادی: یکی از آسیب ها در بعضی مساجد، اختلاط با نامحرم در برخی فعالیت ها است که باعث درگیری و یا ناراحتی می شود؛ در برخی از مساجد همین درگیری ها منجر به کم رنگ شدن حضور خانم ها در مسجد و یا قطع ارتباط آنها شده است.

شالچی: به نظر من یکی از آسیب ها، عدم رعایت تقوای گفتاری در بعضی از بانوان است؛ مثلاً گاهی اوقات، خبر مسائل شخصی مردم بین دیگران نقل شده است. این مسأله را هم می توان با تربیت دینی اصلاح نمود.

زکی: بی اهمیت بودن حضور زنان هم مسأله مهمی است؛ حالا بودند بودند، نبودند هم نبودند. حضور خانم ها خیلی مهم است؛ چون به واسطه حضور آنان در مسجد، فرزندان کوچک آنها نیز مسجدی می شوند. این خیلی مهم است که در کنار مادران شان مسجدی شوند؛ زیرا هم به درستی تربیت می شوند و هم در آینده، مسجد خالی نمی ماند. با این حال، کسانی هستند که دیدگاه شان مخالف این است و هیچ جایگاهی برای دختران و زنان در مساجد قائل نیستند.

خاکسار: مسجد هر محله، باید نزدیک باشد تا رفت و آمد خانم ها آسان باشد. بعضی از مناطق مسجدشان دور است و مردم در رفت و آمد به مساجد دیگر - به بهانه دوری راه - کوتاهی می کنند. همچنین نمی توانند با اطمینان خاطر بچه های شان را مسجد بفرستند. باید محله هایی که مسجد ندارد، در اولویت ساخت مسجد قرار بگیرند.

* با توجه به این نکات، چه فرصت هایی را می توان برای حضور زنان در مسجد بیان کرد؟

شالچی: اگر بچه وقتش را در مسجد نگذراند، به ناچار، باید وقت خود را در کوچه، بازار، کافی نت و... تلف کند. باید محلی در کنار مساجد به عنوان مجموعه فرهنگی ایجاد شود تا افراد وقت خود را هدر ندهند. برای مثال بنده به مسجدی رفتم و دیدم که آشپزخانه مسجد را خراب کرده و یک اتاق کودک ساختند و وسایل بازی گذاشتند، خانمی هم داشت بچه ها را سرگرم می کرد. این باعث می شود که خانواده خیالش راحت باشد. متأسفانه این گونه مساجد کم هستند. نکته دیگر اینکه، بانوان - مثلاً بسیج خواهران - باید با امام جماعت و هیئت امناء ارتباط باشند و از نظرات آنها استفاده شود.

* یعنی تعامل بین بانوان و مسئولان مسجد؟

انتظاری: بله، در هیئت امنای مساجد از نظرات خانم ها استفاده شود. و همین طور، به افراد فعالی که در مساجد در زمینه های مختلف فعالیت می کنند بها داده شود.

شالچی: تعامل با مسجد خیلی مهم است؛ ولی باید برای کارها برنامه ریزی کنیم، باید گزارش داد تا دچار اشتباه و روزمرگی نشویم. نباید حضور در مسجد منحصر در گفت و گوی بانوان با یکدیگر باشد. کارهای ارزشمندی در بسیج و مساجد صورت گرفته است که باید تعامل آنها بیشتر و منسجم تر شود. اگر این کار صورت بگیرد، منشأ برکت زیادی خواهد شد.

غیاث آبادی: به نظرم یکی از فرصت های مسجد، استفاده از علم و دانش بانوان تحصیل کرده و کارشناس است؛ در زمینه مسائل روانشناسی، مشاوره، خانه داری، تقویت علمی و... .

هاشمی: امروزه با توجه به گسترش فضای مجازی و آسیب های آن، خانم ها می توانند در فضای مسجد بسیار مؤثر باشند؛ آنها می توانند جوان ها را دور خودشان جمع کنند و هوای آنها را داشته باشند.

* مساجد چگونه می توانند این ارتباط و تعامل را بیشتر کنند؟

خاکسار: باید با تبلیغات گسترده رسانه ای و فرهنگ سازی، این سنت حسنه را گسترش داد. مثلاً از یک محله شروع شود و کم کم آن را در سطح روستا، شهر، منطقه و... گسترش دهند.

وهاب زاده: باید مراسم ها و جشن ها، باشکوه و جذاب برگزار شود تا نسل جوان و غیرمسجدی ها هم به مسجد علاقه مند شوند.

الان متأسفانه اینگونه نیست و مثلاً در ایام جشن و شادی، تقریباً هیچ تغییر محسوسی در مسجد رخ نمی دهد.

* راهکار عملی شما برای تقویت ارتباط گیری چیست؟

رشیدی: ارتباط مسئولان بسیج، هیئت امناء و... از این لحاظ که به خانه هم محله های مسجد سرکشی کنند، باید بیشتر شود؛ مثلاً به عیادت افراد مریض بروند و یا در مراسمات شادی و یا عزای آنها شرکت کنند. گاهی یک روی خوش نشان دادن و یا یک احوال پرسی ساده، آدم ها را دگرگون می کند.

* این سخن درستی است؛ چون خانم ها عضو مؤثری در خانواده هستند، اگر خوب تربیت شوند، جامعه تربیت می شود؟

هاشمی: بله، همه ما در بحث تربیت تأثیرگذار هستیم، اگر ما آگاهی داشته باشیم، تربیت صحیح داشته باشیم، می توانیم خانواده هایمان را تحت تأثیر قرار داده و اصلاح نماییم.

غیاث آبادی: بله، خانم ها مؤثرترین عضو خانواده هستند؛ باید برنامه های ویژه برای آنها در نظر گرفت. به نظر من بعضی از برنامه های فکری و تربیتی مساجد باید به صورت مستمر باشد، نه فقط مناسبتی! مثلاً مباحث مهدویت، مسائل پیرامون انتخابات، مسائل تربیتی و فرزندپروری و... باید در طول سال مداوم برقرار باشد تا نهادینه شود.

رشیدی: حمایت از خانم هایی که نیاز مالی دارند خیلی مهم است. به عنوان مثال، باید شرایطی فراهم کرد که خانم هایی که در خیابان فروشنده می کنند، در محل امنی کار کنند. در کنار مساجد مکانی برای ارائه کار هنری و... بانوان برپا شود.

خاکسار: همان طوری که مسجد در گذشته، پایگاهی برای انجام امور انقلابی بوده - پشتیبانی از جنگ، تدارکات و... - الان که در صلح و امنیت به سر می بریم نیز، هدایت فکری بانوان می تواند مؤثرترین کاری باشد که در مساجد صورت می گیرد. با برنامه ریزی و تدبیر مناسبی که توسط مسئولان مسجد، ائمه جماعات و رابطین خواهر فعال و فرهیخته صورت می گیرد، این مهم دست یافتنی است.

ارتباط مسئولان بسیج،

هیئت امناء و... از این

لحاظ که به خانه

هم محله های مسجد

سرکشی کنند، باید

بیشتر شود؛ مثلاً به

عیادت افراد مریض

بروند و یا در مراسمات

شادی و یا عزای آنها

شرکت کنند

چهار نکته در موضوع حضور بانوان در مسجد

حجۃ الاسلام و المسلمین
رضا محمدی



کمالاتی در وجود آدمی می‌شود. نمی‌شود گفت که خانم‌ها چون زن هستند باید محروم از حضور در مسجد و این فضائل باشند؛ مگر این که بگوییم صرفاً آن نبی که زن‌ها برای حضور در مسجد می‌کنند خدا ثواب را تفضلاً می‌دهد. وگرنه برای استکمال حتماً آن امتیاز و ظرفیتی که در اختیار آقایان است، باید در اختیار خانم‌ها هم باشد. وگرنه این جا ظلم شده نسبت به خانم‌ها که این با روح اسلام و با روح ادبیات دینی ما سازگار نیست.

شاید برخی بگویند حضور زن در مسجد از این باب نهی شده که لطمه به وظیفه همسری و خانه‌داری‌اش می‌زند. در صورتی که این اختصاص به زن ندارد و شامل مرد نیز می‌شود. در روایت داریم که پیامبر فرمودند: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا؛ نشستن آقا در خانه خودش پیش خانواده‌اش، پیش خدا محبوب‌تر است از اعتکاف در مسجد النبی». پس آقایان هم اگر افراط در مسجد رفتن‌شان بخواد به وظیفه شوهر بودن و پدر بودن آنان لطمه بزند یا اینکه مسجد رفتن‌شان با یک وظیفه هم تراحم داشته باشد طبعاً باید این جا هم و مهم بکنند.

با جستجویی که انجام شد چنین روایتی (مسجد المرأة بیتها) با این ادبیات پیدا نشد. روایاتی داریم که مثلاً امام فرمود: نماز زن در خانه بهتر است از ایوان، در ایوان بهتر است از در صحن، و در صحن بهتر است از بیرون.

با فرضی که این تأکید در اسلام باشد که زن خانه‌اش بهتر از مسجد است، این جا باید چند نکته را مدّ نظر داشته باشیم؛ نکته اول این است که تقریباً همه این روایات و روح اسلام و آیات قرآن نسبت به حجاب و پوشش و عفت زن حساسیت دارند که این مطلب را بیان فرموده‌اند. حال و هوای روایات عدم حضور بر این اساس است که زن بخواند در مسجد نمازش را بخواند و با مردها اختلاط داشته باشد و با این بهانه که مثلاً به ثواب‌های نماز جماعت در مسجد برسد، باعث گناه بعضی از آقایان یا گناه خودش بشود. عقل و نقل همه می‌گویند که آن ترک حرام اولی است. پس با این فرض که زن به مسجد می‌آید و هیچ کدام از این تالی فاسدها و تبعات و پیامدهای اختلاط و نگاه و مسائلی از این قبیل نداشته باشد، ظاهر این است که روایات نهی از حضور زن در مسجد، این گونه حضور زن را مدّ نظر نداشته باشند.

۱. تنبیہ الخواطر: ج ۲، ص ۱۲۲؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۲۵۴.

۱ آیا آن فضائلی که برای ثواب جماعت گفته شده است در روایتی پیدا می‌شود که اختصاص به آقایان داشته باشد؟ پاسخ منفی است. آن روایات عام است و چیزی هم عموم و اطلاق آن‌ها را از بین نمی‌برد.

۲ اگر فرض بگیریم ثواب عبادت زن در خانه بیشتر از مسجد است یا حتی به بیانی مسجدش خانه‌اش است، بنابراین نباید به مسجد بیاید؛ حال سؤال این است که چرا زمان پیامبر (ص) زن‌ها در مسجد حضور داشتند؟ در هیچ موردی هم پیامبر (ص) نفرمودند که زنان! در نماز شرکت نکنید و در خانه خودتان نماز بخوانید. حتی درباره نماز عشا و صبح که در تاریکی شب واقع می‌شود، هیچ موردی نداریم که از شرکت زن‌ها در مسجد نهی شده باشد. بلکه برعکس مواردی داریم که زمینه‌های حضور زن‌ها در مسجد فراهم شده و زن‌ها هم در نماز پیامبر (ص) شرکت می‌کردند. مثلاً درباره واقعه تاریخی نماز مسجد قبلتین در زمانی که قبله تغییر کرد همه روایات دارد که صفی از زن‌ها به همراه مردها مشغول نماز بودند. در مسجد النبی هم خانم‌ها بودند و حائل و مانعی هم بین آن‌ها و آقایان نبوده است. همین باب النساء هم که تأسیس شده یک وجهش همین بود که زن‌ها یک در ورودی مستقل داشته باشند تا در هنگام رفت و آمد با مردها تلاقی نکنند و روبرو نشوند.

در مجموع مسأله حضور زنان که در دوران پیامبر (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و تا زمان ما وجود داشته می‌رساند که یک سنتی بوده است. چنان که مرجع تقلیدی نبوده نیست که فتوا داده باشد زن باید توی خانه‌اش نماز بخواند و بیرون نیاید. از طرفی بحث اعتکاف خانم‌ها در مسجدها همیشه رواج داشته است. اصلاً در غیر مسجد هم که نمی‌شود معتکف شد. هیچ موردی نداریم که گفته شده باشد اعتکاف از زن‌ها برداشته شده است. در زمان خود پیامبر، همسران وی به همراه ایشان معتکف می‌شدند. در دوره‌های زمانی بعد هم خانم‌ها معتکف می‌شدند. هیچ امامی و هیچ عالمی نبوده که از اعتکاف خانم‌ها در مسجد نهی بکند. این هم شاهدهی دیگر بر مدّعی ما.

آنچه باعث کمال انسان و فضیلت انسان محسوب می‌شود، به جنسیت مربوط نمی‌شود، چون جنسیت مربوط به حیوانیت و بدن انسان است. اگر چیزی باعث کمال انسان بشود این اختصاص به هیچ کس ندارد. نمی‌شود بگوییم که زن‌ها باید از این بخش محروم بشوند. می‌دانیم که حضور در مسجد باعث

مرجع تقلیدی نبوده و نیست که فتوا داده باشند زن باید توی خانه‌اش نماز بخواند و بیرون نیاید

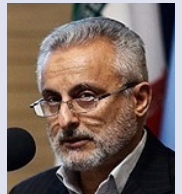
شاید برخی بگویند حضور زن در مسجد از این باب نهی شده که لطمه به وظیفه همسری و خانه‌داری‌اش می‌زند. در صورتی که این اختصاص به زن ندارد و شامل مرد نیز می‌شود

تأثیرات تاریخی زنان مسجدی بر جامعه ایرانی

تاریخ گواهی می‌دهد...

اگر حضور زنان در مساجد نبود، صدمات جبران‌ناپذیری به کشور وارد می‌شد

محمد حسن
رجبی دوانی
مورخ و پژوهشگر



نمی‌توان نقش پررنگ مساجد را در انقلاب سال پنجاه و هفت نادیده گرفت؛ مکانی که اگر وجود نداشت، بسیاری از اتفاقات انقلاب رخ نمی‌داد. اما سؤال اینجاست که نقش زنان در انقلاب و حضور آنان در مساجد چگونه بوده است. برای رسیدن به پاسخ این سؤال، به سراغ محمدحسن رجبی دوانی، مورخ سرشناس کشور رفتیم. رجبی مؤلف کتاب «مشاهیر زنان ایرانی و پارسی‌گوی از آغاز تا مشروطه» است که در سال هفتاد و چهار به چاپ رسیده. کتاب دوانی با ویرایش جدید و با نام «فرهنگ‌نامه زنان ایرانی و

پارسی‌گوی از آغاز تا مشروطه» در سال نود و چهار تجدید چاپ شد.

محمدحسن رجبی دوانی، حضور و فعالیت زنان در مساجد را بسته به اتفاقات و سیر تاریخی کشور به چند دوره تقسیم می‌کند. او درباره نقش و حضور زنان در قبل از انقلاب می‌گوید: «قبل از انقلاب، بانوان با حضور در مساجد، به دنبال کسب معنویات و دین بودند. با تغییرات سیاسی و اجتماعی کشور و شنیدن آوازه‌های انقلاب، مساجد به سنگر مناسبی برای زنان انقلابی تبدیل شد. زنان با گردهمایی در مساجد، به مدیریت و برنامه‌ریزی تظاهرات، فعالیت‌های انقلابی و تشکیل گروه‌ها و انتشار و نشر اعلامیه‌ها می‌پرداختند. در آن زمان، مساجد تنها کانونی بود که می‌توانستند از آن به‌عنوان یک کلوپ استفاده کنند. یک کانون سنتی، که تبدیل به تریبونی برای انتشار عقاید سیاسی و دینی شده بود و از هر قشر و هر طبقه اجتماعی می‌توانست در آن شرکت کند».

نویسنده کتاب فرهنگ‌نامه زنان ایرانی تأکید می‌کند که با انقلاب و تغییر جو اجتماعی و دینی کشور، فعالیت‌ها و حضور بانوان در اجتماع و کانون‌های اجتماعی که مساجد یکی از مهم‌ترین آنها بود، بیشتر شد. او تشریح می‌کند: «بعد از انقلاب، ما شاهد حضور گسترده زنان در مساجد بودیم. انقلاب اسلامی باعث رشد و شکوفایی مساجد شد و بستر مناسبی برای فعالیت‌های عبادی و سیاسی به‌وجود آورد. در بدو انقلاب، مساجد به کانونی برای سازمان‌دهی جوانان و دانش‌آموزان برای خدمات‌رسانی به مناطق محروم و کشاورزان نیازمند تبدیل شده بود. زنان و دختران جوان، در پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها، در قالب گروه تیمی به روستاها و مراکز محروم سفر می‌کردند».

رجبی دوانی معتقد است که اوج حضور زنان در مساجد و تأثیر این حضور، در زمان جنگ تحمیلی شکل گرفت. زمانی که اگر مشارکت زنان در مساجد نبود، مشکلات اجتماعی و سیاسی زیادی به وجود می‌آمد: «با شروع جنگ تحمیلی، حضور زنان و فعالیت‌های آنها وارد فاز جدیدی شد. ده‌ها هزار دختر، مادر، خواهر و همسر در مساجد جمع شدند و با شور و اشتیاق به جمع‌آوری اقلام و سازمان‌دهی آنها برای جبهه‌های حق علیه باطل پرداختند. این شور و اشتیاق و حضور، باعث وجود یک ارتش انسانی عظیم شد. مسلماً اگر حضور زنان و فعالیت‌های آنها در مساجد نبود، ما با مشکل عظیم نیرو مواجه می‌شدیم و صدمات جبران‌ناپذیری به کشور وارد می‌شد. فعالیت‌های عمرانی و تبلیغاتی به نفع انقلاب و جنگ، و سازمان‌دهی و اعزام نیرو به جبهه از کارهایی بود که زنان در آن زمان با حضور در مساجد انجام می‌دادند».

محمدحسن رجبی دوانی معتقد است که امروز بسته به نیاز جامعه و تغییر سبک زندگی، حضور زنان در مساجد تغییر کرده است: «امروز فعالیت‌های زنان در مساجد، بیشتر فرهنگی شده است. نیاز جامعه امروز تغییر کرده و با توجه به تنوع نیازها، حوزه‌های فعالیت بانوان گسترده‌تر شده است». رجبی معتقد است که حضور زنان در مساجد، به قبل و بعد از انقلاب برنمی‌گردد: «نقش زنان در تاریخ ایران را نمی‌توان نادیده گرفت، این نقش غالباً از کانون مذهبی و عبادی مسجد برخاسته است. شاید به همین دلیل است که در معماری بسیاری از مساجد قدیمی، جایگاه و کرسی برای بانوان در نظر گرفته شده است، این مسئله می‌تواند ارزش حضور زنان در مساجد را نشان دهد».

گفت و گو با مسئول دبیرخانه فراخوان ایده‌های مسجدی (فام) درباره فراخوان سوم این مجموعه و اقدامات انجام شده در این دبیرخانه

ایده‌هایی که صحن مسجد را رونق می‌بخشد



به عنوان اولین سؤال بفرمایید که فام یا فراخوان ایده‌های مسجدی به چه منظور ایجاد شده و چه اهدافی را دنبال می‌کند و الان در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

علی فاتح

بحث ایده به طور کلی در کشور ما جوان است و عمدتاً هم در فضاهای کارآفرینی به آن پرداخته شده است. در حوزه فرهنگ و مسائل مرتبط با علوم انسانی کمتر به آن، توجه شده و به همین نسبت در حوزه فعالیت‌های مذهبی خصوصاً مسجد، فضای توجه به ایده، کم برخوردارتر است و می‌توانیم بگوییم این بحث بسیار نو و بدیع است. فام یا همان فراخوان ایده‌های مسجدی به پیشنهاد ریاست محترم مرکز و به منظور تشکیل بانک ایده‌های مسجدی - که با توجه به نکاتی که عرض شد خلأ آن در فضای فرهنگی ما کاملاً احساس می‌شد - در سطح ملی راه‌اندازی شد و در اولین دوره آن (فام ۱) شاهد دریافت آثار متعددی از قالب‌های گوناگون فرهنگی مانند مقاله، پایان نامه، کتاب، عکس، فیلم، فیلم‌نامه، شعر، داستان و از جمله خود ایده بودیم.

رسالت فام که تشکیل بانک ایده‌های مسجدی بود، در فراخوان اول ما محقق شد و بانک ایده‌های مسجدی با اسم اختصاری فام با حدود دویست ایده رونمایی شد. در فراخوان دوم، تقویت بانک ایده و زمینه‌سازی برای اجرای ایده‌ها محور فعالیت‌های دبیرخانه بود. همین رسالت در فراخوان سوم ما هم دنبال شد، لکن آن زمینه‌سازی برای اجرا را با یک تدبیر ویژه‌تری امروز داریم پی‌گیری می‌کنیم. با توجه به اینکه مخاطبان نشریه در سال‌های قبل در جریان فعالیت «فام» بوده‌اند اگر مایل باشید، سیر فراخوان سوم را بیشتر بحث کنیم.

بفرمایید

ما در فراخوان سوم حرکت جدیدی را آغاز کردیم که شاید بتوان ادعا کرد در عرصه فعالیت فرهنگی کشور تجربه نوینی است. بدین صورت که تمرکز اصلی بر فضای مجازی با راه اندازی گروه‌هایی از ایده‌پردازان جوان مسجدی در شبکه‌های اجتماعی واتس‌آپ و تلگرام در دستور کار دبیرخانه قرار گرفت.

بیش از پانزده گروه در کل کشور از برادران و خواهران در یک پروسه شش ماهه موضوعات مورد نیاز مسجد را به بحث و ایده‌پردازی گذاشته بودند که بحمدالله بیش از دو هزار ایده از این طریق خلق شد.

در حال حاضر تقریباً به این نقطه رسیده‌ایم که ظرفیت ایده‌پردازی مسجدی موجود کشور

تقریباً اشیاع است، یعنی کمتر طرح و ایده‌ای است که گردآوری نشده باشد و در سایت موجود نباشد. لذا کاری که امروز رسالت اصلی ماست این است که ایده‌ها را در قالب‌ها و بسته‌بندی‌های مناسب با نیاز مخاطبان مسجد عرضه کنیم. یعنی امام جماعت، فعال فرهنگی، خادم، هیأت امناء، همه این اقشار مرتبط با مسجد باید بتوانند ایده‌های مربوط به خودشان را به شایستگی دریافت کنند تا زمینه‌های اجرای آنها فراهم شود و خود این اجرا مجدداً بشود یک زمینه‌سازی دیگر برای اجرای ایده‌های بعدی. البته ناگفته نماند که برای اجرای برخی ایده‌ها نیازمندیم که دستگاه‌های مختلف دولتی و نظام پای کار بیایند.

نکته دیگر این است که امروز سایت بام «www.masjedidea.ir» که از بانک ایده‌های مسجدی به باشگاه ایده‌پردازان مسجدی ارتقاء یافته، بحمدالله به یک قوام نسبی رسیده و اولین سایت تخصصی ایده‌پردازی مسجدی است که هم تعریفش از ایده روشن است، هم ملاک‌های ارزیابی روشنی از ایده دارد و هم توانسته با تنظیم سند فام که مبتنی بر چشم‌انداز و اهداف و اقدامات لازم است نقشه راه و تصویر نسبتاً روشنی از آینده خود داشته باشد.

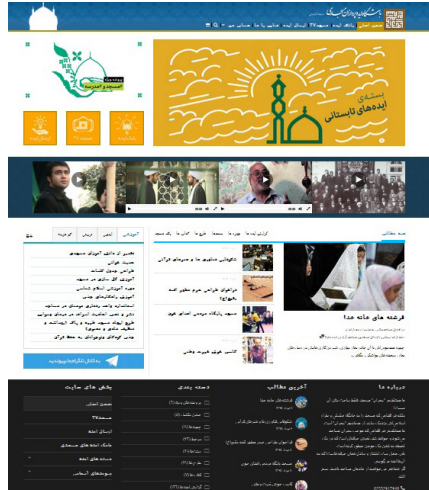
بر اساس سند مذکور، چشم‌انداز فام برای شما تا کجاست؟

تمام آنچه مرتبط با بحث ایده‌پردازی مسجدی است در این سند دیده شده است. بر این باوریم که فام باید بتواند مرجع هدایت و راهبری جریان تولید، جمع‌آوری، فراوری و ترویج ایده‌های مسجدی و زمینه‌سازی جهت اجرای آن برای نیل به مسجد طراز اسلامی باشد و این همان چشم‌انداز ماست. برای این کار هم باید مرجع دانش ایده‌پردازی باشد و هم یک حلقه واسطی باشد میان ایده‌پردازان و مجریان ایده که این موضوع هم به صورت مبسوط در سند آمده و پیشنهاد می‌کنم در یکی از شماره‌های نشریه مسجد به صورت مفصل راجع به این سند گفتگو کنیم.

پس از سه سال تلاش مجموعه فام، استقبال از این ایده‌ها چگونه بوده است؟ و آیا برای پیاده‌سازی و اجرای این ایده‌ها هم به مجموعه فام مراجعه‌ای شده است یا نه؟

ما مستقیماً مجری ایده‌ها نیستیم، اما در حال تدارک محرک‌هایی اجرایی برای این کار هستیم. بعضی از این ایده‌ها خودشان قبلاً اجرایی شده بوده‌اند و در واقع ایده توسط مجری آن به ما گزارش شده، یعنی در واقع ایده‌پرداز تجربه خود را منتقل کرده است.

برخی دیگر از ایده‌ها نو و تازه است. در هر دو صورت ما باید حالا زمینه‌سازی کنیم برای اجرا که این امر را در قالب گام اول مان که از



دهه تکریم امسال شروع شد انجام دادیم. بسته ایده‌های دهه تکریم و پس از آن ایده‌های ماه مبارک رمضان را در قالب یک بسته ایده در سایت قرار دادیم.

در همین راستا کانال تخصصی تلگرامی مان هم راه اندازی شد که این‌ها در واقع بسترهای معرفی و پس از آن اجرای ایده‌هاست.

بناست که ان شاءالله بسته‌بندی ایده‌های مان در قالب‌های پوستر، موشن گرافیک و اینفوگرافیک و کلیپ باشد تا جذابیت‌های بصری برای توجه به ایده، یاور این امر شود.

یعنی ظرفیت سازی برای این ایده‌ها با شماست در نهایت یا نیست؟

باید عرض کنم که بله. بر اساس سند فام این امر بر عهده ماست.

این امکان چگونه برای ائمه جماعات و اهالی مسجد وجود دارد که به بانک ایده‌ها دست یابند؟

از طریق سایت بام (باشگاه ایده‌پردازان مسجدی) به نشانی masjedidea.ir هر کسی امکان ارتباط با ایده‌ها را دارد. ضمناً پیشنهاد می‌کنم که در کانال تلگرامی ما به نشانی <https://telegram.me/masjedideas> عضو شوند تا به صورت روزانه از ایده‌ها برخوردار شوند.

این سؤال هم وجود دارد که امکان دارد که این فراخوان در آینده موضوعی بشود؟

بله، چه به این صورت که برای برخی ایده‌های موجود در بانک، قالب‌های متعددی را طلب کنیم (مثلاً برای ایده‌های مسجد و بانوان یا مسجد و مدرسه و... فراخوان داستان یا فیلم و عکس و...). یا در موضوعاتی که احساس کنیم هنوز ظرفیت ایده‌پردازی وجود دارد، طلب ایده کنیم.

به عنوان آخرین پرسش بفرمایید که چه درخواستی از ائمه جماعات و فعالان در مسجد جهت پربار شدن فعالیت‌های «فام» دارید؟

تقاضای حقیر به عنوان خادم‌شان در بحث ایده‌پردازی این است که اولاً «بام» را متعلق به خودشان بدانند، ارتباط با سایت داشته باشند و ایده‌ها را مورد بررسی قرار بدهند. ثانیاً ما را از نظرات و تجربیات‌شان مطلع و بهره‌مند سازند. اگر ایده‌ای دارند که در سایت نیست، حتماً بزرگواری کنند و مطلع‌مان کنند و چنانچه ایده‌ای را اجرا کردند به ما بازخورد دهند و نقاط قوت و ضعف آن را به برادرانشان در دبیرخانه گوشزد فرمایند.

و کلام آخر.

این ایده‌ها همه در یک سطح نیستند. این سایت به منزله یک سفره رنگین است که برای ذائقه‌های مختلف در سطوح مختلف ایده‌ها را جمع کرده است. ممکن است بعضی از ایده‌ها سطح‌شان بالا باشد، بعضی از ایده‌ها متوسط و میانی باشد و بعضی‌ها پایین‌تر؛ برخی خرد باشند و برخی دیگر کلان، ایده‌ای فانتزی باشد و جوان‌پسند و ایده دیگر سنگین باشد و... ما فعلاً نخواستیم هیچ ایده‌ای از گردآوری مان خارج شود. این‌ها را جمع کردیم تا ان شاءالله بتوانیم به طبقه‌بندی و سطح‌بندی مناسبی برسیم. به امید این که این حرکت کوچک در راستای ارتقای مساجد به طراز اسلامی مؤثر باشد و خدای متعال شما و ما را از آبادگران مساجد الهی قرار بدهد.

منبر

دریچه

یاسر شریعتی

تربیت در خانواده یعنی رعایت رفتارهای ظریف در بزنگاه‌های مختلف. در روایتی از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است که در دادن سوغاتی به فرزندان از دختران شروع کنید. شاید خیلی از ما پدران متوجه این رفتار ظریف نشویم، ولی همین عمل به ظاهر کوچک، برای طبع لطیف دختر ارزش فوق العاده‌ای دارد. اینگونه توجه‌ها را می‌توان از چشمه نورانی پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) و اهل بیتش استخراج کرد و به عنوان سبک زندگی اسلامی به کام تشنه خانواده‌ها ریخت. کانون گرم خانواده‌ها امروز بخاطر رعایت نکردن همین نکات کوچک رو به سردی است و نگاهیان شعله‌های ایمان در قلوب مردم، مبلغان و مروجان دین هستند.

در این شماره با محوریت میلاد حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و روز ملی دختران، مطالبی پیرامون اصول تربیتی دختران در خانواده، ارائه الگو برای دختران نوجوان، پاسخ‌گویی به شبهات عفاف و حجاب، بررسی مسائل فقهی بلوغ دختران از نظر شما می‌گذرد.

از آنجا که ائمه جماعات از نزدیک با اقشار مختلف مردم در ارتباط هستند، بهتر می‌توانند راهکارهای تبلیغی و ترویجی ویژه مخاطبان تهرانی را در عرصه‌های مختلف تربیت خانوادگی و اجتماعی معرفی کنند. امید که این نشریه را از آن خود بدانید و از این دریچه تجارب خود را با دیگران تقسیم کنید.

بانوی شهر آفتاب

درجات رضایت از خالق

نگاهی به زیارت‌نامه حضرت معصومه علیها السلام

منبرهای بین الصلواتین

قفسه کتاب

جود و بخشش در خانواده

به‌کارگیری شعر عربی در منبر فارسی

سن بلوغ دختران از منظر فقه

چادر مشکی دلیل قرآنی دارد



بازخوانی سیره تبلیغی حضرت معصومه (سلام الله علیها)

بانوی شهر آفتاب

ضرورت سیره‌شناسی

امیر محسن عرفان
دکترای تخصصی (PHD)
گرایش تاریخ و تمدن اسلامی

شناخت اصول، روش‌ها و سبک‌های گوناگون افراد در رفتار و کردارشان را «سیره‌شناسی» می‌نامند. سیره‌شناسی در حقیقت رفتارشناسی است.

لزوم بررسی و شناخت سیره تبلیغی حضرت معصومه (سلام الله علیها)، ریشه در کمال‌جویی دارد و از نیاز انسان به اسوه برخاسته است. این نیاز فطری انسان است، تا آنجا که گفته‌اند: انسان بدون اسوه، راه به سوی کمال نخواهد برد. انسان برای ره‌یابی به سرمنزل مقصود و دست یافتن به کمال مطلوب، در جست‌وجوی اسوه‌هایی برای پیروی از آنها و گرفتن سرمشق برمی‌آید و اگر در شناخت الگوها دچار خطا و لغزش شود، گمراه می‌شود و ممکن است به الگوهای دست‌یافتنی که با ظاهری فریبنده، خود را رهبر و مقتدای جامعه ساخته‌اند و آن‌گاه با پیروی از آنها گرفتار انحراف شوند و در نتیجه، به جای تکامل، حضيض ذلت سقوط کنند.

آنچه با عنوان «سیره تبلیغی حضرت معصومه (سلام الله علیها)» در پی می‌آید، سیری است در شیوه‌ها و طریقت تبلیغی حضرت معصومه (سلام الله علیها) که می‌سزد نمونه‌هایی ذکر شود تا باز نماید این بانوی کرامت، با چه منش و رفتاری از بنیان‌های اساسی و اعتقادی خویش دفاع کرده است.

مؤلفه‌های سیره تبلیغی حضرت معصومه (سلام الله علیها)

۱. زمانه آگاهی

در طول حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس، دوستداران اهل بیت (علیهم السلام) در سختی و رنج مضاعفی به سر می‌بردند. اختناق به حدی بود که هیچ‌کس حق نقل روایتی در فضیلت اهل بیت (علیهم السلام) نداشت. آنان برای فرار از تنگنای موجود و گسترش فضایل اهل بیت (علیهم السلام) بارها هجرت کرده یا به زندان افتاده و شکنجه شده بودند.

در آن روزگار سیاست بدون امامت و ولایت تفسیر می‌شد یا بودند متحجرانی که امامت را ابزاری برای سیاست‌ورزی می‌دانستند، اما در نگرش حضرت معصومه (سلام الله علیها)، امامت و ولایت جلوه‌ای دیگر می‌یافت.

در میان راویان حدیث، حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) با توجه به شناخت محیط سیاسی و اجتماعی خود با درایت و تیزهوشی ذاتی در جهت حفظ سرچشمه زلال نبوی، در مسیر امامت گام برمی‌داشت. شهرت آن حضرت به «محدثه» از همین رو بوده است. مؤلف کتاب «اعلام النساء المؤمنات» حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) را از جمله راویان احادیث بزرگوارشان معرفی کرده‌اند.^۱

در روزگاری آن حضرت به «محدثه» شهرت می‌یابد که حکومت بنی‌عباس تلاش فراوانی برای از بین بردن راویان و محدثان داشته و در گذر زمان تعداد بسیاری از راویان راستین و بیان‌کننده احادیث نبوی در مقابل تیغ خصم از بین رفته‌اند. این چنین حضرت معصومه (سلام الله علیها) برای

انسان بدون اسوه، راه به سوی کمال نخواهد برد. انسان برای ره‌یابی به سرمنزل مقصود و دست یافتن به کمال مطلوب، در جست‌وجوی اسوه‌هایی برای پیروی از آنها و گرفتن سرمشق برمی‌آید

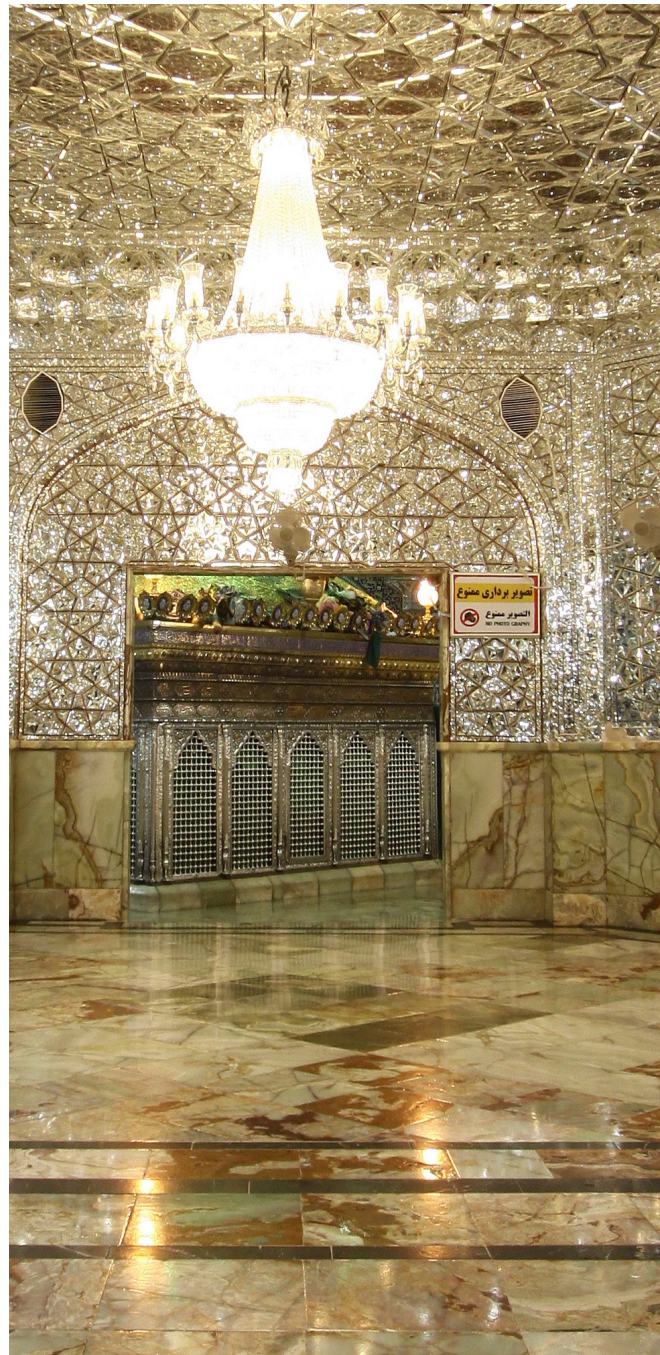


توسعه و نشر معارف اسلامی می‌کوشید، چنان که آن احادیث را که بدون واسطه از پدر و مادر خویش گرفته بود بیان می‌فرمود تا عقاید ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) و معرفت اهل بیت (علیهم السلام) را در جامعه بگستراند.

حضرت معصومه (سلام الله علیها) در مناسبت‌های گوناگون، حدیث غدیر و منزلت و دیگر فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را نقل می‌کردند.^۲ نقل حدیث غدیر و حدیث منزلت ترسیم‌کننده نقش امامت در جامعه‌ای است که افکار انحرافی و التقاطی، کاملاً در جامعه ریشه دوانده است.

۲. بصیرت و روشن‌بینی

حضرت معصومه (سلام الله علیها) اندیشه‌ای بسیار متفاوت از اندیشه و بینش



و روش رایج مردم زمانه و روند جامعه و روزگارش داشت. ویژگی منحصر به فرد این بانو، بصیرت و بینش است که با نگاه به فراز و نشیب‌های زندگی ایشان، به روشنی جلوه‌گر است. مأمون عباسی با ظرافت خاصی کوشید تا وانمود کند که در پیشنهاد ولی‌عهدی به امام رضا (علیه السلام)، خلوص نیت دارد و از سر اعتقاد به علویان و نیز علاقه وافری که به امام رضا (علیه السلام) دارد دست به این کار زده است. ظاهر سازی مأمون به اندازه‌ای ماهرانه انجام گرفت که حتی بعدها در مسئله شهادت امام، آن گونه که اربلی به سید بن طاووس نسبت داده و خود نیز تمایل آشکاری به آن نشان داده، مأمون میرا دانسته شده و یک فرد شیعه یا متمایل به امام شناسانده شده است.^۲ به هر روی مأمون عباسی برای مشروعیت جلوه دادن حکومتش و نظارت بر فعالیت‌های

آن حضرت و خاموش کردن قیام‌های علویان به این کار دست زد. اما حرکت حساب شده حضرت معصومه (سلام الله علیها) از مدینه به سمت طوس، صفحه‌ای درخشان از عمق بصیرت و روشن بینی آن حضرت است که در شرایط حساس آن دوران این وظیفه را به خوبی انجام داد. برخورد خشن مأموران حکومت بنی عباس با کاروان حضرت معصومه (سلام الله علیها) در ساوه و شهادت برادران آن حضرت و مسموم شدن ایشان، تبلیغات بنی عباس در اعطای ظاهری مقام ولی‌عهدی به امام رضا (علیه السلام) را نقش بر آب کرد. انتخاب قم، در بحرانی‌ترین شرایط و سخت‌ترین وضعیت‌ها که خوششان و برادرش در آن وضعیت به شهادت رسیدند و خود هم از بیماری و اندوه رنج می‌برد نشان دیگری از بصیرت و دوراندیشی اوست.

۳. علم و دانش

با نگاه به شرایط آن روزگار جهان عرب و نیز با توجه به اسارت و محرومیت کامل «زن» از حقوق انسانی و اجتماعی در آن روزگار، سخنی از توانمندی‌های علمی این بانوی خرد و اندیشه‌آفرین می‌یابیم. عده‌ای از شیعیان امام کاظم (علیه السلام) به انگیزه حل پرسش‌های دینی و علمی خود رهسپار مدینه شدند. از آن رو که آن حضرت در سفر بود به ناچار سوالات خود را نوشتند و به خانواده امام کاظم (علیه السلام) تحویل دادند تا در سفر بعد، جواب آنها را دریافت کنند. اما با تعجب دیدند که حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) پاسخ پرسش‌های آنان را نوشت. هنگام مراجعت و در بین راه با امام کاظم (علیه السلام) ملاقات نمودند و ماجرا را به عرض ایشان رساندند. امام (علیه السلام) نوشته را مطالعه کردند و لبخند رضایت از درستی پاسخ‌ها بر لبان آن حضرت نقش بست و سه بار فرمودند: «فداها أبوها!»^۳

این روایت به خوبی مقام علمی این بانو را نشان می‌دهد.

۴. زهد و پارسایی

زهد به معنای دل‌کندن از علاقه‌های دنیوی و بی‌رغبتی به هر چیزی است که آدمی را از خدای متعال باز می‌دارد و زاهد کسی است که مادیات را کمال مطلوب نمی‌انگارد و توجهش از آنها به حقایق فراتر، اشتغال یافته، تنها به تکلیف می‌اندیشد و به رضای حق ایمان دارد. اعطای مقام شفاعت شیعیان به این بانوی بزرگ، عظمت و بلندمرتبه‌گی ایشان را نشان می‌دهد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «زنی از فرزندانم در قم وفات می‌کند نام او فاطمه دختر موسی بن جعفر (علیهما السلام) است که به سبب شفاعت او تمامی شیعیانم داخل بهشت می‌شوند.»^۴

از جمله مناقب و شرافت‌های حضرت معصومه (سلام الله علیها) صدور زیارت‌نامه مخصوص برای آن حضرت از جانب امام رضا (علیه السلام) است. عبارات این زیارت‌نامه حکایت از مقام عظیم این بانوی بزرگوار دارد. عبارت «فان لك عند الله شأنًا من الشأن» در این زیارت‌نامه شاهد و گواهی بر تقوای وی است و این شأن و مرتبت عظیم نشان از ایمان و عمل صالح ایشان دارد. در عبارت دیگری در این زیارت‌نامه آمده است: «اتَّقِرْبُ إِلَى اللَّهِ بِحُجَّتِكَ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَغْدَانِكَ وَ التَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ»^۵ تقرب می‌جویم به درگاه خداوند متعال به واسطه دوستی با شما و بی‌زاری از دشمنان شما و تسلیم شدن در برابر او امر الهی، در حالی که راضی به رضای الهی بدون انکار و استکبار هستیم.»

همین بزرگی و پارسایی حضرت معصومه (سلام الله علیها) بود که امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمٍّ كَمَنْ زَارَنِي»^۶ هر کس فاطمه معصومه در قم را زیارت کند مرا زیارت کرده است.» امام جواد (علیه السلام) نیز فرمودند: «مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقَمٍّ فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۷ هر کس قبر عمه‌ام را در قم زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود.»

حضرت معصومه (سلام الله علیها) اندیشه‌ای بسیار متفاوت از اندیشه و بینش و روش رایج مردم زمانه و روند جامعه و روزگارش داشت. ویژگی منحصر به فرد این بانو، بصیرت و بینش است که با نگاه به فراز و نشیب‌های زندگی ایشان، به روشنی جلوه‌گر است

۱. محمد حسون و ام علی مشکور، اعلام النساء المؤمنات، بیروت، مؤسسه اهل بیت، ۱۴۳۲ق.
۲. علامه امینی، الغدير، ج ۱، ص ۱۹۷.
۳. اربلی، كشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۸۲.
۴. کریمه اهل بیت، ص ۶۴ - ۶۳.
۵. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۵.
۶. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۷۶.

نمونه فیش سخنرانی استاد عالی به مناسبت ولادت امام رضا

درجات رضایت از خالق

تنظیم:
حسن هرمز



وجه تسمیه «رضا»

بعضی شایعه کرده بودند که مأمون لقب «رضا» را به امام داده است. امام جواد (ع) به شدت با آنان مخالفت کرد و فرمود: «این لقبی است که پروردگار عالم به ایشان داده است. از این جهت به پدرم رضا می‌گویند: «لَا تَهْ رَضِيَ بِهِ الْمُخَالِفُونَ مِنْ أَغْدَائِهِ كَمَا رَضِيَ بِهِ الْمُؤَافِقُونَ مِنْ أَوْلِيَانِهِ وَلَمْ يَكُنْ ذَلِكَ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِهِ» زیرا مخالفین از دشمنان به او رضایت دادند، چنان که موافقین از دوستانش به او راضی گشتند و این جهت برای پدران بزرگوارش تحقق نیافت». هنگامی که امام رضا (ع) در ایران بود، همه فرقه‌ها و ادیان، عاشق حضرت شده بودند؛ حتی خانواده مأمون و خانواده‌اش؛ زیرا مأمون ادعای تشیع می‌کرد.

از امام صادق پرسیدند که علامت مؤمن چیست؟ امام فرمود: «بِالتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَ الرَّضَا فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنْ سُرُورٍ أَوْ سَخَطٍ» به واسطه تسلیم به امر خدا و راضی بودن بر آنچه بر او از شادی و غم وارد می‌شود. این بالاترین مقام است که واسطه‌اش امام رضا (علیه السلام) هستند.

ایجاد انگیزه

هر کدام از القاب معصومین که از طرف خداوند متعال به آنها داده شده، بابی از معرفت است. فردی به حضرت امام رضا (علیه السلام) گفت: برای چه به پیغمبر اکرم ابوالقاسم می‌گویند؟ امام رضا (علیه السلام) در ابتدا در حد فهم آن مخاطب فرمود: چون پیغمبر فرزندی به نام قاسم داشته است. آن طرف گفت: اگر مرا اهل می‌دانید بیشتر توضیح دهید. امام رضا (ع) لایه دیگری را مطرح کرد و فرمود: مگر علی بن ابی طالب (ع) قاسم نیست؟ «قسیم الجنة و النار»؟ آن شخص گفت: بله. حضرت فرمود: پیغمبر ابوالقاسم است، چون علی در دامن پیغمبر بزرگ شده است.^۱

متن و محتوا

درجات رضایت‌مندی از خالق

انسان‌هایی که خدا را قبول دارند، نسبت به مدیریت خدا در این عالم یکسان نیستند.

درجه اول

بعضی‌ها خدا را قبول دارند، ولی فقط خدایی را قبول دارند که عالم را خلق کند و در زندگی‌ها دخالت نکند. این آدم‌ها شبیه شیطان هستند. وقتی که خداوند متعال به او دستور به سجده داد و سجده نکرد، به خدا گفت: «خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ»^۲ خالقیت خدا را قبول داشت اما چه را قبول نداشت؟ تکلیف خدا. متأسفانه فرهنگ سکولار که در جهان فرهنگ غالب هست و بسیاری از کشورهای اسلامی را گرفته، بر همین مبنا استوار است. فرهنگ سکولار نمی‌گوید که ما خدا را قبول نداریم؛ بلکه می‌گوید ما خدا را قبول داریم؛ اما خدا برای روزهای یکشنبه در کلیسا است، خدا برای یک رابطه فردی است. اگر بخواهد دین و خدا در عرصه‌های مختلف زندگی دخالت بکند، به هیچ وجه نمی‌پذیرند. به تعبیر خود خدا که به شیطان فرمود: «كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»^۳ کسی که خدا را به عنوان خالق قبول دارد، اما مدیریت و ربوبیت و تکالیف خدا را نپذیرد، کافر است.

درجه دوم

انسان‌هایی که خدا را همه‌کاره می‌دانند، یعنی می‌گویند ما قبول داریم که خدا خالق و مدیر این عالم است؛ اما متأسفانه در برخی جاها با خدا درگیر می‌شوند. گاهی ما این‌گونه هستیم. گاهی حاجتی داریم که به ما داده نمی‌شود. با خدا درگیر می‌شویم؛ قهر هم می‌کنیم، حتی بعضی از اوقات - نعوذ بالله - بعضی از کارهای خدا را ظلم هم می‌دانیم. خدا چرا آن قانون را گذاشته؟ چرا مثلاً ارث خانم‌ها باید نصف ارث مرد باشد؟ شخصی پیش امام رضا (ع) آمد و گفت: من تازه حمام بودم، برای چه وضو بگیرم، برای چه غسل کنم؟ امام رضا (ع) فرمود: خدا می‌خواهد ببیند که چقدر تسلیم هستی.

ابن ابی یعفور به امام صادق (ع) گفت: اگر شما یک انار را بگویید نصفش حلال است و نصفش حرام، سخن شما را می‌پذیرم. این مقام تسلیم است.

تحریک احساس با ارائه داستان

مرحوم علامه امینی، صاحب‌الغدیر یک حاجت داشت. به حرم امیرالمؤمنین علی (ع) می‌رفت و مکرر درخواست می‌کرد؛ اما حاجتش داده نمی‌شد. یک مرتبه کنار ضریح رفته بود. یکی از عرب‌های قبیله‌نشین اطراف نجف، با بچه فلجی در بغلش آمد. بچه فلجش را کنار ضریح انداخت، بعد خطاب به امیرالمؤمنین کرد: یا ابا الغوث، این بچه مرا شفا بده. علامه امینی می‌گوید: چند لحظه گذشت، دیدم این بچه‌ای که مثل یک تکه گوشت افتاده بود، انگار روحی در بدنش بیاید، بلند شد و راه رفت.

علامه امینی وقتی این صحنه را دید، دلش خیلی شکست. خطاب به امیرالمؤمنین (ع) گفت: آقا مثل اینکه من بی‌خود اینجا آمدم. سال‌ها درس خواندم. ظاهراً اگر صحرانشین بودم، زودتر حاجت مرا می‌دادید. شب امیرالمؤمنین (ع) را در خواب دید. حضرت با ملاطفت پدرا نه‌ای فرمود: شیخ عبدالحسین، تو از خود ما هستی. اگر حاجت اینها را زود ندهیم، چه بسا خدای ناکرده قهر بکنند و از دین بیرون بروند.

درجه سوم

کسانی که می‌گویند: پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد^۱ آفرین بر زندگی مشکل دارند، اما با زندگی مشکل ندارند. کسانی که در زندگی مشکل دارند، اما با زندگی مشکل داشتند؟ مرحوم آیت‌الله اولیای خدا مگر در زندگی‌شان کم مشکل داشتند؟ مرحوم آیت‌الله فائق هر موقع که راجع به قبر و قیامت صحبت می‌کرد، می‌لرزید و اشک می‌ریخت. مرحوم آیت‌الله بهجت فرمود: من آقای فائق را از جوانی می‌شناختم، یک مکروه انجام نمی‌داد.

این آدم آخر عمرش در بستر افتاده بود. من برای عیادتش رفتم. کپسول اکسیژن به او وصل بود. معلوم بود خیلی در مشکل است. از ایشان سؤال کردم: حاج آقا حالتان چطور است؟ شکری کرد که من از خودم خجالت کشیدم. وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کافری است رنجیدن^۲

اقناع اندیشه از طریق مثال

حضرت موسی از خداوند متعال خواست: «ارنی أحب خلقک الیک و اکثرهم لک عبادة»؛ پروردگارا! محبوب‌ترین و عابدترین مخلوقات را به من نشان بده.

پروردگار عالم خطاب فرستاد: برو فلان‌جا. حضرت موسی طبق آدرس رفت، دید انسان فلجی است که چدام هم دارد. سه چهار تا مریضی دارد. حضرت موسی ابتدا گمان کرد اشتباه آمده. جبرئیل نازل شد و گفت: یا موسی، درست آمدی. من الان مأمور بینایی این شخص را بگیرم. آن شخص نابینا شد. تا نابینا شد، سرش را به سمت آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! از این دو چشم مدت‌ها مرا برخوردار نموده بودی، آن‌گونه که خود خواسته بودی و اکنون آنها را از من سلب نمودی، آن‌چنان که خود خواسته‌ای. ای احسان‌کننده و ای صاحب لطف و کرم!

حضرت موسی گفت: بنده خدا من مستجاب‌الدعوه هستم. اگر چیزی از خدا می‌خواهی، بگو من برایت از خدا بخواهم. گفت: یا موسی آنچه خدا به صلاحم بوده، داده است. آنچه نداده، حتماً به صلاحم نبوده است. حضرت موسی برای اینکه امتحانش کند، گفت: خدا چه به تو داده، خدا ظاهرت را هم از تو گرفته؟ پاسخ داد: گمان نمی‌کنم کسی او را بهتر از من شناخته باشد.

مرحوم آیت‌الله شیخ محمدتقی بافقی آخر عمرش سکنه کرده بود. دست‌هایش از کار افتاد. لقمه در دهانش می‌گذاشتند. یکی از علما که به دیدنشان رفته بود، گفت: حاج آقا حالتان چطور است؟ با لهجه زیبای یزدی اش گفت: الحمدلله، از این بهتر نمی‌شوم. از صبح تا حالا ناز دستانم را هم می‌کشند. می‌گویند دست‌ها دیگر کار نکنید، ما لقمه دهانت می‌گذاریم

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۴.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۳.

۴. اعراف: ۱۲.

۵. بقره: ۳۴.

۶. حافظ.

۷. حافظ.

۸. سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۶۶.

نگاهی به زیارت‌نامه حضرت معصومه علیها السلام

هر که شد مهمان به قم از فیض او ببرز گشت

حجت‌الاسلام والمسلمین
عبدالکریم شرعی

شرط اول

معرفت شرط اول رسیدن به کمال است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «ای کمیل! هیچ حرکتی نیست، مگر آنکه تو در آن به شناخت نیاز داری»^۱.

قبل از هر چیز باید امامان و شخصیت‌های الگو را شناخت؛ چراکه وقتی انسان فضائل ائمه را شناخت، محب و عاشق آنان می‌شود. ریشه محبت، درک کمال محبوب است. تا آدمی کمالاتی را در محبوب سراغ نداشته باشد، نمی‌تواند او را دوست داشته باشد. محبت موضوع کوچکی نیست؛ زیرا لازمه محبت، پیروی و همرنگی با محبوب و برائت از دشمنان است.

ثواب زیارت به اندازه معرفت است؛ بدین جهت امام هشتم در مورد زیارت خواهرش فرمود: «کسی که آن حضرت را زیارت کند، در حالی که آگاه و متوجه شأن و منزلت او باشد، به بهشت می‌رود»^۲. انسان وقتی ائمه را شناخت، متوجه می‌شود خداوند اطاعت و محبت آنها را بی‌سبب واجب نکرده و حق شفاعت را به دلیل فضائلشان به آنها داده است. حضرت رضا علیه السلام به شیعیان می‌آموزد تا بگویند: «یا فاطمة اشغعی لی فی الجنة فان لک عند الله شأنًا من الشأن»؛ ای فاطمه مرا شفاعت کن تا لایق بهشت گردم؛ چراکه نزد خداوند جایگاه ویژه‌ای داری.

داستان پدر مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی نشان‌دهنده جایگاه ویژه آن

حضرت نزد خداوند است. ایشان ختم مجربی می‌گیرد تا محل دقیق قبر شریف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بداند. شب چهلم با توسل به بستر می‌رود. در عالم رؤیا یا مکاشفه خدمت حضرت علی علیه السلام می‌رسد. آن حضرت به او فرمودند: «علیک بکریمه اهل البیت». ایشان فکر کرد منظور امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام است؛ لذا عرض کرد: آری، قربانت گردم ختم را برای همین گرفتم که محل دقیق قبر را بدانم. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «منظورم قبر شریف حضرت معصومه در قم است».

عاقبت به‌خیری

امام هشتم علیه السلام در زیارت‌نامه خواهرشان به شیعیان یاد می‌دهد یکی از امور مهمی که انسان باید از خدا بخواهد، عاقبت به‌خیری است: «اللهم إني أسألك أن تَخْتِمَ لي بالسَّعَادَةِ»؛ خداوند! از تو می‌خواهم که عاقبت مرا به سعادت ختم نمایی. شیطان پس از هزاران سال عبادت، عاقبت به شر شد. گذشته افتخارآمیز ملاک نیست؛ بلکه به پایان بردن زندگی با افتخار سعادت است؛ لذا در زیارت حضرت معصومه علیها السلام می‌خوانیم: «فَلَا تَسْلِبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ»؛ اکنون که دل در گرو اهل بیت دارم، خوشبختم. خدایا این سعادت را هیچ‌گاه از من سلب نکن.

تسلیم و رضا

بعد از آنکه اصول دین را باور کردیم، باید تسلیم فروع و احکام دین

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۸۳.
۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۱۷.
۳. جمال‌الدین خوانساری، شرح غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۱۲.
۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۴۰.
۵. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۹.
۶. همان، ص ۶۳.
۷. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۷۳.
۸. ورام ابن ابی فراس، تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۲۳۰.

منبرهای بین‌الصلاتین



سخنرانی اول | پرهیز از دوستان ناباب

حسن هرمز

با توجه به مناسبت شهادت امام جواد (علیه السلام)، چه زیبا است که مهمان نصیحت و سفارشی از ایشان شویم. آن حضرت فرمودند: «إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَهُ الشَّرِيرَ، فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوبِ، يَحْسُنُ مَنَظَرُهُ وَ يَقْبَحُ أَثَرُهُ» از مصاحبت و دوستی با افراد شرور بپرهیز؛ چون او همانند شمشیری زهرآلود و برآق است که ظاهرش زیبا، ولی آثارش زشت و خطرناک خواهد بود. دوری از افراد بی‌ایمان و پرهیز از دوستان ناباب تا بدانجا تأکید و سفارش شده که آن را موجب رهایی از جراحات شمشیر و هلاکت با تیغ برنده آن دانسته‌اند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در فرمایش دیگری از همنشینان با اشرار نهی فرموده، آن را موجب سوءظن معرفی می‌فرماید: «مُجَالَسَةُ الْأَشْرَارِ تُورِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ» مجالست با اشرار و مردمان بد، سبب بدگمانی به مردان نیک و برگزیدگان است.

جدایی آن حضرت از دربار مأمون و پشت سر انداختن تمامی ناز و نعمت و آسایش آن و هجرت و زندگانی در مدینه پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای دوری از همنشینان با مأمون ستمگر، نمونه گویایی است از این پیام در سیره عملی آن امام همام.

دوستی با دوستان بد علاوه بر اینکه در دنیا مشکلات و سختی‌های بسیاری را برای انسان به همراه دارد، در قیامت نیز انسان را در معرض عذاب دوزخ و آتش قرار می‌دهد. در آیات قرآن کریم چنین آمده است که دوزخیان هنگامی که در آتش انداخته شدند، آرزو می‌کنند که ای کاش دوستان بدی برای خود انتخاب نمی‌کردند: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا»^۳ ای وای، کاش فلانی را دوست (خود) نگرفته بودم. او مرا به گمراهی کشانید، پس از آنکه قرآن به من رسیده بود و شیطان همواره خوارکننده انسان است.

چه بسیار خانواده‌های مؤمن و آبرومند که بر اثر سهل‌انگاری در روابط دوستانه فرزندان‌شان دچار پشیمانی شدند.





سخنرانی سوم | مهم‌ترین ویژگی امام رضا (ع) چیست؟

وقتی نام شریف امام رضا (ع) را می‌شنویم، مهم‌ترین وصف یا ویژگی آن حضرت که باید به ذهن ما متبادر شود چیست؟ آیا اینکه حضرت به ایران تشریف آوردند یا غریب بودند و غریبانه به شهادت رسیدند؟ یا اینکه ایشان را عالم آل محمد (ص) برمی‌شمردند یا اجبار به پذیرش ولايتعهدي؟ کدام یک باید مهم‌ترین ویژگی حضرت نزد ما باشد؟ همه اینها خصوصیات و اتفاقات مهم زندگی حضرت بودند، ولی هیچ‌یک از این ویژگی‌ها نباید مهم‌ترین وصف ایشان در ذهن ما باشد. کار خاص و مأموریت ویژه حضرت، این است که در بین امامان، صریح‌ترین پیام‌های ولایی را به مردم منتقل کردند و می‌توان گفت امام رضا (ع) در بیان و دعوت به امر امامت و ولایت، از جهاتی صریح‌ترین امام بودند. برخی کلمات حضرت را در باب امامت مرور می‌کنیم:

امام رضا (ع) وقتی فهمیدند کمترین فرصت و امکان و ظرفیت را برای آشنا ساختن مردم با مفهوم ولایت دارند، بر روی مفاهیمی مثل نماز و روزه و عبادات و اخلاقیات کار نکردند، بلکه به اصلی‌ترین مفهوم دینی یعنی امامت پرداختند. ایشان می‌فرمایند: «بِإِمَامٍ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ وَتَوْفِيرِ الْفَقْرِ وَالصَّدَقَاتِ وَإِمْضَاءِ الْحُكُومِ وَالْأَحْكَامِ»^۱ کامل شدن نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و فراوانی غنائم و صدقات و اجرای حدود و احکام و نگهداری مرزها و اطراف کشور، به‌وسیله امام انجام می‌گیرد.

همچنین حضرت در ادامه با بیان مفصلی درباره عظمت «امام» می‌فرمایند: «لِإِمَامٍ وَاحِدٍ دَهْرٌ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَلَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ وَلَا يُوْجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَلَا لَهُ مِثْلٌ وَلَا نَظِيرٌ»^۲ امام یگانه روزگار خویش است. هیچ کس نمی‌تواند به مقامش نزدیک شود و هیچ کس معادل او نخواهد بود و بدلی برایش پیدا نمی‌شود و نظیری ندارد.

سند مهم تاریخی دیگری که برای این مطلب می‌توان ارائه داد، حدیث سلسله‌الذهب است. حدود ۲۰ هزار نفر نویسنده و صاحب قلم آمده بودند.^۳ علمای شهرهای اطراف هم جمع شده و قلم به دست آماده بودند. بیشتر آنها شیعه نبودند، ولی برای امام رضا (ع) احترام قائل بودند؛ چون علم و معرفت حضرت زیانزد همه بود و شهرت ایشان به همه‌جا رسیده بود. جمعیت زیادی گرد آمده بود و همه منتظر بودند یک سخن از رسول خدا (ص) بشنوند. حضرت، مطلب مهمی از معارف دینی بیان فرمودند که به حدیث سلسله‌الذهب معروف شد؛ بنابراین وقتی نام شریف حضرت را شنیدیم، باید بگوییم: «بزرگ فریادگر امامت و ولایت». چون ایشان، صریح‌ترین امام در بیان امر امامت و ولایت و معارف پیرامونی آن بودند.



سخنرانی دوم | دختر در لسان روایات

با توجه به میلاد کریمه اهل بیت و روز دختر، مناسب است که درباره دختران، این ریحانه‌های بهشتی و دردانه آفرینش، صحبت کنیم؛ همان‌هایی که در لسان روایات رحمت‌های مهربان و وفادار معرفی شده‌اند؛ همان‌هایی که از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم‌وآلهم‌وسلم‌وآلهم‌وسلم) نقل شده که فرموده‌اند: «نِعَمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مُلَطَّفَاتٌ مَّجْهَزَاتٌ مُؤَسَّاتٌ مُبَارَكَاتٌ مُفْلِحَاتٌ»^۴ دختران چه فرزندان خوبی هستند؛ بالطافت و مهربان، آماده به خدمت‌رسانی، یار و غمخوار اعضای خانواده، بابرکت و پاکیزه‌کننده در خانواده برای والدین. نیز فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْأُنْثَى أَزَقُّ مِنْهُ عَلَى الذَّكَورِ»^۵ خداوند متعال بر دختران مهربان‌تر است تا پسران. همچنین حیا را ملاک دختر نمونه می‌فرمایند: «نِعَمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ الْمُحْشَرَاتُ، مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ وَاحِدَةٌ جَعَلَهَا اللَّهُ سِتْرًا لَهُ مِنَ النَّارِ»^۶ چه خوب فرزندان هستند دختران باحیا. هر کس یکی از آنها را داشته باشد، خداوند آن دختر را برای او مانعی در برابر آتش دوزخ قرار می‌دهد.

و در ثواب داشتن دختر فرموده‌اند: «مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ وَاحِدَةٌ كَانَتْ خَيْرًا لَهُ مِنْ أَلْفِ حَبَّةٍ وَ أَلْفِ غَزْوَةٍ وَ أَلْفِ بَدَنَةٍ وَ أَلْفِ ضِيَافَةٍ»^۷ کسی که یک دختر دارد، اجر او از هزار حج و هزار جهاد و هزار قربانی و هزار مهمانی بیشتر است. در روایت دیگری ثواب آن را چنین بیان می‌فرمایند: «مَا مِنْ بَيْتٍ فِيهِ الْبَنَاتُ إِلَّا نَزَلَتْ كُلُّ يَوْمٍ عَلَيْهِ اثْنَتَا عَشْرَةَ بَرَكَةً وَ رَحْمَةً مِنَ السَّمَاءِ وَ لَا يَنْقُطُ زِيَارَةُ الْمَلَائِكَةِ مِنْ ذَلِكَ الْبَيْتِ يَكْتُبُونَ لِأَبِيهِمْ كُلَّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ عِبَادَةً سَنَةً»^۸ هیچ خانه‌ای نیست که در آن دخترانی باشد، مگر آنکه هر روز دوازده برکت و رحمت از آسمان بر آن نازل می‌شود، و دائم مورد زیارت ملائکه قرار دارد، برای پدرشان هر روز و شب ثواب یک سال عبادت می‌نویسند.

درباره نحوه برخورد و ارتباط با فرزندان دختر می‌فرمایند: «مَنْ كَانَ لَهُ أَنْثَى فَلَمْ يُبْدِهَا وَلَمْ يَهْتِفْهَا وَلَمْ يُؤْثِرْ وَلَدَهُ عَلَيْهَا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ»^۹ آنکه دارای دختر است، او را آشکار نکند، اهانتش نکند، پسران را بر او مقدم ندارد، خداوند وی را وارد بهشت می‌کند.

۱. نهضة الناصر و تنبيه الخاطر، ص ۱۳۶.
۲. الأُمّالی (للصدوق)؛ ص ۴۴۶.
۳. فرقان: ۲۸ - ۲۹.
۴. الکافی، ج ۶، ص ۵.
۵. وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۳۶۷.
۶. روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۶۹.
۷. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۵.
۸. جامع الأخبار (للسعیری)، ص ۱۰۵.
۹. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۸.
۱۰. الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰.
۱۱. همان، ص ۲۰۱.
۱۲. الحياة السیاسیة للإمام الرضا (ع)، ص ۱۴۵.



رفتار والدین با دختران جوان

«رفتار والدین با دختران جوان» نوشته محمود اکبری، کوششی برای پاسخگویی به برخی از سوالات تربیتی و شبیهاتی است که در ذهن خانواده‌ها وجود دارد.

حسین شریعتی

نگارنده، والدین و نوع رفتار آنان را یکی از عوامل مهم تربیت و سازنده شخصیت دختران ذکر می‌کند و می‌نویسد: «والدین نخستین کسانی‌اند که در محیط خانواده در شکل‌گیری خلق و خوی فرزندان نقش و تأثیر بسزایی دارند و با برخوردها و رفتارهای خود، فضائل و رذائل اخلاقی را در نهاد فرزندشان بنیان می‌گذارند».

این نوشته حاوی مباحثی کوتاه درباره مسئولیت والدین در قبال دختران مانند: مراقبت‌ها، آموزش‌ها، هشدارها، بایستگی و سایر نکات برای استفاده از اولیاء و مربیان است.

این کتاب شامل شش فصل است که عبارتند از: کلیات، مراقبت‌ها، وظایف والدین در برابر دختران، رفتار والدین در قرآن، رفتارهای ناروا، و والدین و سفارش‌ها.

«امام خمینی و دخترداری» از بخش‌های خواندنی این کتاب است. نگارنده می‌نویسد: «خانم زهرا مصطفوی، دختر امام نقل می‌کند: امام به بعضی از خانم‌های فامیل که می‌خواستند وضع حمل کنند، می‌فرمودند: دعا کنید که بچه شما دختر باشد. برای اینکه دختر به‌مراتب بهتر از پسر است، کسی که دختر ندارد، یعنی اولاد ندارد».

در بخش رفتارهای ناروا، درباره تحمیل خواسته‌ها هشدار داده شده است که موجب نفاق در محیط خانه می‌شود؛ چرا که اگر گفتگوی والدین اغلب به شکل امری باشد، فرزندان نمی‌خواهند یا نمی‌توانند در برابر قدرت والدین مقاومت کنند؛ از این رو به نفاق روی می‌آورند.

این کتاب به همت سازمان بسیج دانش‌آموزی استان فارس و مؤسسه فرهنگی طریق الرشاد در انتشارات فیتیان به شمارگان ۵۰۰۰ نسخه برای هشتمین بار در پاییز ۱۳۹۱ منتشر شده است. این کتاب برای معرفی به والدین توصیه می‌شود.



دختر باید خانوم باشد

کتاب «دختر باید خانوم باشد» نوشته رضا اخوی، کتابی در باب جایگاه دختران در آینه آیات و روایات است که با قلمی ساده، با به‌کارگیری اصطلاحات نوجوانان منتشر شده است که مبلغان می‌توانند این کتاب را برای دختران نوجوان در مقطع راهنمایی و دبیرستان معرفی کنند.

حسین دهقان

نویسنده، در فصل آغازین با عنوان «پروانه‌های صورتی» روایاتی ناب درباره جایگاه دختران ذکر کرده و سپس آسیب‌های اجتماعی دختران را در چهار فصل با عناوین: «الماس»، «بلغور عشق»، «غر و لند» و «دماغ‌سوخته» مطرح کرده است. در پایان نیز در فصل «رخ مهتاب» راهکارها و الگوهای ترویج حجاب و عفاف ارائه شده است.

هر یک از این بخش‌ها، دارای چندین موضوع است که با عناوین جالب و همراه کاریکاتور عرضه شده است. مثلاً در بخش «الماس» موضوعاتی نظیر دختر نگو طلا بگو، راننده موفرفری، تردمیل، چندش، مترسک، ریحانه و آسانسور را می‌خوانیم.

مطالعه بخشی از این کتاب خالی از لطف نیست. نویسنده در بخش راننده موفرفری به نقد این جمله که «آدم باید دلش پاک باشد و ظاهرش اهمیتی ندارد» پرداخته است:

«وقتی سوار ماشین می‌شوید، دیدن صندلی‌های کنیف، آشغال زیر پا، شیشه‌های دودی‌شده با خاک و غبار و ...، حس مثبتی به شما منتقل نمی‌کند. در این میان، گفته‌های راننده موفرفری با آن دست‌های چرک‌گرفته و لباس‌های پر از چین و چروکش که مدام از تمیزی، نظافت، آراستگی، کلاس، زیبایی ظاهری دم می‌زند، حوصله شما را سر می‌برد. یعنی همه باور دارند که ظاهر آدم‌ها، نشان‌دهنده باطن آنها است و اگر کسی ظاهرش به گونه‌ای باشد و باطنش جور دیگر، کسی به حرف و ادعایش توجه نمی‌کند؛ پس چطور می‌توان حرف برخی را باور کرد که با بدترین وضع حجاب و آرایش ظاهر می‌شوند و مدام دم از خدا و دل پاک می‌زنند؟ امام صادق (ع) فرمود: «خرابی و ناپاکی ظاهر، نشان‌دهنده زشتی باطن و قلب است».

کتاب «دختر باید خانوم باشد» مناسب برای دختران نوجوان می‌باشد. این کتاب در ۱۱۲ صفحه و در قطع خشتی، از سوی انتشارات خاکیان در ۲۰۰۰ نسخه برای دومین بار در سال ۱۳۹۳ چاپ شده است.

A close-up photograph of a person's hand gently holding a small, green, leafy tree growing out of a mound of dark soil. The tree has a thick, dark trunk and a dense canopy of small, green leaves. The hand is positioned at the bottom, supporting the base of the tree. The background is a plain, light color.

حسین ھرمز

امام علی (ع) در گفتاری پرمعنا و اثرگذار درباره این ویژگی می‌فرماید: «الْجُودُ حَارِسُ الْأَعْرَاضِ؛ بخشنده‌گی، نگهبان آبروی است.» در جای دیگر فرمودند: «الْجُودُ عَزْ مَوْجُودٍ؛ بخشنده‌گی، عزتی است که از وجود و سخاوت سبب ایجاد صفا و صمیمیت می‌شود. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کلامی زیبا و پر نغز چنین می‌فرماید: «السَّخَاءُ يَرْزُقُ الْمَحَبَّةَ؛ بخشنده‌گی، بدر دوستی می‌افشاند.» همچنین می‌فرماید: «السَّخَاءُ يَمْزِلُ الصَّفَا؛ مبوه بخشنده‌گی، صمیمیت است.» و در سخنی لطیف می‌فرماید: «السَّخَاءُ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ وَ يَزِينُ الْأَخْلَاقَ؛ بخشنده‌گی، دوستی می‌آورد و زینت بخش اخلاق است.» همچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره آثار بخشنده‌گی و عواقب ترک آن می‌فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْصِمُهُمُ بِالنِّعَمِ وَ يَقْرَهُهَا فِيهِمْ مَا يَدُلُّوهُا فَإِذَا مَعَهُمْ نَزَعَهَا عَنْهُمْ وَ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهَا؛ خداوند را بندگانی است که به دوام نعمت مخصوصشان گردانده است و تا هر زمان که ببخشند، از آن نعمت‌ها برخوردارند و اگر دست از بخشیدن بردارند، خدای تعالی از ایشان نعمت‌ها را گرفته، به غیر آنان می‌دهد.»

چه زیبا است که این صفت را در خود و در اعضای خانواده خویش نهادینه کنیم. در ادامه برخی از مصادیق چود و بخشش را در خانواده بررسی می‌کنیم.

مصادیق جود و بخشش در خانواده

جود و بخشش در برابر فرزندان

جود در برابر فرزندان به هنگام وسعت مالی یکی از توصیه‌های اهل بیت (علیهم السلام) است. اهل بیت (علیهم السلام) با این کار سیره جود و بخشش را به فرزندانشان تعلیم می‌دادند. امام رضا (علیه السلام) در نامه‌ای خطاب به فرزندان امام جواد (علیه السلام) که حدود شش سال داشت، چنین می‌نویسند: «پسرم! به من خبر رسیده است که خدمتکاران، تو را از در مخصوص خارج می‌کنند. این به علت پخل و تنگ‌نظری آنان است که از وجود تو به مردم چیزی نرسد. و اَسْأَلُكَ بِحَقِّ عَلِيٍّ لَا يَكُنْ مِثْلَكَ وَ مَخْرَجِكَ إِلَّا مِنَ الْبَابِ الْكَبِيرِ فَإِذَا رَكَبْتَ فَلْيَكُنْ مَعَكَ ذَهَبٌ وَ فِضَّةٌ ثُمَّ لَا يَسْأَلُكَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا أُعْطِيَتْهُ؛ تو را قسم می‌دهم به حقی که بر تو دارم! سعی کن از در عمومی، رفت و آمد کنی و هرگاه بیرون می‌آیی، مقداری پول نقد، طلا و نقره، همراه داشته باش و هر یک از نیازمندان که از تو درخواستی داشتند، به او چیزی ببخش! اگر یکی از عموهایت از تو کمک بخواهد، به او کمتر از ۵۰ دینار نده و اگر بیشتر بدهی، خود دانی. و اگر عمه‌هایت از تو باری بخواهند، کمتر از ۲۵ دینار عطا نکن و اگر بیشتر دادی اختیار با تو است. می‌خواهم خداوند به وسیله جود و احسان تو، مقامت را والا تر بگرداند. احسان کن و بیم و هراس نداشته باش که پروردگار صاحب عرش، تو را فقیر و تنگدست بگرداند»^{۱۱}.

اگر می‌خواهیم فرزندانمان از نظر روحی سالم باشند و در آینده شخصیتی به‌هنگار داشته باشند، باید در مواجهه مالی با آنان نه سختگیر و نه ولخرج بود. یادمان باشد که همه اتفاق‌هایی که پیش چشم فرزندانمان در محیط خانه رخ می‌دهد، در رفتارشان بازتاب می‌یابد؛ پس بخشش و بزرگ‌منشی را در رفتار رعایت کنیم تا در آینده دارای عزت نفس باشند.

جود و بخشش در برابر همسر

جود و سخاوت در برابر همسر شامل دو بخش است: یکی بخشش‌های مالی است که لازمه آن کسب درآمد حلال و توسعه دادن و رونق بخشیدن اقتصاد خانواده است. جوادالائمه (علیه السلام) از جدش حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که مردی در به دست آوردن مال دنیا سعی زیادی می‌کرد. حضرت فرمود: این مال را برای چه می‌خواهی؟ عرض کرد: برای آنکه به زن و بچه‌ام غذای لازم و نفقه واجب را بدهم. به دوستانم اطعام و انعام نمایم، به خویشانم ببخشم، برای خدا به مکه بروم و آنجا به فقرا و بینوایان کمک کنم، دست بیچارگان را بگیرم. خانه برای بی‌خانمان‌ها بسازم، دختران یتیم را شوهر دهم و پسران یتیم را زن دهم و آنچه از دستم برمی‌آید، سرمایه به تهی‌دستان بیکار بدهم. اراضی موات را احیا نمایم و مردم را به کار بگمارم و درخت بکارم، مجالس مجد و عظمت شما خاندان را به امید اجر و ثوابی که پیامبر خدا (ص) وعده داده است، برپا کنم. امام صادق (علیه السلام) فرمود: اینها همه کار آخرت است، و کار دنیا نیست. باید بکوشی و همه این کارها را در سایه کسب حلال انجام دهی.^{۱۲}

بخش دوم بخشش‌های معنوی است. جود و بخشش در برابر همسر فقط شامل جود مالی نمی‌شود؛ بلکه بخشش خطاهای همسر و گذشتن در زندگی، بسیار بافضیلت‌تر است. امام جواد (علیه السلام) در زندگی تحمیلی با ام فضل خطاها و گناهان او را بسیار می‌بخشید.

جود و بخشش در برابر والدین

امام جواد (علیه السلام) می‌فرماید: «وَمَنْ سَخَّاهُ بِرُّهُ يَمُنْ يَجِبُ حَقُّهُ عَلَيْهِ»^{۱۳} از نشانه‌های سخاوت مرد، بخشش به کسانی است که بر او حقی دارند». والدین از جمله کسانی هستند که حقوق واجبی بر گردن ما دارند. مَطْرَفی می‌گوید: حضرت رضا (علیه السلام) از دنیا رفت و من چهار هزار درهم از ایشان طلب داشتم و جز خودم کسی از آن خبر نداشت. امام جواد (علیه السلام) شخصی را پی من فرستاد و فرمود: فردا نزد ما بیا. روز بعد به خدمت امام رفتم. فرمود: امام رضا (علیه السلام) از دنیا رفت و به شما چهار هزار درهم بدهکار بود. آنگاه از زیر سجاده خود، دینارهایی را به من داد. آنها را شمردم، برابر چهار هزار درهم بود.^{۱۴}

۱. روش تعریف از مطلب.
۲. نهج البلاغه (للصّبحی صالح)، ص ۵۰۶.
۳. عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۱۷.
۴. همان، ص ۶۲.
۵. همان، ص ۴۲.
۶. همان، ص ۵۰.
۷. کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۴۶.
۸. الکافی، مولد ابی جعفر الثانی، ح ۵.
۹. همان، ج ۲، ص ۵۸۳.
۱۰. إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۲۳.
۱۱. الکافی، ج ۴، ص ۴۳.
۱۲. زندگانی حضرت امام محمدتقی (علیه السلام)، ص ۲۰۷.
۱۳. کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۴۸.
۱۴. ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۳.

بررسی شعر «ابا الحسن» از مرحوم آیت الله سید محمد گلپایگانی

به کارگیری شعر عربی در منبر فارسی

سیدعباس شاهرودی

مطلع سخن

یک بیت شعر خوب، سخنرانی را لطیف و مقبول می‌سازد. اگر سخنران بعد از استدلال و اقناع شعور، شعری نغز و مناسب با موضوع بخواند، احساس مخاطب تحریک می‌شود و در جان او می‌نشیند. این قاعده در انواع سخنرانی‌ها جاری است، ولی رعایت آن در سخنرانی مذهبی، به دلیل حساسیت بالا ضروری‌تر است. گفتیم شعر نغز و مناسب با موضوع. یک منبری موفق، نباید با دنیای شعر و ادبیات بیگانه باشد؛ باید شعر و شاعران خوب را بشناسد و با توجه به موضوع سخنرانی، یک بیت ناب را انتخاب کند. شعر و قصیده در منبرهای عربی جایگاه ویژه‌ای دارد و بدون آن، منبر اتر است. منبر با یک قصیده تقریباً هفت بیتی شروع می‌شود و با ابیاتی در رثای اهل بیت (علیهم السلام) پایان می‌یابد. سخنران مذهبی، به هر زبانی که سخن می‌گوید، باید بخشی از سخنرانی را به زبان عربی ایراد کند؛ مثلاً خطبه و حمد و ثنای الهی و آیات و روایات به زبان عربی است. اصلاً خواندن آیه و حدیث، وزانت منبر را بالا می‌برد، حال اگر چند بیت عربی به عنوان مقدمه یا چاشنی منبر و روضه گنجانده شود، که نور علی نور است. سخنرانان موفق هم چون آیت الله فاطمی نیا و نظری منفرد یا سخنرانان فارسی‌زبانی که در نجف بودند و بعدها در ایران به ایراد سخنرانی پرداختند، همچون مرحوم خراسانی، از این شیوه استفاده می‌کرده و می‌کنند.

خبر داد: «وان من شیعه لابراهیم؛ و هر آینه ابراهیم از شیعیان او است».

۲. ذَرَعْتُ حَيَاتِي وَهِيَ أَهْلِي وَمَوْطِنِي

زندگی را رها کردم و آن خانواده و سرزمین من است

وَجَنَّتْكَ مِنْ كُلِّ الْعَاقِقِ عَارِيَا

و به سوی تو آمدم در حالی که از تمام دلبستگی‌ها دل بریده‌ام

این بیت انسان را یاد فرازی از زیارت امام رضا (علیه السلام) می‌اندازد:

«اللهم اليك صمدت من ارضي وقطعت البلاد رجاء رحمتك فلا تخيبني و

لا تردني بغير قضاء حاجتي و ارحم تغلبي على قبر ابن اخي رسولك

صلواتك عليه و آله؛ پروردگارا من قاصد درگاه تو از سرزمین خود

و وطن خویش گردیدم؛ پس مرا از آن درگاه کرم ناامید مساز و تا

حاجتم را روا مسازی، باز مگردان و به روی آوردن به قبر مطهر

فرزند برادر رسولت (صلی الله علیه و آله) در حقم ترحم فرما».

۳. قَصْدْتُكَ وَالْأَحَادُثُ تَتَّبِعُ مَوَكِبِي

من نزد شما آمدم و مشکلات به دنبال من بود

وَلَمْ أَرْمِهَا غَيْرَ بَابِكَ حَامِيَا

و من غیر از آستان شما حمایت‌گری ندیدم

باید در مشکلات و شبهات و گرفتاری‌ها به در خانه اهل بیت (علیهم

السلام) رفت و به دامن ایشان چنگ انداخت تا از راه راست خارج نشد؛

زیرا معصومین باب الله هستند و باید از راه ایشان به خدا رسید؛ چنان‌که

در اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۳، ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل

می‌کند که ایشان فرمودند: «امامان درهای خدا هستند که باید از آنها وارد

شد. و اگر ایشان نبودند، خدای عزوجل شناخته نمی‌شد و خداوند تبارک

تعالی به ایشان بر خلق خود احتجاج می‌کند».

۴. بَلَيْتُ بِعَصْرِ ضَاعَ فِي الْغَيِّ رُشْدُهُ

مبتلا شدم به زمانی که هدایت در گمراهی گم شده است

يُرَى الشَّرُّ خَيْرًا وَالْمَعَالِي مُخَازِيَا

قصیده ابالحسن

مرحوم سید محمد هاشمی گلپایگانی ره در سال ۱۳۷۸ ق به زیارت حضرت امام رضا (علیه السلام) مشرف شدند و در آنجا قصیده‌ای با نام (ابا الحسن) سرودند که چهل بیت دارد و در دیوان مع النبی و آله موجود است.

در ابیات نخستین این قصیده، ایشان ایمان خود را به امام عرضه می‌دارد و بر معیار بودن امام برای ایمان کامل تأکید می‌کند و بارها به صراحت اظهار می‌دارد که هدایت فقط در پیروی از ائمه اظهار (علیهم السلام) است. این عالم شاعر در آغاز این شعر خواسته است معرفت خویش را به امام بیان کند تا مصداق این روایت باشد که: «من زاره عارفا بحقه وجبت له الجنة».

چند بیت نخستین این اشعار را همراه با ترجمه آن می‌خوانیم:

۱. وَلَاؤُكَ يَسْعَى بِي وَمَا زَالَ سَاعِيَا

ولایت تو مرا می‌کشاند و همواره جذب می‌کند.

وَحَسْبِي فَخْرًا أَنْ تَرَانِي مُوَالِيَا

همین افتخار که مرا از پیروان خود می‌بینی، برای من کافی است.

این بیت بیانگر اهمیت نعمت ولایتی است که در ذات شیعیان است و شیعه هیچگاه با دارا بودن این نعمت خود را تهیدست نمی‌دانند و همیشه به این نعمت مباهات و افتخار می‌کنند، بلکه پیامبران اولوالعزم مانند حضرت ابراهیم (علیه السلام) آرزوی شیعه بودن دارند. در بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۵۱ - ۱۵۲ آمده است که امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه ۸۳ سوره صافات «وَأَنْ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ» بیان می‌فرمایند: آن هنگام که حضرت ابراهیم انوار پیامبر اکرم و معصومین (علیهم السلام) را در عرش دید و از اسم آنها سؤال کرد. آنگاه از باری تعالی پرسید: نورهایی این بزرگان را احاطه کرده‌اند که فقط تو عددشان را می‌دانی. جواب آمد: اینها شیعیان ایشان و شیعه امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستند. در آنجا حضرت ابراهیم عرض کرد: «اللهم اجعلني من شيعة امير المؤمنين» و خدا در کتابش از آن



یک بیت شعر خوب، سخنرانی را لطیف و مقبول می‌سازد. اگر سخنران بعد از استدلال و اقناع شعور، شعری نغز و مناسب با موضوع بخواند، احساس مخاطب تحریک می‌شود



مرحوم سید محمد هاشمی گلپایگانی ره در سال ۱۳۷۸ ق به زیارت حضرت امام رضا (علیه السلام) مشرف شدند و در آنجا قصیده‌ای با نام (ابا حسن) سرودند که چهل بیت دارد و در دیوان مع النبی و آله موجود است

ص ۸۱؛ تفسیر برهان، ج ۵، ص ۵۴۱). در زیارت پر گوهر و نفیس جامعه کبیره نیز بارها به این مطلب اشاره شده است: «و الی سبیلہ ترشدون و بقوله تحکمون سعد من والا کم و هلك من عاداکم و خاب من جحدکم و ضل من فارککم و فاز من تمسک بکم و امن من لجأ الیکم».

۷. فَأَتَقَدُّ حَيَاتِي مِنْ زَمَانٍ فَإِنَّهُ
پس نجات بده زندگی مرا از این زمانه
يُحَاوِلُ أَنْ لَا تَسْتَقِرَّ كَمَا هِيَ
که این زمانه نمی خواهد همان گونه که
هست، باقی بماند.

این بیت و این شکایت از زمانه، مضمونش در روایات و ادعیه نیز وارد شده؛ چنان که در آخر دعای افتتاح می‌خوانیم: «اللهم انا نشکو الیک فقد نبینا صلواتک علیه و آله و غیبه ولینا و کثره عدونا و قلةُ عدونا و شدّة الفتن بنا و تظاهر الزمان علینا؛ خدایا ما از نبود پیغمبران، و غیبت ولی و رهبران، و زبانی دشمنانمان، و کمی عدلمان، و روی آوردن سختی بلاها و فتنه‌ها به ما، وحشت کردن زمانه بر ما شکایت داریم».

شاعر فقیه

عتبه عباسیه در حال ساخت ضریح جدیدی است. شعری با زبان عربی از شاعری ایرانی بر اطراف ضریح مطهر قمر بنی هاشم نقش بسته است. مطلع شعر دل را تا شاه راه نجات پرواز می دهد.

ضَرِيحُكَ مَفْرَعًا الْأَمْنَعُ
ضریح تو پناهگاه امن ما است

يَهْ كُلُّ نَازِلَةٍ تُدْفَعُ
به وسیله آن هر بلایی دفع می شود
و بَابُكَ لِلخَلْقِ بَابُ النِّجَاةِ
و باب تو برای مردم باب نجات است
تَلُوذُ بِعَرْوَةِ الرُّوحِ
گرفتاران به دستگیره محکم آن چنگ می زنند.

اینها ابیاتی است از شاعر فقیه آیت‌الله سید محمد هاشمی گلپایگانی (م ۱۳۹۷ ق)، فرزند آیت‌الله العظمی آقا جمال الدین گلپایگانی، مرجع و عارف برجسته حوزه علمیه نجف می باشد. عالم شاعری که به قول استاد فاطمی نیا گرچه عرب نیست، اشعاری به عربی سروده که عرب زبان‌ها را متعجب کرده است.

ایشان علاوه بر علم فقه و اصول و کلام، در ادبیات و شعر نیز تبحر داشت؛ به نحوی که در سنین جوانی در جامعه ادبی کشورهای عربی به خوبی شناخته شده بود.

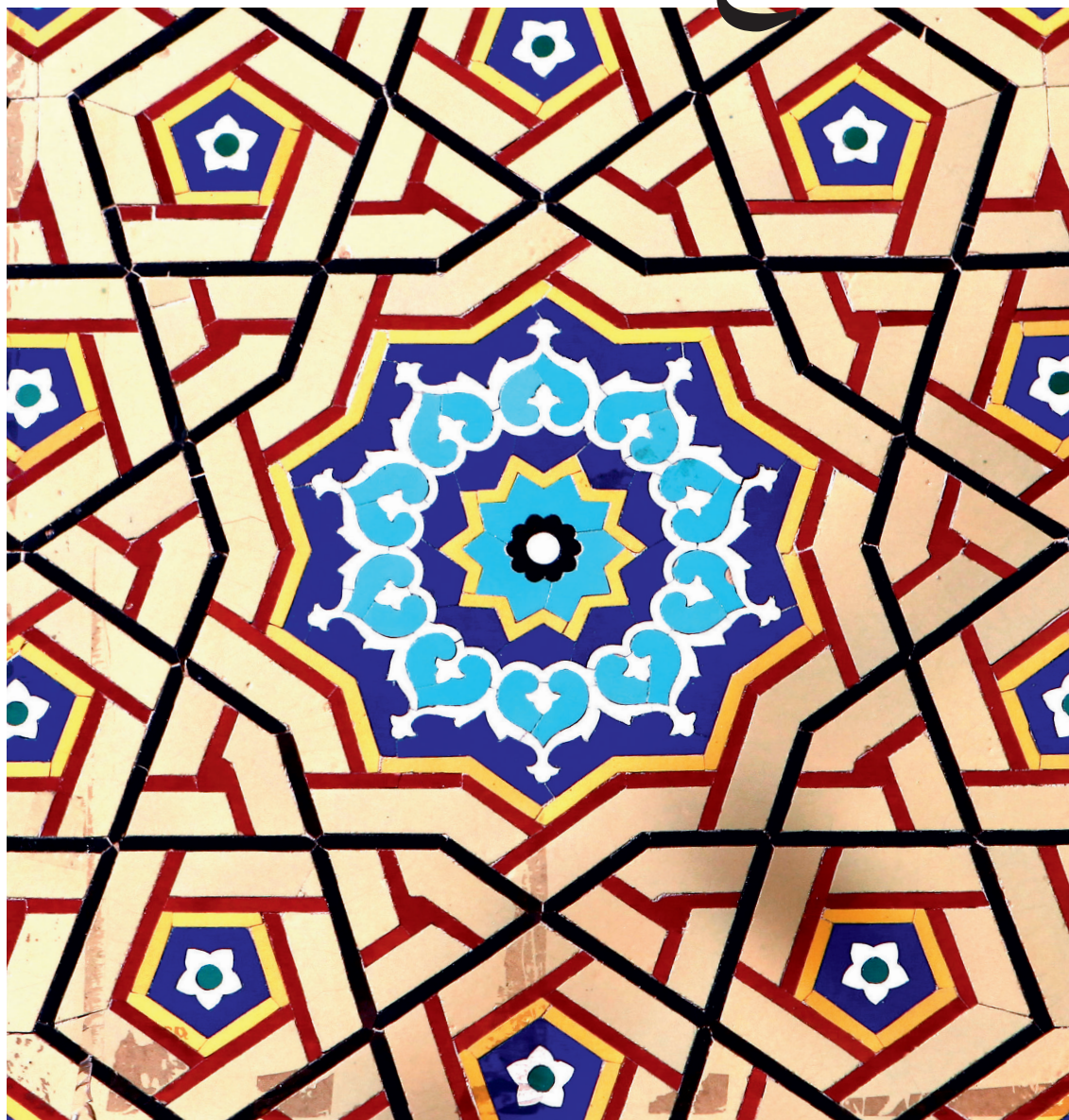
وی دارای تألیفات زیادی است که بعضی از آنها به زیور طبع آراسته شده است؛ مانند:

۱. المجموعات الشعرية
۲. کتاب (الزهراء علیها السلام)
۳. مشکلة الامام الغائب
۴. الاسلام فی صلاته و زکاته
۵. اصول الدین الاسلامی
۶. هکذا عرفت نفسی
۷. المرأة و حقوق الانسان
۸. دیوان مع النبی و آله

منابع:

۱. دیوان مع النبی و آله.
۲. آیت‌الله السید محمد جمال الهاشمی حیات و آدبه.
۳. مفاتیح الجنان.
۴. تفسیر عیاشی.
۵. تفسیر فرات کوفی.
۷. تفسیر عیاشی.
۸. تفسیر برهان.

سن بلوغ دختران از منظر فقه



مشهور فقهای شیعه
نشانه‌های بلوغ
دختران را یکی از سه
چیز دانسته‌اند. اول:
احتلام (خروج منی)،
دوم: انبات (روییدن
مو بر شرمگاه)، سوم:
کامل شدن نه سال
قمری

اول: احتلام (خروج منی)، دوم: انبات (روییدن مو بر شرمگاه)، سوم: کامل شدن نه سال قمری. دو نشانه اول، بین پسران و دختران مشترک است و نشانه سوم به دختران اختصاص دارد؛ چنان‌که در پسران کامل شدن پانزده سال قمری نشانه اختصاصی بلوغ است.

شهرت این مسئله به حدی است که فقیه محقق و پراوازه‌ای چون صاحب جواهر می‌فرماید: «و أما الأنثی فبلوغها کمال تسع علی المشهور بین الأصحاب، بل هو الذی استقر علیه المذهب».^۱

در نگاه وی بالغ شدن دختران به کامل شدن نه سال چنان شهرتی دارد که می‌توان گفت مذهب بر آن استوار است.

این نظریه در میان فقهای معاصر نیز شهرت بسزایی دارد.^۲

اختلاف فتوا در موضوعات مختلف امری طبیعی و کاملاً علمی و نشان از پویایی فقه شیعه است. آنچه برای مبلغین و ائمه جماعات اهمیت دارد توجه به اختلاف فتاوا با در نظر گرفتن استدلالاتی است که پشتیبان علمی هر کدام از این مسائل است. تحلیل استدلالی گزاره‌های فقهی مانند درس خارجی است که مخاطبان نشریه را با اندیشه‌های فقهی مخاطبان آشنا می‌سازد. در این شماره از نشریه سن بلوغ دختران را از منظر فقه مورد دقت می‌پردازیم.

حجه الاسلام و المسلمین
حیدر بهرمن
استاد سطح عالی
حوزه علمیه قم
استاد راهنمای درس
خارج مؤسسه تحقیقاتی،
آموزشی بقیه ... ع

بلوغ دختران

مشهور فقهای شیعه نشانه‌های بلوغ دختران را یکی از سه چیز دانسته‌اند.

این در حالی است که فقه اهل تسنن نشانه سنی بلوغ دختران را پانزده یا هفده سال تعیین نموده است.^۳

نظریات غیر مشهور در فقه شیعی

در حوزه فقه شیعی، علاوه بر رأی مشهور به آراء دیگری نیز برمی‌خوریم. برخی سن بلوغ دختران را سیزده سالگی دانسته‌اند و برخی دیگر بر این عقیده‌اند که بلوغ دختران نشانه سنی ندارد، بلکه نشانه اصلی رؤیت اولین خون حیض است و ذکر نه سال در روایات، به دلیل تقارن غالبی این سن با زمان شروع قاعدگی آنان است. برخی نیز سن بلوغ را نسبت به احکام مختلف، امری متغیر دانسته‌اند.^۴

نگاهی اجمالی به ادله اقوال

حکم این مسئله همچون بسیاری از مسائل فرعی دیگر در قرآن کریم طرح نشده؛ هر چند اصل موضوع بلوغ، اشاره‌گونه و با تعبیراتی همچون «وَ اِئْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ» و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند» و «وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ» و به مال یتیم جز به نجوی [هر چه نیکوتر] نزدیک مشوید تا به حد رشد خود برسد» و «إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ» و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند» در این کتاب عزیز عنوان شده است.

با ملاحظه عدم تحقق اجماع در مسئله و عدم دسترسی عقل به تشخیص این گونه معیارهای تعبدی، تنها مرجع حکمیت فقهی در این مسئله، روایات وارده از خاندان عصمت (علیهم السلام) است. اما داوری در این مسئله به استناد روایات، به دلیل فراوانی و اختلاف مضامین آنها، آسان به نظر نمی‌آید؛ لذا بهره‌مندی از مهارت‌های فن استنباط احکام در این مهم امری ضروری است.

روایات مورد استناد قول مشهور

این دسته از روایات بیشترین حجم روایات وارده در این مسئله را تشکیل می‌دهد که به بیست و پنج روایت می‌رسد.^۵ این روایات مضامین مختلفی دارد؛ به طوری که به چند دسته تقسیم شده‌اند. دسته‌ای از این روایات صراحتاً نه سالگی را سن بلوغ دختران دانسته است و دسته‌ای دیگر سن اجرای حدود شرعی بر آنها را، دسته‌ای دختران را در این سن دارای قدرت تشخیص در امر ازدواج می‌داند و دسته‌ای این سن را سن جواز ادخال به هنگام آمیزش می‌داند. دسته‌ای نیاز به عده طلاق را مشروط به این سن دانسته است. ولی با وجود عدم اتحاد مضمون این روایات، قدر مشترکی از آنها استنباط شده که همان قول مشهور است.

به همین جهت برخی از بزرگان بر این باورند که مجموع این روایات از تواتر معنوی برخوردار است.^۶

با این وصف هر چند پاره‌ای از روایات بر خلاف روایات سابق سن بلوغ را سیزده سالگی یا زمان شروع قاعدگی به حساب آورده است،^۷ این روایات به دو دلیل توان ایستادگی در برابر آن حجم از روایات مشهوره یا متواتره را ندارد. اولاً: به این دلیل که مورد اعراض عملی اصحاب قرار گرفته است و این اعراض موجب سستی آنها می‌گردد. ثانیاً: به این دلیل که در دانش اصول فقه این اصل، مسلم است که هنگام تعارض بین روایات، شهرت یک روایت عاملی برای ترجیح آن بر روایت دیگر است.^۸

نکات پایانی

۱. بلوغ در لغت به معنای رسیدن به مرحله خاصی از کمال است که در آن مرحله شخص برای انجام کاری توانمند می‌شود. این مرحله در کارهای متفاوت و افراد مختلف از نظر روحی و جسمی و اقلیمی، متفاوت می‌باشد. حال که ادله شرعی بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های موجود، سن خاصی را معیار سن بلوغ به حساب آورده است، می‌تواند حاکی از آن باشد که در نظر شارع مرحله‌ای از بلوغ ملاک قرار گرفته است که همه اشخاص با رسیدن به آن سن وارد آن مرحله می‌گردند. البته این احتمال هم منتفی نیست که این سن یک معیار غالبی باشد، نه عمومی. اما رجحان وحدت رویه و آسان‌سازی اجرای قانون انگیزه‌ای برای جعل یک قانون فراگیر برای همه شده است.

۲. ممکن است گفته شود در بعضی روایات جواز تصرف در اموال متوقف بر سن بلوغ دانسته شده است؛ در حالی که بدون تردید بلوغ سنی نمی‌تواند مجوزی برای سپردن اموال به کودکان باشد.

پاسخ آن است که این روایات بدین معنا نیست که سن بلوغ، علت تامه برای تسلیم اموال به کودکان است؛ بلکه سن بلوغ در حد یک مقتضی است که در کنار آن باید سایر شرایط را در نظر داشت. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ اِئْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»^۹ یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید. اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید». بنابراین در امور مالی غیر از بلوغ، رسیدن به حد رشد اقتصادی نیز لازم است.

۳. عدم قدرت بر انجام برخی تکالیف برای بعضی از دختران نه ساله، نمی‌تواند دلیلی بر نفی قول مشهور باشد؛ زیرا تکالیف در صورت عسر و حرج شدید ساقط می‌گردد و در این مسئله فرقی بین این دختران و سایر مکلفان نیست. البته این مطلب هم حائز اهمیت است که نباید در تشخیص عسر و حرج دچار سهل‌انگاری شد.

۱. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۶، ص ۲۸.

۲. ر.ک: توضیح المسائل (مخشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۳۷۵.

۳. «قال الشافعية والحنابلة: ان البلوغ بالسن يتحقق بخمس عشرة سنة في الغلام والجارية، وقال المالكية: سبع عشرة سنة فيهما، وقال الحنفية ثمان عشر في الغلام، وسبع عشرة في الجارية». الفقه على المذاهب الخمسة، ج ۲، ص ۳۰۰.

۴. برای آشنایی بیشتر ر.ک: آیت‌الله جعفر سبحانی، البلوغ، حقیقت، علامته و احکامه، ص ۶۴.

۵. نساء: ۶.

۶. انعام: ۱۵۲.

۷. نور: ۵۹.

۸. ر.ک: وسائل الشیعة، باب ۴۵ از ابواب مقدمات النکاح و آداب، احادیث ۱ الی ۹؛ و باب ۴ از ابواب مقدمة العبادات، ح ۲؛ و باب ۴۴ از ابواب الوصایا، ح ۱۲؛ و باب ۱۶ از ابواب الوقوف و الصدقات، ح ۴؛ و باب ۲۲ از ابواب الشهادات، ح ۳؛ و باب ۳۴ از ابواب ما یحرم بالمصاهرة، ح ۱ الی ۳؛ و باب ۲ از ابواب العدد، ح ۳. برای توضیح بیشتر پیرامون روایات ر.ک: البلوغ حقیقت، علامته و احکامه، ص ۵۶.

۹. البلوغ، حقیقت، علامته و احکامه، ص ۳۴.

۱۰. در موقفه عمار ساباطی از امام صادق (علیه السلام) این گونه آمده است: سألته عن الغلام متى تجب علیه الصلاة؟ قال: «إذا أتى عليه ثلاث عشرة سنة، فإن احتلم قبل ذلك فقد وجبت علیه الصلاة و جرى علیه القلم، و الجارية مثل ذلك إن أتى لها ثلاث عشرة سنة أو حاضت قبل ذلك فقد وجبت علیها و جرى علیها القلم». وسائل الشیعة، باب ۴ از ابواب مقدمة العبادات، ح ۱۲.

۱۱. البلوغ، حقیقت، علامته و احکامه، ص ۶۸.

۱۲. نساء: ۶.

در حوزه فقه شیعی،
علاوه بر رأی مشهور
به آراء دیگری نیز
برمی‌خوریم. برخی
سن بلوغ دختران را
سیزده سالگی دانسته‌اند
و برخی دیگر بر این
عقیده‌اند که بلوغ
دختران نشانه سنی
ندارد

چادر مشکی دلیل قرآنی دارد

حسین مهدی زاده*

نکته دوم: از عبارت «وشتملت بجلبابها»، باتوجه به لفظ اشتغال استفاده می‌شود که جلباب، پوششی سرتاسری بوده که تمام آن وجود مبارک، از سر تا قدم‌ها را فرا می‌گرفته است. بنابراین، نظر طرفداران دیدگاه رد می‌شود.

زنان صدر اسلام، که نخست مخاطبان آیه جلباب بوده‌اند، از واژه جلباب چه برداشتی داشته‌اند و تبادر ذهنی آنها از آن چه بوده است؟ در کتاب سنن ابی داود از ام سلمه، همسر گرامی پیامبر (صلی الله علیه و آله) قضیه‌ای نقل شده که گویای تبادر ذهنی زنان عرب آن زمان است:

وقتی آیه جلباب «یدنین علیهن من جلابیهن»^۲ نازل شد، زن‌های انصار از خانه‌هایشان خارج شدند، در حالی که پوشش‌های مشکی داشتند.^۸

(ب) کارکرد جلباب: برای فهمیدن کارکرد جلباب و کیفیت پوشش آن، لازم است معنای «ادناء» در آیه «یُدْنِیْنَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیْهِنَّ» معلوم شود. آلوسی از ابن عباس و قتاده، و زمخشری در تفسیر کشاف از ابن سیرین، ذیل آیه ۵۹ سوره احزاب نقل کرده‌اند که مراد از «یدنین» قرار دادن جلباب در بالای ابرو و گردن و جمع و جور کردن و قرار دادن گوشه‌های جمع‌شده آن در بالای بینی است، که معمولاً بانوان متدین و حساس نسبت به رعایت حجاب در مواجهه با نامحرم این کار را انجام می‌دهند. از عبارت ابن عباس، قتاده و ابن سیرین معلوم می‌شود که جلباب همانند چادرهای فعلی، پوششی جلو باز بوده است و واژه «یدنین» در آیه شریفه نیز مؤید این مدعاست. بنابراین از نظر کارکرد و کیفیت پوشش نیز از جلباب قرآنی معانی چادر را فهمیده‌اند.^۹

شبهه: بعضی در دینی بودن حجاب در شکل چادر شبهه نموده و این‌گونه ادعا کرده‌اند که چادر به احتمال زیاد از زمان قاجار در ایران جا افتاده است و هیچ ارتباطی با دین و مذهب ندارد.^۱

پاسخ: «جلا بیب» جمع «جلباب» است و جلباب در کتاب‌های لغت معتبر، مثل: لسان العرب، صحاح اللغة و معجم الوسیط، به «ملحفه» معنا شده است. ملحفه پوششی گسترده است که زن خود را در آن می‌پوشید. قبل از بررسی معنا و مفهوم جلباب، باید دید چادر رایج در بین زنان مسلمان و ایرانی چه نوع پوششی است و عناصر و مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده آن چیست؟

با اندک تأملی می‌توان گفت مفهوم چادر دارای دو مؤلفه اصلی ذیل است:

۱. پوشش وسیع که از بالای سر تا پایین پای زن را می‌پوشاند.

۲. پوششی جلو باز که از بالای سر، روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شود.

آیا جلباب قرآنی که در بعضی تفاسیر از آن به ملحفه تعبیر شده است؟ دو عنصر ذکر شده برای چادرهای رایج فعلی را دارد یا نه؟ اگر دو عنصر یادشده را بتوان برای جلباب اثبات نمود، می‌توان ادعا کرد که جلباب قرآنی، همانند چادرهای رایج فعلی بوده است.

(الف) اندازه جلباب: تقریباً همه کتاب‌های لغت در اینکه جلباب پوششی وسیع است، اتفاق نظر دارند؛ ولی دیدگاه‌های کتاب‌های لغت و تفسیر درباره اندازه دقیق جلباب متفاوت است. سه دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: جلباب پوششی فراگیر بوده که از بالای سر تا پایین پا را می‌پوشانده است. این دیدگاه از کتاب‌های لغوی و تفسیری فراوان استفاده می‌گردد.^۳

دیدگاه دوم: جلباب پوششی بزرگ‌تر از خمار (مقنعه) بوده که کمتر از مقدار ردا، یعنی تقریباً تا زانو‌ها را می‌پوشانده است. این دیدگاه از بعضی از کتاب‌های لغت، مثل مصباح المنیر فیومی استفاده می‌شود.^۴

دیدگاه سوم: جلباب همان خمار (مقنعه) است؛ پوششی که فقط سر و سینه را می‌پوشانده است. این دیدگاه از مفردات راغب اصفهانی به دست می‌آید.^۵

شواهد مختلفی وجود دارد که صحت دیدگاه اول، و مخدوش بودن دیدگاه دوم و سوم را ثابت می‌کند که یکی از آنها پوشش حضرت زهرا (سلام الله علیها) هنگام خروج از منزل و رفتن به مسجد برای دفاع از فدک است: «لانت خمارها علی رأسها و اشمملت بجلبابها»^۶، یعنی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) خمار و مقنعه خویش را بر سر و جلباب بر تن کردند.

نکته اول: پوشش حضرت در بیرون منزل همان دو پوشش قرآنی مستقل از یکدیگر به نام «خمار» و «جلباب» بوده است. بر این اساس نظر طرفداران دیدگاه سوم، مثل راغب اصفهانی مخدوش می‌گردد.

تقریباً همه کتاب‌های لغت در اینکه جلباب پوششی وسیع است، اتفاق نظر دارند؛ ولی دیدگاه‌های کتاب‌های لغت و تفسیر درباره اندازه دقیق جلباب متفاوت است

* کارشناس ارشد علوم تربیتی، محقق و نویسنده.

۱. فاطمه خاتمی، روزنامه ایران، شماره ۱۶۲۷، ۷۹/۷/۴، ص ۴.

۲. به عنوان مثال رک: شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۶۱؛ میرزا محمد مشهدی، کنز الدقائق، ج ۸، ص ۲۲۶؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۴، ص ۲۰۳، ذیل آیه ۵۹ سوره احزاب (آیه جلباب).

۳. به عنوان نمونه رک: شیخ طوسی، تفسیر تبیان؛ بیضاوی، تفسیر انوارالتنزیل و اسرار التأویل؛ علامه طباطبائی، تفسیر المیزان؛ شیخ محمدجواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ذیل آیه جلباب. همچنین از ابن عباس، مفسر بزرگ قرآن کریم این دیدگاه استفاده می‌شود که در ضمن بررسی اقوال سه‌گانه خواهد آمد.

۴. «الجلباب: ثوب اوسع من الخمار دون الرداء». فیومی، المصباح المنیر، ص ۱۰۴ (ریشه جلب).

۵. «الجلا بیب: القمص و الخمر الواحد الجلباب». راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ریشه جلب.

۶. طبرسی، الاحتیاج، ج ۱، ص ۹۸.

۷. احزاب: ۵۹.

۸. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۸۲.

۹. رک: لسان التنزیل، ص ۱۰۳، به اهتمام مهدی محقق؛ تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۸، ص ۱۹۱، ذیل آیه ۵۹ سوره احزاب؛ میرزا ابوالحسن شعرانی، نثر طوبی، واژه جلباب؛ ر. پ. آذری، فرهنگ البسه مسلمانان، ص ۱۱۷.

نگاه...

حسن علی آبادی

در میان شخصیت‌های فرهیخته تشیع نام صاحب بن عباد همچون ستاره‌ای می‌درخشد. شخصیتی که عالمان بزرگ تشیع همچون سید رضی در رثای وی شعر ۱۱۲ بیتی دارد و علامه امینی رحمته الله زبان ادیبان را از بیان مکارم اخلاقی و فضائل علمی ایشان قاصر می‌داند. ویژگی فوق العاده او در ارادت تام و کامل نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است. اشعار زیبایی او در این باره فراوان می‌باشد. از جمله این اشعار شعر است که در مدح حضرت ثامن الحجج علیه السلام انشاء کرده است. این شعر زیبا که در مقدمه عیون آمده به این شرح است:

یا سائرا زائرا إلی طوس مشهد طهر و أرض تقدیس
أبلغ سلامی الرضا و خط علی اکرم رمس لخیبر مرموس
و الله و الله حلفة صدرت من مخلص فی الولاء مغموس
إنی لو کنت مالکا إربی کان بطوس الفناء تعریس
و کنت أمضی العزیم مرتحلا منتسفا فیہ قوة العیس
لمشهد بالذکاء ملتحف و بالسناء و الثناء مانوس
ای که به زیارت طوس -محل پاک و سرزمین قداست- رهسپاری!
سلام مرا به حضرت رضا(ع) برسان و نزد بهترین قبر که صاحب آن
بهترین به خاک سپردگان است فرود آی.
قسم به خداوند، قسمی که از انسانی مخلص و غرق در ولای اهل بیت
صادر شده است.
که اگر برآوردن آرزوهایم به دست خودم بود، در مقابل خانه (حضرت
رضا) در طوس اقامت می‌گزیدم.
و همچون شتران تیزپا می‌دویدم، به سمت حرمی که از نور و درخشندگی
پوشیده شده و با نور و علو مقام مدفون است و همدم.
وی این شعر را به شیخ صدوق عالم بزرگ تشیع هدیه می‌کند. به
اندازه‌ای این شعر در نگاه شیخ دارای عظمت است که تصمیم به تالیف
کتابی درباره حضرت رضا علیه السلام می‌گیرد. حاصل این تصمیم
کتاب گران سنگ عیون اخبار الرضا علیه السلام است. شیخ در پاسخ
هدیه معنوی مدح امام هشتم این کتاب را به صاحب بن عباد هدیه
می‌کند. در واقع این هدیه گران سنگ از باب «وَ إِذَا حُبِّتُمْ بِتَحِیَّةٍ
فَحِیُّوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا» جوابی بهتر و زیباتر به شعر مدح جناب
صاحب بن عباد بوده است.

موضوع ماه: نگاهی به کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام

عیون کتابی برای ترویج فرهنگ دینی

خدا تورا می‌پسندد

عدل قرآن، مبین قرآن

شیخ صدوق؛ روایت نزدیک

علت و حکمت احکام در عیون



عیون کتابی برای ترویج فرهنگ دینی

به کوشش
حسن علی آبادی

عیون اخبار الرضا علیه السلام از جمله آثاری است که در گسترش فرهنگ رضوی صدها سال است که رخ می‌نمایند. این کتاب را می‌توان با رویکردهای مختلفی بررسی کرد. نگاه تفسیری و قرآن‌شناسی، کلامی و معرفت‌شناسی، روایی و حدیث‌شناسی و... از جمله نگاه‌هایی است که اندیشمندان مختلف را مجذوب عیون نموده است. استفاده از این کتاب حدیثی با نگاه ترویجی و تبلیغی خود نیاز به تحقیق و پژوهش دارد. حدیث پژوه گرانقدر جناب آقای غلامعلی از جمله فرهیختگانی است که نگاه‌های ترویجی و تبلیغی خوبی به کتب حدیثی دارند. در این مصاحبه کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام با چنین رویکردی مورد بررسی قرار داده است.

در ابتدای صحبت لطفاً کتاب شریف عیون اخبار الرضا (علیه السلام) را معرفی بفرمایید.

آثار شیخ صدوق دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که کمتر کتابی از کتاب‌های شیعه دارای آن است. نوآوری فوق‌العاده زیبایی دارد که قبل از او یا نبوده و اگر هم بوده، خیلی ضعیف بوده است.

شیخ صدوق بیش از ۲۵۰ جلد کتاب تا زمان نگارش کتاب من لایحضره الفقیه نوشته بود. بعد از آن هم نزدیک به سی جلد کتاب نوشته است؛ ولی امروزه کمتر از بیست جلد از کتاب‌های ایشان در اختیار ما قرار دارد.

کتاب‌های باقی‌مانده از ایشان ویژگی‌های ممتازی دارند که دلیل مانایی آنها، همین ویژگی‌ها است. ضمن اینکه جامعه علمی ما به استنساخ این کتاب‌ها روی آورده و به این ترتیب، میراث علمی ایشان باقی مانده است.

یکی از این کتاب‌ها عیون اخبار الرضا است. این اثر به کتابخانه مشهور صاحب بن عباد در ری و بعدها در اصفهان اهدا شد. به این شکل زمینه استنساخ آن فراهم آمد

و به نظر می‌رسد در زمان خود شیخ صدوق گسترش پیدا کرده است. کتاب عیون از جهت ساختاری دارای یک مقدمه و ۶۹ باب است. بخشی از این ابواب شامل بحث‌های علمی است که برای متخصصین قابل استفاده است. اما ده‌ها باب دیگر برای عموم جامعه قابل درک و بهره‌مندی است و مبلغان می‌توانند در امر تبلیغ، از این کتاب بهره فراوان ببرند.

برخی از باب‌های این کتاب عبارتند از: ولادت امام رضا (علیه السلام)، دلیل نامیده شدن به اسم رضا، بحث امامت امام رضا (علیه السلام)، بحث‌های تاریخی مثل مسئله ولایت‌مهدی ایشان، زمان ورود به مرو و کسانی که هارون الرشید در این دوران آنها را کشته است.

بابی درباره قیام‌های سادات است که در اواخر قرن دوم از سال ۱۶۰ تا سال ۲۰۰ هجری قمری رخ می‌دهد. عراق، ایران، افغانستان و حجاز، مناطق وقوع این قیام‌ها بوده است.

از نظر شما شاخص‌های فرهنگی اجتماعی عصر امام رضا (علیه السلام) چه بوده است؟

عمده‌ترین شاخصه‌های آن دوران که فضای فرهنگی را متأثر کرده بود، عبارت است از: تثبیت حکومت عباسیان و چندصدایی شدن جامعه شیعی.

در زمان امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) یک‌پارچگی خوبی بر شیعیان حاکم بوده است. اما پس از شهادت امام هفتم (علیه السلام) جامعه شیعه با واقعی‌ها روبرو شد؛ فرقه‌ای که با توجه به زندانی بودن امام هفتم (علیه السلام) و عدم رشد فکری جامعه شیعی، ادعای امام غائب را درباره ایشان مطرح کردند.

در بین تاریخ شیعی رخنه‌ای بزرگ‌تر از جریان واقفیه شکل نگرفته است؛ به شکلی که حضرت رضا (علیه السلام)، در تمام دوران امامت خویش با این اندیشه انحرافی نبرد داشته‌اند.

اینان با شواهدی از جمله عدم اقامه نماز میت توسط امام رضا (علیه السلام) بر امام کاظم (علیه السلام) یا مسئله عدم ادعای امامت از سوی خود امام یا مسئله ولایت‌مهدی، در امامت ایشان تشکیک می‌کردند.

در مدرسه عیون اخبار الرضا علیه السلام

بخشی از احادیث کتاب عیون اخبار الرضا، احادیثی است که خود آن حضرت در مجالس متعددی بیان کرده‌اند. در این کتاب چند گروه روایت داریم. یک گروه احادیث تاریخی است؛ یعنی احادیثی که از تاریخ ائمه قبلی است؛ مثلاً از امام کاظم یا خود امام رضا (علیهما السلام) است. حتی تا زمان وفات امام رضا (علیه السلام) نیز نقل شده؛ به این صورت که راوی درباره امام رضا (علیه السلام) مطلبی را گفته است.

گروه دوم احادیث علمی است که امام رضا (علیه السلام) از اجدادشان نقل کرده‌اند. ما حدیث نبوی از امام صادق (علیه السلام) زیاد داریم. امام رضا (علیه السلام) نیز تعداد قابل توجهی حدیث از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند. گویا می‌خواستند با این کار به امام صادق (علیه السلام) مجوریت بدهند. این کار جالبی است که ما در ائمه قبلی مانند آن را نداریم. مثلاً اینکه امام باقر حدیث‌هایش را از امام سجاده (علیه السلام) یا امام سجاده احادیثش را از امام حسن (علیه السلام) نقل کنند؛ این طور نبوده و فقط امام رضا (علیه السلام) این گونه عمل کرده‌اند.

گروه سوم احادیث و کارهای علمی خود امام رضا (علیه السلام) است که نمود بارزش در جلسات و مجالس و احتجاجات ایشان است.

در روایاتی که از خود امام رضا (علیه السلام) نقل شده، نه اینکه بخواهد مطلب را از ائمه قبلی بگوید، چیزی که بیشتر نمود دارد، احادیث کلامی است. در بحث کلام هم بیشتر در دو حوزه توحید و امامت صحبت کرده‌اند.



مقابله با اینها از هر فرصتی جهت بیان احادیث نبوی و تبیین بحث‌های عقلی و توحیدی استفاده می‌کردند. کتاب التوحید و عیون اخبار الرضا شیخ صدوق، آکنده از احادیث امام رضا (علیه السلام) درباره توحید است.

مخاطب این نشریه ائمه جماعات سطح تهران با طیف متنوعی از مخاطب هستند. از نظر شما کتاب عیون اخبار الرضا چه روش‌هایی را در قالب ترویج و تبلیغ ارائه می‌کند؟

در مجموعه عملکرد حضرت شیوه‌های مختلفی می‌بینیم. امام رضا (علیه

اوج تشکیکات واقعی‌ها در مسئله ولایتعهدی بود. مسئله شبهه‌برانگیز دیگری که مطرح شد، این بود که ائمه قبلی همگی صاحب فرزندان زیادی بودند، اما امام رضا (علیه السلام) تا سال‌های آخر عمر فرزندی نداشتند.

عمده مشکلی که امام (علیه السلام) با آن مواجه بودند، دو مسئله بوده است: یکی وارد شدن کلام غیر اسلامی به بدنه اسلام، با نهضت ترجمه کتاب‌های یونانی بود؛ چرا که آنان خدا و نیاز به پیامبر را به گونه دیگری توصیف می‌کردند.

مسئله دوم، مشکل درون گروهی شیعیان بود که درباره امامت و جایگاه آن بحث داشتند. حضرت باید با این دو جریان مقابله می‌کردند. ایشان برای

اما در برخورد با علما روشی متفاوت داشتند و در برخورد با آنان، محور اصلی و غالب، بحث علمی بود. روش ایشان در برخورد با عالمان سه پایه دارد: یک: وفاداری به بحث توحید؛ دو: سنت محوری در مواجهه با اهل سنت که مدعی سنت نبوی بودند؛ سوم: بحث عقل است

که برایشان ثابت می‌شد که ایشان امام است. بعضی‌ها حتی نظر امام کاظم (علیه السلام) را پرسیده بودند. شخصیتی مثل احمد بن محمد بن ابی نصر بنظری از امام کاظم (علیه السلام) درباره جانشینان پرسیده بود. ایشان انسانی بزرگ و در راه حق است. امام رضا (علیه السلام) هم دوستش دارد و برای او هدیه می‌فرستد. اما در ابتدا مقداری تردید می‌کند که آیا امام بعدی امام رضا هست یا نه. این قدر طوفان واقعه قوی است که نورچشمی‌ها و بزرگان شیعه هم در امامت امام رضا (علیه السلام) تردید داشتند. از این رو بخش عمده روایت‌های کتاب عیون اخبار الرضا، درباره توحید و جایگاه امامت است.

زیدیه با اینکه از زمان‌شان گذشته، ولی در این دوره حتی در اطراف حضرت هم وجود دارند. برادرها و عموی حضرت زیدیه هستند. واقعا دردناک است که در خانواده اهل بیت، برخی امام کاظم (علیه السلام) را به عنوان امام قبول نداشتند، چه رسد به امام رضا (علیه السلام). یکی از ابوابی که شیخ صدوق در این کتابش آورده، «باب ما جاء عن الرضا فی زید بن علی» است. برای واقعه باب مستقلی نیاورده، اما یک باب درباره زید می‌آورد که نشان‌دهنده خطر زیدیه در آن زمان بوده است.

در زمان شیخ صدوق، واقعه در اواخر حیات یا در حال انقراض بوده است. بنا بر گزارش‌ها، چیزی به نام واقعه در این زمان نداریم. اگر هست، خیلی اندک است. واقعه گروه انحرافی است که بعد از اسماعیلیه و زیدیه مدتی طولانی در جهان اسلام وجود داشته و علمای بزرگی هم داشتند. در منابع حدیث شیعی احادیث متعددی از واقعه در بحث فقه وارد شده، اما در اعتقادات حدیثشان مردود است. سبب پذیرش روایات فقهی آنان، به این خاطر بوده که آنان احادیث امام صادق (علیه السلام) را نقل می‌کردند و انسان‌های راستگویی بودند، ولی در اعتقادات دچار انحراف بودند.

برگردش مع رضوی

احادیث متعددی از امام رضا (علیه السلام) در مورد عصمت امام داریم که در ائمه قبلی یا نبوده یا اگر بوده، به قدری اندک بوده که صرفاً برای اصحاب سر و خواص بیان می‌شده است.

مثلاً امام در یک جلسه عمومی که مأمون و همه سران مملکتی حضور داشتند، در مورد جایگاه امام می‌فرماید: «إن الامامة نظام الامة». وقتی از ایشان می‌پرسند که از کجا می‌گویید، از آیات قرآن دلیل می‌آورد. پس یکی از نکاتی که در این دوره به عنوان یکی از شاخصه‌های فرهنگی اندیشه رضوی وجود داشته و در کتاب عیون اخبار الرضا خودش را نشان داده، احادیث پیرامون امامت است.

شیخ صدوق بحث علم غیب امام یا روایت‌هایی را که بر امامت امام رضا (علیه السلام) دلالت می‌کند، طی چند باب در عیون اخبار الرضا می‌آورد که متناسب با شبهه‌افکنی واقعه است.

بیشترین احادیث آشکار کردن علم غیب، مربوط به امام رضا (علیه السلام) است. حضرت برای برخی تمام امور را از غیب می‌گوید، حتی برای علما این کار را برای اثبات امامت خودشان انجام می‌دهند. واقعه مشکل جدی آن زمان بوده است. واقعه قبول داشتند که امام باید علم غیب داشته باشد. ایشان می‌خواهد بگوید من علم غیب دارم، پس امام هستم. یعنی یکی از دلایل امامت من، علم غیب من است. این کار را هم زیاد انجام دادند. بسیاری از شیعیان بزرگ و علما، با مشاهده علم غیب امام، هدایت شدند. این عده امام را قبول داشتند، ولی در مصداق امامت تردید داشتند که امام رضا (علیه السلام) واقعا امام هست یا نه؛ لذا باید دلیلی می‌دیدند

در بین تاریخ شیعی
رخنه‌ای بزرگ‌تر
از جریان واقفیه
شکل نگرفته
است؛ به شکلی که
حضرت رضا (ع)، در
تمام دوران امامت
خویش با این
اندیشه انحرافی
نبرد داشته‌اند.

السلام) با علما ارتباط داشتند؛ چه علمای امامیه، چه علمای اهل سنت و چه علمای غیر مسلمان. البته با عموم مردم نیز در ارتباط بودند؛ اما این دورا باید از هم تفکیک کنیم. در بین مردم، حضرت هم از امر و نهی زبانی استفاده می‌کند و هم سیره و سیر و سلوک فردی خود را نشان می‌دهند؛ به گونه‌ای که حتی کسانی که شیعه نبودند، مثل رجاء بن ابی ضحاک - که مأمور حکومت بود و باید امام را از مدینه به مرو می‌آورد - شیفته حضرت می‌شدند.

اما در برخورد با علما روشی متفاوت داشتند و در برخورد با آنان، محور اصلی و غالب، بحث علمی بود. روش ایشان در برخورد با عالمان سه پایه دارد: یک: وفاداری به بحث توحید؛ دو: سنت‌محوری در مواجهه با اهل سنت که مدعی سنت نبوی بودند؛ سوم: بحث عقل است.

نکته دیگر در کار تبلیغی یا ترویجی حضرت، مسئله ادب است و پایبندی به مسائل اخلاقی. حضرت با اخلاق تمام با مخالفین سرسخت خود رفتار می‌کردند. در بعضی از نقل‌ها دارد که آنها داد می‌زدند، اما حضرت خیلی آهسته صحبت می‌کرد. حتی در برخی موارد مأمون به آنها پرخاش می‌کرد که این چه برخوردی است که با حضرت دارید. حضرت با اینکه ولیعهد بودند، در تمام مناظرات رفتاری از روی رأفت داشتند.

علاوه بر رعایت ادب در بحث با اهل علم، مسئله تحمل حرف مخالف نیز مورد توجه است. مدارای پیامبر، در سیره امام رضا کاملاً عینیت دارد. برخی مخالفان، حرمت حضرت را نگه نمی‌داشتند، اما حضرت آنها را می‌پذیرفت و سخنشان را بی‌دلیل رد نمی‌کرد.

الان متأسفانه تکفیری‌ها نمی‌توانند شیعیان را تحمل کنند. گاهی بعضی از شیعیان تندرو نیز حتی اسم اهل سنت را بر نمی‌تابند؛ در حالی که امام رضا (علیه السلام) با مشرکی که از هندوستان نزد حضرت آمده بود، رابطه رفاقت برقرار کردند.

موضوع توحید به عنوان یکی از پیچیده‌ترین مباحث، با چه روش ترویجی در کتاب عیون اخبار الرضا طرح شده است؟

در مسئله توحید در آن دوره در دو جهت مشکل داشتیم؛ یکی اصل مسئله توحید بود که اصلاً خدا وجود دارد یا نه. یکی هم در مورد اوصاف خداوند است که این بحث بیشتر درون گروهی و بین مسلمان‌ها جریان داشته است.

طبیعتاً بحث توحید، بحث عقلی صرف است. امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با اهل سنت، به قرآن و سنت پیامبر استناد می‌کردند. در یکی از مناظره‌ها حدود هفتاد مرتبه به قرآن استناد کردند.

روش دیگر آن حضرت در مناظره‌ها، استناد به منابعی است که اهل سنت قبول دارند. مثلاً از ابی سعید خدری که آنها هم قبولش دارند، روایت نقل می‌کرده است. جالب است که حضرت در بحث‌های این چنینی، آداب نقل حدیث را مطابق با آنچه سنن قبول دارند، رعایت می‌کردند. حضرت در احادیث بسیاری، و نه فقط در روایت سلسله‌الذهب، سلسله سند را بیان می‌کردند.

در این کتاب در بحث سبک زندگی و خانواده، چه روایاتی وجود دارد؟

من کتابی به نام «امام رضا و زندگی» نوشته‌ام که بیشتر روایت‌هایش از عیون اخبار الرضا است.

گاهی در بیان ابعاد شخصیتی ائمه (علیهم السلام)، مواردی گفته می‌شود که مردم نمی‌توانند از آن الگوبرداری کنند. بیان معجزات حضرت، محاسن خاص خود را دارد، ولی مخاطب عام از این مسائل چه چیزی را برداشت می‌کند؟

چهار معصوم، احادیثی دارند که می‌توان سبک زندگی را از آن برداشت کرد. یکی پیامبر است که زندگی‌اش پیام‌های زیادی برای ما دارد. دیگری امیرالمؤمنین است، سوم امام صادق و چهارم امام رضا (علیهم السلام) است. متأسفانه از بقیه ائمه (علیهم السلام) احادیث کمی در این باره گزارش شده است.

من در کتاب «امام رضا و زندگی»، رابطه امام رضا (علیه السلام) با گروه‌های مختلف را به هشت بخش تقسیم کرده‌ام. برای مثال، امام رضا (علیه السلام) از آقازاده شش هفت ساله‌شان طوری یاد می‌کنند که ما از پسر بزرگ سی‌چهار ساله‌مان هم این‌گونه یاد نمی‌کنیم! نامه‌نویس حضرت به یکی از رفقایاش می‌گوید: به گمانم پسر علی بن موسی در مدینه، شخصیت خیلی بزرگ و مشهوری باشد؛ چون امام در نامه‌هایش خیلی به بزرگی از او یاد می‌کند.

امام رضا (علیه السلام) حتی در نامه‌نگاری، با کنیه فرزندشان را مخاطب قرار می‌دادند که نشانه احترام است. این برای ما الگو است.

نمونه دیگر از سبک زندگی حضرت، برخوردهای ایشان با برادرشان است. در عیون اخبار الرضا آمده که برادرهای حضرت، ایشان را اذیت می‌کردند. در نقلی حضرت می‌فرمایند: من همانند حضرت یوسف هستم که از برادرانش خبری ندید. برادران ایشان به حکومت شکایت کردند و دادخواست نوشتند که ارث ما را رضا بالا کشیده است! امام رضا (علیه السلام) را به محکمه بردند. حضرت برخورد تندی نکردند؛ بلکه خیلی زیبا با آنها سخن گفتند و از حق خویش دفاع نمودند.

این اخلاق را باید در زندگی خود عملی سازیم. برخورد امام رضا (علیه السلام) با نیازمندان، شیعیان و غیر شیعه‌ها نیز درس‌های فراوانی برای ما دارد. امام به عبادت یک فرد مسیحی رفتند؛ کاری که در نظر ما خیلی خوش آیند نیست.

امام رضا (علیه السلام) چون ولیعهد بوده و به عنوان فرزندی از نسل پیامبر مورد احترام بودند، عملکردش زیر ذره‌بین بوده و بسیاری از کارهایش، حتی اینکه چگونه شستشو می‌کردند، گزارش شده است.

به نظر می‌رسد ظرفیت تربیتی احادیث امام رضا (علیه السلام) که بخش قابل توجهی از آن در عیون اخبار الرضا نقل شده، کمتر دیده شده است. مسائل اخلاقی و تربیتی فراوانی را می‌توانیم از این کتاب استخراج کنیم.

در میان ترجمه‌های عیون اخبار الرضا کدام یک مد نظر شما است؟

ترجمه آقا نجفی اصفهانی که در ترجمه آدم باسواد بودن، شرح‌های کوتاهی دارد که جالب است. این ترجمه خوب است؛ منتها قدیمی است. البته طلبه‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند.

ترجمه خوب دیگر که مطالعه آن را برای عموم پیشنهاد می‌کنم، ترجمه آقای مستفید است. جناب آقای دکتر مستفید و مرحوم آقای غفاری، این کتاب را ترجمه کرده‌اند که انصافاً ترجمه خوب و قابل قبولی است.

خدا تو را می پسندد

چرا رضا؟

علی اکبر خدامیان
آرانی
استاد سطوح عالی و عضو هیئت
مدیره انجمن حدیث حوزه.

امام رضا (علیه السلام) به سبب برخورداری از کمالات اخلاقی بسیار، القاب زیبا و جامعی داشتند که هریک، گویای پیام خاصی درباره آن حضرت است. بعضی از القاب آن حضرت، عبارت است از: الرضا، الصادق، سراج الله، نور الهدی، قرة عین المؤمنین، الفاضل، الصابر، الوفی، الصدیق، الولی، الزکی، الرضی، عالم آل محمد (صلي الله عليه و آله).^۱

معروف ترین و مشهورترین لقب امام هشتم (علیه السلام)، "رضا" است^۲ که در روایات متعددی وارد شده و در لسان مطهر خود ائمه (علیهم السلام) نیز این لقب برای ایشان به کار رفته است.

با بررسی احادیث می توان به این نتیجه رسید که علت نامگذاری رضا بر آن حضرت از دو جهت بوده است:

۱. آن حضرت مورد رضا و پسند خداوند در آسمان و رسول خدا و امامان (علیهم السلام) در زمین بوده اند^۳
۲. مخالف و موافق، شیعه و سنی او را پسندیدند و آن حضرت مورد رضا و پسند همه بود.^۴

مأمون و لقب رضا

اما لقب رضا، اولین بار از طرف چه کسی برای امام (علیه السلام) انتخاب گردید؟ به عبارت دیگر، تسمیه امام به این لقب، توسط چه کسی صورت گرفت؟

این مطلب، نکته مهمی است که برای افراد زیادی جای سؤال بوده است؛ لذا موجب شده بود که مردم برای این نامگذاری، دلایلی برشمارند؛ از جمله اینکه: چگونگی رابطه میان امام و مأمون، باعث شده بود این لقب از طرف مأمون به امام داده شود. در واقع، مردم به دو امر باور پیدا کرده بودند: ۱. تسمیه امام (علیه السلام) به رضا، از طرف مأمون بوده؛ ۲. وجه تسمیه امام

(علیه السلام) به رضا به علت رابطه خاص امام با مأمون بوده است.

این باور مردم، برای بعضی از روایان و یاران ائمه (علیهم السلام) مبهم می نمود؛ از همین رو برای برطرف کردن آن و رسیدن به حق، راه چاره را در این دیدند که از خود معصومان (علیهم السلام) سؤال کنند.

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی که از روایان موثق و جلیل^۵ و از اصحاب اجماع^۶ می باشد، در همین رابطه از امام جواد (علیه السلام) سؤال کرده و باور مردم را برای امام بیان می کند.

امام جواد (علیه السلام) با صراحت، یادآور می شوند که حرف مردم باطل و کذب است و دلیل این نامگذاری، امر دیگری است. متن حدیث از این قرار است:

"عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ بَزَنْطٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِنَّ قَوْمًا مِنْ مُخَالِفِيكُمْ يَزْعُمُونَ أَبَاكَ إِنَّمَا سَمَاءُ الْمَأْمُونِ الرَّضَا لِمَا رَضِيَهُ لَوْلَايَةِ عَهْدِهِ فَقَالَ كَذَبُوا وَاللَّهِ وَفَجَرُوا بِلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَمَاءُ الرَّضَا لِأَنَّهُ كَانَ رَضِيَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي سَمَائِهِ وَرَضِيَ لِرَسُولِهِ وَالأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ أَلَمْ يَكُنْ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْ آبَائِكَ الْمَاضِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رَضِيَ لِلَّهِ تَعَالَى وَ لِرَسُولِهِ وَ الأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَقَالَ بَلَى فَقُلْتُ فَلِمَ سَمَى أَبُوكَ مِنْ بَيْنِهِمُ الرَّضَا قَالَ لِأَنَّهُ رَضِيَ بِهِ الْمُخَالِفُونَ مِنْ أَغْدَائِهِ كَمَا رَضِيَ بِهِ الْمُوَأَفِقُونَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَلِذَلِكَ سَمَى مِنْ بَيْنِهِمُ الرَّضَا (علیه السلام)".^۷

علیه السلام فقال بلی
فقلت فلیم سمی أبوک

من بینهم الرضا
قال لأنه رضي به
المخالفون من أعدائه

كما رضي به الموافقون من
أوليائه ولم يكن ذلك لأحد من
آبائهم عليهم السلام فلذلك سمى
من بينهم الرضا (عليه السلام).^۷

"از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی نقل شده که گفت: به امام جواد

چون همان طور
که دوستان و
طرفدارانش به ایشان
رضایت داده و ایشان
را پذیرفتند، مخالفین
نیز ایشان را قبول
کرده، به ایشان
رضایت داده بودند و
این حالت برای پدران
و اجداد ایشان اتفاق
نیفتاد؛ لذا، از بین آنان
فقط ایشان "رضا"
نامیده شده اند

علیه السلام عرض کردم: گروهی از مخالفین شما می‌پندارند که چون مأمون پدر شما را برای ولایتعهدی خود پسندید و برگزید، ایشان را "رضا" نامید. حضرت جواد (علیه السلام) فرمودند: به خدا دروغ می‌گویند و نابجا گفته‌اند. بلکه خداوند تبارک و تعالی او را "رضا" نامید، زیرا او مورد رضایت خداوند در آسمانش و مرضی رسول خدا و ائمه بعد از او (علیهم السلام) در زمین بود.

بزنطی می‌گوید: عرض کردم مگر تمام آباء و اجداد شما از ائمه طاهربین (علیهم السلام) مورد پسند خدا و پیامبر و ائمه (علیهم السلام) نبودند؟ حضرت فرمود: چرا. عرض کردم: پس برای چه از این میان فقط پدرتان "رضا" نامیده شده است؟ فرمود: چون همان‌طور که دوستان و طرفدارانش به ایشان رضایت داده و ایشان را پذیرفتند، مخالفین نیز ایشان را قبول کرده، به ایشان رضایت داده بودند و این حالت برای پدران و اجداد ایشان اتفاق نیفتاد؛ لذا، از بین آنان فقط ایشان "رضا" نامیده شده‌اند.^۱

این حدیث شریف، صراحتاً بر این مطلب دلالت دارد که لقب "رضا" از طرف خداوند برای امام (علیه السلام) انتخاب شده است.

در روایت دیگری در کتاب عیون اخبار الرضا، نکته دقیقی مطرح شده که این مطلب را تأیید می‌کند. در این روایت، سلیمان بن حفص المروزی به بیان سیره امام کاظم (علیه السلام) پرداخته و نقل می‌کند که ایشان، به فرزندشان لقب رضا می‌دادند. همچنین هنگامی که می‌خواستند فرزندش را نزد او آورند یا درباره او سخن بگویند، وی را با لقب "رضا" نام می‌برد و هرگاه فرزندش علی بن موسی را خطاب می‌کرد، او را با کنیه "ابوالحسن" فرا می‌خواند. این در حالی است که آن زمان، هنوز نه از حکومت مأمون خبری بوده و نه از ولیعهدی امام رضا (علیه السلام).

یک روز با امام رضا علیه السلام

امام رئوف، با اخلاق حسنه خود، علاوه بر شیعیان، غیر شیعیان را نیز جذب خود می‌کردند. مثلاً رجاء ابن ابی ضحاک با آنکه مأمور مأمون است، شیفته حضرت امام رضا (علیه السلام) است؛ به گونه‌ای که همه حرکات و خصوصیات حضرت را در بحث‌ها زیر نظر می‌گرفت. او درباره برخورد امام با مردم و نماز و عبادت حضرت مطالبی گفته است. از جمله اینکه اگر در شهری ده روز می‌ماندیم، حضرت حتماً روزه می‌گرفت. هر روز بعد از نماز صبح، حتماً پنجاه آیه از قرآن می‌خواندند. در روز چند بار مسواک می‌زد، سجده طولانی داشت و دعای قنوت ایشان، این بود: «رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم انک انت الاعز الاجل الاکرم» این دعایی است که امام همواره آن را می‌خواندند. رجاء ابن ابی ضحاک، این گونه جذب و شیفته حضرت می‌گردد.

مورد دیگر از اخلاق آن حضرت: یک نفر نیازمند و فقیر، خدمت امام رضا (علیه السلام) آمده است. آن فقیر می‌گوید: ما منتظر گروهی از بنی‌هاشم بودیم که از مدینه به مرو بیایند. من داشتم حاجت و مشکلم را می‌گفتم که وقت نماز شد. حضرت گفت: نماز را بخوانیم. گفتیم: آقا صبر کنیم آنها هم بیایند و جمعیت ما بیشتر شود. حضرت فرمودند: فضیلت اول وقت بالاتر از این است که منتظر باشیم تعداد جماعت بیشتر شود. آن فقیر می‌گوید: نماز جماعت را خواندیم. بعد از نماز، حضرت نیاز مرا رفع کردند.

به این ترتیب امام رضا (علیه السلام) اطرافیان خود را امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند. مثال دیگر زمانی است که حضرت در مرو تشریف داشتند. آنجا نعمت زیاد بود، وضعیت آب و هوای مرو هم خوب بود. حکومت هم خانه ایشان را از جهت مالی تأمین می‌کرد. کنیزی نصف یک سیب را خورده و بقیه آن را روی زمین انداخته بود. حضرت ناراحت شد و گفت: چه کسی این کار را کرده؟ سپس شروع کردند در مورد اسراف صحبت کردن. شیوه تبلیغی ایشان، امر و نهی زبانی است که البته رفتار و عملشان نیز همسو با آن امر و نهی‌ها است. مثلاً عموی امام رضا (علیه السلام) در مرو حضور دارد؛ محمد بن جعفر مشهور به دیباج. امام از دست او ناراحت است و به خاطر ناخرسندی از وی، نمی‌خواست با او ارتباط داشته باشد. راوی می‌رود پیش امام رضا (علیه السلام) در مورد مطلبی سؤال می‌کند. بعد حضرت می‌گوید: من از خدا خواستم که با ایشان زیر یک سقف قرار نگیرم. راوی از ذهنش می‌گذرد که اینها این قدر به ما می‌گویند که صله رحم بکنید، اما درباره عموی بزرگش این‌گونه سخن می‌گوید. حضرت سریع جواب می‌دهند: بحث صله رحم را می‌دانیم، اما او می‌خواهد از شخصیت من سوء استفاده کند. هنوز پیش من نیامده، حرف‌هایی را از قول من می‌زند، وای به حال اینکه نزد او بروم.

بنابر این امام رضا (علیه السلام) علاوه بر گفتار، با رفتار و شیوه عملی‌شان نیز به هدایت مردم می‌پرداختند.

"عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْمَرْوَزِيِّ قَالَ: كَانَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يُسَمِّي وَلَدَهُ عَلِيًّا (عليه السلام) الرَّضَا وَ كَانَ يَقُولُ ادْعُوا إِلَيَّ وَلَدِي الرَّضَا وَقُلْتُ لَوْلَدِي الرَّضَا وَقَالَ لِي وَلَدِي الرَّضَا وَإِذَا خَاطَبَهُ قَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ".^۲

"از سلیمان بن حفص مروزی روایت است که: امام کاظم (علیه السلام) فرزندش علی (علیهما السلام) را "رضا" می‌نامید و مثلاً می‌فرمود: "فرزندم رضا را صدا کنید" یا "به فرزندم رضا گفتم" یا "فرزندم رضا من گفت" و زمانی که با حضرت رضا صحبت می‌کردند، ایشان را ابا الحسن خطاب می‌فرمودند".

از این روایت استفاده می‌شود که امام کاظم (علیه السلام) عنايت خاصی به لقب "رضا" برای فرزندشان داشتند و به نحوی به دیگران گوشزد می‌کردند که حضرت را "رضا" صدا بزنند.

وقتی کتاب عیون اخبار الرضا مورد بررسی قرار گیرد، مشاهده می‌شود که حدود ۶۰۰ مرتبه واژه "رضا" برای امام (علیه السلام) به کار برده شده که نزدیک به ۲۵۰ مورد آن در اسناد روایات وارد شده است و بقیه موارد در متن روایات.

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۵۰؛ مناقب این شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۶۶-۳۶۷ و...
۲. کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۲۶۰.
۳. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۱۳.
۴. همان.
۵. فهرست الطوسی، ص ۵۱؛ رجال التجاشی، ص ۷۵.
۶. رجال الکشی، ص ۵۵۶.
۷. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۱۳.
۸. همان.

تبیین روایی آیات قرآن بر اساس کتاب عیون اخبار الرضا (علیه السلام)

عدل قرآن، مبین قرآن

حدیث پژوه

علی توحیدی نژاد

قرآن کلام پروردگار است که در گفتار و کردار اهل بیت (علیهم السلام) تجسم و عینیت یافته است. بر اساس حدیث ثقلین^۱، قرآن و ولایت دو ثقل گرانبها هستند که از هم جدانشدنی نیستند. سیره و سخن معصومان (علیهم السلام)، کلام الهی را در ابعاد گوناگون آن تبیین می‌کند و آنان مفسران قرآن هستند.

این میراث گرانبها دست به دست، به حضرت امام رضا (علیه السلام) رسید. آن حضرت وارث قرآن و تبیین‌کننده این کتاب الهی شد. عصر امام هشتم، دوران شکوفایی علم بود و خلیفه عباسی با دعوت از علما و دانشمندان ادیان مختلف، با آن حضرت مناظره برگزار می‌کرد و ایشان با استفاده از قرآن و سایر کتاب‌های آسمانی، آنها را اقناع می‌نمود.

امام رضا (علیه السلام) به شیوه‌ها و روش‌های گوناگونی آیات را تبیین نموده است که عبارتند از:

بیان منزلت کتاب خدا

قرآن کریم دارای منزلتی والا و رفیع بوده که در آیات فراوانی به آن اشاره شده است. معصومان (علیهم السلام) نیز به بیان این ویژگی پرداخته‌اند. در سخن امام رضا (علیه السلام) این ویژگی نمایان است. ریان بن صلت روایت کرده که به علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) عرضه داشتیم: قرآن در نظر شما چگونه است و درباره آن چه می‌فرمایید؟ آن حضرت فرمود: «قرآن کلام خداست، از آن نگذرید [قدم فراتر ننهید] و از غیر آن راه مجوید که گمراه خواهید گشت»^۲.

تفسیر قرآن به قرآن

اهل بیت (علیهم السلام) مفسران قرآن هستند. عبد العزیز بن مسلم گوید: از امام هشتم (علیه السلام)

درباره این آیه سؤال کردم: «تَسْأَلُوا اللَّهَ فَنَسِيهِمْ»^۳؛ خدا را فراموش کردند، او هم آنها را فراموش کرد». حضرت فرمودند: «خداوند نه سهو می‌کند و نه چیزی را فراموش؛ بلکه سهو و نسیان مربوط به مخلوقاتی است که نبودند و خلق شدند. آیا به این آیه برخورد نکرده‌ای: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا»^۴؛ بلکه معنی آیه چنین است: خداوند، کسانی را که او و قیامت را فراموش کرده‌اند، این گونه جزا می‌دهد که خودشان را از یاد خودشان می‌برد؛ همان طور که در

من دینم را فروختم!

به دلیل اهمیت مسئله قیام‌های سادات، مرحوم شیخ صدوق یک باب را مختص این موضوع آورده است. در این باب نقل می‌کند که یک شب مأمون تعداد زیادی از سادات را در خراسان به شهادت رساند که حمید بن قحطبه عامل آن بوده است. او را در حال روزه‌خواری دیدند. به او گفتند: چرا روزه نمی‌گیری؟ گفت: من گناهی را انجام دادم که در آسمان و زمین مشابهی ندارد. هارون الرشید شبی مرا طلبید و از من پرسید: تو تا چقدر حاضری برای ما خدمت کنی؟ گفتم: با تمام اموال، رفتم خانه. دوباره مرا خواست و همان پرسش را تکرار کرد. گفتم: حاضرم اولاد و جانم را فدای شما کنم. گفت: نه، فایده ندارد. گفتم: از دین و ایمانم هم می‌گذرم. وقتی این را گفتم، هارون گفت: خب پس فلان زندان برو و هر کس آنجا بود، به قتل برسان. حمید می‌گوید: وقتی به آن زندان رفتم، دیدم همه سید هستند. با این حال همه را کشتم و سرها و بدنشان را در چاه انداختم. بعد از آن دیگر انگیزه‌ای برای عبادت ندارم. من دینم را فروختم.



جای دیگر فرموده: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۵. همانها فاسق هستند. و نیز می‌فرماید: «قَالِيَوْمَ نَسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا»^۶. یعنی رهایشان می‌کنیم، همان طور که آنها، از آماده شدن برای چنین روزی طفره می‌رفتند و این کار را ترک کرده بودند»^۷.

شان نزول برخی آیات

برخی سوره‌ها و آیات قرآن در مناسبات مختلف و حوادث خاص نازل شده که در کلام اهل بیت (علیهم السلام) این موارد ذکر گردیده است. ثامن الائمه (علیه السلام) نیز برخی از این موارد را ذکر نموده است. امام هشتم فرمود: «آیه «الَّذِينَ يَنْفَقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً»^۸ درباره علی نازل شده است»^۹.

تعیین مصداق برای برخی آیات

امام رضا (علیه السلام) روایت کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مورد گفتار خداوند عز و جل: «وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»^{۱۰} آنان را باز دارید اینان

عصر امام هشتم، دوران شکوفایی علم بود و خلیفه عباسی با دعوت از علما و دانشمندان ادیان مختلف، با آن حضرت مناظره برگزار می‌کرد و ایشان با استفاده از قرآن و سایر کتاب‌های آسمانی، آنها را اقناع می‌نمود

شیخ صدوق؛ روایت نزدیک

محمد بن علی بن بابویه قمی، مشهور به شیخ صدوق، از درخشان‌ترین چهره‌های شیعه است که هویت شیعی و بنیان‌های مذهبی ما، وامدار تلاش‌ها و مجاهدت‌های او و امثال اوست. انسان‌های بزرگی که بزرگی و شکوه‌شان مانع از آن شده که زندگی شخصی آنها دیده و نقل شود. با این حال اما سه روایت شخصی‌تر از زندگی او در دست است که در ادامه می‌خوانید:

روایت اول

علی بن بابویه، با همه درجات علمی‌ای که در شهر مقدس قم داشت و با همه شاگردان و عالمان و فقیهانی که تربیت کرده بود، اما در ۵۰ سالگی فرزندی نداشت. در زمانی که حسین بن روح نوبختی نائب و نماینده امام زمان بود، سرانجام عزم خود را جزم کرد تا نامه‌ای بنویسد و از امام خود بخواهد که برای او دعا کند تا فرزندی صالح و فقیه به او عطا کند تا کسانی از نسل او در پی تبلیغ دین و تربیت دینی مردم باشند. پاسخ نامه که آمد، علی بن بابویه ابتدا چهره در هم برد و دلگیر شد. چرا که حسین بن روح از قول امام زمان گفته بود که او از همسرش بچه‌دار نخواهد شد. اما نامه، خبری شیرین و خوشحال‌کننده هم داشت که او را مسرور کرد و لبخند بر چهره‌اش نشانید. در نامه نوشته بود که تو از زنی دیگر از اهالی دیلم، صاحب دو فرزند می‌شوی که هر دو فقیه خواهند بود. سرانجام علی بن بابویه، نام یکی از فرزندان را محمد گذاشت؛ تا همان کسی باشد که برای تولدش دعا کرده و به دنیا آمدنش را از خدا خواسته است. محمد بن علی بن بابویه، یا همان شیخ صدوق که امروزه آوازهای نته‌تها در میان شیعیان جهان، بلکه در میان تمام مسلمانان پیچیده است.

حسن اجرایی

بازپرسی باید بشوند»، فرمود: «از ولایت علی پرسش خواهند شد». آن حضرت در معنی آیه شریفه «أَكُلُونَ لَلْسَخَةِ»^{۱۳} خورندگان حرامند»، فرمود: «مراد شخصی است که حاجتی از برادر مؤمنش برآورد و آنگاه هدیه او را بپذیرد»^{۱۴}.

حسین بن خالد گوید: از امام رضا (علیه السلام) درباره این آیه شریفه سؤال کردم: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا»^{۱۵} ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم و آنها از حمل آن خودداری کردند». حضرت فرمود: «امانت، ولایت است. هر کس به ناحق مدعی آن شود، کافر شده است»^{۱۶}.

تبیین آیه

برخی آیات قرآن دارای ابهام بوده و فهم آن برای افراد مشکل می‌نماید. تبیین و توضیح آیات قرآن رسالت خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. آنان وظیفه دارند معنای آیه را بیان و ابهام آن را رفع نمایند. عالم آل محمد نیز به تبیین برخی آیات پرداخته است.

از امام رضا (علیه السلام) نقل کرده است که در تفسیر این آیه «و رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ»^{۱۷} و رهبانیتی که از خود ابتکار کردند، ما بر آنها واجب نکرده بودیم، لکن خود برای جلب رضای خدا آن را انجام دادند؛ فرمود: «مراد نماز شب است»^{۱۸}.

حسن بن علی الوشا از آن حضرت روایت کرده است که فرمود: «حق تعالی به نوح (علیه السلام) فرمود: "يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ؟" زیرا فرزند نوح با وی مخالفت کرد و هر کس متابعت او کرد، از اهل او قرارش داد». راوی گوید که آن بزرگوار از من سؤال کرد که چگونه قرائت می‌کنند این آیه شریفه را که در حق فرزند نوح نازل شده است؟ من عرض کردم: مردم بر دو وجه قرائت می‌کنند. بعضی قرائت می‌کنند: «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» یعنی به طریق صفت و بعضی قرائت می‌کنند: «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» یعنی به طریقه اضافه. حضرت فرمود: «اینها دروغ هستند؛ زیرا فرزند نوح در حقیقت فرزند خودش بود، لیکن چون در دین وی با او مخالفت کرد، از او نفی شد»^{۱۹}.

۱. «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی اهل بیتی ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابداً ولن یفتقر حقاً حتی یدعوا علی الحوض». کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۴۲.
۲. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۴. رک: ج ۲، ص ۸۷ و ج ۲، ص ۱۳۰.
۳. توبه: ۶۷.
۴. «پروردگارت فراموش کار نیست». مریم: ۶۴.
۵. «مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و در نتیجه خدا نیز آنها را از یاد خودشان برد». حشر: ۱۹.
۶. «امروز آنها را فراموش می‌کنیم، همان‌طور که آنها، چنین روزی را فراموش کردند». اعراف: ۵۱.
۷. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۱۲۵. رک: ج ۱، ص ۲۶۷ و باب ۱۴.
۸. «کسانی که اموالشان را در شبانه‌روز انفاق می‌کنند، نهان و آشکار انفاق می‌کنند». بقره: ۲۷۴.
۹. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۶۲.
۱۰. صافات: ۲۴.
۱۱. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۵۹.
۱۲. مائده: ۴۲.
۱۳. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۸.
۱۴. احزاب: ۷۲.
۱۵. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۳۰۶.
۱۶. حدید: ۲۷.
۱۷. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۸۲.
۱۸. همان، ج ۲، ص ۷۶.
۱۹. همان، ج ۲، ص ۷۶.

کتابنامه

قرآن کریم با ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی، قم: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۷۳ ش.

کمال الدین و تمام النعمه، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامی، ۱۳۹۵ ق.

عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق و تصحیح: مهدی لاجوردی، تهران: جهان، ۱۳۷۸ ق.

علت و حکمت احکام در عیون اخبار الرضا علیه السلام

عباس محمودی
مدرس مرکز تخصصی علوم
حدیث حوزه علمیه قم

تفاوت علت و حکمت

علت حکم، همان علت مجعول است که هر جا باشد، مجعول هم هست و هر جا نباشد، مجعول محقق نمی‌شود؛ اما حکمت حکم، علت جعل حکم است، نه علت مجعول؛ و به همین دلیل ممکن است حکمت حکم باشد، اما مجعول نباشد.^۵

تفاوت حکمت و علت با فلسفه

در بعضی اسناد، حکمت و علل احکام، مترادف فلسفه احکام گرفته شده و هر دو به معنای علت غایی تشریع حکم تفسیر شده است.^۶ برخی، واژه حکمت حکم در کلمات متقدمان را با واژه فلسفه حکم در کلمات معاصران مترادف دانسته‌اند.^۷

ب. بررسی تطبیقی

همه احکام الهی بر اساس مصالح و مفاسد

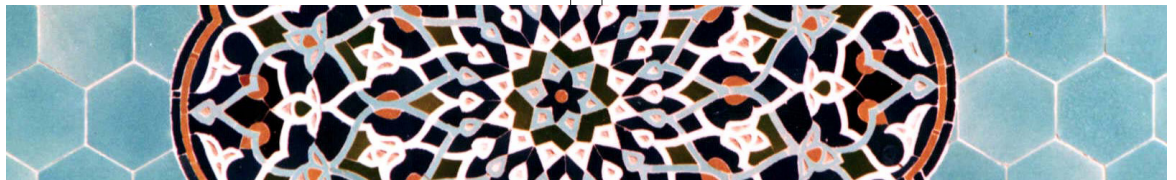
بنیان نهاده شده است. امام رضا (علیه السلام)

به فضل بن شاذان فرمودند: «خداوند بدون

علت و سببی بنده خود را به عملی امر نمی‌کند؛ زیرا او حکیم است».^۱ در اصول دین دانستن علت هر اصل برای پذیرش آن، ضروری است؛ اما در فروع دین دانستن دلیل و حکمت احکام برای مکلف ضروری نیست.

بشر همیشه به دنبال یافتن حکمت اعمالی بوده که مأمور به انجام آن بوده یا از آن نهی شده است. با انتشار احکام اسلام در جهان و پیدایش دیدگاه‌های مختلف، تلاش برای پی بردن به فلسفه و علت تشریع احکام، گسترش یافت؛ به گونه‌ای که سؤالات فراوانی در این زمینه از اهل بیت (علیهم السلام) می‌شد و آن بزرگواران به تناسب شرایط مختلف، برخی علل یا حکمت‌های حکم را بیان می‌نمودند.

متأسفانه امروزه عده‌ای با خلط معنای علت و فلسفه حکم، به بهانه‌های



واهی به دنبال زیر سؤال بردن برخی احکام الهی هستند. این پژوهش پس از تبیین معنای علت، حکم و فلسفه احکام، به بررسی تطبیقی برخی از علل یا حکمت‌های احکام مبتلابه بیان شده در کتاب عیون اخبار الرضا (علیه السلام) می‌پردازد.

الف. تعاریف

حکمت چیست؟

مراد از آن، مصالح و مفاسدی بوده که در غالب موارد در احکام وجود دارد؛ هر چند ممکن است گاهی همراه حکم نباشد؛^۲ مانند حکمت نگه داشتن عده در طلاق که عبارت است از عدم اختلاط میاه. با این حال در جایی هم که اطمینان وجود دارد که اختلاط میاه پیش نمی‌آید، نگه داشتن عده واجب است.

علت چیست؟

آن چیزی است که شارع حکم را به آن ربط داده و منوط به آن کرده و علامت حکم قرار داده است.^۳ برخی، مناسبت میان علت و حکم را نیز لازم دانسته‌اند؛ یعنی علت باید چیزی باشد که توقع تحقق حکمت حکم در آن وجود داشته باشد؛ یعنی منوط بودن وجود و عدم حکم به علت، این شأنیت را داشته باشد که جلب منفعت و دفع ضرری را که شارع از تشریع حکم قصد کرده، محقق کند.^۴

علت تامه و ناقصه

هر حکم شرعی یک علت تامه و تعدادی علت ناقصه دارد. علت تامه همه احکام، اطاعت از مولی است که به تعبد از فرامین الهی تعبیر شده و قاعده‌ای عقلی و عقلائی است.

امام رضا

(علیه السلام)

حکمت وجوب

وضو را قرار گرفتن

اعضای ظاهری

انسان در برابر

پروردگار و ملاقات

با فرشتگان بیان

داشته‌اند

نمونه ۱

امام رضا (علیه السلام) حکمت وجوب وضو را قرار گرفتن اعضای ظاهری انسان در برابر پروردگار و ملاقات با فرشتگان بیان داشته‌اند. شستن صورت برای سجده و خضوع، شستن دست‌ها برای بالا بردن به درگاه الهی، مسح سر و روی دو پا به دلیل آشکاری آنهاست. نمازگزار در تمام حالات نماز، با این سه عضو استقبال نموده و رو به حضرت حق می‌ایستد.^۸ علاوه بر آن، انسان را از کسالت و چرت زدن باز می‌دارد.^۹ با تعاریف بیان شده، همه این موارد، حکمت وضو هستند. در جای دیگری امام (علیه السلام) علت وضو را روشنی دل، تمیزی و خالصی قلب می‌داند.^{۱۰}

نمونه ۲

امام (علیه السلام) علت وجوب غسل جنابت را پاک نمودن انسان به خاطر آنچه از جنابت به او رسیده معرفی می‌کند؛ زیرا جنابت از تمام اعضای جسد خارج می‌شود.^{۱۱} این مطلب می‌تواند علت ناقصه حکم باشد؛ زیرا در همه موارد حکم وجود دارد.

نمونه ۳

امام رضا (علیه السلام) علت وجوب نماز را اقرار انسان به ربوبیت خدای متعال بیان می‌دارد. به همین دلیل با حالتی نیازمندانه و خاضعانه، معترف به گناه و درخواست عفو ایستاده، برای تعظیم، روزی پنج بار صورت بر خاک نهاده تا خدا را فراموش نکرده و راغب و طالب در زیادی دین و دنیا باشد. انزجار خود از غیر خدا را اعلام داشته و مداومت به ذکر پروردگار نماید و ضمن عدم طغیان، از معاصی منجر گردیده و از انواع فساد کناره گیرد.^{۱۲}

نمونه ۴

امام (علیه السلام) یکی از حکمت‌های روزه‌داری را چشیدن گرسنگی و تشنگی بیان داشته است. بدیهی است که این مطلب نمی‌تواند علت تشریع وجوب روزه باشد؛ زیرا در بسیاری موارد ممکن است شخص با روزه‌داری، هیچ احساس گرسنگی و تشنگی نکند. پس در این صورت روزه گرفتن بر او واجب نیست. بنابراین گرسنگی و تشنگی یکی از حکمت‌های روزه است؛ یعنی حتی در صورت عدم آنها، وجوب روزه بر حال خود باقی است.^{۱۳}

نمونه ۵

امام (علیه السلام) علت دو برابر بودن ارث مردان نسبت به زنان را وجوب پرداخت مهریه و نفقه آنها بیان می‌دارد.^{۱۴}

نمونه ۶

امام (علیه السلام) در پاسخ به اینکه چرا زن فقط از قیمت خانه ارث می‌برد، نه از اصل آن، فرموده است: «زیرا ساختمان را نمی‌شود تقسیم کرد و نمی‌توان آن را از جایی به جای دیگر برد. اما زن اگر از شوهرش جدا شود، می‌تواند به شخص دیگری شوهر نموده و در نتیجه، این پیوند را از بین ببرد. در حالی که نسبت میان پدر و فرزند قطع نمی‌شود. بنابراین میراث هر چیزی به تناسب خود آن است».^{۱۵}

به نظر می‌رسد امام (علیه السلام) حکمت این مسئله را بیان داشته؛ زیرا همیشه چنین نیست که هر زنی که شوهرش مرد، همسر دیگری اتخاذ کند.

نمونه ۷

امام (علیه السلام) درباره دلیل حرمت فرار از میدان جنگ، پدید آمدن سستی در دیانت، کوچک شمردن امر پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام) و جسارت دشمن را بیان نموده است.^{۱۶}

به نظر می‌رسد همه این موارد دلیل حکم هستند.

نمونه ۸

امام رضا (علیه السلام) در مورد حرمت مذبح به نام غیر خدا می‌فرماید: «زیرا در بردن نام خدا اقرار به ربوبیت و توحید الهی است؛ در حالی که در نام غیر خدا، شرک به پروردگار است. پس بردن نام خدا و غیر خدا در هنگام ذبح فارق بین حلال و حرام الهی است».^{۱۷} این مطلب می‌تواند علت ناقصه حکم باشد.

۱. ر.ک: عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۹۹.
۲. ر.ک: الاصول العامة للفقهاء المقارن، ج ۱، ص ۳۱۰.
۳. ر.ک: المستصفی فی علم الاصول، ج ۱، ص ۲۸۱.
۴. ر.ک: الاصول العامة للفقهاء المقارن، ج ۱، ص ۳۰۷.
۵. نائینی، فوائد الاصول، ج ۱، ص ۴۹۶.
۶. آشنایی با علوم اسلامی، ج ۳، ص ۵۱.
۷. ر.ک: الاصول العامة للفقهاء المقارن، ج ۱، ص ۳۰۷.
۸. ر.ک: عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۸۸.
۹. ر.ک: همان، ص ۱۰۴.
۱۰. ر.ک: همان.
۱۱. ر.ک: همان، ص ۸۸.
۱۲. ر.ک: همان، ص ۱۰۳.
۱۳. ر.ک: همان، ص ۹۱.
۱۴. ر.ک: همان، ج ۲، ص ۹۸.
۱۵. ر.ک: همان.
۱۶. ر.ک: همان، ص ۹۲.
۱۷. ر.ک: همان.

شیخ صدوق؛ روایت نزدیک

روایت دوم از شیخ صدوق

محمد بن علی، یا همان شیخ صدوق، چنان شیفته و شیدای تبلیغ دین بود که برای جمع‌آوری سخنان پیامبر و ائمه معصوم علیهم‌السلام، به بسیاری از

نقاط جهان اسلام سفر کرد. او ابتدا از قم به ری مهاجرت کرد. در سال ۳۵۲ قمری، سفرهای دور و

درازش را آغاز کرد و از نیشابور و توس تا مکه و مدینه و عراق را زیر پا گذاشت تا چنان محدثان زنده، همه زیر و بم جهان را برای یافتن نوری و حدیثی و روایتی جستجو کرده باشند و همه چیز را

بی‌کم و کاست به آیندگان برسانند. او مدتی در کوفه و بغداد اقامت کرد و از محدثان آن شهرها حدیث شنید و آنها را جمع‌آوری کرد و روایاتی که خود فراهم کرده بود را هم به گوش آنان می‌رساند. در ۳۵۴ قمری از عراق خارج شد، اما این پایان جهانگردی او برای یافتن سخنان معصومین نبود. شیخ صدوق که حالا بیش از ۵۰ سال عمر کرده بود، به ری بازگشت و

پس از ۱۳ سال اقامت در شهر ری، به نیشابور شتافت. سپس رو به سوی ماوراءالنهر کرد و به سرخس، مرو، مرو رود، بلخ، سمرقند و فرغانه هم رفت

و حتی از شنیدن احادیث از محدثان و عالمان اهل سنت دریغ نکرد. هر جا می‌نشست و هر جا توقیفی می‌کرد، در پی یافتن کلامی و حتی کلمه‌ای از معصومان بود. او از اخباریان متقدم بود که برای اثبات قضایای

کلامی تنها به روایات معصومان تکیه می‌کرد و شاید برای همین بود که جهان را برای یافتن روایات زیر پا گذاشت و شاید بتوان او را عالم جهانگرد نامید. شیخ صدوق تنها در کتاب

«من لایحضره الفقیه» که یکی از چهار کتاب

معتبر حدیثی شیعه است، شش هزار حدیث آورده که نتیجه همان سفرهای طولانی و دور و دراز است. او همین کتاب را هم در حین سفر خود و در زمان اقامت در شهر ایلاق در نزدیکی تاشکند کنونی نوشته است.

حسن اجرایی

پرونده ماه

شبکه‌های اجتماعی

دریچه

محمد رضا نظری

شبکه‌های اجتماعی شاید مهم‌ترین دستاورد ارتباطاتی بشر در یک دهه اخیر باشد. این شبکه‌ها با دارا بودن خصوصیات منحصر به فرد دنیایی جدید را فرا روی کاربران خود به تصویر می‌کشد. بی‌تردید فناوری‌های نوین ارتباطی ظرفیت‌ها و نقاط قوت بالقوه‌ای را در دل خود دارند که با درک و آگاهی صحیح می‌توان بیشترین بهره را از آن‌ها برد؛ اما نباید فراموش کرد که این فناوری‌ها آسیب‌هایی را هم در بر دارد. جدا از آسیب‌های امنیتی و اطلاعاتی آسیب‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی دیگری را نیز می‌توان برای آن برشمرد.

در این میان اما رسالت ائمه جماعات در آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی این شبکه‌ها را نباید نادیده گرفت. در واقع ائمه امام جماعت می‌توانند ظرفیتی برای انتقال فرهنگ و آداب استفاده فضای مجازی باشند، موضوعی که تا کنون کمتر مورد بدان پرداخته شده است. در این پرونده سعی داریم نیم‌نگاهی به فضای مجازی و حوزه‌های مورد نیاز امامان جماعت در حد وسع نشریه داشته باشیم.

روحانی و سواد رسانه‌ای

شبکه‌هایی برای نفع

شبکه‌های اجتماعی آداب دارد

خانواده‌های مجازی

اسب تروا تا کجا آمده است؟

شبکه‌های اجتماعی و تربیت جنسی

شبکه‌های اجتماعی و زنان

آسیب‌های فردی شبکه‌های اجتماعی

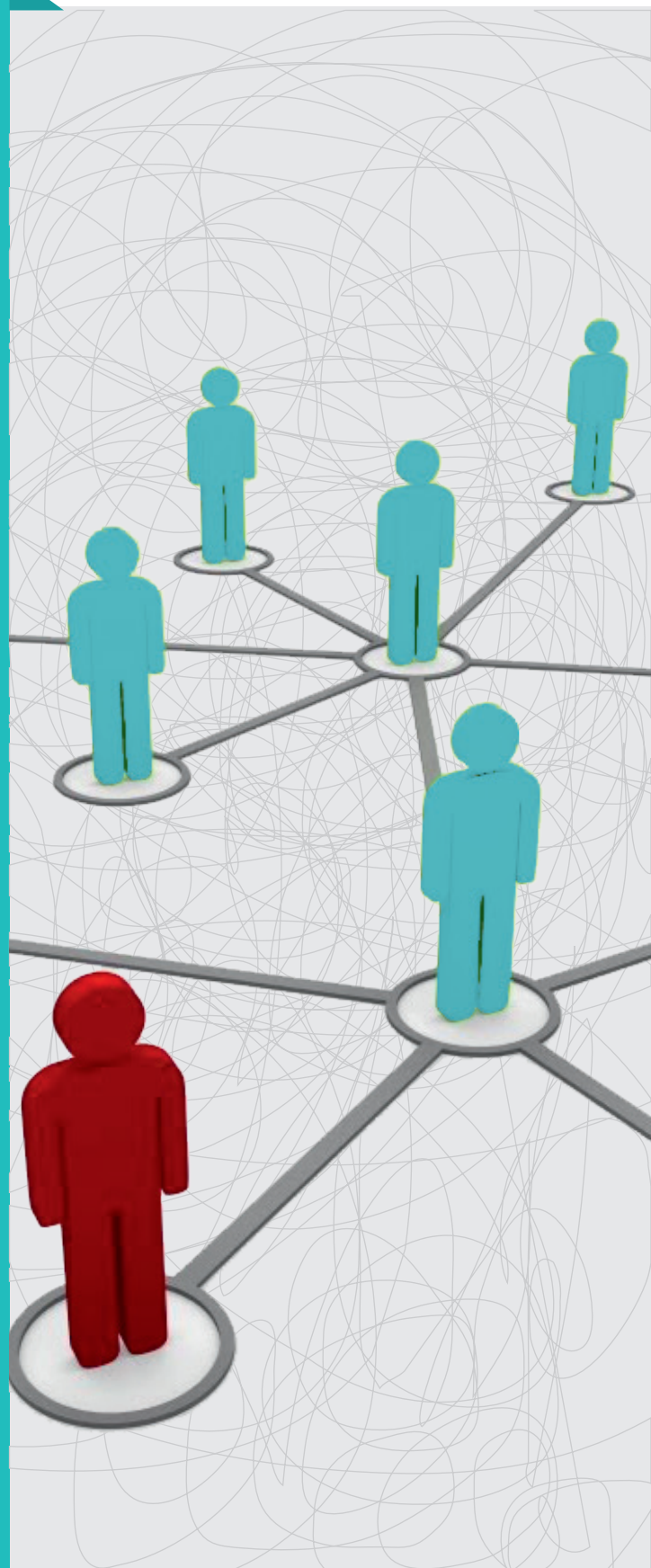
قانون هرزه‌نگاری و میزبان کیفر آن در چند کشور

امام جماعت باید میدان عمل دشمن را بشناسد

تا زمانی که ضرورت نباشد نباید وارد این فضا شد

نقش شبکه‌های اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی

فیس بوک درباره ما چه می‌داند



دباجه‌ای بر لزوم داشتن سواد رسانه‌ای ائمه جماعات

روحانی و سواد رسانه‌ای

استقلال مهم‌تر است. استقلال فرهنگی یعنی اینکه سبک زندگی خود را سبک زندگی اسلامی ایرانی انتخاب کنیم. حضرت آقا صریحا اشاره کردند: «اینترنت هم همین جور است، فضای مجازی هم همین جور است. دستگاه اطلاعاتی و ابزار اطلاعاتی هم همین جور است. نمی‌شود اینها را در اختیار دشمن قرار داد. امروز در اختیار دشمن است و سیره و ابراز نفوذ فرهنگی است. ابزار سلطه فرهنگی دشمن است». این سخن ایشان، بهترین سخنی است که درباره فضای مجازی گفته شده است.

اگر جامعه ما سواد رسانه‌ای داشته باشد، ما کمتر دغدغه اثرگذاری پیام‌ها در مردم را داریم. متأسفانه فرهنگ استفاده از اینترنت، بصیرت و سواد لازم را نداریم و این را باید کسب نماییم تا پیام‌های پشت صحنه و پنهانی رسانه‌ها

اگر بخواهیم در مورد سواد رسانه‌ای سخن بگوییم، باید کمی به عقب برگردیم و دقت داشته باشیم که بحث سواد رسانه‌ای مسئله جدیدی برای کشور ما نیست. سواد رسانه‌ای در مقابله با تهاجم فرهنگی شکل گرفت.

رسانه را نمی‌توان از فرهنگ جدا کرد. وقتی می‌گوییم سواد رسانه‌ای می‌خواهیم، قبل از آن به سواد فرهنگی نیاز داریم؛ چون رسانه در بستر فرهنگ شکل می‌گیرد. استادان ارتباطات می‌گویند بافت و موقعیت اجتماعی

و فرهنگی یک جامعه، مشخص می‌کند که افراد آن جامعه به چه صورت عمل می‌کنند. هر کس در فرهنگ خودش خط قرمزها و یکسری اصولی دارد که بر اساس آن امور مختلف را می‌سجد. اینکه اصول ما چیست و مباحثی از این سنخ، بحث‌های دیگری است که باید در جای دیگری به آن پرداخت.

اولین ابزار نفوذ غرب سینما بود. بعد تلویزیون و شبکه‌های ماهواره‌ای آمد که هر کدام شیوه خود را برای نفوذ داشتند.

فروش سالیانه مجموعه اپراتورهای تلفن همراه از پانزده هزار میلیارد تومان بیشتر است که بیش از چهار هزار میلیارد تومان آن نصیب وزارت ارتباطات می‌شود. اگر فایل‌های پورنوگرافی و جنسی را استثناء کنیم، ۹۵ تا ۹۸ درصد نیازهای مردم ما به اینترنت داخلی است.

در کشور ما شصت درصد دختران و نود درصد پسران که از اینترنت استفاده جنسی می‌کنند، زیر هیجده سال هستند. ۷۱ درصد از نوجوانان ما تحت تأثیر محتوای اینترنت به دور از چشم والدین به سراغ رفتار جنسی رفته‌اند. از این دست آمار زیاد است. طبق گزارش شبکه خبر، شش هزار دختر به خاطر افشا شدن عکس‌هایشان در فضای مجازی به سوی خودکشی رفته‌اند. تحلیل و بررسی‌ها نشان داده که قاتل ستایش دختر افغانی، بازی‌های کامپیوتری فراوانی که بالاتر از سن خودش بوده، انجام می‌داد. ضمن اینکه ارتباط جدی با شبکه‌های اجتماعی داشت و فیلم‌های مبتذل مشاهده می‌کرد. این آمارها نشان می‌دهد که اینترنت بستر مناسبی برای تهاجم فرهنگی است.

راه حل مقابله با این پدیده چیست؟ راهش سواد رسانه‌ای است. سواد رسانه‌ای دیدی به ما می‌دهد که بتوانیم مرز بین دنیای واقعی و دنیایی که توسط رسانه‌ها ساخته می‌شود را تشخیص دهیم.

ما از طریق سواد رسانه‌ای می‌خواهیم بصیرت و فهمی به دست آوریم که خود انسان از درونش فهمیده شود؛ نه اینکه به ما به صورت آیتمی بگوید: این را باید بفهمی، این را نباید بفهمی.

رهبری در ۱۴ خرداد امسال در حرم امام خمینی در مورد استقلال فرهنگی صحبت کردند. ایشان گفتند: استقلال فرهنگی به اعتقاد بنده از همه انواع

دکتر
رفیع‌الدین اسماعیلی



رسانه‌ای دیدی به ما می‌دهد که بتوانیم مرز بین دنیای واقعی و دنیایی که توسط رسانه‌ها ساخته می‌شود را تشخیص دهیم



نگاهی به فایده‌های شبکه‌های مجازی

شبکه‌هایی برای نفع

شاید تاکنون حرف‌های زیادی درباره شبکه‌های اجتماعی شنیده باشید. دو گروه مثبتان و نافیان در دو سوی این کشاکش هستند. چیزی را که من دنبالش هستم، نه اثبات است و نه نفی. این مسئله خود فرصت دیگری را طلب می‌کند. در این نوشته می‌خواهم مفروض بگیرم که اولاً شبکه‌ای اجتماعی وجود دارد و ثانیاً بسیاری از مردم ما از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند. برای این دسته آدم‌ها شبکه‌های اجتماعی چه فرصتی را می‌تواند به همراه داشته باشد؟ پس نگاه این نوشته عینی، آبجکتیو و فارغ از هرگونه بحث بنیادین است.

برای بهتر فهمیدن، باید نگاه خود را به بسیاری از چیزها عوض کنیم. یکی از آنها شبکه‌های اجتماعی است. شبکه‌های اجتماعی زاینده تکنولوژی هستند. تقریباً پس از انقلاب صنعتی به صورت جدی میان انسان و فناوری دیالوگ بوده است. عده‌ای نفی کرده‌اند و عده‌ای اثبات. با این حال یک نکته همواره مورد غفلت بوده و آن جنبه «ابزار بودن» تکنولوژی است. تکنولوژی فقط یک ابزار است؛ مثل چاقو. اگر این نگاه ابزاری را پذیرفتیم، آن موقع به دنبال فایده‌ها خواهیم رفت و سعی خواهیم کرد که از آسیب‌ها در امان باشیم.

شبکه‌های مجازی، هم فایده دارند و هم آسیب. آسیب‌ها احتمالاً در نوشته‌های دیگر گفته شده، من فقط به برخی فایده‌ها به صورت فهرست‌وار اشاره می‌کنم. اولین فایده شبکه‌های اجتماعی، فراهم آوردن فضای نوشتن است؛ این یعنی فرصت نویسندگی. فایده دوم که شاید مهم‌ترین دلیل گرایش مردم به شبکه‌های اجتماعی است، آسان‌سازی ارتباطات است. فایده سوم اشتراک‌گذاری فایل‌ها اعم از فیلم و عکس و لینک و ... است. دریافت اخبار خود بخشی مهم در شبکه‌های اجتماعی است. اگر آدم زیرکی باشید، از شبکه‌های اجتماعی می‌توانید نیازهای اجتماعی را حدس بزنید یا از تجربیات دیگران بهره ببرید.

فایده مهم دیگر اجتماعی بودن این شبکه‌ها است. در این شبکه‌ها مشارکت‌های اجتماعی به صورت خیلی پررنگ‌تری شکل می‌گیرند. به عنوان نمونه شبکه‌های اجتماعی مکانی مناسب برای مشارکت‌های خیریه‌ای است. فایده دیگر که باز کمی به زرنگی شما برمی‌گردد، شرکت در نقد و بررسی و آشنایی با نظریات مختلف است. مسئله دیگر عدالت در توزیع علم است. اگر شما فقط یک خط متصل به اینترنت و یک گوشی رایانه یا گوشی موبایل داشته باشید، حتی در پشت کوه هم می‌توانید از شبکه‌های تخصصی بهره‌مند شوید. نکته آخر هم فرصت این شبکه‌ها در عرصه تجاری و خریدوفروش است که خودتان بیشتر با این موارد آشنا هستید.

با وجود این فواید فراوان، چرا ما از این شبکه‌ها آسیب می‌بینیم؟ جواب خیلی ساده است: «چون روش استفاده را نمی‌دانیم». بیایید با بررسی فایده‌های گفته‌شده، روش استفاده درست از این شبکه‌ها را برگزینیم.

علی یعقوبی

تکنولوژی فقط یک ابزار است؛ مثل چاقو. اگر این نگاه ابزاری را پذیرفتیم، آن موقع به دنبال فایده‌ها خواهیم رفت و سعی خواهیم کرد که از آسیب‌ها در امان باشیم

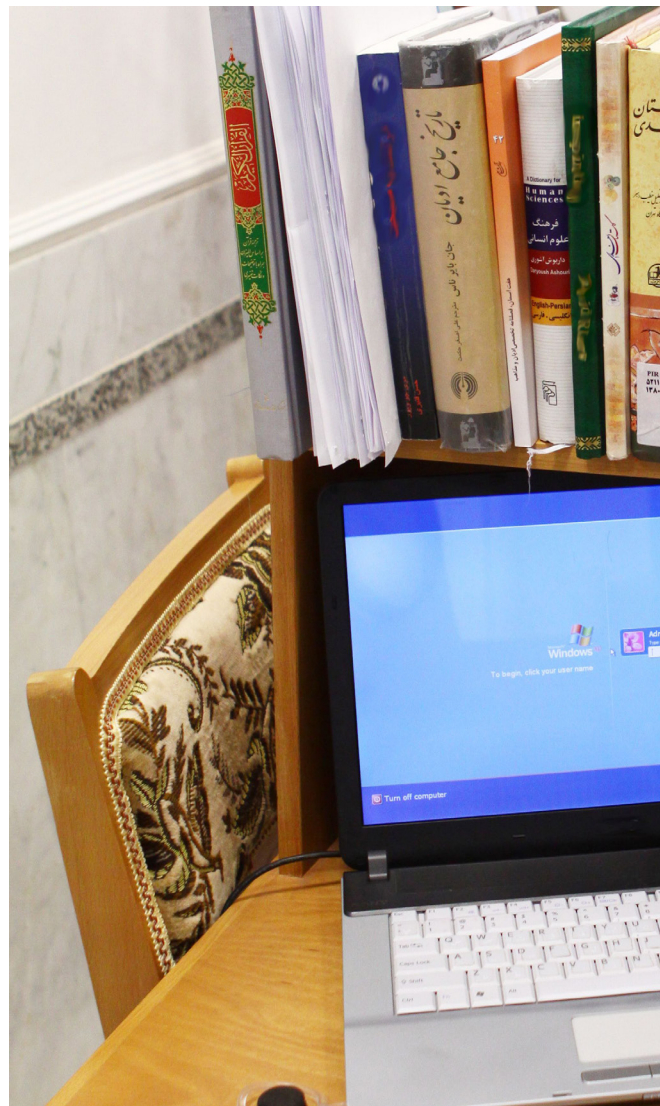
را درک کنیم. اگر این پیام‌ها را دریابیم، کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیریم.

در موضوع روحانیون باید اشاره کنم که در فرهنگ ما، منبر و مسجد رسانه‌ای بوده که قدرت بلامنازع بوده است. در اینکه در فرهنگ ما منبر، روحانیت و مسجد، تأثیرگذار بودند، بحثی نیست و نیازی به مثال زدن در تاریخ ندارد.

ویژگی اول منبر ارتباط چهره‌به‌چهره است. ویژگی دوم فضایی است که در آن این ارتباط شکل می‌گیرد که مسجد است. ویژگی سوم اعتمادی است که مردم به روحانیت از قدیم داشته‌اند. ویژگی چهارم محتوای مطابق فطرتی است که بر اساس روایات اهل بیت ارائه می‌شود.

با توجه به قدمت و اهمیت منبر، پرداختن روحانیون و خصوصاً ائمه جماعات به سواد رسانه‌ای امری لازم به نظر می‌رسد.

طلاب مؤثرترین انسان‌ها هستند؛ به شرط اینکه سواد رسانه‌ای را کسب کنند؛ یعنی بدانند که رسانه چیست و نسبت به آن شناخت داشته باشند. وقتی این اتفاق بیفتد، طلبه‌ها می‌توانند در مسجد و منبر و سایر جاها، موفق باشند.



نگاهی به رابطه اخلاق و شبکه‌های مجازی

شبکه‌های اجتماعی آداب دارد

مسعود دیانی

بحث از اخلاق شبکه‌های اجتماعی عمدتاً ذیل مباحث اخلاق کاربردی پی گرفته می‌شود که یکی از جذاب‌ترین، چالشی‌ترین و پرمسأله‌ترین حوزه‌های مباحث اخلاقی است. مباحث اخلاق کاربردی عمدتاً در دوران مدرن و پسا مدرن ریشه دارند. اگرچه این ویژگی در بحث اخلاق شبکه‌های اجتماعی بی‌نیاز از توضیح است با این حال نمی‌توان پی‌رنگ و زمینه‌ی آن را نادیده گرفت.

ما در آغاز هزاره سوم میلادی از یک سو با فناوری‌های نوین در عرصه‌های اطلاعات، پزشکی، آموزش، تجارت و جنگ مواجهیم و از دیگر سو با درهم‌ریختگی مرزهای فرهنگی و هویت‌های ملی در کشاکش چالش با فرایند جهانی‌شدن. این چالش‌ها و کشاکش‌ها تبعاتی به دنبال داشته است که بدون توجه به آن‌ها شناخت درستی از مباحث اخلاق شبکه‌های اجتماعی حاصل نمی‌شود. تبعاتی همچون ظهور انسان‌های تک‌ساختی، خانواده‌های هسته‌ای، گسست نسل‌ها، جوامع شبکه‌ای و شکل‌گیری‌های نهضت‌ها و معنویت‌های سکولار و دینت‌های ساخت‌زدایی شده.

در این میان اخلاق شبکه‌های اجتماعی در ارتباط وثیقی با دیگر مسائل اخلاق کاربردی همچون اخلاق آموزش، اخلاق دین‌داری، اخلاق جنسی، اخلاق اطلاعات و کامپیوتر، اخلاق رسانه‌ای و اخلاق سرگرمی قرار می‌گیرد. این گستردگی و تنوع به دلیل ماهیت چند بُعدی و پیچیده شبکه‌های اجتماعی است که آن‌ها را از پدیده‌هایی همچون رسانه نیز متفاوت کرده است. این پیچیدگی و ابهام در ماهیت این شبکه‌های اجتماعی به حدی است که جمعیت قابل توجهی از مشاوران تربیتی در سراسر جهان روی خوشی به حضور جوانان و نوجوانان در این شبکه‌ها نشان نمی‌دهند و دغدغه‌های تربیتی بسیاری نسبت به این حضور و فعالیت لحاظ می‌کنند.

به‌هرروی در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان مسائل اخلاقی شبکه‌های اجتماعی را از دو بعد نگریست: مسائل ناظر به «دیگری» و مسائل ناظر به «خویشتن». حضور و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند آسیب‌ها و آفات متعددی به همراه داشته باشد. این آسیب‌ها گاه دیگران (افرادی غیر از شخص کاربر) را تهدید می‌کند و گاه خود شخص کاربر را. این گونه با دو طیف متفاوت از توصیه‌ها و اصول اخلاقی در شبکه‌های اجتماعی مواجه خواهیم بود.

با نگاهی دقیق‌تر «دیگران» نیز به طیف‌های

متفاوتی تقسیم می‌شوند و به در معرض آسیب‌های گوناگونی از این حضور و کاربری قرار می‌گیرند. به‌عنوان نمونه میان «دیگران» ی که خود در شبکه‌های اجتماعی فعالیت و حضور دارند و «دیگران» ی که در شبکه‌های اجتماعی حضور ندارند باید تفاوت گذاشت. آسیب‌های این دو گروه متفاوت از هم و در نتیجه مباحث اخلاقی ناظر به آن‌ها نیز متفاوت است. به‌عنوان نمونه «خانواده» مصداق «دیگری» غیر کاربر در شبکه محسوب می‌شود که به میزان بسیار بالایی در معرض آسیب از عضویت و کاربری یکی از اعضای خود در شبکه‌های اجتماعی است. امروزه گزارش‌های بسیاری از اختلافات، تنش‌ها و تضادها میان اعضای خانواده بر سر میزان و کیفیت حضور در شبکه‌های اجتماعی در دست است که نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی تا حد قابل توجهی می‌تواند نسبت به اطرافیان آسیب‌رسان باشد.

جمعیت قابل توجهی از مشاوران تربیتی در سراسر جهان روی خوشی به حضور جوانان و نوجوانان در این شبکه‌ها نشان نمی‌دهند



نگاهی به تلاقی فضای مجازی و خانواده‌ها

خانواده‌های مجازی

علی‌مدیر
کارشناس مشاوره
خانواده

جامعه‌شناسان کوچک‌ترین واحد یک اجتماع را خانواده می‌دانند و بر این عقیده‌اند که خانواده مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده اجتماع است. در سال‌های اخیر شاهد پدیده آمدن جامعه جدیدی تحت عنوان شبکه‌های اجتماعی هستیم. شبکه‌های اجتماعی به نوعی یک جامعه از افرادی است که به صورت مجازی با یکدیگر مواجه هستند. این شبکه‌ها امروز به گونه‌ای با زندگی آدمیان تنیده‌اند که بعضی جدایی میان این دو را امری بسیار سخت تلقی می‌کنند. به هر صورت امروزه خانواده‌ها با مسئله‌ای به نام شبکه‌های اجتماعی مواجه هستند و این مسئله در برخی خانواده‌ها به یک معضل تبدیل شده است. در ادامه سعی می‌کنم به نکته‌هایی اشاره کنم که رعایت آنها ضروری به نظر می‌رسد.

در شش ماه گذشته مشاوره‌های زیادی پیرامون اختلالات خانوادگی داشته‌ام که رد شبکه‌های اجتماعی در آنها غیرقابل اغماض بوده است. از زوجی که در فیس‌بوک به هم علاقه‌مند شده بودند تا پدری که در پرتو این شبکه‌ها به اختلالات پارانوئید دچار شده و تمام رفتارهای اطرافیانش را به دیده شک و تردید می‌نگرد، همه و همه حاکی از وجود عدم آموزش صحیح شبکه‌های اجتماعی است. پس اولین گام برای خانواده‌ها آموزش صحیح در مورد این شبکه‌ها است و دولت، رسانه‌ها، نهادهای علمی، حوزوی و دانشگاهی در این زمینه مسئولیت ویژه‌ای دارند.

مسئله مهم دیگر به چگونگی تعامل خانواده‌ها با یکدیگر برمی‌گردد. شبکه‌های مجازی همان‌طور که از نامش هم پیدا است، فضایی مجازی می‌باشد که برخاسته از روح تفرد و خلوت‌گزینی است. پیشتر الگوی خانواده‌ها، چندفرزندی بود. بچه‌ها با هم‌بازی می‌کردند و با هم بزرگ می‌شدند. مهارت‌های تعامل با دیگران، تحمل یکدیگر، هنجارهای اجتماعی و ... را در این بستر با یکدیگر تمرین می‌کردند اما اکنون این مدل تغییر کرده است. در این مدل فرزندان با داشتن یک تلفن همراه از دیگران جدا شده و در جزیره مجازی خود غرق می‌شوند. در نتیجه گهگاه دیده می‌شود که میان والدین و فرزندان در این زمینه برخوردهایی به وجود می‌آید. بنابراین باید سیاستی را برگزید که علاوه بر استفاده از فضای مجازی، آسیبی به خانواده وارد نگردد.

نکته مهم دیگری که می‌تواند تا حد زیادی به کم کردن تنش میان فرزندان و والدین کمک کند، عقب‌نماندن از قافله تکنولوژی و فراگیری آن از سوی والدین است. تجربه نشان داده که بسیاری از فرزندان، والدین خود را متعلق به زمینه و زمانه دیگر می‌دانند؛ از این‌رو دخالت‌های آنها را نایجا تلقی می‌کنند. اطلاع والدین از فناوری‌های جدید باعث می‌شود علاوه بر آگاهی از موضوعاتی که فرزندان با آنها درگیر هستند، توانایی کنترل فرزندان در فضایی صمیمی را نیز از دست ندهند.

با این حال، شبکه‌های مجازی می‌توانند فوایدی را هم برای خانواده‌ها به ارمغان آورند. البته اگر و تأکید می‌کنم اگر از آسیب‌های آن جلوگیری شود. مهم‌ترین فایده آن، تسهیل ارتباط میان اعضای خانواده و اقوام است. از این شبکه‌ها برای ارتباطات فامیلی و تحت آموزه صلّه رحم به‌خوبی می‌توان بهره برد.

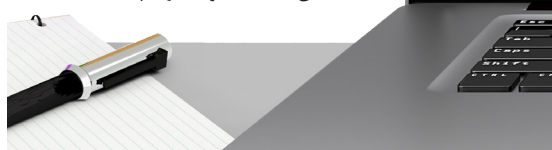
فایده دیگر شبکه‌های مجازی، افزایش اطلاعات خود و دیگر خویشاوندان است. البته تمام اینها به شرطی است که شخص از فایده‌ها و آسیب‌های این شبکه‌ها آگاهی داشته و از آن به درستی استفاده کند.

این مسأله درباره خانواده‌هایی که تمام یا بیشتر اعضایشان در شبکه‌های اجتماعی فعالیت دارند حالتی ترکیبی پیدا می‌کند. به این معنا که هویت و نیازهای اخلاقی هر عضو خانواده، در هر محیط، متفاوت از محیط دیگر است. این ترکیب و تفاوت، حالتی پیچیده و بغرنج به وجود می‌آورد که افراد را در شناخت رفتار اخلاقی صحیح، دچار سردرگمی می‌کند.

در یک تقسیم‌بندی کلی دیگر، می‌توان کاربری شبکه‌های اجتماعی را در چند حوزه برجسته دید؛ روابط انسانی، تولید محتوا، تأیید محتوا، بازنشر محتوا، و استفاده از محتوا. هر یک از این جنبه‌ها دامنه وسیعی از اصول و دغدغه‌های اخلاقی را دربر می‌گیرد که بی‌شک مهم‌ترین آن روابط انسانی است. شبکه‌های اجتماعی آسیب‌های فراوانی در حوزه روابط انسانی خصوصاً برای زنان، دختران و پسران نوجوان به همراه دارد. حفظ حریم شخصی، پرهیز از روابط جنسی شبکه‌ای، پرهیز از پورنوگرافی در همه ابعاد آن، رعایت اصول و هنجارهای اجتماعی و دینی نهادینه شده در محیط خارج از شبکه‌های اجتماعی، رعایت اصول همگانی اخلاقی همچون صداقت و امانت‌داری، اخلاق نقد و حمایت و احترام به مالکیت معنوی از مهم‌ترین مباحث این حوزه به شمار می‌روند.

در این میان مباحث اخلاقی ناظر به «خویش‌تن» کاربر فعال در شبکه‌های اجتماعی نیز اهمیت فراوانی دارد. این اهمیت به دلیل آسیب‌های گسترده‌ای است که افراد از حضور و کاربری در شبکه‌های اجتماعی متحمل می‌شوند. این آسیب‌ها از سوی مشاوران و روان‌شناسان تربیتی مورد تحقیق قرار گرفته‌اند. با این وصف بخش قابل توجهی از مباحث و توصیه‌های اخلاقی در خصوص شبکه‌های اجتماعی ناظر به این مسأله است. شأن و کرامت انسانی و آسیب‌هایی که شبکه‌های اجتماعی به همراه دارد، اتلاف وقت، واماندن از امور اساسی و ضروری زندگی، تغییرهای انحرافی در نگرش‌ها و کنش‌های جنسی، دوری از محیط حقیقی و دست و پنجه نرم کردن با امور موهوم از مسائلی است که در این زمینه مورد تأکید قرار می‌گیرند.

امروزه کمتر کسی را یارای انکار قدرت، جذابیت و در بسیاری موارد حتی ضرورت عضویت در شبکه‌های اجتماعی است. این اما آسیب‌های فراوان و خطرهای شناخته شده و ناشناخته مانده این شبکه‌ها را جبران نمی‌کند. عالمان دینی، مصلحان اخلاقی و مشاوران و روان‌شناسان تربیتی در این میان وظیفه مهمی بر دوش دارند. شاید گسترش اخلاقی زیستن بتواند بخشی از این آسیب‌ها را کاهش دهد. این اخلاقی نگرستن و اخلاقی زیستن باید هم در بیرون و هم درون شبکه‌های اجتماعی نهادینه شود و افراد نسبت به آن حساسیت و بصیرت پیدا کنند.



اطلاع والدین از
فناوری‌های جدید
باعث می‌شود
علاوه بر آگاهی
از موضوعاتی که
فرزندان با آنها درگیر
هستند، توانایی
کنترل فرزندان در
فضایی صمیمی را نیز
از دست ندهند

بررسی چگونگی تعامل افراد با شبکه‌های اجتماعی در گفتگو با روح‌الله مومن نسب

اسب‌تروا تا کجا آمده است؟

می‌خواهید یک شبکه اجتماعی نصب کنید تا یک ارتباطاتی برقرار کنید، اما مجوز ۳۵ دسترسی را از شما می‌گیرد.

واقعاً خاموش و روشن کردن دوربین موبایل هم جزو دسترسی‌ها است؟
بله جزو دسترسی‌ها است.

یعنی بدون اجازه فرد ممکن است شما گوشی‌تان که روی میز هست دوربین روشن بشود، تصویربرداری کند بدون این که متوجه بشوید، صدای شما و صدای محیط ضبط بشود؟

قطعا. اصلاً می‌گویند و رسماً اعلام می‌کنند که ما صدای محیط را همیشه برمی‌داریم تا بدانیم اطراف شما چه اتفاقی می‌افتد. برای پردازش اطلاعات خودشان رسماً اعلام می‌کنند. مثلاً اپلیکیشن فیس‌بوک رسماً اعلام می‌کند که این کار را می‌کنند.

حالا ببینیم وایبر چیست؟ آیا وایبر متعلق به یک مؤسسه خبریه است؟ ایجاد شده تا به من ایرانی خدمات بدهد؟ خیر. چند وقت پیش وزیر اقتصاد رژیم صهیونیستی «نفتالی بنت» در گفتگو با جورژ آلَم پست یا اورشلیم پست - که روزنامه رسمی رژیم صهیونیستی است - می‌گوید: وایبر به یکی از پنج برند برتر تجاری تولید اسرائیل تبدیل شده است و توانسته علاوه بر ایجاد یک شبکه اقتصادی قوی برای تل‌آویو، یک بانک اطلاعاتی قدرتمند جهانی نیز برای ما فراهم کند. وایبر توانسته پاسخ مناسبی به جنبش تحریم کالاهای اسرائیلی در سراسر جهان باشد. می‌گوید درصد بالایی از ایرانی‌ها الان از این نرم‌افزار استفاده می‌کنند و خیلی عجیب است. می‌گوید کشورهایی که بیشتر «مرگ بر اسرائیل» گفتند از نرم‌افزارهای ما بیشتر استفاده کردند.

برخورد ما با وایبر و تلگرام و واتساپ، دو گونه متصور می‌شود: یکی این که ما می‌گوییم وایبر اسرائیلی است به این جهت ما استفاده نمی‌کنیم، می‌خواهیم تحریم کنیم، اصلاً نمی‌خواهیم فضای حریم خصوصی ما در اختیار جایی قرار بگیرد که خودمان هیچ کنترلی در آن نداریم. برای این که این کار صورت نگیرد می‌آییم چه کار می‌کنیم؟ نمونه‌های داخلی می‌سازیم. من می‌خواهم بگویم که نمونه‌های داخلی غیر از حفظ حریم خصوصی چه مزیت‌های دیگری ممکن است داشته باشند که مردم باید رغبت داشته باشند و به سمت آن‌ها بیایند؟

ما بر این مسئله خیلی تمرکز کردیم. می‌گویند شبکه‌های اجتماعی افراد را از نزدیکان، دور و به غریبه‌ها نزدیک می‌کند. می‌گویند شبکه‌های اجتماعی



بمکوشش
مرتب‌شده جواد

روش تعامل افراد با شبکه‌های اجتماعی موضوعی است که امروزه بنابر ضرورتش، زیاد به آن پرداخته می‌شود. در این میان آقای مؤمن نسب یکی از افرادی است که با دغدغه نسبت به آسیب‌های شبکه‌های مجازی مطالبی را در سطح کشور مطرح می‌کنند. در کارنامه ایشان میتوان به معاون سابق مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاون فناوری اطلاعات و رسانه‌های نوین مرکز فضای مجازی بسیج، معاون سابق جشنواره و نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال، آینده‌پژوه و کارشناس فضای مجازی و فعال شبکه‌های اجتماعی ایرانی اشاره کرد.

آقای مؤمن نسب! می‌خواهیم با شما در مورد فضای مجازی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی و خیلی از اپلیکیشن‌های موبایل صحبت کنیم. من این جوری وارد بحث بشوم که مگر شبکه‌های اجتماعی مثل تلگرام و وایبر بد هستند؟

ما در مورد تکنولوژی صحبت نمی‌کنیم. ما یک فناوری داریم و یک محصول. مثلاً می‌گوییم فناوری هسته‌ای؛ یک جایی مثل آمریکا می‌آید از فناوری هسته‌ای، کلاهک و موشک هسته‌ای تولید می‌کند و در عرض یک ساعت به اندازه هشت سال جنگ ما آدم می‌کشد. یکی دیگر از همان فناوری برق تولید می‌کند. حالا شباهت بین برق و موشک هسته‌ای را برای من توضیح بدهید. یا در فناوری پزشکی یکی بمب شیمیایی تولید می‌کند و یکی می‌آید دارو تولید می‌کند. الان هم همین جور است. شما ببینید ما چه اطلاعاتی در اختیار این نرم‌افزارها قرار می‌دهیم. من الان بخواهم روی این گوشی نرم‌افزار وایبر را نصب کنم، می‌گوید تماس مستقیم با شماره تلفن‌ها، خواندن وضعیت تلفن، ارسال پیامک، دریافت پیامک، تغییر پیامک، حذف پیامک، روشن و خاموش کردن دوربین موبایل، عکس‌برداری و فیلم‌برداری، روشن و خاموش کردن میکروفن موبایل، ضبط صدا، ارسال موقعیت مکانی دقیق شما مبتنی بر جی‌پی‌اس و بی‌تی‌اس، دریافت دفترچه تلفن، اصلاح دفترچه تلفن، تغییر دفترچه تلفن، حذف شماره از دفترچه تلفن، دریافت اطلاعات کارت اس‌دی و حافظه گوشی، روشن و خاموش کردن وای‌فای موبایل، استفاده از حساب‌های شما، ارسال رمز حساب‌های شما و ... ببینید شما

وایبر به یکی از پنج برند برتر تجاری تولید اسرائیل تبدیل شده است و توانسته علاوه بر ایجاد یک شبکه اقتصادی قوی برای تل‌آویو، یک بانک اطلاعاتی قدرتمند جهانی نیز برای ما فراهم کند

دو مرحله‌ای کار می‌کنند، مرحله اول تسخیر افکار، مرحله دوم تغییر رفتار. می‌گویند اصلاً چیزی که شما را از اجتماع جدا بکند آیا اجتماعی است؟ پس این‌ها اساساً شبکه‌های ضد اجتماعی هستند. شما مدیریت زمان را تماماً در این شبکه‌ها از دست می‌دهید. چرا؟ چون با دریایی یا اقیانوسی از اطلاعات با عمق یک میلیمتر مواجه می‌شوید؛ هر چه هم جلو می‌روید تمام نمی‌شود و احساس می‌کنید به علم‌تان اضافه شده است؛ در صورتی که این گونه نیست. بعد از چند ماه از کاربر سؤال می‌شود: خُب! چقدر اطلاعات جمع کردی؟ یک خُرده فکر می‌کند اولش می‌گوید: خیلی، بعد از کمی فکر کردن، می‌گوید: هیچی!

من می‌خواهم به این موضوع انتقال پیدا کنم که الان ما در داخل ایران چه کار کرده‌ایم؟

پس مشخص شد اگر به این نتیجه رسیدیم که یک چیزی بد است، آن را کنار بگذاریم. اصلاً ما به اندازه نیازمان باید استفاده نکنیم، یعنی ممکن است به اینجا برسیم که چیزی بد است و اصلاً استفاده از آن نکنیم. اما اگر به این نتیجه رسیدیم که استفاده کنیم. از برنامه‌های ایرانی استفاده کنیم.

مثلاً؟

مثلاً ما بیسفون را داریم، ساین را داریم، دیالوگ را داریم، شبکه‌های اجتماعی ایرانی زیاد هستند. من یک بار بررسی می‌کردم، متوجه شدم که در کشور حدود هفتصد شبکه اجتماعی داریم.

حالا ما چه کار کردیم، شما مثلاً فرمودید که ما بیسفون داریم، برخی هم می‌گویند. چرا تبلیغ منفی که علیه وایبر می‌کنیم، برای بیسفون؟ تبلیغ مثبت نمی‌کنیم چرا الان بیسفون بین مردم جا نیفتاده؟

وقتی یک دزد را گرفتید و آزادی او را سلب کردید، یک کار سلبی است یا ایجابی؟ دزد را می‌گیرید و ظاهراً سلبی است، ولی نهایتاً می‌بینید که برای یک عده بیشتری از ملت یک حرکت ایجابی انجام دادید، احساس آرامش می‌کنند. در جامعه هم همین جور است، شما هرچقدر بتوانید مردم را از خطرات وایبر و امثالهم آگاه کنید کنارش اگر از شبکه‌های اجتماعی داخلی بیشتر حمایت کنید موفق خواهید بود. یک گوسفند وقتی می‌خواهد وارد کشور بشود آن را به قرنطینه می‌برند. مأموران وزارت بهداشت می‌روند مهر و امضا می‌کنند که بیماری با خودش نیاورد. اما این گوشی‌ها را می‌دانید چه طور وارد کشور می‌شود؟

بیشتر به صورت قاچاق است.

نمود درصد قاچاق، ده درصد فله‌ای. همین ده درصد را هم می‌برند روی باسکول می‌گویند پانصد کیلو گوشی، این قدر گمرکش می‌شود. تحریم ایران در تاریخ بشریت سابقه نداشته و حتی سرنگ پلاستیکی بیمارهای ما را تحریم کردند، داروی بیماران را تحریم کردند که در جنگ‌ها هم استثنا است. اما در همان سال گوشی‌های اندرویدی وارد کشور می‌شود. بعد اوباما اسفند سال ۸۹ توی کنگره آمریکا می‌گوید که من بودجه جنگ نرم ایران را در راستای وارد کردن گوشی‌های اندرویدی هزینه کردم. ببینید چه اتفاقی افتاد؟ اولاً تا جوان‌های ما آمدند بفهمند اندروید را چه جوری می‌نویسند، تا آمدند بفهمند برنامه‌نویسی چه جوری برای آن انجام بدهند، یک سال گذشت. آمدند تولید کردند. تا بتوانند گوگل پلی و امثالهم را متقاعد کنند که این اپلیکیشن‌ها را قبول کند باز داستانی دیگری بود. تا بیاید روی گوشی نصب بشود بازار دیگر اشباع شده بود. ثانیاً ما متأسفانه شاهد کاپیتولاسیون در قوانین کشور در بحث فضای مجازی هستیم.

یعنی چه؟

یعنی این که ما مثلاً اگر یک نرم‌افزار، یک اپراتور مجازی به نام وایبر، واتساپ، هر کدام از این‌ها وارد کشور بشود، حاشیه امن دارد. در مورد محتوایش نمی‌خواهد پاسخگو باشد، هیچ مجوزی نمی‌خواهد بگیرد، مالیات و عوارض و حق السهم دولت را هم نمی‌خواهد بدهد؛ ولی یک نرم‌افزار داخلی باید از پنج جا مجوز بگیرد. اگر در ایران بخواهید مثل وایبر را درست کنید، وزارت ارتباطات تصویب کرده که از درآمدت، سی درصد باید حق السهم دولت را بدهید. تصویب کرده‌اند که ده درصد باید به اپراتوری بدهید. این چه قانونی است. ۹ درصد هم عوارض و مالیات بدهید، نسبت به محتوا هم پاسخگو باشید. همه این‌ها یعنی بگوییم کار نکن دیگر!

مخاطب این صحبت‌ها بیشتر مسئولین هستند یا از باب آگاهی رساندن است؟

بله، اما مردم هم باید مطالبه کنند. ما مشکل‌مان این هست که مردم و مسئولین را از هم جدا می‌بینیم. بحث از آگاهی رساندن درباره گذشته است. ما الان شش سال است داریم می‌گوییم که فیسبوک صهیونیستی است. ولی هم چنان کاربر دارد. بالاخره یک جا ما باید بگوییم که اصلاً بی‌خیال فیسبوک. من هر هفته دارم به چهار استان می‌روم. امکان ندارد یک استان همین حرف‌های تکراری را - که به نظر من و شما تکراری است - بزنم و مردم شوکه نشوند، و مردم مطالبه نکنند، و مردم نامه نزنند. یکی از مسئولین طراز اول کشور به من گفت به مهد کودک‌ها بگویید نامه بنویسند. به مردم عادی بگو بنویسند تا ما بدانیم مطالبه‌ای هم در این زمینه وجود دارد.

حالا می‌گویم ما به مطالبات هم رسیدیم، مردم هم مطالبه کردند؛ بعد از آن چه کنیم؟

نمونه داخلی هست. از نمونه‌های داخلی استفاده کنند. ما هنوز متأسفانه متوقف هستیم. رسانه‌های ما حتی کانال باشگاه خبرنگاران - که بیشترین بازدید را دارد - اما باز هم دارد از تلگرام استفاده می‌کند. ما باید با کار و ابتکار جلو برویم. بند اول دستوری که حضرت آقا به شورای فضای مجازی می‌دهند می‌گویند: مواجهه فعال و مبتکرانه با فضای مجازی. اول باید حس مواجهه داشته باشیم تا به فعالیت بیافزیم. فعالیت این نیست که یک اکانت توی فیسبوک درست بکنیم. شأن فعالیت را پایین نیاوریم. بیاییم فعالیت بکنیم. واقعاً پتانسیل و انرژی جوان‌هایمان را به کار بگیریم که کم هم نیستند.

ما الان خیلی سیایت‌هایی داریم که به صورت تخصصی فعالیت خوبی دارند.

برای من و شمای بچه شیعه در کشور امام زمان بد نیست که توی کشورمان با این آسیب‌های آشکار شبکه‌های اجتماعی دست به گریبان باشیم؟ خانم بنده می‌گوید یک شبکه اجتماعی به من نشان بده که محرم و نامحرم در آن رعایت بشود. بگوییم نداریم؟ نداریم. بیاییم درست کنیم؛ یعنی همین شبکه اجتماعی بیسفون یا ساین را خوب پیش می‌رود.

ولی باید این ملاحظات را هم مد نظر داشته باشد.

یک ذره ابتکار به خرج بدهند، ابتکار هم فقط در استیکر سازی نیست. توی استیکر هم قرار نیست مبتذل‌ها را فقط بیاوریم به خاطر جذب مخاطب؛ یعنی جذب هدف نیست. ببینید وسیله که نمی‌تواند هدف را توجیه بکند. ما باید بیاییم فرهنگ‌مان را هم کنار آن جایگزین بکنیم. این شاءالله نقد شبکه‌های اجتماعی داخلی خیلی جای حرف زدن دارد. ولی الان معضل اصلی ما شبکه‌های اجتماعی بیگانه است.

مثلاً ما بیسفون را داریم، ساین را داریم، دیالوگ را داریم، شبکه‌های اجتماعی ایرانی زیاد هستند. من یک بار بررسی می‌کردم، متوجه شدم که در کشور حدود هفتصد شبکه اجتماعی داریم



شبکه‌های اجتماعی و تربیت جنسی

حسین متقی‌نیا ۱

بر اساس آمار مؤسسه بین‌المللی آمریکایی میثاق چشم (Covenant eyes) که مجازی را منتشر می‌کند، فقط در مدت نه‌ماهه نخست سال ۲۰۱۴ (پایان دی ۱۳۹۲ تا پایان مهر ۱۳۹۳)، ۱,۶۹۱,۳۵۱,۲۷۵ (بیش از یک میلیارد و ۶۹۰ میلیون) فیلم، کتاب و مطلب پورنوگرافی جستجو شده است. بنا بر آمارهای ارائه‌شده توسط این مؤسسه: ۶۰٪ دختران و ۹۰٪ پسران زیر ۱۸ سال استفاده‌کننده از اینترنت، حتماً فیلم‌های پورنو دیده‌اند. ۹۰٪ کودکان ۸ تا ۱۶ ساله در جهان، به‌دوراز چشم والدین، به سراغ بخش زنده فیلم پورنوگرافی می‌روند. ۸۹٪ محتوای چت و نرم‌افزارهای تلفن همراه، غیراخلاقی است.

بیش از یک میلیارد و دویست میلیون (۲۵٪ کل جستجوها) در گوگل پورنوگرافی هستند. ۶۸٪ طلاق‌ها به خاطر ارتباط یکی از طرفین با جنس مخالف از طریق اینترنت بوده است. هر روز ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ایمیل پورنوگرافی ارسال می‌شود. بیش از ۴۲۰ میلیون صفحه پورنو، سالانه به اینترنت اضافه می‌شود. کاربران اینترنت بعد از دیدن فیلم‌های پورنوگرافی ۲۱۸٪ بیشتر در فضای حقیقی زنا کرده‌اند.

بر اساس آخرین آمار وزارت ارتباطات ایران: بیش از ۱۲ میلیون نفر از کاربران اینترنت در ایران زیر ۱۸ سال سن دارند. بیش از ۱۷ میلیون نیز سنشان بین ۱۸ تا ۲۸ سال است. بر اساس آمار وزارت ارتباطات، ۷۳/۲ درصد از کاربران اینترنت، سنشان کمتر از ۲۸ سال است.

طبق اعلام گوگل: ده جستجوی اول ایرانیان، مطالب ضداخلاقی و جنسی است. آمارهای بالا واقعاً تکان‌دهنده‌اند. باید اذعان کرد که آمارهای دقیقی از نقش شبکه‌های اجتماعی در مسائل جنسیتی کاربران ایرانی در دسترس نیست.

اما اگر فقط یک درصد و فقط یک درصد فرزندان ما مبتلا به آسیب‌های جنسی شبکه‌های اجتماعی باشند، باز هم جای هشدار و اقدام در این رابطه وجود دارد. خانواده‌ها باید همان‌گونه که نگران تغذیه و درس فرزندان خود هستند، نگران نوع رابطه آنها در فضای مجازی و خصوصاً شبکه‌های اجتماعی باشند. امروزه دسترسی نوجوانان ده یازده ساله به شبکه‌های اجتماعی به اصطلاح پورنو، در کمتر از دو حرکت انگشت اتفاق می‌افتد. این یعنی بلوغ زودرس، کاهش امنیت فردی و اجتماعی، زمینه وقوع جرائم و بزهکاری و هزار نوع آسیب دیگر.

شبکه‌های اجتماعی و زنان

الهام صباچی
(کارشناس ارشد تعلیم و تربیت اسلامی)

نمونه سؤالاتی که در مکالمات بین خانم‌ها این روزها اضافه شده مواردی مثل: وایبر داری؟ آیدی فیسبوک چی هست؟ یه گروه تشکیل دادیم میخوای ادد کنیم؟ چند وقت پیش رفتیم مسافرت عکس هاشو گذاشتم واتس آپ. دیدی؟ آشنای ذهن است.

آنچه مشاهده می‌شود این است که ابزارهای ارتباطی نوین، بین ارتباطات انسانی قرار گرفته و ارتباطات بین فردی را به شکل دیگری تغییر داده است. ابزاری که زنده است درحالی که زنده نیست و فضایی را برای مخاطب خود ایجاد کرده است تا نشان دهد که اختیار دارد، در حالی که مختار نیست و آزادی را به او تلقین می‌کند در حالی که در بند است. این ابزار در قالب‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات را با ابزارهای مختلفی مثل صوت، تصویر، نگارش و ... آزادی و اختیار را به مخاطب خود ارائه می‌دهد.

در طی چند سال اخیر رشد سریع شبکه‌های اجتماعی و دسترسی آسان مخاطبین به این ابزار ارتباطی، باعث قدرت یافتن این ابزار در بین افراد شده است و با توجه به ویژگی‌ها و جذابیت‌های خود جایگاه خود را سریع در بین اقشار مختلف پیدا کرد.

مانوئل کاستلز جامعه‌شناس اسپانیایی و نویسنده سه‌گانه مهم «عصر اطلاعات» می‌گوید: ارتباطات مبتنی بر کامپیوتر به راستی انقلابی در فرایند ارتباطات و به واسطه آن فرهنگ ایجاد خواهد کرد و ارتباطات کامپیوتری به دلیل تازگی تاریخی این رسانه و بهبود نسبی جایگاه قدرت برای گروه‌هایی از قبیل زنان که از نظر سنتی زیر دست بوده‌اند ممکن است فرصتی برای معکوس کردن بازی‌های سنتی قدرت در فرایند ارتباطات

فراهم‌کننده (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۱۷). با توجه به این گفته شاید بتوان تا حدودی به علل رشد حضور گروه‌های مختلف جوامع از جمله زنان را در این گونه ارتباطات پی برد. شاید به نوعی این وسیله ارتباطی جدید، فرصت حضوری نو برای زنان فراهم آورده است که با استفاده از این فرصت خود را آن گونه که مایل هستند به دیگران مثل خانواده و بستگان و ... در قالب‌های مختلف بشناسانند؛ قالب‌هایی مثل عکس و نوشتار و صوت و اشتراک مطالب.

رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب تسهیل ارتباطات و از میان برداشتن موانع جغرافیایی و دسترسی به اطلاعات شده است. عمومی شدن این فرصت و دسترسی آسان به این شبکه‌های اجتماعی از طریق تلفن همراه باعث شد که زنان نیز با وارد شدن به دنیای اینترنت، شکل دیگری از حضور در اجتماع مدرن و امروزی را تجربه کنند. زنان ایرانی - که بخش قابل توجهی از کاربران اینترنت را تشکیل می‌دهند - به حضور در فضای مجازی به سرعت علاقه نشان دادند و شکل جدید ارتباطی خود را ایجاد کردند. شتاب اعجاب‌آور و رشد تصاعدی و همه‌گیری و همه‌جایی شبکه‌های اجتماعی و حضور زنان در چند سال اخیر، لزوم توجه به این مسأله را ایجاد می‌کند تا به آثار و پیامدهای اجتماعی این شبکه‌ها توجه شود.

زنان ایرانی که به طور معمول و به دلیل نگاه اجتماعی و دینی بر نقش زن در جامعه، همواره محدودیت‌هایی در تعاملات و ارتباطات داشتند، در شبکه‌های اجتماعی شکل جدیدی از حضور و تعامل را بدون آمادگی و آموزش به صورت تجربی آموختند. استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اگر چه شکل جدیدی از ارتباط را ایجاد می‌کند ولی زمینه بروز انزوا طلبی را در زنان فراهم آورده است که به روابط و تعاملات روزمره آنان آسیب



۲

تربیت جنسی چیست؟ مجموعه آموزش‌ها، ایجاد موقعیت‌ها و زمینه‌سازی‌هایی که مربی را با چگونگی ارضا و هدایت و تعدیل غریزه جنسی آشنا می‌سازد و زمینه رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی او را فراهم می‌آورد و او را از انحراف و لغزش جنسی مصون می‌دارد. با این تعریف میزان انطباق مسائل جنسی نسل جوان با شبکه‌های اجتماعی مشخص‌تر می‌شود. چقدر از آموزش‌های جنسی که در فضاهای مجازی ارائه می‌شود، آموزش‌هایی صحیح و درست‌اند؟ طبق آمارها ۸۸٪ از صحنه‌های فیلم‌های پورنو شامل اعمال خشونت فیزیکی و ۴۹٪ از صحنه‌ها حاوی خشونت کلامی است. خشونت‌های جنسی را در کنار ارتباطی بگذارید که زن و مرد قرار است در کنار هم آرامش داشته باشند. جای این سؤال وجود دارد که شبکه‌های اجتماعی به چه میزان مسائل جنسی را در راستای تعالی انسانی تعریف کرده‌اند؟ چقدر زمینه پرورش شخصیت اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و سیاسی انسان را فراهم نموده‌اند؟

۳

تربیت جنسی ارائه‌شده در شبکه‌های اجتماعی کنونی بسیار لجام‌گسیخته و کاذب است. در این راستا چه باید کرد؟ به نظر من همه کسانی که در این رابطه تربیونی در اختیار دارند، از صدا و سیما گرفته تا امامان جماعت، باید تربیت جنسی را مهم بدانند و در مواجهه با همه کسانی که به نوعی با مسائل جنسی درگیر هستند، اعم از پیر و جوان، به موارد زیر توجه ویژه داشته باشند:

(الف) آشنایی با خودشناسی جنسیتی و امدا رسانی به مربی برای رسیدن به خودپنداره مثبت، کریمانه و افتخارآمیز؛

(ب) آشنایی با نقش‌های جنسی مذکر یا مؤنث بودن در خانه و اجتماع؛

(ج) آشنایی با احکام و هنجارهای دینی درباره آمیزش و مسائل جنسی؛

(د) آگاهی از چگونگی روابط با همجنس و جنس مخالف؛

(ه) آمادگی برای تشکیل خانواده و زندگی مشترک؛

(و) آشنایی با مسائل و ریزه‌کاری‌های زندگی زناشویی؛

(ز) مهارتیایی نسبت به زندگی زناشویی باثبات، آرام‌بخش و صمیمی؛

(ح) جهت‌دهی به افکار و عواطف و فعالیت‌های جنسی مربیان در جهت خداگونه‌شدن و تقرب الی الله.

زنان ایرانی - که بخش قابل توجهی از کاربران اینترنت را تشکیل می‌دهند - به حضور در فضای مجازی به سرعت علاقه نشان دادند و شکل جدید ارتباطی خود را ایجاد کردند

مصائب نشوند. خطرات استفاده از شبکه‌های اجتماعی فقط قضایی نیست بلکه دینی نیز هست. ارتباطات بین محرم و نامحرم در فضای مجازی از همین خطرات است. متأسفانه برخی گناه‌ها در شبکه‌های اجتماعی در بین اذهان قبح زدایی شده است و گردانندگان شبکه‌های اجتماعی با ایجاد فرصت به صورت نا محسوس مسائل دینی و اعتقادی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

نیاز به آموزش و فرهنگ‌سازی چه برای زنان چه برای سایر افراد جامعه در مورد نحوه صحیح استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی لازم است. زنان با آگاهی از مسائل جانبی، ناامنی‌ها و جرایم اینترنتی و با در اختیار داشتن اطلاعات مکفی راجع به فناوری اطلاعات و ارتباطات، می‌توانند خود را منعطف به ظرفیت‌های مثبت آن نمایند و در زمینه‌های مختلف رشد کنند و استفاده کاملاً مطلوب و مناسبی از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی داشته و آسیب‌های آن را به حداقل ممکن برسانند.

می‌رسانند. این شبکه‌ها شکل ایده‌آلی از ارتباط را در دنیای مجازی نشان می‌دهند که اختیار کنترل این ارتباط در دست طرف مقابل است. ولی امروزه در ارتباطات اجتماعی با توجه به اینکه افراد درگیری‌های فراوانی دارند به صورتی تنش‌زا شده است. برای همین زنان برای نیاز ارتباط خویش به شبکه‌های اجتماعی پناه می‌برند و گاه از خویشان خویش دوری می‌کنند.

آشنا نبودن با فرهنگ استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نحوه استفاده باعث شده است که شاهد آسیب‌های و برخی از جرائم اینترنتی و سوء استفاده‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتند باشیم. این به دلیل این است که آشنایی لازم در مورد نحوه استفاده از این شبکه‌ها به زنان داده نشده است و این باعث شده است که به عنوان هدف مجرمین شبکه‌های اجتماعی مورد توجه باشند و مورد سوء استفاده قرار گیرند.

زنان باید از آسیب‌های اینترنت که آنها را در معرض مخاطرات دینی، اجتماعی، خانوادگی و ... قرار می‌دهد آگاه باشند تا با ناآگاهی گرفتار



منبع:

کاستلز، مانوئل، مترجم ناصر موفقیان، عصر ارتباطات و پایان هزاره، انتشارات علمی و فرهنگی، جلد اول، ۱۳۸۰.

ایران‌شاهی، اعظم، بررسی نقش فضای مجازی در توسعه تعامل اجتماعی زنان ایرانی، پایان نامه دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ۱۳۸۷.

بی‌توجهی به سلامت فردی

آسیب‌های فردی شبکه‌های اجتماعی

آسیب‌های جسمی

آسیب‌های استفاده افراطی و نابجا از وسایل نوین ارتباطی ختم به مسایل روحی و روانی نمیشود؛ بلکه به جسم افراد نیز آسیب وارد میکند. چاقی، کمردرد، مشکلات اسکلتی، تنبلی، بی‌اشتهایی، دردهای نواحی مچ، گردن، عوارض بینایی و ... در کاربران گوشه‌هایی از آسیب‌های وسایل نوین ارتباطی است.

امکان ارتباط با هر فردی

هویت، واجد سه عنصر است: شخصی، فرهنگی و اجتماعی که هر یک در تکوین شخصیت فرد نقش مهمی را ایفا می‌کنند و هویت کسی که با او در فضای مجازی در ارتباط هستیم از هر سه جهت مخفی و ناشناس است. خاصیت فضای مجازی این است که شما با هر فردی در هر سنی در هر جایی با هر اعتقاد و مشی زندگی و قدرت تأثیرگذاری مثبت و یا منفی و هر زمانی و به هر تعدادی ارتباط برقرار می‌نمایید. با توجه به حجم بالای ارتباط و عدم محدودیت در آن و اینکه هر یک از افراد با عقیده و رأیی خاص وارد می‌شود و آن را با دیگران به اشتراک می‌گذارد امکان تغییر رفتار و اخلاق و گرایش سیاسی و مذهبی بسیار زیاد است. البته متأسفانه با توجه به جو حاکم بر این محیط این گرایش‌ها به سمت منفی آن است.

انزوا از اجتماع واقعی و مجذب به اجتماع مجازی شدن

فردی ساعت‌ها وقت خود را پشت رایانه، کنسول بازی، ماهواره، تبلت و گوشی موبایل و تلویزیون به بازی، دیدن فیلم، چت کردن، وب گردی و کار با نرم‌افزارهای گوناگون می‌گذراند و با دیگران در فضای مجازی رقابت کرده و دوستی‌ها را در فضای مجازی تجربه خواهد کرد. حتی در همین محیط به بحث و تبادل اطلاعات می‌پردازد و با دیگران در چنین فضایی بازی میکند. چنین کسی دیگر علاقمند به تعامل با دیگران در فضای حقیقی نیست. زیرا محدودیت‌ها مشقت و سختی و تبعات فضای واقعی را ندارد و می‌تواند چهره و شخصیت واقعی خود را در پی انواع نمایشگرهای جذاب مخفی نموده و با شخصیتی دروغین در چنین محیطی ظاهر شود.

ایجاد حس انزواطلبی از دیگر معایب بازی‌های رایانه‌ای خشن است که تحقیقات نشان می‌دهد کودکانی که دائماً بازی رایانه‌ای استفاده می‌کنند درون‌گرا شده و در جامعه، منزوی و در برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران ناتوان می‌شوند. ایجاد این روحیه موجب جدایی کودک از گروه همسالان و سرآغازی برای بروز ناهنجاری‌های دیگر است.

بی‌توجهی به سلامت فردی از آسیب‌های جدی حاصل از غور در شبکه مجازی است.

احمد پویا

تبلیغات فراوان چنان تأثیری بر روح و روان افراد می‌گذارد که فرد برای تطبیق خود با شرایط به اصطلاح امروزی، سلامتی خود را نیز به خطر می‌اندازد. تبلیغات برخی داروها به بهانه‌هایی همچون لاغری، افزایش تمرکز، اعتماد به نفس و ... موجب گرایش فراوان مخاطبان و خصوصاً زنان به این امور شده و این افراد بدون توجه به پیامدهای ناگوار مصرف داروهای این چنینی، آن را مورد استفاده قرار می‌دهند.

تبلیغات لوازم ورزشی، فیلم‌ها و سریال‌ها، انتخاب زیباترین دختر سال و عروسک باربی، زنان را تشویق به مانکن شدن می‌کنند. همچنین مصرف مواد محرک به اشکال و بهانه‌های مختلف مخصوصاً میان جوانان و زنان رواج یافته است. جالب اینجاست که برای اقناع اندیشه هر مخاطب، او را با توجه به دغدغه‌هایی که برایش ایجاد کرده‌اند و یا دغدغه‌هایی که به شکل طبیعی در وی وجود دارد به مصرف وا می‌دارند. این مواد بیشتر در آرایشگاه‌ها به بهانه‌های لاغری و تناسب اندام، در دانشجویان به بهانه افزایش تمرکز، در جوانان به بهانه افزایش اعتماد به نفس و قدرت مذاکره و به بهانه‌های مختلف در دیگر گروه‌های سنی ارائه می‌شود. متأسفانه ممکن است این مواد در جمع‌های گروهی و نشست‌های جمعی جوانان با تبلیغ زیاد ارایه شود که یکی از عوارض آن افزایش کاذب مبادرت به رفتارهای جنسی است. به این ترتیب قدرت تصمیم‌گیری از فرد زایل می‌شود و فرد به راحتی در معرض رفتارهای خلاف شرع و عرف قرار می‌گیرد.

شب‌بیداری

از دیگر مشکلات به وجود آمده از شبکه‌های اجتماعی، شب‌بیداری است. کاربران زیادی تا نیمه‌های شب برای بهره‌مندی از سرویس‌های فضای مجازی بیدارند. برخی از سرویس‌ها بگونه‌ای طراحی شده‌اند که تنها می‌توان در نیمه‌های شب از آن بهره‌مند شد. سرویس‌هایی همچون اینترنت رایگان شبانه، مکالمه ارزان قیمت اپراتورها، و ... زمینه را برای شب‌بیداری کاربران مهیا می‌سازد. شب‌بیداری کاربران موجب می‌شود تا دچار کمبود خواب شده و از نشاط و شادمانی دور شوند و نتیجه آن می‌شود که به جای اینکه روز را به سعی و تلاش در جهت تعالی خود و جامعه بگذرانند، تا نیمه‌های روز در خواب باشند. و یا اینکه در محیط کاری و یا علمی با خستگی مفرط و عدم تمرکز لازم حاضر شوند. مشکل دیگری که شب‌بیداری پدید می‌آورد فراهم آوردن بزهکاری‌های مختلف نوین است. سکس چت، ارتباط با جنس مخالف (گفتگو، پیامک و چت)، حضور در شبکه‌های به اصطلاح اجتماعی غیر قانونی، تماشای فیلم‌ها و تصاویر مبتذل و مستهجن، حضور در سایت‌های مبتذل و مستهجن و ... از جمله بزهکاری‌هایی است که به علت شب‌بیداری گسترش یافته است. شب‌بیداری بر نوع تغذیه افراد نیز تأثیرگذار است. محققان آمریکایی می‌گویند: افرادی که شب‌ها خواب خوبی ندارند بیشتر تمایل دارند غذاهای فست فود مانند همبرگر، سیب‌زمینی سرخ‌شده و پیتزا بخورند. محققان علت این موضوع را تغییرات در فعالیت مغز به دلیل کم‌خوابی می‌دانند.

قضاوت درباره تأثیر فراوان اینترنت ماهواره بازی‌های رایانه‌ای و ... آسان‌تر از گذشته است؛ زیرا این تغییر برای همگان ملموس و قابل رؤیت است و دیگر نمی‌توان آن را به سادگی انکار کرد

افزایش پر خاشگری

استفاده از بازی‌های نامناسب و یا دیدن تصاویر مستهجن و یا مبتذل یکی از مسایلی است که روحیه پر خاشگری را در افراد زیاد می‌کند. دیدن تصاویر مبتذل و مستهجن از سویی دیگر استفاده استعمارگران از خشونت برای افزایش جذابیت‌های مورد نظر در انواع مختلف بازی و فیلم برای پلت‌فرم‌های مختلف موجب شده که از آستانه صبر و تحمل مردم کاسته شود و در محیط‌های اجتماعی شاهد رفتار دون شأن افراد مختلف به ویژه در هنگام رانندگی، بروز اختلافات در مسایل خرد و کلان و اختلافات خانوادگی باشیم. همچنین در طراحی جدیدترین و جذاب‌ترین بازی‌های رایانه‌ای به حد افراط از خشونت استفاده می‌شود و فرد برای رسیدن به مرحله بعدی بازی باید با نیروهای به اصطلاح دشمن بجنگد. استمرار چنین بازی‌هایی کودک را پر خاشگر و سیزه‌جو بارمی آورد. زمانی که الگوی خشونت به کودک ارائه شود و افراد به وسیله خشونت به اهدافشان برسند، این مسأله در یادگیری اجتماعی کودک تأثیرگذار است. تحقیقات نشان داده گروهی از کودکان که برای خشونت پاداش دریافت کرده‌اند در مقابل گروهی که پاداش دریافت نکرده‌اند، در آینده برای رسیدن به اهدافشان با خشونت بیشتری عمل می‌کنند.

اتلاف وقت بدون فایده و یا با حداقل فایده

آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد اما والدین خود به‌خوبی دریافته‌اند که فرزندان‌شان و حتی خود ایشان ساعتهای زیادی را در محیط یاد شده تلف می‌کنند که در خوش‌بینانه‌ترین حالت فایده بسیار کمی عایدشان می‌شود. در حالی که واقعیت آن است که شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های آنلاین اوقات زندگی افراد، خصوصاً اوقات طلایی نوجوانی و جوانی را به یغما می‌برد. البته باید توجه کرد که جذابیت و تنوع در چنین محیطی آنقدر زیاد است که کاربران وقت‌گذرانی با آن را حتی بر در کنار عزیزان خود بودن ترجیح می‌دهند. در هر صورت بدون تردید صرف ثانیه‌های پر شور و انرژی ایام نوجوانی و جوانی با وب‌گردی‌های بی‌هدف، آن‌ها را از تفکر درباره آینده و فرصت‌های شغلی و تحصیلی و کسب مهارت‌های فنی، حرفه‌ای و کارآمد درایم فراغت و به خصوص تعطیلات تابستانی بازداشته و آنان را به سمت پوچی و بی‌هدفی می‌کشاند.

تغییر سبک زندگی

قضاوت درباره تأثیر فراوان اینترنت ماهواره بازی‌های رایانه‌ای و ... آسان‌تر از گذشته است؛ زیرا این تغییر برای همگان ملموس و قابل رؤیت است و دیگر نمی‌توان آن را به سادگی انکار کرد. شب‌بیداری و خوابیدن در هنگام سحر تا پاسی از روز و گاهی ظهر، گذراندن بیشتر وقت پشت انواع نمایشگرها، تغییر ذائقه افراد در خوراک (حاضری خوری مانند فست فود و ...)، پوشش و انواع مدهای روزانه هفتگی فصلی و سالانه (مانند رنگ سال)، مسکن و دکوراسیون، ادبیات گفتاری و نوشتاری خصوصاً در قشر جوان، شیوه‌های برقراری ارتباط و تعامل با دیگران، تغییر رفتارهای اجتماعی و فرهنگی مانند کمتر شدن صله رحم و احترام به والدین و افزایش ارتباط با جنس مخالف، افزایش روحیه مصرف‌گرایی در خانواده‌ها، تغییر در شیوه‌های بزه‌کاری خصوصاً در چند سال گذشته و از همه مهم‌تر آنکه در گذشته همه افراد خانواده و جامعه در یک دنیا می‌زیستند اما اکنون هر کدام در دنیایی جدای از دیگران زندگی می‌کنند.

فضای مجازی، لذت مجازی‌ای می‌دهد که موقت است و لذت واقعی را می‌گیرد. از لذت معنوی هم محروم می‌شود



کم رنگ شدن علاقه به ارتباط با اقوام و خانواده

از بزرگ‌ترین مشکلات بشریت در قرن حاضر فقر عاطفی است. بشر امروز در داد و ستد عاطفی چه کلامی چه عملی و چه قلبی به خطا رفته و آن را در جای غیر مناسبش به کار می‌برد. همان‌طور که بیان شد افراد یک خانواده به‌جای داشتن یک دنیا، دنیا‌های متعدد دارند و این خود موجب این شده است که از ارتباط روحی و معنوی انسان‌ها با خود، خلق و خالق بسیار کاسته شده و در فضای مجازی به هرز رود. وقتی دل را به مسایل این‌چنینی مشغول کردند از پرداختن به اصول بازمی‌ماند.

تغییر ارزش‌ها و باورهای اسلامی و جایگزینی آن با ارزش‌های غربی

غرب سعی می‌کند با پارامترهایی که در این بازیها، برنامه‌ها، فیلم‌ها، کارتون‌ها و ... تعریف می‌کند ارزش‌ها و عقاید را خصوصاً در نسل کودک، نوجوان و جوان تغییر داده و ضعیف کند و ارزش‌های خود را جایگزین کند. به عنوان نمونه الان در بسیاری از بازیهای رایانه‌ای، ترویج ارزش‌های زندگی غربی مورد توجه قرار گرفته و والدین بدون اینکه خودشان بدانند با هزینه خودشان این بازیها را تهیه می‌کنند. در این بازیها بسیاری از ارزش‌های ایرانی و اسلامی زیر سوال می‌رود و فرهنگ غربی در ذهن کودکان و نوجوانان جا می‌افتد و اینجاست که ارزشهای غربی جایگزین ارزشهای اسلامی می‌گردد.

افت اخلاقی

«سکس» از مضامین دیگری است که در بازی‌ها از آن استفاده می‌شود. فیلم‌های نبردهای تن‌به‌تن دختران نیمه عریان، رقص و موسیقی غربی، به تصویر کشیدن روابط نامشروع و ... در دیسک‌های پلای استیشن و سی دی، بدون هیچ گونه مشکلی، در فروشگاه‌ها به معرض فروش گذاشته شده است. بعضی از نرم‌افزارهای رایانه‌ای از بازی‌های ساده شروع می‌شود و در پایان به تصاویر مستهجن می‌رسد، به طوری که در برخی از این بازی‌ها جایزه پیروزی در بازی، عکس‌های شنیع است که اگر بازیکن در بازی برنده شود، عکس‌های مستهجن به عنوان جایزه بر صفحه تلویزیون ظاهر می‌شود.

محروم شدن از لذت‌های واقعی

فضای مجازی، لذت مجازی‌ای می‌دهد که موقت است و لذت واقعی را می‌گیرد. از لذت معنوی هم محروم می‌شود. حقیقت این است که این قالب برای محتوای خاصی طراحی شده است. احساسی را که در فرد از حضور در مجلس عزای امام حسین (ع) ایجاد می‌شود از دیدن و شنیدن هیچ مراسمی حتی زنده به دست نمی‌آید. ذره‌ای از آنچه با حضور در حرم امام حسین (ع) در کربلا، پس از پیمودن راهی طولانی و پر مخاطره درک میشود در هیچ نوع ارتباط تکنولوژیکی میسر نیست. اینترنت هر چه توانا و اعجاب برانگیز باشد از انتقال معنویت عاجز است.

از دست دادن قدرت تمرکز، خرد و اندیشه

از حجم گسترده اطلاعات در اینترنت، به عنوان یکی از مزایای آن نام برده می‌شود. شما از اخبار سیاست جهانی تا زندگی خصوصی یک هنرپیشه و عکس‌های عروسی فلان ورزشکار تا بحث‌های تخصصی و کارشناسی با دیدگاه‌های مختلف را با چند کلیک می‌توانید بر روی صفحه

مانیتور ببینید؛ اما هجوم اطلاعات فراوانی که ممکن است راست یا دروغ باشد، از توانایی تمرکز انسان بر روی مسائل فکری کم می‌کند. اندیشه‌ای که با بمباران اخبار و تصاویر مواجه است نمی‌تواند خود را سازمان دهد. در حقیقت حجم زیاد دیده‌ها و شنیده‌ها همیشه با شما همراه هستند. صفحات اینترنتی به دلیل وجود حجم و تنوع زیاد مطالب و ابرپیوندهای موجود در آن‌ها، با انحراف حواس و پراکنده نمودن توجه و رشته افکار کاربران، باعث چند پاره شدن توجه آنان می‌شوند. کاربرانی که به طور مداوم توسط ایمیل‌ها و پیامهای فوری حواس‌شان پرت میشود، یا در حین مرور صفحات اینترنتی با ناآرامی مدام از صفحه‌ای به صفحه دیگر و از پیوندی به پیوند دیگر میروند، دچار کاهش قدرت تمرکز می‌شوند. کاربران در حین استفاده از اینترنت به دلیل تعداد و تنوع زیاد صفحات اینترنتی و حجم انبوه اطلاعات و فرصت کمی که در اختیار دارند، با دقت و عمق کافی مطالب را مطالعه نمی‌کنند و با سرعت از روی مطالب رد می‌شوند که این باعث شتاب فکری شده و از عمق آن می‌کاهد. زمانی که تمرکز کاربران اینترنتی در حین مشاهده و مرور صفحات وب به طور مداوم منحرف و گسیخته می‌شود، مغز آن‌ها قادر به برقرار کردن تماس‌های عصبی قدرتمند و گسترده‌ای که به درک عمیق‌تر منجر می‌گردد، نمی‌شود. کاربران در این وضعیت صرفاً به پردازشگرها یا اطلاعاتی تبدیل می‌شوند که با شتاب، قطعات پراکنده اطلاعات را به حافظه کوتاه مدت خود وارد و از آن خارج می‌کنند. اینترنت کاربران خود را به طور مداوم در یک حالت جابجایی ذهنی نگه می‌دارد.

تزلزل اعتماد به نفس

در این بازی‌ها به دلیل اینکه کودک با نوجوان با ساختنی‌ها و برنامه‌های دیگران به بازی می‌پردازد و کمتر قدرت دخل و تصرف در آن‌ها را پیدا می‌کند، اعتماد به نفس او در برابر ساختنی‌ها و پیشرفت دیگران متزلزل می‌شود. تصور بیشتر خانواده‌ها این است که در بازی‌های رایانه‌ای فرد مداخله فکری مداوم دارد، اما این مداخله فکری نیست، بلکه این بازیها سلول‌های مغزی را فریب داده و از نظر حرکتی نیز فقط چند انگشت کودک را حرکت می‌دهند.

ترجیح مجاز بر حقیقت در تصمیم‌گیری‌ها

در دنیای مجازی فرد به‌جایی می‌رسد که عادت می‌کند دنیا را تنها از دریچه تلفن همراه، کنسول بازی، تبلت و لپ‌تاپ و ماهواره ببیند و بشناسد و از این دریچه دنبال حقیقت باشد. مثال بارز و ملموس آن را می‌توانیم در فتنه ۸۸ ببینیم که چه دروغ‌های ریز و درشتی که برای ایجاد شایعه و جدایی بین مردم و نظام اسلامی به کار نبردند و استفاده نمودند. فیس‌بوک، توییتر و بی‌بی‌سی فارسی در این زمینه گوی سبقت را از دیگران ربوده بودند.

وسواس‌های فکری-عملی

از آثار برجسته وسواس، عدم توانایی مهار رفتارها یا اندیشه‌های خاص است. برای مثال فردی که وسواس شست‌وشو دارد، نمی‌تواند میل به شست‌وشو را کنترل کند و گاهی تا ساعت‌ها مشغول شستن دست‌ها می‌شود. یا فردی که وسواس فکری دارد ساعت‌ها در رختخواب مشغول به هم بافتن آسمان و ریسمان است. اگر از فرد وسواسی بخواهیم عمل یا فکر وسواسی‌اش را کنار بگذاریم دچار اضطراب شدیدی خواهد شد. این اختلال را می‌توان در بررسی کردن‌های پی‌درپی پست الکترونیک (وسواس عملی) یا دل‌نگرانی از برخط نشدن یک دوست در فضای مجازی (وسواس فکری) مشاهده کرد.



برگرفته از کتاب رویکرد دوفضایی به آسیب‌ها، جرایم، قوانین و سیاست‌های فضای مجازی «سید رضا عاملی»

قانون هرزه‌نگاری و میزان کیفر آن در چند کشور

جرایم گوناگونی در فضای مجازی رخ می‌دهد. یکی از جرایم مرتبط با فضای مجازی، هرزه‌نگاری است. امروزه کشورهای مختلف سعی دارند با هرزه‌نگاری و عرضه مسائل شهوت‌انگیز در فضای مجازی به نوعی مقابله کنند. نکته جالب توجه آنکه بیشترین تأکید و قوانین کنترل با هرزه‌نگاری از سوی کشورهایی همچون آمریکا و فرانسه و کشورهای اروپایی لحاظ می‌شود. هرزه‌نگاری شامل انتشار و ترویج متن، فیلم و عکس‌های شهوانی به منظور شهوترانی و شهوت‌پرستی، ابتذال و ارتباطات ناصحیح می‌شود که از طریق تجهیزات ارتباطی از راه دور انجام می‌شود و جرم تلقی می‌گردد. در زیر تلاش می‌شود به قوانین برخی کشورها و همچنین میزان مجازات آن اشاره شود.

کشور	قانون	میزان جریمه
سازمان ملل	قانون جرایم سنتی ارتكابی با استفاده از فناوری‌های ارتباطی: استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای برای تولید و توزیع تصویر، متن یا سایر اطلاعاتی که موضوع هرزه‌نگاری دارند، جرم به حساب می‌آید.	
آمریکا	بر اساس حقوق فدرال آمریکا: انتقال، دریافت، انتشار، فروش و مالکیت هرزه‌نگاری کودکان (افراد زیر هجده سال) جرم شناخته می‌شود.	حبس از پنج تا ده سال
انگلستان	قانون حمایت از کودکان: داشتن عکس یا عکس ساختگی از کودک که به عنوان عکسی مستهجن تلقی شود، جرم محسوب می‌شود.	بنا بر تشخیص قاضی است.
فرانسه	الف) فیلمبرداری، ضبط یا انتقال تصویر تمثالی از کودک به قصد انتشار آن که ویژگی هرزه‌نگاری داشته باشد، جرم است. ب) چنانچه شخص از شبکه ارتباطات باز برای انتشار پیام‌ها به مخاطبان نامحدود استفاده کند نیز مجرم است. ج) نگهداری چنین تصاویری نیز جرم تلقی می‌گردد.	الف) جریمه نقدی ۴۵/۰۰۰ یورو و حبس تا سه سال ب) جریمه نقدی تا ۷۵/۰۰۰ یورو و حبس تا پنج سال ج) جریمه نقدی ۳۰/۰۰۰ یورو حبس تا دو سال
رومانی	بند اول ماده ۵۱ قانون کیفری: تولید با هدف انتشار، عرضه یا در دسترس قرار دادن، منتشر کردن یا انتقال، به دست آوردن محتوای هرزه‌نگاری کودکان برای خود یا فرد دیگر از طریق سیستم رایانه یا داشتن بدون مجوز محتوای هرزه‌نگاری در سیستم رایانه‌ای یا تجهیزات ذخیره‌سازی داده‌های رایانه‌ای جرم است.	حبس از سه تا دوازده سال
کرواسی	هر کسی محتوای نوشتاری، تصویری، صوتی، تصویری یا محتوایی با موضوع هرزه‌نگاری را به کودک بفرشد، هدیه دهد، نشان دهد، نمایش دهد یا آن را در دسترس آنها قرار دهد، مجرم به شمار می‌آید.	حبس تا سه سال
هندوستان	قانون فناوری اطلاعات هندوستان: هر فردی که محتوای شهوت‌انگیز و نشان‌دهنده تمایلات شهوانی را منتشر یا منتقل کند یا سبب انتشار شکل الکترونیکی آن شود یا اگر اثر آن که به واسطه خواندن، دیدن، و شنیدن محتوای آن حاصل می‌شود، باعث انحراف و فساد فردی شود، مجرم است.	بار اول: جریمه نقدی تا ۱۰۰/۰۰۰ روپیه و حبس تا پنج سال در صورت تکرار: جریمه نقدی تا ۲۰۰/۰۰۰ روپیه و حبس تا ده سال
عربستان	بر اساس قوانین کیفری فناوری اطلاعات: فردی که به ایجاد، انتشار یا بازاریابی محتوا و داده‌های مرتبط با شبکه‌های هرزه‌نگاری یا چیزهایی که به اخلاقیات عمومی آسیب می‌زند، مبادرت ورزد، مجرم شناخته می‌شود.	جریمه نقدی تا شش میلیون ریال عربستان و حبس تا پنج سال
ارمنستان	ماده ۲۶۳ قانون کیفری: اجبار کودکان برای حضور در ایجاد محتوای ویدئویی یا فیلم، تصاویر یا سایر موارد که ماهیت هرزه‌نگاری دارند، همچنین نشان دادن هرزه‌نگاری کودکان از طریق شبکه رایانه‌ای جرم محسوب می‌شود.	جریمه نقدی از چهارصد تا هشتصد برابر حداقل دستمزد/بازداشت تا سه ماه/حبس تا سه سال
ایران	ماده ۱۴ و ۱۵ از فصل چهارم در ذیل عنوان جرایم علیه عفت عمومی: هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده، محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد، تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، مجرم است. ماده ۱۵: هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده، مرتکب اعمال زیر شود، مجرم است: چنانچه به منظور دستیابی افراد به محتویات مستهجن آنها را تحریک، ترغیب، یا تطمیع کند یا فریب دهد یا شیوه دستیابی به آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد	ماده ۱۴: جریمه نقدی از ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و حبس از ۹۱ روز تا دو سال ماده ۱۵: جریمه نقدی از ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا حبس از ۹۱ روز تا یک سال یا هر دو مجازات همزمان

نکته: چنان‌که مشاهده می‌شود، در برخی کشورها مثل آمریکا میزان کیفر این جرم بسیار سنگین‌تر از ایران است.

گفتگو با حجت الاسلام علیرزاده امام جماعت مسجد ولیعصر شهرک شهید محلاتی

امام جماعت باید میدان عمل دشمن را بشناسد

به کوشش رضا مبشری



واقعیت این است که فضای مجازی خود آسیب‌ها و آفت‌هایی دارد غیر از این فرصت‌ها، پرداختن به فضای مجازی در مسجد چه آسیب‌هایی دارد؟ برای خود امام جماعت یعنی امام جماعت چقدر باید درگیر فضای مجازی باشد همچنین چه آسیب‌هایی را برای مأمومین و خانواده‌ها وجود دارد؟

بالاخره چه بخواهیم، چه نخواهیم یک جریان به نام ارتباط‌های نرم‌افزاری و

شبکه‌ای و دیجیتال راه افتاده، ما از این واقعیت که نمی‌توانیم فرار کنیم. یک روزی می‌گفتند ویدئو بود بعد شد ماهواره، بعد هم اینترنت. دشمن هم که معطل من و شما نمی‌ماند. این‌ها یک واقعیت‌هایی است که ما نمی‌توانیم از آن فرار کنیم و قطعاً هم مملو از آلودگی‌های خودش هست.

فکر می‌کنید در مورد خود مسجد چگونه می‌توان این آسیب‌ها را کم کرد؟

ج: به نظر من راه درستی نیست که ما این را بخواهیم بهانه قرار بدهیم که چون ممکن است امام جماعت، مسجدی‌ها، جوان‌ها و بچه‌های مسجد آسیبی ببینند سراغ این چیزها نروند. این‌ها باید توجیه بشوند اینجا باید ملاحظات را گذاشت کنار، کاملاً باید به آن‌ها گفته بشود این وسیله و این شبکه‌ها، این خوراکی‌های مسموم را هم دارد، این ظرفیت‌های انحرافی هم دارد. به نظر من این بستگی به خود افراد دارد کسانی که این ضعف‌ها را در خودشان می‌بینند وارد نشوند. البته باید احتیاط کنند کمتر سراغ این شبکه‌ها بروند. فرق نمی‌کند روحانی باشد یا غیرروحانی. ولی من عرضم این است که ما یک چیزی را فراتر از این‌ها داریم نگاه می‌کنیم می‌گوییم مسجد برای چیست و امام جماعت برای چیست؟ برای هدایت مردم است.

یعنی شما نگاهتان به این شبکه‌ها به عنوان ابزار است که هم می‌توان از آن استفاده درست کرد و هم نادرست؟

امروز شبکه‌های مجازی حربه بزرانی در دست دشمن است که ریشه‌های اعتقادی، دینی، انقلابی، تربیتی، اخلاقی، خانواده همه این‌ها را دارند می‌زنند و ما هم نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم. بالاخره من مبلغ، من امام جماعت باید ظرفیت خودم را بالا ببرم، باید بروم در دل خطر مقابله بکنم و از همین فضایی که دشمن ایجاد کرده من فرصت بسازم و تبلیغ دینم را و رسالت خودم را درست انجام بدهم.

چه برنامه‌ای را پیشنهاد می‌کنید؟

من اعتقادم این هست که مسجد، امام جماعت باید به‌روز و سرزنده باشد و بداند، رصد کند، بداند که دشمن کجا را هدف قرار داده، با چه ابزاری دارد کار می‌کند، ابزار دشمن را هم بشناسد. میدان عمل دشمن را هم بشناسد. امروز اگر دشمن زوم کرده روی اعتقادات مردم باید بداند که به‌وسیله مسجد می‌شود این اعتقادات را تقویت کرد. اما چگونه؟ به همین صورت که بروم به جنگ این ابزار و این ابزار کار دشمن را بیاورم، بشناسم، به خدمت بگیرم و درست از آن استفاده بکنم.

امروزه فضای مجازی یکی از پررنگ‌ترین عرصه‌های حضور اجتماعی است. بالاخره مسجد هم کارکرد اجتماعی دارد و هم مأمومین و حتی خانواده‌های آن‌ها نیز از این شبکه‌ها بهره‌می‌برند و به نوعی زندگی فردی و اجتماعی افراد را تحت شعاع قرار داده

است. در این فضا مسجد اعم از امام جماعت، هیئت امناء، مأمومین و غیره چه نقشی دارند؟

بنده معتقدم که مسجد دارای ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای است، به گونه‌ای که خود مسجد به‌منزله یک رسانه می‌تواند تلقی بشود و به همین منظور اگر ما به مباحثی مثل فضای مجازی بخواهیم یک نگاهی داشته باشیم بیشتر باید نگاه ابزاری داشته باشیم. بخاطر این با حفظ اصالت‌های مسجد و ظرفیت‌های خود مسجد، می‌توانیم مسجد را به عنوان یک پایه تلقی کنیم. این را عرض کردم بخاطر اینکه ما همواره باید اصالت مسجد را با همین اثرگذاری و عطف و محراب و منبر و اجتماعاتش و خود این اجتماعات نماز جماعت خودش یک ظرفیت بزرگی و آن را باید حفظ بکنیم.

اما شبکه‌های مجازی هم خودشان فارغ از آسیب‌ها یک ظرفیت هستند. مسجد ولیعصر از این ظرفیت استفاده می‌کند؟

هرچه ما بتوانیم روابط عمومی خودمان را تقویت بکنیم و با اقشار مختلف و با نسل‌های گوناگون، نسل جوانان خصوصاً ارتباط مستقیم و چهره به چهره و گفت‌وابی صریح را داشته باشیم راحت‌تر می‌توانیم رسالت خودمان را پیش ببریم و به سرانجام برسانیم. برای این منظور ما در مسجد حضرت ولی عصر در حد بضاعت خودمان یک سری ظرفیت‌سازی در راستای فضای مجازی داشته‌ایم. الان سایتی را آماده کرده‌ایم تا مسجد دارای سایت باشد و به وسیله سایت نه تنها با مساجد دیگر، بلکه با کل کشور و با دنیا از طریق اینترنت بتواند حرف بزند. همین‌طور از دوستان عزیز مسئول در مسجد خواستیم تا از طریق تلگرام و برخی ظرفیت‌های دیگری که هست بتوانند برخی اقدامات را صورت دهند، مثلاً الان اطلاع‌رسانی برنامه‌های هیئت‌امانی ما از همین طریق انجام می‌شود. همین‌طور جوان‌های ما یک خط فعال ارتباطی را ایجاد کردند که مرتب اطلاع‌رسانی، پیام‌رسانی از این طریق انجام میشود. در اقدام دیگر، ما مجموعه‌ای را در ارتباط با مسجد سازی و مدرسه‌سازی در منطقه محروم داریم که از این ابزار هم استفاده می‌کنیم. حتی آمدم سرویسی را ایجاد کردیم برای پاسخگویی به مسائل شرعی که اگر حالا سؤالی، راجع به مسائل شرعی و چیزی داشتند پاسخ داده شود. ضمن این که ما خود این مدل کارها را، فضایی و بستری قرار دادیم برای شناسایی وبلاگ‌ها و سایت‌هایی که در محله و پیرامون مسجد داریم و برنامه‌ای تدوین کردیم که آن شاءالله آن‌ها را هم ساماندهی کنیم. بالاخره برخی هستند که شاید خیلی انگیزه مسجد آمدن ندارند، ولی چه اشکالی دارد ما مسجد را ببریم در منازل و بتوانیم معارف را به آن‌ها انتقال دهیم و حتی برای آن‌ها آموزش‌های کمی و کیفی داشته باشیم. در واقع هدف این است که بتوانیم حتی ظرفیت‌های این چنینی را با فرهنگ مسجد و مسجدی هدایت و جهت‌دهی کنیم.

هرچه ما بتوانیم روابط عمومی خودمان را تقویت بکنیم و با اقشار مختلف و با نسل‌های گوناگون، نسل جوانان خصوصاً ارتباط مستقیم و چهره به چهره و گفت‌وابی صریح را داشته باشیم راحت‌تر می‌توانیم رسالت خودمان را پیش ببریم و به سرانجام برسانیم.

تا زمانی که ضرورت نباشد نباید وارد این فضا شد

به کوشش رضا مبشری

در اولین سوال می خواهیم اشاره ای به اثرات فضای مجازی در مسجد داشته باشیم؟ به نظر شما اصلاً شبکه های اجتماعی برای مسجد اثر مثبت داشته یا بیشتر به عنوان تهدید قلمداد می شود؟

فکر می کنم بین جوانان مسجد کلاً فضای مجازی اثر منفی بیشتری داشته تا اثر مثبت. خود مسجدی ها و

جوان ها دارند این حرف را می زنند که ما ابتدا نمی خواستیم خیلی وارد این فضاها بشویم، اول با یک کانال تلگرام مذهبی شروع کردیم، بعد کم کم پست هایی که گذاشتند برای من کلاً شبهه پیش آمد و باعث ذهنیت منفی بیشتر شده تا ذهنیت مثبت. به نظر من شبکه های اجتماعی یک تیغ دو لبه است. اگر بخواهی استفاده صحیح از آن بکنی حتماً به یک مشاور قوی نیاز است که در این زمینه ها شما را هدایت کند

خود کادر مسجد اعم از امام جماعت، هیأت امنا و ... چه آدابی را باید رعایت کنند در استفاده از فضای مجازی؟ همانطور که اشاره کردید فضای مجازی تالی فاسدهایی دارد، برای امام جماعت چه آفت هایی وجود دارد و چگونه باید از آن پیشگیری کرد؟

به نظر من تا زمانی که ضرورت اقتضاء نکند اصلاً نباید وارد شد به این فضا چون من خودم کانال تلگرام که نصب کردم از فروردین ماه به این ور اصلاً دیگه آنلاین نبودم چون که دیدم مثلاً من ده دقیقه، بیست دقیقه فرصت داشتم و یک وقت آزاد داشتم گفتم وصل کنم ببینم دوستان و رفقا چه پیام هایی گذاشتند، دیدم نزدیک به پانصد تا، هزار تایپام داشتم و آمار همینطور بالا رفت. دیدم که کلاً جلوی آن رؤوس زندگی را دارد می گیرد به خاطر همین متوقفش کردم. حالا

به بقیه دوستان هم همین پیشنهاد را دادم من، می گویم تا زمانی که ضرورتی اقتضاء نمی کند و لازم ندارید به سمت این، چون واقعاً آن اعتیادآور است.

چه پیشنهادی برای سازمان های مرتبط با روحانیت دارید که انومه جماعات را در فضای مجازی حمایت کنند؟

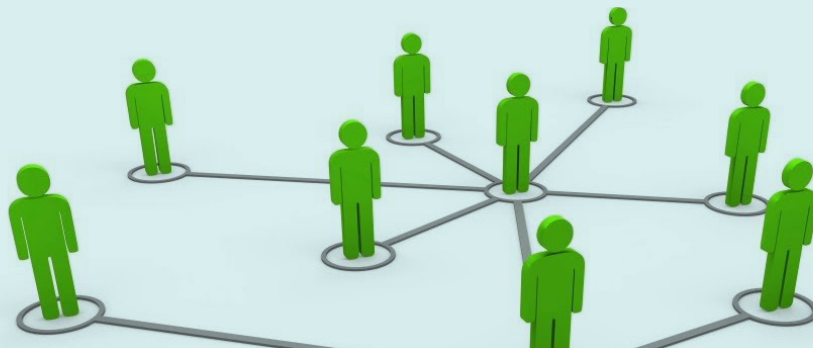
به نظر من این امور مساجد یا آنهایی که متولی کار فرهنگی در مسجد هستند مثل سازمان تبلیغات، بسیج یا اداره ارشاد، اگر خودشان یک فضای را مخصوص مسجد طراحی کرده باشند و همه نیازهای یک مسجدی را داخل آن بگذارند و او را تغذیه کنند مفید خواهد بود. اما به نظر من این مسئله نیاز به برنامه ریزی توسط افراد متبحر دارد.

فرض کنید امام جماعت مسجدی هستید که همه مسجدی ها به نوعی به فضای مجازی مبتلا هستند. در این صورت اولاً چگونه ورود می کنید؟ با چه راهکاری و چقدر زمان بگذارم؟

به شرایط امام جماعت بستگی دارد که چقدر می تواند برای این موضوع وقت بگذارد. اگر وقت او طوری باشد که می تواند توی این خودش ورود پیدا کند، آن هم هدفش این است که جوان ها جذب بشوند و بیشتر هوای آن ها را داشته باشند، همین که هر گروهی بدانند که امام جماعت مسجد هم توی آن گروه هست هر حرفی را نمی زنند. ولو این که امام جماعت شاید اصلاً مطلب را نخواند. در واقع امام جماعت هر چند وقت یک نگاهی به صحبت ها و بیانات بچه ها دارد که چی بین این ها رد و بدل می شود، چه عکسی، چه فیلمی، چه صحبتی و هم این که آن ها برای خودشان یک کسی را داخل آن جا می بینند که باعث می شود امام جماعت در جریان اتفاقات باشد. گاهی در بحث ها شرکت کند، همین زمینه ورود و جذب آن جوان به سمت مسجد می شود.



آنهایی که متولی کار فرهنگی در مسجد هستند مثل سازمان تبلیغات، بسیج یا اداره ارشاد، اگر خودشان یک فضایی را مخصوص مسجد طراحی کرده باشند و همه نیازهای یک مسجدی را داخل آن بگذارند و او را تغذیه کنند مفید خواهد بود



نقش شبکه‌های اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی

علی‌رضا آزاد

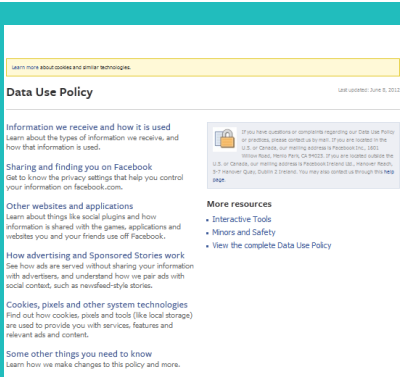
شبکه‌های اجتماعی، مقوله‌ای است که همه ما آن‌ها را می‌شناسیم و به احتمال زیاد با آن درگیر هستیم. شبکه‌هایی بر اساس وبسایت‌ها یا اپلیکیشن‌های مشخص که به کنش دو یا چند فرد، حول یک موضوع یا شکل‌دهی رابطه میان افراد منجر می‌شود. ماهیت تسخیرکننده شبکه‌های اجتماعی و میل به نفوذ هر چه بیشتر این شبکه‌ها بر زندگی کاربران، موجب بروز عقایدی متنوع و البته بسیار متضاد در خصوص کارکردهای مفید و مضر این شبکه‌ها بر زندگی انسان‌ها شده است. با این همه، و با وجود تمام مذاقه‌هایی که می‌توان با محوریت شبکه‌های اجتماعی انجام داد، بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی، خود از موضوعات جذاب و چالش‌برانگیز پیرامون این پدیده نوظهور است.

جنبش اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از افراد یا گروه‌ها دانست که پیرامون یک مفهوم یا دغدغه مشترک گرد هم جمع می‌شوند و عمدتاً هدف آن‌ها ایجاد نوعی تغییر در رابطه با مفهوم مشترکشان است. جنبش‌های اجتماعی با اقدامات جمعی هدفمند، پایداری و تداوم در فعالیت‌ها، ایراد بیانی‌ها و در نهایت شکل‌دهی هویت جمعی، ساختاری متمایز از دیگر حرکت‌های اجتماعی پیدا می‌کنند.

با نگاهی دوسویه به شبکه‌های اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی، به خوبی می‌توان از نقش بسیار پر رنگ شبکه‌های اجتماعی در این جنبش‌ها آگاهی پیدا کرد. به واقع، شبکه‌های اجتماعی به خوبی توانسته‌اند، بستر ایده‌آلی برای جنبش‌های اجتماعی فراهم کنند. شبکه‌های اجتماعی این قابلیت را دارند که توافقی جامع‌تر و عمیق‌تر از موضوع هدفشان در میان افراد درگیر و غیر درگیر در هدف، ایجاد کنند، تلاش‌های هماهنگ بیشتری انجام دهند، و اخبار پیرامون موضوع را به نحوی دقیق‌تر و سریع‌تر در اختیار دیگران قرار دهند، استعدادها و منابع پیرامون هدف را توسعه دهند و تقویت کنند، رهبران جدیدی پرورش دهند و هویت‌های تقویت‌شونده‌ای برای جنبش ایجاد کنند و در نهایت، نقصان‌ها و ایرادهای جنبش را شناسایی و برطرف کنند و جنبش را به هدف مشخص خود برسانند.

در این میان می‌توان نمونه‌های بسیار موفقی از حضور پررنگ شبکه‌های اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی نیز مشاهده کرد. تصور کنید در کشوری مانند کشور ما که گونه‌های جانوری به شدت در معرض خطر قرار دارند، چه چیزی بهتر و کارآمدتر از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند دغدغه‌مندان در خصوص این موضوع را، بدون اینکه لزوماً خواستار حضور فیزیکی باشد، گرد هم جمع آورد و تلاش کند توده مردم را نسبت به وضعیت بحرانی گونه‌های در خطر آگاهی بخشد و حساسیت در خصوص این موضوع را به روحیه‌ای همه‌گیر تبدیل نماید؟ نمونه‌های بسیاری از حضور شبکه‌های اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی می‌توان نام برد که البته میزان موفقیت آن‌ها لزوماً یکسان نبوده است؛ اما به هر حال به خوبی می‌توان دریافت که جنبش‌های اجتماعی در این دوره زمانی، به شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از اصلی‌ترین و شاید کارآمدترین عناصر تشکیل‌دهنده خود نگاه می‌کنند. کافی است نیم‌نگاهی به تحولات اخیر در مصر، ترکیه و کمپین‌های ملی همچون کمپین نخریدن خودرو بی کیفیت و کمپین‌های انتخاباتی و غیره داشته باشیم.

با وجود تمام مذاقه‌هایی که می‌توان با محوریت شبکه‌های اجتماعی انجام داد، بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی، خود از موضوعات جذاب و چالش‌برانگیز پیرامون این پدیده نوظهور است



ترجمه بخش‌هایی از توافقنامه فیس‌بوک و کاربر

فیس‌بوک درباره ما چه می‌داند

علی‌نجات

هر بار که شما با فیس‌بوک تعامل برقرار می‌کنید، اطلاعاتی را درباره شما دریافت می‌کنیم؛ اطلاعاتی مانند زمان بازدید شما از پروفایل شخص دیگر، ارسال پیام به دیگری، جستجو برای یافتن دوست یا یک صفحه، کلیک بر روی آگهی‌ها، یا خرید اعتبارهای مالی فیس‌بوک.

هنگام ارسال چیزهایی مثل عکس یا فیلم به فیس‌بوک، ما اطلاعات مازاد مربوطه را نیز دریافت می‌کنیم، همانند ساعت، تاریخ، و مکانی که شما عکس یا فیلم مورد نظر را ارسال کرده‌اید.

با گذاشتن مطلب در هر قسمتی از سایت، شما به‌طور خودکار به فیس‌بوک این اجازه را می‌دهید که با داشتن مجوز غیرقابل فسخ، همیشگی، قابل انتقال، بدون پرداخت غرامت و معتبر در سرتاسر جهان، اطلاعات شما را استفاده، کپی و ترجمه کرده، نمایش دهد، دوباره فرمت کرده، کل یا قسمتی از آن را جدا کند و نیز این اطلاعات و محتویات را در کارهای تحقیقاتی داخلی استفاده کرده و اطلاعات شما را در اختیار دیگر شرکت‌ها قرار دهد.

در مفاد دیگری از این قرارداد، موافقت کاربران برای جمع‌آوری اطلاعات مکانی آنها جلب شده است: «ما از طریق جی‌پی‌اس، اطلاعات شهر کنونی شما و نیز دیگر اطلاعات مکانی‌تان را جمع‌آوری می‌کنیم تا به شما و دوستان‌تان در مورد افراد یا رویدادهای پیرامون‌تان و نیز ارائه آگهی‌های مناسب شما اطلاع‌رسانی کنیم، یا مطالبی را به شما ارائه دهیم که ممکن است به آنها علاقه داشته باشید...»